

آذربایجانی

فصلنامه (بین المللی) ترکی - فارسی - فرهنگی، اجتماعی، ادبی و هنری

۱۳۸۵ بهار

سال سوم شماره: ۱۱

شماره: ۱۱ سال سوم



دکتر حسین محمدزاده صدیق
(دوزگون)

AZƏRİ-11

YAZ 2006

Dostmədər L. Cəməliyev

آذری

شماره ۱۳۸۵ بهار

فصلنامه‌ی (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی
مجله‌ی فرهنگی- اجتماعی- ادبی- هنری
شماره‌ی ثبت: ۱۲۴/۳۸۲۸

صاحب امتیاز و مدیر مستول: بهزاد بهزادی
مدیر داخلی: حشمت حافظی
مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیریم)

ویراستار: اکبر صالحی (قاداش)
حروف‌نگار: کاوس نصیری
با همکاری هنری: لاجین اسماعیلی- وقار فرشابف

ناظر چاپ: نشر نخستین، تهران- میدان انقلاب- خیابان ۱۲ افروزدین- نبش
روانمehr- پلاک ۹۲ کدپستی: ۶۶۴۱۸۹۷۹ تلفن: ۱۳۱۴۷۱۳۱۱۵
چاپخانه: چاپ تصویر، تهران- خیابان آذربایجان، تقاطع اسکندری، اول اسکندری
جنوبی، کوچه‌ی اصلانی، پلاک ۴۷۹/۱ تلفن: ۶۶۸۳۲۷۲۰
بهای تک فروشی: ۱۵۰۰۰ ریال
نشانی: تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری- تجاری سرو،
طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی. کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۴
تلفن: ۲۲۰۹۴۹۰۰ فاکس: ۲۲۳۵۲۲۶۷

پست الکترونیکی: Azari_Eldili@yahoo.com

مجله در حک و اصلاح مقالات وارد آزاد است.

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

۳	بسیج همگانی در راه گسترش خدمات فرهنگی
۸	چالشگان عالم، مژحتلیف ادبی ساحه‌لرین آراشدیریجیئی، بیزولماز قلم صاحبی...
۲۰	آمان - آمان آنالار الیند ! ...
۲۲	«خودو»
۲۴	کند او شاغی
۲۶	حبیب فرشاف
۲۷	حسن ایلدیریم
۲۸	شعر
۳۰	شرق عالم نین دۇنیا شەھرتلی طنزروز نامه‌سی «مولاناصرالدین» يىن ۱۰۰ ایل لىتى مۇناسىبىتى ايله:
۳۱	كاروان سالار نثر واقعىگرا
۳۲	دكتوح. م. صدیق
۳۴	ملا نصرالدین، دخو و باقى قىصايانا...
۳۵	عمران صلاحى
۳۶	مولاناصرالدین زورنالى و آذربایجان روزنامىسى حاافتىندا
۳۷	میرهدایت
۳۸	حصارى
۴۷	توران حسن زاده
۵۱	«مولاناصرالدین» و ایران
۵۲	م. كريمى
۵۸	مشروطه ايتنىلابى و مولاناصرالدین مجلله‌سى
۵۹	احمد شفائي - نسیم شمال
۶۶	شىعر - صاييردن ترجومه
۶۷	فiroz رفاقى
۷۶	دوننكى درديمىز، بو گۈنكۈز قايىغىمئىز
۷۹	ابسلام آغاپىشى
۸۵	«مولاناصرالدین» ادبى مكتبى و كاريكاتور صتنى
۸۹	ولى رحيم زاده
۹۴	«مولاناصرالدین» مجلله‌سى (آسيستانىن اويانما) دۇوزۇز نۇن پارلاق آيتاسى
۹۶	آفازاده علیاپى (عليا) - عباس بارز - كريم ناجي - مسعود آذر - داود خراط اھرى
۱۰۱	شعر
۱۰۸	آفازاده علیاپى (عليا) - عباس بارز - كريم ناجي - مسعود آذر - داود خراط اھرى
۱۱۶	بولاق و دنيز
۱۱۹	مولاسارت قازاماتدا
۱۲۲	تاختالى كۆيىدىن مكتوبلاز
۱۲۴	«بارىشماز» مۇعلەمەن مەحكەمە اوغانىيىدا
۱۲۸	شىعر
	گولگۈز
	اششك داعوائىنى
	بيلقامىس
	يېنى كىتاب لارىن سىناھىسى

بسیج همگانی در راه گسترش خدمات فرهنگی

خدمات فرهنگی وسیع‌تر از آنست که به تألیف یک کتاب، سرودن شعر، انتشار مقاله و نظایر آن محدود گردد.

در شرایط موجود که هنوز تدریس به زبان مادری در مقاطع تحصیلی رسیدت نیافته و دانشگاهها آغاز تحصیل رشته زبان و ادبیات آذربایجانی را با وعده و وعید به آینده موکول می‌کنند و عاقب ناگزیر آن، با اشتیاق ترک زبانان به فراغتی زبان و ادبیات آذربایجانی، حفظ و اعتلای فرهنگ مردمی، ضرورت یافتن راههای مناسب و عملی را پیش می‌آورد.

همزمان با تلاش برای جلب توجه مقامات دولتی در جهت اجرای مفاد قانون اساسی ناظر به حقوق ملت‌ها، باید راهکارهایی را جست و با همت همه‌ی فرهیختگان آذربایجان به حقوق ملت‌ها، باید راهکارهایی را جست و با همت همه‌ی فرهیختگان آذربایجان آنرا به ثمر رسانید، سطح آگاهی ملی را ارتقا داد. یکی از مهمترین راهکارها بسیج هر چه بیشتر نیروها به مشارکت در امور فرهنگی است.

ما ضمن یادآوری چند نمونه از خدمات فرهنگی عمومی، از همه‌ی علاقمندان دعوت می‌کنیم که با توجه به امکانات و مقدورات و با همت والا راهکارهای دیگری را مورد بررسی قرار داده و اجرای آنرا سازمان دهنده.

اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی

وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی در اکثر شهرها و بخش‌ها قرائتخانه‌های عمومی دایر کرده است. علاقمندان به زبان و ادبیات آذربایجانی در مناطق دورافتاده اطلاع و دسترسی به فهرست انتشارات به زبان آذربایجانی ندارند و بهر حال امکان تهیی آنها برای همه دشوار است.

همکاران ثابت «ائل دیلی و ادبیاتی» در سال ۱۳۸۴ تصمیم گرفتند که «کمیسیون اهدای کتاب» را با هدف جلب نظر مؤلفان، ناشران و فرهنگ دوستان به اهدای کتاب به این مرکز سازمان دهند. در دو نوبت ۱۷۰۰ جلد کتاب به یکصد کتابخانه‌ی عمومی به ویژه در شهرهای کوچک و بخش‌ها اهدا گردید و امیدوار است که با همکاری همه‌ی علاقمندان اهدای کتاب به کتابخانه‌های عمومی ادامه یابد. البته، کتابخانه‌های شهرهای کوچک و مناطق دورافتاده در اولویت قرار خواهد گرفت.

اهدا کنندکان کتاب هزینه‌ی پستی آنرا نیز شخصاً تقبل نموده‌اند. بنظر می‌رسد که کمک نقدی دوستان برای مشارکت در این امر مهم حائز اهمیت خواهد بود.

۱۱ آذربایجانی کتابخانه های عمومی

ما از همه فرهنگتگان آذربایجانی دعوت می کنیم که با اهدای کتاب به همه کتابخانه های عمومی، حتی در مقیاس کوچک به کتابخانه های عمومی زادگاه و شهر مسکونی خود، در این نهضت فرهنگی فعالانه مشارکت نمایند و صورت کتب اهدایی و نام کتابخانه را برای انتشار و آگاهی همگانی به نشانی فصلنامه آذربایجانی ارسال دارند.

فصلنامه آذربایجانی از لحاظ در اختیار گذاشتن نشانی این کتابخانه های عمومی در مناطق ترکنشین و ارسال کتب اهدایی برای همکاری آماده است.

آموزش قرائت متون آذربایجانی

علیرغم عدم تدریس زبان آذربایجانی در مدارس، تحصیل کردگان و باسواندان آذربایجانی تسلط کافی به قرائت نوشтар با الفبای عربی / فارسی دارند. آنها به سهولت و با تمرین می توانند متون آذربایجانی را که با الفبای عربی / آذربایجانی نگارش یافته یاد بگیرند.

البته، یکسان نبودن قواعد املایی بکار رفته در متون آذربایجانی ممکن است یکی از مشکلات تلقی گردد، ولی می توان بسرعت بر آن غلبه کرد.

پیشنهادی که قبل از این مجله مطرح گردیده باردیگر یادآوری می شود. هر آذربایجانی که می تواند متون آذربایجانی را بخواند، یک و یا چند نفر از دوستان و آشنایان خود را در خواندن یک و یا چند کتاب به زبان آذربایجانی همراهی کند و آنان را با قرائت متون آذربایجانی آشنا نماید.

نوآموختگان نیز به نوبه خود می توانند پس از مدتی تمرین، به دیگران خواندن متون آذربایجانی را تعلم دهند.

همه تحصیل کرده های آذربایجانی می توانند و باید در این نهضت فراگیر فرهنگی مشارکت نمایند.

با این ترتیب افراد بیشتری به یادگیری زبان ادبی آذربایجانی همت خواهند گماشت و دسترسی به گنجینه های گرانبهای ادبیات آذربایجانی خواهند یافت.

به علاوه، افزایش تعداد آشنایان به قرائت متون آذربایجانی، موجب بالا رفتن تیراز کتب و مطبوعات منتشره خواهد شد که به نوبه خود به گسترش انتشارات به زبان آذربایجانی می تواند کمک مؤثری نماید.

مشارکت در انجمن‌های ادبی، هنری و فرهنگی

انجمن‌های ادبی، هنری و فرهنگی پاسداران ادب و فرهنگ آذربایجانی بوده و می‌توانند مصدر خدمات ارزشمندی در شکوفایی زبان و ادبیات و هنر آذربایجانی باشند. و نقش آموزنده و مشوقی در جهت تربیت استعدادهای جوانان ایفا نمایند. تشکیل هر چه بیشتر این انجمن‌ها و مشارکت جدی و فعالانه در آنها، همراه با برنامه‌ریزی دقیق و جالب و متنوع یکی از زمینه‌های سودمند فعالیت فرهنگی است.

شرکت در همایش و سمینارها

برگزاری همایش‌ها به مناسبات‌های مختلف از قبیل بزرگداشت پیش‌کسوتان فرهنگی، موضوعات ملی، روزهای بین‌المللی و... فرصت گرانبهایی است که اگر در برنامه‌ریزی و اجرای آن دقت شود بسیار آموزنده خواهد بود و در راستای ارتقای اطلاعات و معلومات افراد مؤثر خواهد بود. حتی المقدور دوستان را نیز برای شرکت در این مجتمع باید تشویق کرد.

فعالیت در زمینه پخش کتاب و مطبوعات

در اکثر موارد کتاب در تیراز کم و به هزینه‌ی مؤلف چاپ می‌شود. برخی از فروشنده‌گان کتاب بدون توجه به اهمیت این خدمت فرهنگی بهای کتب و نشریه‌های فروش رفته را بموضع تسویه نمی‌کنند و یا از پرداخت دیون خود امتناع می‌ورزند... ضرر و زیان این رفتار ناپسند را مؤلفان و مدیران نشریات باید تحمل کنند.

پخش کتاب و مطبوعات یک خدمت فرهنگی است. خرید کتاب و مطبوعات و تشویق دوستان به پخش وسیعتر آنها و پرداخت بموضع وجوده حاصله از فروش، ضامن ادامه‌ی انتشارات پربار آثار ادبی به زبان مادری است.

در پایان سخن از همه‌ی خواننده‌گان محترم دعوت می‌نماید که همانگونه که در امور مربوط به مسائل ملی با همت والای خود کوشان و پیشگام بوده‌اند در بسیج عمومی نهضت فرهنگی نیز مجدانه اقدام نمایند.

باش ساغلیغۇ

۱۳۸۴- جى ايل بهمن آيىتىن ۳۰ سوندا خاتىم دوكتور ايراندخت ابراهيمى ابدييته قوشىلدۇ.
بىز بو آغىز ايتىگىنى اوئنون اوغلو بابك آغايان، گلينى اكا خاتىما، نوهلىرى خاتىم لار وصال و
مرجان و آغا گىياتا، ها بىلە ابراهيمى و بهزادى خانۇادەلىرىنە، بوتۇن دوست و تانىش لارىنا باش
ساغلیغۇ دىلە يېرىك.



خاتىم دوكتور ايراندخت ابراهيمى،
چاغداش مىللى - دئمۇركراتىك حركاتىن آدىم
قۇرمانى اولان فریدون ابراهيمىنىن باھىسى،
۱۳۰۶- جى اىلده آستارادا دۇزىتايىا گۈز آچىپ،
۱۳۱۵-جى اىلده باكىيَا كۈچۈپ، ۱۳۳۳- ده
آذربايچان عىثمەلر آكادىمیتىسى، تارىخ عىثمەلرلى
اوئنيوثرسىتە شۇراسى طرفىندن اوئنون مۇدافىعە
ائىدىتى دوكتورلۇق تىزى يۆكسك
دېرىلندىرىلىپ وقبول اوڭلۇر.

خاتىم دوكتور ايراندخت ابراهيمى او
زاماندان عىلمى اىشلەرde چالىشىپ و تدقىقات
آپارىر.

پاراتىدىغۇ ائرلە: آذربايچان بىبلىيۋەرافييتسى، - زىنپ پاشا - فریدون ابراهيمى - اورمىتە،
ماراغا، اردبىل و آستارا تارىخى حاققىتىدا...
او، بوتۇن عۇمرۇ بۇيۇ قادىن لار حقوقۇ اوغرۇندا آپارىلان مۇبارىزەنин چالىشقا
ايشىر اكچى لارىندان ايدى.
مزاى ئورلۇ اولسۇن، و خاطىرەسى ابدى ياشاسىن.

اوستاد فرزانه‌نین آنما مراسیمی

ائلى نىن يوردونون درد-ى قميئه
اوركىدىن ياناتىئەن قاداسىئەن آليم

جومعه گۆنۆ، ۱۳۸۴ - جو ايلين ايسفند آئىنىن ۱۸ - ينده تهراننىن اندىشە آدلۇ مدنىيەت سارايىندا آذربايچانىن تانينمىش عالىمى اوستاد محمد على فرزانه‌نین آنما مراسىمى كىچىرىلدى.

بو مراسىم، ساهير، صابر، نباتى، قاراداغ، ايشيق گنجلىرى، انجومنلىزى و آذرى و خدا آفرىن، بھارزنجان، نشرىتەلرى و اوستادىن عايىلەسى طرفىنдин قورولموشدور. مراسىم ده آيتى - آيتى ادبى انجومنلىرىن، او جومىلەن: گۆنئى مدنىيەت اوجاغۇن و ستارخان مدنىيەت اوجاغۇنىنىن حۈرمەتلى عۆضۇنلىرى، ها بىلە وارلىق، يارپاق درگى لرىنىن تحرىرىتە اعضالارئ و اونلارجا آذربايچان يازىچى، شاعير، صتکارى و يۈزلىجە آذربايچان مدنىيەتىنин ورغۇنلار ئاتىشىمىشىدۇ.

ايلىك نۇۋىيەدە مراسىمەن آپارىچىسى كريم قوبانزادە، اوستاد بەزادى دن مجلىسى آچماق اۆچۈن دعوت ئىشتى. اوستاد بەزادى نىن چىخىشىندا سۇنرا، اوستاد فرزانه‌نinin CDسى قۇيولدو، سۇنرا دۆكتور هېيت جنابلارئ چىخىش اشتىلىر و آردىنجا عالىيم، شاعير و يازىچى لاردان: دۆكتور حسين محمدزادە صديق، اوستاد امين مويد، اوستاد درفشى، اوستاد هاشم ترلان، دۆكتور ميرهدايىت حصارى، مۆھندىس مجدفر، مۆھندىس كريمى، دۆكتور ائل اوغلو، دۆكتور فيروز رفاهى

اوستاد كاويان، مۆھندىس راشدى، دۆكتور سلطانى، خانىم فرزانه و يوسف فرزانه جنابلارئ اوستادىن حىاتى و يارادىجىلىئىغى حاقدا، چىخىش ائدىب و اونونلا باغلۇ خاطىرلەر سۈئىلەدېلر. آذربايچان ساز صتى نىن گۇركىملى نۆماينىدەسى اوستاد عمران حيدرى و آشىق صتى نىن دېرىلى نۆماينىدەسى سۇنۇملى ائل آشىقى اوستاد محبوب خليلى نىن اوندولماز سىسى مجلسىسە گۈزل بىر طراوت باغيشىلادى. مجلسىسە حسن ايلدىرىم ئىن تشىككۆزلىرى ايلە سۇنَا يىشتى.



اوستاد
محمد على فرزانه

اوسناد

٧



چالیشان عالیم،
موختليف ادبی ساحه‌لرین
آراشدیریجی سی،
یوزولماز قلم صاحبی
اوستاد دوکتور حسین
محمدزاده صدیق (دوزگون)

مرتضی مجذفر

۱۳۵۷- جی ایلين ایسفند آئی، نچه گون ایدی باسلامیشدیز. اینقیلا بین قیزغین گونلرین آرخامیزدا قویموشدوq و مدرسه‌لر، دورد- بشن آی ایجبار حائیندا تعطیله اوغرادیقلارئندان سونرا، یتنی دن آچیلماقدا ایدیلر. مدرسه‌نین بیرینجی گونونز قوزرتارمیشدقیق و دوستلاریملا بیرلیکده ائوه دوئمکده ایدیم. روزنامه چیلرین قاباغی بیر داه شولوق اولموشدور و یتنی- یتنی نشریه‌لر، هفته‌لیکلر و گوندھلیکلر اوغلارین بساطلارئندان گؤزه دییردیلر.

اثومیزه ایکی- اوج بوز قدم قالمیش بیر روزنامه ساتان دککه‌سی وارایدی. اوزانین قاباغیندا دایانمیشدقیق و گوزلریم یتنی نشریه‌لری آرایشیردی. آتمدان آلدیغیم تأثیر اوزره، نشریه‌لرین آراسیندا، تورکجه نشریه‌لری ده آرایشیردیم... بودور؛ گوزومه ساتاشدی: «یولداش هفته‌لیشی». بیر نوسمخه آلدیم و ائوه کتیردیم. ۶ صحیفه‌لیک بو کیچیک، آغ جیلدلى مجلله‌نى، ائوده آتمالا اوخوماغیمیز، ایکی ساعات آرتیق چكمه‌دی... آخشم باشی، آتم منی سسله‌یه رک دئدی: «گئین بیرلیکده بورادا یازیلان آدرئسے گندک.» و مجلله‌نىن سون صحیفه‌سینده یازیلان آدرنسی گوئستردى.

رحمتليک آنام، منيم سينتيمين آز اولدوغونا باخماياراق، منه بير دوست كيمى رفتار اندردى و من اوونو، اوژۆم اوچۇن هم آتا، هم ده ان صميىمى و صفالى بير دوست بيليردىم. گئينىدىك و يولا دوشدوك. مقصىد مجللهنىن دفترى و حسین دۆزگۈن، مجللهنىن باش كاتىبى ايله گۈرۈشمك ايدى. بير صميىمى، هيچانلى، صلاتلى، جاوان، گۈزلرى گۈزى، حرارتلى داتىشان و صمد بەرنگى كىمى باشىنا اىپ بۇرك قۇيان بير اوتسوز - اوتسوز اىكى ياشلى بىلگىن آدام ايله گۈرۈشدۈك. آنام، «حسین دۆزگۈن» گۈرمك ايستەئىرم» - دىدى: اوحرارتلى جاوان كىشى، «من صديقىم، حسین محمدزادە صديق»، دىئە؛ آناما دىدى: «حسین دۆزگۈن، ھلهلىك گلمەئىب دير و تيقىن كى سىزىن ھر نە سۈزۈنۈز اولسا، من اوغا دىئە جە ئىم».

آنام، ايلكجه يولداشىن آدى حاققىندا، سۇنرا دا بير سىرا باشقىا مسلەللەر بارەسىنده حسین صديق ايله داتىشىدى.

سۇنرا، آنام، اوز يازدىغى «شاختالى قىيش» و «دۇندۇ دۇورا ئىمېز» آدى اىكى قىزلىن، هم ده اىكى هيجالى شعرينى، آغا صديقه و تردى و اوندان ايستەدى بو شاعرلى حسین دۆزگۈنە و ترسىن، لايق گۈرسە، چاب ائلەسىن. هم ده منه اىشارە اندركن، دىدى: «بو، بىزىم مورتۇز دا، مۆحصىل دير. ھلهلىك اىكى - اقچ ايل او خوما ئىدېر... او شاق دير... دىپلۇمۇ يۇخدۇر. سىز، هم ده آغا دۆزگۈن، بونون يىندىن توتون وتۇر كۆ بازماقدا اونا ياردىم اندىن... اونو سىزە تاپشىرېرام».

يولداشىن يىددىنجى نۇمرەسىنە قىدەر و سەندىن ۱۳۵۸ - جى ايلىن فرۇزدىن آئىندا سكتە اندىب، اولدۇيۇنەدك، گىچەلەر ساعات سككىزە كىمى، «حسین دۆزگۈن» - و گۈرمك قىسىدى ايله مجللهنىن دفترىندا قالاردىم و دۆزگۈن بىر گۈن دە گۈرمە دىم دىئە، ائۋە سارئ دۇنرىدىم... او گۈن، آغا صديق، تىلفون آرخاسىندا بىر كىمسەتى دۆزگۈن و صديق كىلمەلىنىن بىر معنادا اولدوقلارى بارەسىنلە دىلىيلى سۈزۈلىنى اشىيتىدىم و دەنھىمەن قىغىلچىم داشلارى، دۆزگۈنلە صديقى، بىر - بىرلىرى ايله توقۇشدوردو و او اىكى

آذى ۱۱

بؤیوک اوستادین محضریند، ایلشمه یه باشладیم؛ بوتون آذربایجان وتۆرکلرین عئشقیندە اوزکلرى چىرىپىنان اينسانلار كىمى:

من ده سىغار ايکى جهان، من بو جهانه سىغمازام...

بو ايشرمى سككىز يالدە بير بالا شاگىرد كىمى، دۆزگۈنۈن كىلاسىندا اوتۇرموشام؛ بو كىلاس سۈن سوز و قورتولمازدىر. بو ايللرده نىچە- نىچە بالا بؤيۈك يازى ئىشلىرىندە، تدققى فعالىيەتلەدە، بير نىچە ال يازما كيتايشن آرخاسىندا گرمىكە و نىچە- نىچە نىشىيە چىخارتماقدا، نىچە ادبى- مدنى اوچاق قورماقدا، بير چۈخ كىتاب حاضىئلاماقدا و بىلە - بىلە سايىش- خىسابىز مدنى وايجىتمامى ايشلرده صديقىن محضرىندىن فايدالانمىشام و دۆزگۈنۈن بارلى باغىندان، عطىلى مىتىوهلر درمىشىم. آنجاق بو باغ هلەدە عطىلى، هلەدە جاوانان دىر و اوپوز اوچ ياشىندا كى قدىمكى جاوان، ايندى آتمىش ياشلى قۇچامان اينسان اوپورسادا، هله ده بير گنج كىمى حرارتلى و آذربایجان دىل و ادبىياتى اوغرۇندا كۇۋزەلن بير اوپىرنىجى تك، هارايلى دىر.

بو گۈن، دوكتور صديق، عەمرۇنۇن يىندىنچى اون ايللىيئىنە باشلايىئىدەر. دىنك صديق آتمىش ياشىن دولدورموش و بىزيم آغ ساققايمىز اولموشدور. آذرى فصلنامەسى نىن مۆدىرى، بهزادى، مىدىن اىستەمىشدىر دوكتور صديقىن ايشرمى سككىز ايللىك شاگىردى كىمى، اونون، آتمىش ياشا دولما دۆيۈنلىرىنە باشلايىش اولسۇن دئىه، اوستادىن حققىندا بىر مطلب يازىم. دىنك، منيم كىمى بىر دامجى، فېرىتىئىلى بىر دىز باره سىنە مطلب يازمايدىر.

اوچىز- اوچۇملە بىلە دۆشۈندۈم كى، من اوستادىن حققىندا بو قىسا باشلايىش دان سۈزرا، بىر سىئرا معلومات و تىرىم و اوچ نۇوبەمەدە، بوتون آذربایجان و تۆرك ادبىياتى، فولكلۇر، مدنىيەتى و دىلىنى سۈن دوستلارىن اىستەتىم: ۱۳۸۵- جى ايلدە، تۆركلرین وورغۇنو، يۇرۇلمادان چائىشان، حسین دۆزگۈنۈن ۶۰-ايلىشى كۆنلەرنى عزىزلىمك اوچۇن، هر بىر يىرده اونا آغىزلا ما مراسىمى تو تاق. حسین دۆزگۈن، اوچىز تكجه سىنه، بىر تۆرك

میلتی دیر. او نو عزیز لمکله، تورک ائلرینه یار دیم اند هر ک، هر بیر زامان «دوزگون» یولوندا ایرلی له سینلر. من، حسین دوزگون تانیتیمینی فارسجا تنظیم اشتمیش و بوندان منظوروم بودور کی، او نو حوزه متلی فارس وطنداشlar ئیمیزدا تانیسینلار. بو تانیتیمی خاضیئلا ماقدا، دوکتورون ایکینجی او غلو «ائلدار، الیندن گلدبیش قدر منه یار دیم ائتدی، آنجاق آذری نین صحیفه لری محدود اولماشينا گؤره، او نو خولا صه او لونموش صورتده تقدیم ائدیریک. دوستلار، دوکتور صدیقین حققیندا آرتیق معلومات الده اشتمک اوچون آشاغىدا آدلارى چكىلن منبع لره مواراجیعت اشیتیسینلر:

- - ائلیمیزین آجیتان یاراسی، یازان: مهندیس محمد رضا کریمی، ۸۰ صحیفه، ۱۳۷۷، ناشر هفتنه‌نامه‌ی امید زنجان.
- - دکتر صدیق و هویت آذربایجان؛ یازان، مهندیس امید نیایش، ۹۶ صحیفه، ۱۳۷۸، ناشر: پیام تهران.
- - دکتر صدیق و او نون یارادیجیلیتیغى؛ یازان امیر چهره‌گشا، ۹۶ صحیفه، ۱۳۸۰، ویژه‌نامه شریه اختر.
- - سوژ سورا غینیدا؛ یازان: بهروز ایمانی، ۱۳۷۷ (دوکتور صدیقین شعرلری باره سینده).
- - فرجام طرح بنیاد آذربایجان شناسی؛ یازان: مهندیس لثیلا حیدری، ۱۳۷۹.
- - رسالات قارا مجموعه؛ یازان: محمد صادق نائبی، ۱۳۸۰.
- - و...

سال شمار زندگی؛ گزیده‌ی ایام

۱۳۱۴/۱۵/۴ - تولد در محله‌ی سرخاب تبریز. ۱۳۳۶ - آغاز به سروden شعر. ۱۳۳۸ - آشنایی با مرحوم محمدحسین برهانی و شاگردی در محضر ایشان. ۱۳۳۹ - ورود به دانشسرای مقدماتی تبریز. ۱۳۴۰ - تلمذ در محضر مرحوم علی اکبر و قایعی «مشکوكة تبریزی». ۱۳۴۱ - اعزام به روستای هریس جهت معلمی. ۱۳۴۳ - آشنایی با مرحوم عبدالصمد امیر شفاقی و تلمذ در محضر ایشان. ۱۳۴۴ - شروع به تألیف و ترجمه. ۱۳۴۵ - ارسال مقاله و شعر به مطبوعات تهران. ۱۳۴۶ - آشنایی و دوستی با صمد بهنگی، بهروز دهقانی و علیرضا نابلل، شروع به تألیف فرهنگ ترکی به فارسی. ۱۳۴۶ - همکاری در انتشار نشریه‌ی «آدینه» در تبریز، آشنایی با غلامحسین ساعدی. ۱۳۴۶ - گردآوری فولکلور آذربایجان، آشنایی با مرحوم استاد حبیب ساهر، تألیف کتاب سایالار.

سرودهای کهن مردم آذربایجان. ۱۳۴۷- انتشار هفته نامه‌ی «هنر و اجتماع» در تبریز، سروden منظومه‌ی صمد بهرنگی، همکاری با مجله‌ی وحید در تهران و انتشار مقاله‌ی «داستانهای دده قورقود». ۱۳۴۸- ارسال مطالب در موضوع فولکلور آذربایجان به احمد شاملو و همکاری در انتشار هفته نامه‌ی خوش. ۱۳۴۸- اداره‌ی صفحه شعر و ادب در مجله‌ی امید ایران، تألیف و نشر کتاب «رویاه نامه». ۱۳۴۹- اعزام به اردبیل، دستگیری از سوی ساواک و حبس و محکومیت و تعلیق از خدمت دولتی. ۱۳۵۰- اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی. ۱۳۵۱- مهاجرت به تهران- انتشار کتاب «واقف شاعر زیبایی و حقیقت». ۱۳۵۲- استخدام در رادیو و تلویزیون به عنوان تهیه کننده. ۱۳۵۲- اخراج از رادیو و تلویزیون، انتشار کتابهای آسیئقلار، تاریخ آذربایجان، مسائل ادبیات نوین ایران، آثاری از شعرای آذربایجان و... ۱۳۵۳- ورود به مقطع فوق لیسانس رشته‌ی کتابداری، انتشار کتابهای: مقالات تربیت- مسائل زبان شناسی ایران، نظامی شاعر بزرگ آذربایجان و.... ۱۳۵۴- اخراج از دانشگاه تهران، کشف نمایشنامه‌های میرزه آقا تبریزی، ترجمه‌ی منظومه‌ی آرزی و قمبر از حبیب ساهر، تدریس در هنرستان، اشتغال در انتشارات امیرکبیر، انتشار کتاب زندگی و اندیشه‌ی نظامی.

۱۳۵۵- انتشار کتابهای، مقالات فلسفی آخوندزاده، فلسفه‌ی تکاملی، انقلاب بورژوازی در انگلستان، ازدواج. ۱۳۵۶- تولد اولین فرزند: یاشار، تأسیس انتشارات دنیای دانش و انتشارات شبتاب. ۱۳۵۷- انتشار کتاب کیچیک شعرلر، تأسیس مجله‌ی یولداش، تأسیس جمعیت فرهنگ آذربایجان. ۱۳۵۸- اخذ برگ آزادی خروج از کشور و سفر به ترکیه، ثبت نام در دانشگاه استانبول و تحصیل در مقطع دکتری: زبان‌شناسی ترکی، و تولد دومین فرزند اثلدار. ۱۳۵۹- تأسیس و انتشار ماهنامه‌ی «انقلاب یولوندا»، مصاحبه با مطبوعات ترکیه، سفر به جمهوری آذربایجان. ۱۳۶۰- موفقیت در دوره‌ی دکتری زبان‌شناسی ترکی و انتقال موضوع رساله به گروه ادبیات خاورمیانه، انتشار سفرنامه‌ی باکو و کتاب باکی «لوزحه‌لاری». ۱۳۶۱- اخذ سفر به بلغارستان به دعوت دانشگاه صوفیه، تولد سومین پسر: سهند. ۱۳۶۱- درجه‌ی PH.D از گروه ادبیات خاورمیانه دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه استانبول و بازگشت به کشور و تأسیس فصلنامه‌ی «یئنی یول». ۱۳۶۳- تأسیس انجمن زبان و ادب ترکی، انتشار بولتن ترکی، عضویت در هیئت علمی مراکز تربیت معلم شهری، تولد چهارمین پسر: ستارخان. ۱۳۶۴- اشتغال با عنوان مترجم رسمی زبان ترکی استانبولی در دادگستری، تأسیس دارالترجمه‌ی استانبول. ۱۳۶۵- مراجعه به سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا و پیشنهاد

چاپ فرهنگ ترکی به فارسی و مواجهه با رد پیشنهاد. ۱۳۶۶- اخطار وزارت کشور و امر به تعطیل انجمن زبان ترکی، تولد دختر: آی نور. ۱۳۶۷- رد صلاحیت برای تقاضای مجوز انتشار نشریه به زبان ترکی. ۱۳۶۸- شروع به ترجمه‌ی آثار امام خمینی: ترجمه‌ی دیوان شعر، وصیت نامه، نامه‌های عرفانی و ... ۱۳۶۹- تأسیس هفته‌نامه‌ی سهند، تأسیس شعبه‌ی ترکی آذربایجان در بنیاد بعثت، کمک به تأسیس هفته‌نامه‌ی اسلامی بیرلیک در سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت در تأسیس مجلات ترکی این دوره و شروع به تشکیل کلاس‌های ترکی در دانشگاه‌های تهران. ۱۳۷۰- تأسیس کلاس تدریس ترکی در دانشگاه تهران، حضور در کلاسها و همایش‌های ترکی در دانشگاه‌ها، تشکیل انجمن ادبی «آناء»، تشکیل همایش بزرگداشت شهریار در دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تربیت معلم. ۱۳۷۱- رد صلاحیت در تربیت معلم، رد صلاحیت در دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رد صلاحیت در هفته‌نامه‌ی سهند جهت سر دبیری و موافقت ایشان با تفویض صلاحیت سر دبیری به شخص دیگر، حذف کلیه‌ی دروس دانشگاهی و خانه نشینی، رد صلاحیت تدریس در مرکز آموزش عالی فرهنگیان. ۱۳۷۱- شرکت در کنگره‌ی کتبیه و متون و معرفی کتبیه‌های ترکی باستان، شرکت در کنگره‌ی این سکیت و معرفی خطیب تبریزی، شرکت در کنگره‌ی سید ابوالقاسم نباتی و انتشار دیوان نباتی در دو جلد ترکی و فارسی، انتشار «یوسف و زلیخا»ی فارسی. ۱۳۷۳- بازنیستگی اجباری از تربیت معلم، جلوگیری وزارت ارشاد از انتشار کتابهای ترکی وی، عضویت هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، تشکیل همایش شعر و ادب ترکی در رودهن. ۱۳۷۴- رد صلاحیت در دانشگاه آزاد رودهن، شرکت در کنگره‌ی خواجه در کرمان، انتشار کتاب متون نظم و نثر ترکی. ۱۳۷۵- عضویت در هیئت علمی در دانشگاه آزاد زنجان، رد صلاحیت در دانشگاه زنجان. ۱۳۷۶- عضویت در هیئت علمی در دانشگاه سوره، انتشار کتاب درسی «رسالات موسیقی» و «متون ادبی هنر». ۱۳۷۷- دعوت از سوی دانشجویان آذربایجانی دانشگاه‌های مختلف کشور برای تدریس درس ترکی، قبول ریاست کتابخانه‌ی علامه طباطبائی. ۱۳۷۸- انتشار کتاب شعر «ازنگان لؤوحملری»، انتشار مقاله‌ی «احسان کهتری و ترکی ستیزی»، دعوت از سوی دانشکده ریاضی دانشگاه تبریز برای تدریس درس ترکی، ادامه‌ی تدریس ترکی در دانشگاه‌های تهران و قبول دعوت از سوی دانشگاه صنعتی اصفهان برای تدریس ترکی. ۱۳۷۹- قبول مسئولیت اداره‌ی کتابخانه‌ی بنیاد حکمت و فلسفه، قبول مسئولیت کمیته‌ی علمی پژوهشی کنگره‌ی جهانگیر خان قشقایی، انتشار کتاب «یادمانهای ترکی باستان»، ادامه‌ی تدریس ترکی در دانشگاه‌های تهران، قبول

آذی ۱۱

دعوت از سوی دانشگاههای تهران و همدان و اصفهان و کردستان برای سخنرانی. ۱۳۸۰- پیشنهاد تأسیس بنیاد آذربایجان‌شناسی، انتشار کتاب «قارا مجموعه»، سفر علمی به باکو به دعوت آکادمی جمهوری آذربایجان، اخذ درجهٔ پروفیسوری، عضویت در اتحادیهٔ نویسنده‌گان جمهوری آذربایجان، عضویت در سازمان انسیکلوپدی آذربایجان با عنوان مشاور علمی عالی و ادامه‌ی تدریس در دانشگاه‌ها. ۱۳۸۱- تدریس ترکی در دانشگاه‌های همدان، تبریز و اصفهان، نشر متن علمی «گلشن راز» ترکی، نشر دیوان غریبی.

کتابنامه‌ی آثار

آثار برگزیده و جهانی

۱- قارا مجموعه (کشف، تصحیح، تفییح و انتشار مجموعهٔ اشعار ترکی شیخ صفی برای نخستین بار در جهان. ۱- دیوان لغات الترک (تدوین متن انتقادی و علمی، اثر محمود کاشغی). ۲- آشنایی با رسالت موسیقی. ۴- تصحیح دیوان اشعار ترکی ملامحمد فضولی، همرا با کشف الایات.

سایر آثار

الف) تدوین و تصحیح انتقادی متون

- ۱- سایالار، کهن ترین سروده‌های مقدس آذربایجان، تبریز، ساوالان، ۱۳۴۹.
- ۱- نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۵۵.
- ۳- مقالات فارسی آخوندزاده، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۵۴.
- ۴- مقالات فلسفی آخوندزاده، انتشارات ساوالان، تبریز، ۱۳۵۵.
- ۵- مقالات تربیت، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۵۵.
- ۶- رند و زاهد اثر فضولی، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۵۵.
- ۷- از انزلی تا تهران اثر نرسون، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۵.
- ۸- کلاملار، اثر قوشچو اوغلو، تهران، ۱۳۶۷.
- ۹- یوسف و زیبخای فردوسی، انتشارات آفرینش، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- سیری در اشعار ترکی مولوی به انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۶۹.

۱۱- تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد (ص)، اثر بهلول بهجت، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

ب) تحقیق و پژوهش

۱- واقف شاعر زیبایی و حقیقت، انتشارات پویا، تهران، ۱۳۵۱.

۲- آشیقلار، انتشارات آذر کتاب، تهران، ۱۳۵۳.

۳- گفتاری پیرامون زبانهای ایرانی رایج در آذربایجان، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۱.

۴- دیدی از نوآوریهای حبیب ساهر، انتشارات سوالان، تبریز، ۱۳۵۷.

۵- هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان، انتشارات دنیای دانش، تهران، ۱۳۵۴.

۶- آذربایجانین شهید عالیم‌لری، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

۷- شرح غزلهای صائب تبریزی، انتشارات است، تهران، ۱۳۷۱.

۸- یادمانهای ترکی باستان، انتشارات نخلهای سرخ، ۱۳۷۹.

۹- مقالات ایرانشناسی، انتشارات فاخر، تهران، ۱۳۷۹.

۱۰- حکیم ملا عبدالله زنوزیه مکتبی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۰.

۱۱- فرزند ایل سرافراز، کنگره‌ی جهانگیر خان قشقائی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۲- گاسی، گویش کهن از ترکی باستان، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۱.

۱۳- احسان کهتری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۱.

۱۴- نوچه‌های احمد کسری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۸۱.

ج) ترجمه:

۱- قران کریم (جز عم)، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۷۰.

۲- نسیمی (درام تاریخی) اثر فریدون آشوروف، انتشارات باغبان، تهران، ۱۳۵۳.

۳- نمونه‌هایی از شعرای معاصر آذربایجان، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۱.

۴- نظامی شاعر بزرگ آذربایجان، اثری ا. برتس، انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵۵.

۵- زندگی و اندیشه نظامی، انتشارات توسع، تهران، ۱۳۵۹.

۶- افضل الدین خاقانی شیروانی، آذر کتاب، تهران، ۱۳۵۴.

- ۷- قوسی تبریزی و میرزا شفیع واضح، انتشارات سهند، تهران، ۱۳۵۶.
- ۸- مسائل ادبیات دیرین ایران، انتشارات نوپا، تهران، ۱۳۵۳.
- ۹- مسائل ادبیات نوین ایران، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۰- مسائل زبانشناسی ایران، انتشارات بامداد، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۱- آرزوی و قبر (منظومه)، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۲- انقلاب بورژوازی در انگلستان اثر یفیموف، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۳- مقدمه‌ای بر فلسفهٔ تکاملی جامعه، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۴- ارمنستان در زمان تیمور لنگ، انتشارات ساوالان، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۵- آیت‌الله خامنه‌ای نین نوّاطق لری، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۶- قیرخ حدیث (۱۴ جلد)، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۷- قیرخ حدیث فضولی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۸- اصول عقاید (۵ جلد)، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۹- قیاست سوژلر از امام خمینی، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲۰- وصیت‌نامه از امام خمینی، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۴.

(د) شعر:

- ۱- صمد بهرنگی منظومه‌سی، تبریز، ۱۳۴۷ (تکثیر)، ۱۳۵۷، (چاپ).
- ۲- کیچیک شعرلر، انتشارات شبتاب، تهران، ۱۳۵۷.
- ۳- مجموعه (همراه با ۴ شاعر)، شبتاب، تهران، ۱۳۵۸.
- ۴- اوچغون داخما، جمعیت فرهنگ آذربایجان، تهران، ۱۳۵۸.
- ۵- باکی لوؤحملری، جمعیت فرهنگ آذربایجان، تهران، ۱۳۵۸.
- ۶- امام خمینی منظومه‌سی، انتشارات روزنامه‌ی اصلاحات، تهران، ۱۳۶۹.
- ۷- آناما هدیه، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.
- ۸- یورد غزللری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.
- ۹- تبریز یوللاریندا، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- زنگان لوؤحملری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱- قشقائی لوحه‌لری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۱- اردبیل لوحه‌لری، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

۱۳- شیخ محمد خیابانی حماسه‌سی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸.

ه) ادبیات کودکان

۱- دوقلوهای ترک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۵۱.

۱- قصه‌های رویاه، انتشارات دنیای دانش، تهران، ۱۳۵۱.

۳- قصه‌های کچل، انتشارات نبی، تهران، ۱۳۵۳.

۴- دنیای قصه‌ی بچه‌ها، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵۴.

۵- چیل مایدان، انتشارات رز، تهران، ۱۳۵۴.

۶- یهودانین خیانتی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۱.

و) متون دانشگاهی (چاپ و تکثیر)

۱- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ۱۳۶۸.

۱- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۷۱.

۳- تورکجه دیل بیلگیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ۱۳۷۴.

۴- برگزیده‌ی متون نظم و نثر ترکی، انتشارات است، تهران، ۱۳۷۱.

۵- آشنایی با متون ادبی، دانشگاه سوره، تهران، ۱۳۷۸.

۶- متون ادبی هنر، نشر تازه‌ها، تهران، ۱۳۷۸.

۷- آشنایی با رسالات موسیقی، نشر تازه‌ها، تهران، ۱۳۷۸.

۸- زبان و ادبیات ترکی، دانشگاه ارومیه، ۱۳۷۱.

۹- فضولی نین غزل‌لری، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۸.

۱۰- تورکجه گرامر، دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۷۸.

ز) نشریه

۱- ادبیات در عصر نوین (با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی عصر نوین)، تبریز، ۱۳۴۶.

۱- هنر و اجتماع (با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی مهد آزادی)، تبریز، ۱۳۴۷.

۲- شعر و ادب آذربایجان (با استفاده از امتیاز مجله‌ی امید ایران)، تهران، ۱۳۴۹.

- ۴- یولداش، هفتگی، تهران، ۱۳۵۸.
- ۵- آزادلیق، هفتگی، تهران، ۱۳۵۸.
- ۶- اینقلاب یولوند، ماهانه، تهران، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰.
- ۷- یمنی یوں، فصلنامه، تهران، ۱۳۶۱.
- ۸- بولتن انجمن زبان ترکی، گاہنامه، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹- سهند، هفتگی، تهران، ۱۳۶۹ (با استفاده از امتیاز روزنامه اطلاعات، انتشار آن ادامه دارد).

ح) گزارش‌های علمی

- ۱- شعر معاصر آذربایجان در ایران (چهارمین کنگره‌ی تورکولوژی- استانبول ۱۳۶۰)
- ۲- حافظ و شهریار (کنگره‌ی حافظ- شیراز ۱۳۶۶)
- ۳- یوسف و زلیخای فردوسی (کنگره‌ی فردوسی- تهران ۱۳۶۹)
- ۴- نظامی گنجوی و دده قورقد (کنگره‌ی نظامی گنجوی- تبریز ۱۳۷۱)
- ۵- کتبیه‌های ترکی باستان (کنگره‌ی کتبیه و متون- کرمان ۱۳۷۱)
- ۶- خطیب تبریزی شارح ابن سکیت (کنگره‌ی ابن سکیت- اهواز ۱۳۷۳)
- ۷- حکیم نباتی و عرفان (کنگره‌ی نباتی- کلیبر ۱۳۷۳)
- ۸- اوحدی و صائب (کنگره‌ی اوحدی- مراغه ۱۳۷۴)
- ۹- خواجه و ادب ترکی (کنگره‌ی خواجه- کرمان ۱۳۷۴)
- ۱۰- علیشیر نوایی و فضولی (کنگره‌ی بازشناسخت سبک آذربایجانی- ارومیه ۱۳۷۴)
- ۱۱- مکتب فلسفی فضولی (کنگره‌ی حکیم جهانگیرخان قشقایی- بروجن ۱۳۷۸)

برخی از امضاهای او

ح. صدیق، ح. م. صدیق، حسین دوزگون، حسین صدیق، ح. دوزگون، حسین سرخابی، ح. سرخابی، حسین شمايلی و ...

موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

حسین دوزگون

ائى منیم حیاتئیم بؤیۆك آمالئیم
عششقئیم، ایفتیخارئیم، جاھ و جلالئیم
سندن آیرئیلمازدئر، فيکریم، خیالئیم
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

سن منیم شئعرييەن روحونا دۇندۇن
موقددس آرزو لو تبریزیم مینم
سیلينمير كۈنلۈمدەن قەھمان آدین
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

سیئخیتتى ایچەرسەن، منى آتمادىن
«تەھ فاشیستلەر^۱» اوزۇن قاتىمادىن
قلبىنى اوزگە يە گىدېپ ساتىمادىن
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

عئشقينى آلمىشام اورىھىيەمە، بىل
من كى يانىندايام گۈزلەرنى سىل
داتىش بىر، هاردا بىس دادلىي - دوزلۇ دىل؟
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

سنه باغلانىئىب دئىر بۇتۇن آمالئیم
سن سىز ايندى آخى پىس دير احوالئیم
گل دۇيۇش عزمى ايلە قۇنیما تك قالئىم
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم؟

من سنده تاپمىشام «بابك» عىنادىن
باھار گۈللەرنىن قۇخوسون دادىن
چىئىخماز خاطىرىمەن ھەنج زامان آدین
موقددس آرزو لو تبریزیم منیم

آمان - آمان آنالار اليندن ! ! . .

كند اوشاغى

ديل ات دن دير، سۆمۆكден ؟ هئچ بىرىنىدىن ! منيم عاڭلىمجا (اينانمىيەرسىز اينانىئىن، اينانما يىپرىسىز اينانما يىئىن، بىنده ده بىر بالاجا عاگىئىل وار!) ديل «اون» - دان دير ! بعض اوّنا شكر قاتىئىب شىرنى دۆزىلدەرلە، بعض دە زنجفىل قاتىئىب آجى تىرك چالارلا ! بللى كى شىكلى ديل چۈخ گۆزل اولور. دۆزدۇر بعض دانىشاندا مىلچىك - چىيىن يېغىيىشىر، اذىيت وثىرىر. آمما عوضىنىدە او دىلە دانىشىدئىن، آغزىن بال دادى وثىرىر. آمما زنجفىلىسىنى آللە كىسىن ! سانجى كىسىز كى هئچ، وارلىقى يىلە چۈخونو سانجىلادار، زنجفىل لازىم اولور !

بونو دا بىلەك گىركى كى، دىلەن شىرىن آجىئىلەيىنى سەچمك، دادماق ايلە اولماز. ائلە اولسایدىئى هەركىس اوز دىلەن شىرىن دئىھەردى. كىم اوز آيرانىنا تورش دئىھەركى ؟! بودا بۇتۇن دىل لىرين شىرىن سانىلماسى معناسىنىن گلېپ، چىيخاراردى ! حالبو كى يىقىن بىلەرىك كى دۆنیادا تكجه بىر شىرىن دىل وار، باشقىلار ئيا آجىئىدىر، يى آجى ئىكىمى بىر زاد ! بو يۆزدن دىلەن آجى شىرىن لىشىنى قانون دئىھەر. هەنارنىنى شىرىنسە قانون اوۇنۇ تانىشىار، تصدقىق ائدر، آجىئىنى يۇخ ! دوغرودان ساغ اولسۇن قانون. قانون اولماسىدئى بىز آجى - شىرىنى يىلە قارىشىدېرىدىق. بلکە دە بىر آزىمىز، آللە ائلەمەسىن، زنجفىلى دىل دئىپ، بوراخما يايىدىق. مىللت خىتىر - شىرىن نە بىلەر ! آخى سىز آللە اۆزۈز دئىن، زنجفىلى دىل دە اولدو دىل ؟! گىل آغزىنى ياندەر كى بودا منيم دده - بابا دىلەم دير ! بو بوش عىناد دئىتىلمى دير ؟! ..

هر حالدا گىئنە لهلىشىن تحقىقاتى گۇستىرىرىكى آنالارىنىن هئچ دىل لرى يۇخ ايمىش، ياخشى بول - بول بىغ - ساققاللار ئىوار، اوۇنۇ دا چۈخو يېنمز، قىئىخار گىئىز ! دئىك آنالار دىلسىز - آغىزىسىز مخلوق دورلار، دىل تكجه آنالارىنى كى دىر ! اوّنا گۇرە دە دىلە «آنَا دىلى» دئىھەرلە. دىل آنالارىنى كى دىر، چۈن كى دىلى آنالار اوئىرەدرلە. پە آتانا آنالار ! مۇعلىملىر ايسە آنالارىنى قىنىمى اولىور، اوئىلارىنى اوئىرتىدىكىلرى دىلى اوۇنوت دورماغا جان آتارلار. الېتە آنالارىنى اىنتقا مىئىنى آتالار دان آلماق اوچۇن، هايانا دۇنسە آتالارىنى دا آللەھى وار ! ايندى دۆشۈنۈن كى نە قدر گىركى بودجە قۇيولا، آنالارىنى خاراب لادىق لار ئىل دۆزەلە ؟ او راسىئىنى آللە بىلەر !

صوّحبى بشش - اوْن مىندن گشتىمير، مىليونلار صوّحبى دىرا! دوغرودان باخىئن گۈرۈن بورا
آنالار مىللته - مملكته نه صىدمەلر و تورورلار؟! بو آرۋاد خايلاڭى نىتە بىر قدر گىنچى كىمى
عيناچى ئولۇر، من كى باشا دوشىمەدىم. آنالارىن نه واتخ اوْلكەنىن خىشىرىنە بىر آدەيم
آتاباقلارى، نه زامان يۇلا گله جىكلىرىنى دە آللە بىلير. اۆزۈ بونلارئ يۇلا گىتىرسىن! يۇخسا
دۇنیا دوروركەن اونلار خارابلايماجاق، يازىق مۇعلىيملىر دۆزتەمە مەجۇر قالاجاق دېرلار! بىر
ياندان خارىجى توپتىمە، بۆتون دۇنیا يىشىنى - گۆچۈنۈ بوراخىئىب گىشىجە - گۆندۈز بىزىم
آياغىمۇزىن آلتىئىن ئويور. بىر ياندان دا آنالارىن دىلە زنجىفىل قاتماسى. بۆتون زەمتلەر دە
بىر يانا، بىر دىل زەمتى بىر يانا! دۆشۈنۈن كى، آللە ئىلمە مىشىدن، دۇنیادا سىسى چېئىخا كى
بىزىدە زنجىفىلى دىيل لەر دە وار، مىللت تامامىلە «شىركەن» دەشىل... بىر رۆسواىچىلىقى نە
تەھر يىغىيىشىدىرى ماق اۇلار؟! مىليون - مىليون اينسانى هارايانا سۆخوب، گىزلە دىب دانماق اۇلار؟
! آخى قارداش، اينصادىييان دانىشاق، بىر مىللتىدە نىچە دىل اۇلار؟ اوْندا دا بىلەسى زنجىفىلى
دىل لىر؟! و آللە سىزئى بىلەمير، من كى اوْتاندىيغىيەمان ارىيىرم، اۇلۇرم. گىشە ساغ اولىسون
مۇعلىيملىرى كى بىلە بىر عايىتىنى اۇرتىمك اۆچۈن گىشىجە - گۆندۈز چالىشىشىلار. آمما هاراى،
داد، آمان. بو آنالارىن اليىدىن! ياتىئىر - دورور دىلە زنجىفىل قاتىئىلار. مىللت بونلاردان نە لەر
چىكە جىك، نه زامان عاگىئىلار ئاشلارىنا گله جىكلىر، آللە بىلير!!

«خودو»

حبيب فرشباف

آبا بوخارینئ چو خالت - دئيجه يم - قوز اوتاق تندير كيمى قىيزىشىن!
 آنام منى بو حالدا گۈرنە تئز يون كۈئىنه يىيمى گىرىپ، منى دانلاماغا باشلايا جاق:
 - «بala سنه دىمەدىم كى هاوا پايىزىئىتىپ قىش پالتارلارينى گۇتۇر؟! هېنى دىدىن
 زىنگ آوانىن ماشىن يېولو وار، تئز قايىندا جاغام! - ايندى جزاندى چك!»
 آنام حاقلىي ايدى؛ سازاق اىيتنە - اىيتنە بدنىمە سانجىلىئىرىدى. آرخالىغىمەن ياخاسىنى
 قۇوزاتىپ، باشىمۇ سۇيوقدان گىزلىتسىمە، قولاقلارىم شاختادان دوغرانىرىدى. اللرىمى
 قولاقلارىمەن اوستۇنە باسېب قاچماغا باشلادىم. آرتىق ورزغان جاداسىئنا ياخىنلاش مىشىدىم.
 «باخ ائله بو تېنى ده آشسام ورزغان اوتبوبوسو گۇرۇنە جك!» - دىتىرىدىم.
 قارشى دان اسن يىئل، لۇت قىلمىلىرى اوپتىنادىرىدى. يىئلىن قۇرخوسوندان بىلىمى
 ايکى قات اىيىب، تېنى دىرمانماغا باشلادىم.
 تېنىن باشىئنا چاتان كىمى ورزغان جاداسىئنا باخدىم. گۆز ايشلىكىچە اوزانىب
 گىندىن جادادا بىر قارالتىدا گۈزە توخونما يىشىرىدى. قىيچلارىم سۇرۇنە - سۇرۇنە تېنى ائنib،
 تۈرپاڭ جادانىن كىنارىندا قوللارىمى قوللوقلارىما باسېب دايىندىم. هر گۈن ورزغاندان تېرىزە
 تىكچە بىر اوتبوبوس يۇلا دۆشۈر، اوئوندا كى، واختى ودەسى معلوم اولموردو.
 ايتىظار سۇيوغون شىددىتىنى داھادا آرتىشىرىدى. يان - يۇرە يە گۆز گىزدىرىدىم. هەنج بىر
 دالدانا جاق تاپا بىلەدىم.

گۈچە باخاتدا قارا بولودلارىن آرخاسىندا تىكچە گۆنشىن سۈلغون بىر اىزى
 گۇرۇنوردق. تۈز - تۈرپاڭ لا سۇرۇن قورو يارپاقلارىن سىسى، يىئلىن سىينە قارىشىمىشىدى. بىر
 اود ياندىمىرىمال حىستى ايلە، كىرىپتىم اولمادىغىشىنى بىلە - بىلە، هېنى جىپلەرىمى آختارىرىدىم.
 بىردىن جادانىن اوتاپىندا، بىر تېنىن دالداسىندا، بىر قۇيۇن سۇرۇرسۇنە گۇزۇم ساتاشدى!
 سۈزۈنچىك سۇرۇيە طرف قاچماغا باشلادىم. هله سۇرۇيە بىر آز قالماش - كىرىپتىت -
 باغىئىرسام دا، چۈبان باشىئنى بولادى. بلەكە اشىتىمير - دئىتى، بىر آزادا اىرلى گىندىپ، اللرىمى
 گۇزۇنۇن قاباغىندا اوونوشدوراندا، - «والىمدى!» - دئىدى، - سىن اوودون «نىشغ گىتىلىم» اوولا -
 تئز - بىر آز چۈر - چۈپ يېشىغىب، قورو يارپاقلارى دا آلتىئنا دولدوروب، چاغىئىرىدىم.

گلیب چاتدی! خییر داجا بیر اوغلاندیئر. یون بئورکۆزون ایچیندە شوه کیمی گۆزلری پار- پار پاریلدایئر. - آدیم خودو دو - دندی. کیریت قوتوسونو الیندن آلثیب آچارکن، یشريمدە دونوب قالدیم! قوتودا تکجه بیردانما چۈپ قالمیشیدی!

بو یېتللى ھاوادا بو تکجه کیریتله اوڈ یاندیرا بىلە جەئیمە مۆطلق اینان ماسامدا، او جاگائین دیبیندە دىزە چۈكۈپ، آرخالىغىئىمۇ چىئىخارىب باشىمما چىكدىم. سۇنرا ایکى قات او جاگائین اوستۇنە ایيلدىم. نفسىمی سىنەمە حبس اندىب، تىرك اللريم لە کیرىتى یاندیئردىم.

توسىدۇ آرخالىغىئىمەن آلتىئىن
دولدوروب، گۆزلریمی ياشاتمايىنجا
آياغا قالىخىمادىم. خودو ايسە باشىمەن
اوستۇنە دىك دايانتىب، دىنمز-
سۇئىلەمزر منه باخىردى. شۇنىڭك
آرخالىغىئىمۇ گىشىب، دۆيىمەلرىنى
بركىتىدىم. اليمدەكى بوش قوتونو،
او جاگا آتماق اىستەتىن دە خودو
چالاغان قوش کیمی بيردن قوتونو
الىمدن قاپدى! اۇ منىم تعجۇبلى
باخىشىمۇ گۇرنە دە باشىنداكى اىپ
بئورکۆنۇ گۇتۇرۇپ، اونون قاتىندان
بىر دىستە كیرىت چۈپ چىئىخارىب،
قوتويا دولدوردو. من سە تعجۇب لە اونا
باخاركىن، يشريمدە قوروئىوب
قالمیشىدىم.

منى بىلە گۇرنە، خودونون آغ- آپاگ دىشلى نىن آراسىندان چىئىخان شىرين
سۇزىلرى، اونون شىرين گولۇشۇنە قارئىشدى:
- ناندىلان ماسايدىن بىلەن دە وئلە جە ايدىم.



سالخیم سوئیود

آخىردى سو

گۇستربى آيناسىندا سوئيود آغاچلارىنى!

سالخیم سوئيودلر يۈپوردو سودا ساچلارىنى!

يانان يالىئىن قىيلىنج لارى چىئىپاراق سوئيودلره

چاپىرىدى قىيزىل آتلىلار گونشىن باتدىيغى يىشە!

بىردىن

بىر قوش كىمى

ۋۇرۇلموش كىمى

قانادىندان،

يارالى بىر آتلۇ يۇوارلاندى آتىشىدان

باڭىرىمادى،

گىندىنلىرى گىرى چاڭىرىمادى،

باخدى ئىالىز دۇلۇ گۇزىلە

او زاقلاشان آتلۇلارىن پارىلدايىان نال لارىنا!

آه نه يازىق

نه يازىق كى او

دۇردىنلا چاپان آتلارىن تىرمىش بۇزىنونا بىر داها

ياتماياجاق!

آغ او ردولارىن آردېنجا قىيلىنج

او يىناتماياجاق

نال سىسىلىرى سۇئۇر پىردى_ پىردى

آتلۇلار ايتىر گونشىن باتدىيغى يىشە.



ناظيم حكمت
چوپرئن: ح. ايلديريم

آتلیلار آتلیلار قىيزىل آتلیلار!
آتلارئ روزگار قاناتلىلارا!
آتلارئ روزگار قانات...
آتلارئ روزگار.

آتلارئ
آت...

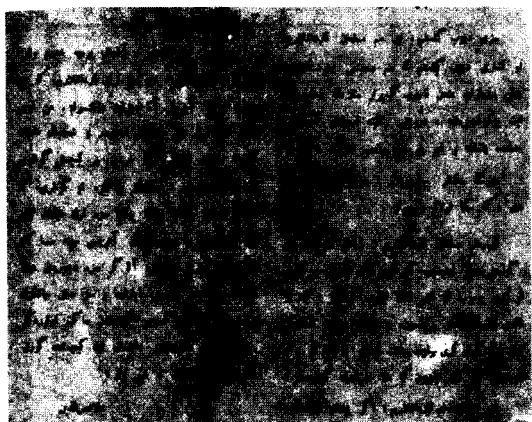
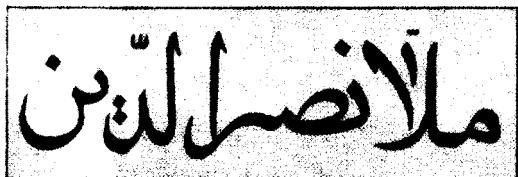
روزگار قاناتلى آتلیلار كىمى كىچىدى حىيات
كىسىلدى آخر سويون سىسى.
كۈلگەلر كۈلگەلندى
رنگلر سېلىنىدى.

قارا اورتۇلر اىندى
ماۋى ئۆزۈرىنى
سارىلدى سالخىم سۇئۈزدەلر
سارئ ساچلارئ نىئىن اۆزەرىنى!

آغلاما سالخىم سۇئۈزد
آغلاما

قارا سويون آيناسىئنا باخا - باخا
لى قۇيىنۇدا داييانىئىب
آغلاما
آغلاما!

شرق عالمی نین دوئنیا شوھر تلی طنز روزنامه سی «مولالانصرالدین»ین ۱۰۰ ایلیشی موناسیبیتی ایله:



-۱۹۰۶- نجی ایلسین آبریل آی نئین -
سینیده تفليس شهرین کوچگریندە -۸
صحيفه لیک شکیل لى، زنگلى بىر گۈلگۈز
روزنامه سی يايىلماغا باشلادى. روزنامه نىن
آدىء -«مولالانصرالدین» دىلى آذربایجان دىلى،
مۇمضىلارى آذربایجان خالتقى نئین،
قاشقازلى لارين، عمومىت لە ياخىن شرق، د
اورتا آسينا خالق لارى نىن حياتىندان آڭىميش
مۇمضىلار و كارىكاتۇز لارى - جانلى حيات
تصویرلرى ايدىلر!

روزنامه مۆختلیف مۇمضىلار، رىنگارنى
ادبى نۇولىر، گۈلگۈز نۇو معۇنۇن چىشىد - چىشىد
يىجمىلرى، اۆسلوبىلارى، اىفادە واسىطەلرى اىلە
زىكىنلىشىدىكىجە دوئنیا خالق لارى نىن
تجربىسى سىنەن، بۇيىشك طىز اوستادلارى نىن
يارادىجى لىيەنەن بېرەلتىكىجە، اوئرون تائىر
دايمىرىسى آرتىرىدى. آز بىر زاماندا روزنامە
قاشقازىن حۆزە دلارىنى آشىپ، قۇنشۇ اوڭىلەلر.
بۇل تاپدى و شرق عالمى نين قارانلىق حياتىنا
ايشقىن ساچاراق، بۇيىشك بىر ايجيتىماعى - ادبى
مكتب (مولالانصرالدین مكتبى) ياراندى:

بو گۈن «مولالانصرالدین» روزنامه سى نىن
يارانماشىندان ۱۰۰ - ايل كىنچىر، يۈز ايل بو
مكتب شرق عالمىنە ايشقىن ساچمىش و ئىتنى -
ئىتنى روزنامىلىرىن، يازىچى و شاعيرلىرىن
سىماشىندان اوزۇنۇ ياشاتىمىشىدیرا و ياشادىرى...
«مولالانصرالدین» يىن ايلك نۇمرەسى.
بۇيىشك مۆتفكىر، يازىچى و ايجيتىماعى خادىم،
شرق عالمى نين پارلاق اولدوزو: مىرزا جليل
محمدقولۇزادەنин «سىزى دىنەپ كلمىش انى:
موسىمان قارداشلارىم...» مشهور كلامى اىلە بىلە
باشلانىشىرىدى!.

کاروان سالار نشر واقعکرا



دکتر ح.م. صدیق

جلیل محمد قولوزاده

نام جلیل محمد قولوزاده در تاریخ ادبیات معاصر آذربایجان، بعنوان ستاره‌ای درخشان در آسمان ادبیات پیش رو و انقلابی مبارزی پی‌گیر آفرینشگر در ایجاد نمونه‌های برجسته‌ی نثر نوین و مترقبی می‌درخشد. وی ادبی توانا، روزنامه‌نگاری مبارز، نویسنده‌ای واقع‌گرا و اندیشورزی خردمند بود. او در دوران زندگی خویش، توانست بسیاری از قلم به دستان، شاعران، نویسنده‌گان و نقاشان چیره‌دست جوان و اندیشمند را گرد خود فراهم آورد و در نثر معاصر آذربایجان بانی مکتبی گردد که بعدها به «مکتب ملانصرالدین» معروف شد.

میرزا جلیل فرزند محمدقلی، درباره‌ی تولد خود، در زندگینامه‌ی خود نوشته‌اش گوید:

«منیم دؤنیا با گلمه‌تیمی هنچ بیر کس، یازئ
ایله بیر یاندا قنید ائتمه‌تیب... ایندی، یعنی هیجرتین
مین اوزج‌تیز قیrix دوئر دؤنچق و عیسال(ع)تین
توئکزد دؤنون مین دوققوز تیز ایتیرمی آلتیشنجئ ایلیندە،
منیم یاشیم گرک، یا اللی آلتئ اولا، یا اللی پیلدی
اولا، یا بلکه اللی سککیز اولا.»

ولی طبق اسنادی که استاد مرحوم «پرفسور عزیز شریف» از اداره‌ی سجل احوال دوره‌ی تزاری در تقلیس استخراج کرده، میرزا جلیل در تاریخ ۱۸۶۶/۱/۱۰م. چشم به جهان گشوده است^۱.

پدر بزرگ میرزا جلیل، به «مشهدی حسین قلی» معروف بود، اهل شهر «خوی» بود و شغل سنگتراشی داشت. پسر وی «مشهدی محمدقلی» از خوی به نخجوان کوچ کرده به شغل سنگتراشی و کارگری روزگار سپری می‌کرده است^۲.

تحصیلات ابتدایی میرزا جلیل در مکتب خانه‌های سنتی سپری شده است. در ده سالگی به مدرسه‌ی دولتی شهر نخجوان و در ۱۶۶۱سالگی یعنی در سال ۱۲۶۱ شمسی به دانشسرای تربیت معلم دولت تزاری روس در همان شهر وارد و سال بعد بعنوان معلم مدارس ابتدایی به روستاهای اطراف اعزام گردیده است. از سال ۱۱۷۷ شمسی، در شهر ایروان سکونت اختیار کرده به مترجمی و وکالت پرداخته است^۳.

جلیل محمد قولوزاده، علاوه به زبان ترکی آذربایجانی، به زبانهای فارسی، عربی و روسی نیز مسلط بود. متون فارسی و عربی را در دوران نوجوانی پیش «ملاعلی حسینزاده» و «حاج ملا باقر» خوانده بود. بعدها در خاطرات خود، از این دو تن به نیکی یاد کرده است. ادبیات ترکی آذربایجانی، زبان روسی و علوم جدیده‌ی آن روزگار را نیز در سالهای تحصیل در «دانشسرای^۴» فراگرفته بود. در سالهای تدریس در روستاهای نیز با فراز و نشیب‌های زندگی فلاکت بار توده‌های مردم آشنا شده بود. اینک در اندیشه‌ی وقف استعداد توانایی‌های علمی و عملی خود به مردم، در شهر ایروان و سپس در شهر تقلیس دست به قلم برداشت.

نخست نمایشنامه‌ی منظوم «چای دستگاهی» (۱۱۶۸ش.). سپس کمدی «کیشمش اویونو» (۱۲۷۱ش.). و داستان «دانای باش کندی نین احوالاتلاری» (۱۲۷۳ش.). را چاپ کرد. این آثار را در کنار نوشته‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، از نخستین نمونه‌های نثر پیشتاب مدرن و نوین ادبیات معاصر و نوین ادبیات معاصر آذربایجان می‌شماریم. نخستین داستان کوتاه که از وی انتشار یافت «پوست قوتوسو» نام دارد که در سال ۱۹۰۴ش. با کمک «محمد آقا شاه تختلی» سردبیر نشریه‌ی «شرق روس» انتشار یافت^۵.

۱- افلاطون محمداوو: جلیل محمد قولوزاده‌نین حیاتی و اجتماعی فعالیتشی، باکی، ۱۹۷۴، ص. ۶.

۲- همانجا.

۳- اثرباری، ج. ۳، ص. ۷۰۹.

۴- منظور ما از «دانشسرای» در اینجا، «زاقاقازیا گوری مؤلفیم لرسمنیاریتاسی» است.

۵- نشریه‌ی شرق روس، ش. ۱۰، سال ۱۹۰۴ (به نقل از: افلاطون محمدوی، ص. ۱۰).

این داستان کوتاه، بارزترین نمونه این ادبی در تاریخ نثر نوین آذربایجان به حساب می‌آید. مضمون آنها بسیار عادی است که از واقعیت‌های زندگی اطراف خود اخذ کرده است. «نووزروزعلی» نوکر «ولیخان» نامه‌ای را به صندوق پست می‌اندازد، و در انتظار آن در کنار صندوق می‌نشیند و هنگام تخلیه‌ی صندوق از سوی مأمور پست با او درگیر می‌شود و کار به دادگاه می‌کشد.

نویسنده این حادثه‌ی بسیار عادی را با زبانی شیرین و جذاب بیان می‌کند و با مهارت خاصی حقایق بسیار اجتماعی - سیاسی آن عصر را در قالب همین زبان می‌ریزد و بعد مهم آفرینش ادبی نویسنده، در کنار گزینش ساده نگاری، آن است، نظر خود را درباره‌ی حوادث مختلف داستان به خواننده معلوم نمی‌کند و همانگونه که صادق هدایت در «سگ ولگرد» عمل کرده‌اند، استنباط و استنتاج را به خواننده وا می‌نهد و حتی یک کلمه به تعبیری در رد یا قبول تیپ و یا رفتاری نمی‌آورد و اشاره‌ای حتی ابهام‌آمیز به نتیجه و یا ارزش‌گذاری حوادث و افراد نمی‌کند. بخلاف جمالزاده که در داستان کوتاه «فارسی شکر است»، ضمن بیان حوادث و شرح بستر اصلی داستان، خود نویسنده است که به خواننده خط می‌دهد و نظر خود را بطور مستقیم القاء می‌کند.

یکی از متقدان بنام آثار جلیل محمد قولوزاده در باب این داستان کوتاه گوید «پوست قوتoso» هم بلحاظ عمق هنرمنایی و هم به جهت واقعگرایی و تاثیر عمیق اجتماعی، در ردیف معروفترین نوولهای جهان قابل ارزیابی است.^۷

میرزا جلیل در سال (۱۲۷۴ش) به فکر انتشار نشریه افتاد، نخست بنام «نووزروز» و یکسال بعد (۱۹۰۶) توانست با عنوان «ملا نصر الدین» مجوز نشر دریافت دارد و سالی نگذشت که توانست آن را به پیشازترین نشریه‌ی طنزی عصر خود تبدیل کند. نقش عظیم سیاسی و اجتماعی این نشریه در حوادث مشروطیت و پس از آن در ایران قابل انکار نیست. حکومت قاجار نارها ورود آن را به ایران منع ساخت و به دفعات محموله‌های پستی آن را به آتش کشید.اما این یکه تاز میدان مبارزات سیاسی در انتشار و تغییر محتوای بسیاری از نشریات طنزی کشورمان تأثیر عمیق بر جا ی نهاد. نشریاتی نظری «حشرات الارض»، «نالهی ملت»، «استقلال»، «انجمان»، «آذربایجان»، «بوقلمون»، «صراط المستقیم»، «فرياد»، «محاكمات»، «نجات»، «سعادت» و جز آن، همگی تحت تأثیر «ملانصرالدين» شکل گرفتند و انتشار یافتدند. در فرقه از نیز نشریات «بهلوان»، «زنپور»، «مرآت»، «بابای امیر»، «مزهله»، «طوطی»، «لکلک»، «کل نیت»، «آری» و جز آن، بعد از «ملا نصر الدین» و به پیروی از آن منتشر شدند.

برخی از نشریات کشورمان نظری «آذربایجان» که از سال ۱۲۷۵ در تبریز شروع به انتشار کرد، هم به جهت شکل و ترکیب ظاهری نشریه و هم بلحاظ مطالب و مضمون طبق نعل

۷. م. شاگین، آذربایجان ادبیاتی داکاداسی، باکی، ۱۹۴۰، ص ۱۳۶.

بالنعل ملانصرالدین به شمار می‌رفت. مخاطب طنز در ملانصرالدین «آئی موللا عمي!» و در آذربایجان «آئی حاجي بابا!» بود. شیوه‌ی نثر هر دو یکسان و اشعار چاپ شده در آذربایجان اغلب در پاسخ اشعار ملانصرالدین سروده می‌شد.^۸

گذشته از نشريات شاعران طنزپرداز ایران نيز تحت تأثير اشعار منتشره در ملانصرالدین به تدوين و سروdon اشعاری پرداختند که در تاریخ ادبیات بیداری ایران ماندگار شده‌ی. یکی از این شاعران، «سید اشرف الدین حسینی گیلانی» است که در شهر رشت نشريه‌ای با نام «نسیم شمال» و به پیروی از ملانصرالدین انتشار می‌داد. وی بعدها دیوانی نیز با همین نام ترتیب داد که بسیاری از اشعار آن اغلب ترجمه و یا اقتباس و برداشتی از طنز سروده‌های «میرزا علی اکبر صابر» شاعر هم قلم و همکار «میرزا جلیل محمد قولوزاده» و عضو اصلی نشريه‌ی «مانصرالدین» بود. اشعار و مقالات و آثار طنزی منتشر شده در دو نشريه‌ی ملا نصر الدین و نسیم شمال بارها بطور تطبیقی بررسی شده است و بویژه اشعار این دو شاعر رودروی هم نهاده شده است. برای نمونه به یک مورد زیر اشاره می‌کنیم^۹:

میرزا علی اکبر صابر (نشريه‌ی ملا نصر الدین):

آخ نتجه کتف چکمه‌لى ایام ایدی،
اوئند اکم اووزلادی وطن خام ایدی!

سید اشرف الدین حسینی (نشريه‌ی نسیم شمال):

آخ عجب ایام خوشی داشتیم،
حجهت و احکام خوشی داشتیم!

همچنین «علی اکبر دهخدا» تحت تأثیر مکتب ملانصرالدین و به پیروی از آن و با امضای «دنخو» و با عنوان‌های «چرند و پرند»^{۱۰} به فیله‌تون نگاری روی آورد. دیوان ترکی بر جای مانده از او نیز تحت تأثیر مستقیم اشعار طنزی میرزا علی اکبر صابر شاعر یکه تاز نشريه‌ی ملا نصر الدین سروده شده است.^{۱۱}

تأثیر جریان ساز نشريه‌ی ملانصرالدین در تکوین نشريات و ادبیات انقلابی ترکی و فارسی در ایران، بیش از آن است که در این مجال کوتاه بتوان پیرامون آن بحث کرد و حق مطلب را ادا نمود. شایان ذکر است که جلیل محمد قلی زاده در سال ۱۳۱۰ ش. به یاری روشنکران و رجال فرهنگی تبریز مانند محمد علی تربیت، ابوالفتح علوی و آذری‌وند، هشت

۸- ناظم آخوندوف. آذربایجان طنز روزنامه‌لری، کۆچۈرن: غ. سپهروی، انتشارات فرزانه، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۲۱ بی بعد.

۹- اشرف الدین حسینی. منتخبات نسیم شمال، تهران، انتشارات علمی.

۱۰- علی اکبر دهخدا. چرند و پرند، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۷.

۱۱- علی اکبر دهخدا، دیوان اشعار، بکوشش عمران صلاحی، تهران ۱۳۶۴.

شماره از ملانصرالدین را در شهر تبریز با کاریکاتورهایی به قلم سید علی بهزاد تبریزی انتشار داد. اوج آوازه و قبول خاطر ملانصرالدین در ایران را در «خطابیه‌ای» که سید اشرف الدین حسینی به دو زبان ترکی و فارسی و خطاب به ملانصر الدین سروده است، می‌توان دریافت:

شعر تو بود لولو شهوار آملا!

نام تو بود شهره‌ی اقطار آملا!

با این همه شیرینی گفتار، آملا،

و بیهوده مزن چانه‌ی بسیار آملا!

بی‌لات ببابسان، ختیمه و خرگاهه ساتا شما،

ائین موللا عمی! چو خدا بیزیم شاهها ساتاشما!

ایراندا اولان خسره‌ی جمیجاها ساتاشما

ژورنالدا بوخلاقی ائله‌مه خار، آموللا!

در نقطه‌ی ففقار تو چون شمع چراغی،

در نقطه‌ی تفليس تو چون بلبل بااغی.

اما به برکهنه پرستان چو کلااغی،

از بس که زدی بر همه منقار، آملا!

جلیل محمد قلی زاده با انتشار ملانصرالدین به کشف بسیاری از استعدادهای جوان عصر خود نیز موفق شد. قلم زنانی که با امضاهای مستعار «الاغلامی»، «جیرجیراما»، «مؤزالان»، «هر دم خیال»، «سیزیم قولو»، «کنثسیز»، «دلی»، «جووه للاحنی»، «حمل»، «خوزرتدان»، «دابانی چاداق» و «هوب هوب» و جز آن به خلق آثار بدیعی می‌پرداختند که اینک ما، همه‌ی آنها را در فصل «مکتب ملانصرالدین» یا «مکتب ادبی جلیل محمد قولوزاده» قرار می‌دهیم.

در سالهایی که وی به انتشار نشریه‌ی «مانصرالدین» اشتغال داشت، چند اثر ارزشمند نیز به قلم آورد که سرآمد آنها نمایشنامه‌ی «اولویل»^{۱۲} است. در این نمایشنامه «شیخ نصرالله» تیپ منفی خرافه‌پرست است که با سوء استفاده از موقعیت خود به کلاهبرداری و عوامگریبی می‌پردازد. این اثر ادبی برای اولین بار در سال ۱۳۱۰ ش. در تبریز به نمایش گذاشته شد. برگردان فارسی آن نیز در ۱۳۵۶ در تهران چاپ شده است.

جلیل محمد قلی زاده پس از اقامت یکساله در تبریز، به باکو رفت و تا آخر عمر در آن شهر زندگی کرد. در سالهای زندگی در باکو به سردبیری نشریه‌های «شرق قادریه»، «یشنی یوں» و «معارف و مدنیت» انتخاب شد و «جمعیت تحقیق و تبعیج آذربایجان» را تشکیل داد و

برخی از داستانهای کوتاه خود نظیر: «بلکه ده قایشیدیلار»، «تاخیل حکیمی»، «ساققالی اوشق»، «شرق فاکولته‌سی» را در این دوران نوشت و لحظه‌ای از مبارزه در راه سعادت مردم و انتشار نشیوه‌های ترقی خواهی و حریت طلبی آرام نگرفت و قلم بر زمین نهاد. تا آنکه در سال ۱۹۳۲م. روی در نقاب خاک کشید.

از آثار مهم دیگر وی «آنامین کیتابی»، «کامانچا»، «دلی‌لر یئیغئناجاغی»، «داش باش کندلی نین مکبی» نیز قابل ذکر است که هر یک از آنها منع اخذ قوت و الهام برای نویسنده‌گان پس از نسل او شده است.

در میان این آثار، چند اثر مشور و داستان کوتاه مربوط به ایران وجود دارد که دغدغه و توجه عمیق این نویسنده‌ی اندیشمند و مترقبی را به سرنوشت هم وطنان خود نشان می‌دهد. مانند آثار مشور: «بی نصیبلر»، «خثییر دعا»، «اوستا زیتیال» و «ایراندا حوزه‌یت». به صورت کتابچه‌ی مستقلی چاپ شده و در فردای امضای مشروطیت میان مردم توزیع شده است. قهرمانان اصلی این داستان کوتاه بسیار جذاب «اوستا جعفر» و «کربلا بی محمد علی» دو تن روستاییان ایرانی هستند که در چاههای نفت باکو به کارگری روزگار می‌گذرانند، آنان وقتی خبر اعطای حریت و مشروطیت را می‌شنوند پیش پیرمردی نامه‌نگار می‌روند و از او می‌خواهند که به مادرشان بنویسد:

«ائی آنا! دئییرلر ایراندا حوزه‌یت، و تریلر.

دقنن قوئسول بیزه خبر و تردی کی بیزیم
پائیمیزی وطنده پایلا یا جاقلا ر. ایندی، آئی آنا،

منیم پائیما هر نه دوشسه گئندر...»

این داستان کوتاه کمدی، ماهیت تاریخی دارد و نویسنده در آن، به زبان طنز به استهزاء و انتقاد شدید از دولتمردان قاجار و «حریتی» که شاه قاجار به رعایای خود عطا کرده است، می‌پردازد. در بخشی از داستان، با استفاده از یک گفتگوی کوتاه، نویسنده بسیاری از مسائل سیاسی - اجتماعی آن روزگار را بازگو می‌کند و مانند آینه‌ای زلال زندگی مردم را به تصویر می‌کشد:

پری نیسا دئییر یو خودا قارپوز چوو الارئ گئرور و حوزه‌یت دن خبر
او لا جاغئینی و یو خوسونون تعییر او لا جاغئینی ساییب قارداشیتا دئییر:
داداش! سن آللاه بو کاغئنی آپار، و تر بیر آداما او خوسون گئرگ بورادا
نه یازیلیب؟

- کربلا بی رضا اول کاغئنی احوالاتینی با جی سیندان سوزرو شدو، و بیر
قدره فیکیر لشیب دئدی:
آئی قیز، پری نیسا، سینیش هنج عاگلین یو خ ایمیش؟

- نیمه داداش؟

قاردادشی جاواب پندردی:

- آئی آخماق، بیر فیکر ائله گئور ایرانداندا بورا حوزه بیت گلر؟

پری نیسا دئلی:

- آئی داداش سن نیمه ائله سوئز دانشیشیرسان؟ ایران نه اوzac پندردی کمی

گلمه سین؟ عربلر کندی اوذور آ؟ آرازین قیرا غیندادی: نه بیر اوzac بیولدو کمی؟

- یاخشی دئیشیس، پری نیسا، عربلر کندی چونخ اوzac پندر دئیشیل.

آمما... اوتنایدان بی اوژه حتا گلر، سیزه، بادام ایچی گلر، توتون، چای،

تیریده ک... بله زادلار گلر. یونخسا و آلاه من عؤمرؤ مده بیر دفه ده ائشیتمه میشم

کمی، حوزه بیت گله ر....

نویسنده در اینجا یکی از ویژگی‌های شخصیتی یکی از تیپهای داستان را از

زبان تیپ دیگری بیان می‌کند بگونه‌ای که خود تیپ دوم نیز شناخته می‌شود. در

ضمون در حین گفتگو طنز سیاسی نیز وجود دارد. آرمانهای توده‌های ستمدیده و

خوش خیالی آنان در همین قطعه قابل لمس است.

گفتار خود را با سخن مرحوم پروفسور یاشار فارایف به پایان می‌رسانم که گفت:

«جلیل محمد قولوزاده برجسته‌ترین نماینده و سردار کاروان روش نوین واقع گرایی در نثر

معاصر آذربایجان به شمار می‌رود»^{۱۳} نثر ما را هم به قله رمانیسم نوین و هم به عمق

رئالیسم تنقیدی حرکت داد.

ملا نصرالدین، دخو و باقی قضایا...

عمران صلاحی

همانطور که بعضی از دوربین‌های عکاسی بو روی سه پایه استوار است، نشریات طنز و فکاهی هم سه رکن اصلی دارد: نظم و نثر و کاریکاتور. روزنامه‌های طنز مشروطه هم روی این سه پایه بهترین تصاویر آن دوره را برای ما به یادگار گذاشته‌اند. به ویژه روزنامه‌ی معروف «ملانصر الدین». این روزنامه که به زبان ترکی آذربایجانی در قفقاز منتشر می‌شد، در هر سه زمینه استادانی داشت. میرزا علی اکبر صابر استاد طنز منظوم بود، جلیل محمد قلی زاده استاد طنز مشور و عظیم عظیم‌زاده استاد کاریکاتور. علاوه بر عظیم زاده، دو کاریکاتوریست آلمانی الاصل که به «روتر» و «شلینگ» معروف بودند با ملانصرالدین همکاری داشتند. این دو کاریکاتوریست کاملاً با روحیات و آداب و رسوم مردم مشرق زمین آشنا بودند. طنز مشروطه تحت تأثیر ملانصرالدین بود. صابر روی سیداشرف تأثیر گذاشته بود، میرزا جلیل روی دهخدا و عظیم‌زاده روی بهزاد کاریکاتوریست که بیشتر با روزنامه‌ی «آذربایجان» همکاری داشت. آن سالها به هفت‌نامه‌ای هم که وسطش سنجاق نمی‌خورد، می‌گفتند روزنامه‌ای مثل روزنامه‌ی توفيق. اگر ما هم هی می‌گوییم روزنامه، تعجب نکنید.



روزنامه‌ی «ملانصرالدین» از سال ۱۹۰۶ ذر قفقاز منتشر شد، یعنی سال پیروزی مشروطیت در ایران، نشریات «صور اسرافیل» و «نسیم شمال» هم از سال ۱۹۰۷ همین طور نشریات طنز دیگر. صور اسرافیل و نسیم شمال برخلاف ملانصرالدین، دو پایه داشتند و فاقد کاریکاتور بودند. اما روزنامه‌ی «آذربایجان» که به همت علیقلی صفروف در تبریز منتشر می‌شد، سه پایه را داشت. روزنامه‌ی ملانصرالدین هم از نظر قالب، هم از نظر مضامون و هم از نظر شیوه روی طنزآوران مشروطه در ایران تأثیر گذاشته بود. کار سید اشرف از تأثیر گذاشته بود و به ترجمه‌ی اشعار صابر رسیده بود. متنها این کار چنان با مهارت و صمیمیت صورت گرفته که اصلاً رنگ ترجمه ندارد و نشان خود سیداشرف را بر خود گرفته است.

میرزا جلیل (صاحب و سر دبیر ملانصرالدین) نام مستعارش هم «ملانصرالدین» بود. دهخدا هم به تبعیت از او نام مستعار خودش را «دخو» گذاشت. اگر صور اسرافیل کاریکاتور داشت حتماً شکل دخو را می‌کشید.

از تأثیرات دیگر ملانصرالدین بر دخو بگوییم. ملانصرالدین تیپ‌سازی و شخصیت‌پردازی می‌کرد. «مثلاً» می‌آمد و انجمنی می‌ساخت و در آن انجمن تیپ هایی را شرکت می‌داد و از زبان آنان مسائل روز را مطرح می‌کرد. دخو هم در «چرند و پرنده» همین کار را انجام می‌داد. اگر در جلسه‌ی هیئت محربین ملانصرالدین، هوپ هوپ و ددمکی حضور داشتند، در انجمن موقعی لات و لوت‌های چرند و پرنده هم خرمگن، ددمی، اوبار قلی، آزاد خان کرندی، اینک علی و سگ حسن دله (منشی جلسه) حاضر می‌شدند و به پیان مسائل روز می‌پرداختند.

این تیپ سازی‌ها و شخصیت‌پردازی‌ها بعداً در نشریات ایران ادامه یافت و تیپ‌های جور نویسنده‌گان را کشیدند و به بیان مسائل سیاسی اجتماعی و ادبی و هنری پرداختند. رضا گنجه‌ای تیپ «بابا شامل» را ساخت، توفیق، کاکا توفیق و گیشنیز خانوم و دکتر مولوی و حتی خر کاکا توفیق را وارد میدان کرد. کیومرث صابری «گل آقا» هم شاغلام را رئیس آبدارخانه کرد. ایرج پژشک زاد در «آسمان ریسمون» با دانشجو و عزیزالخان و دیگران تشکیل جلسه می‌داد و به طرح مسائل ادبی و بی ادبی می‌پرداخت. اخیراً هم منوچهر احترامی در روزنامه‌ی شرق با عده‌ای از شخصیت‌ها تشکیل کنفرانس می‌دهد.

مانصرالدین از نظر موضوع نیز روی دخو تأثیر داشته است. چلیل محمد قلی زاده داستانی دارد به نام «آزادی در ایران» این داستان را قبل از محمد علی فرزانه به فارسی ترجمه کرده است. من هم آن را ترجمه کرده‌ام که ابتدا در سالنامه‌ی گل آقا و بعداً در کتاب «شوکران شیرین» اسدالله امرابی چاپ شد، که در هر دو جا در «درایران» حذف شده است! ماجرا از این قرار است که یک ایرانی برای کار به قفقاز می‌رود و از یار و دیار باز می‌ماند. ناگهان انقلاب مشروطیت اتفاق می‌افتد و خبر می‌رسد که سهمیه‌ی آزادی هر کسی را به خانه‌اش بفرستند. هم‌ولایتی ما نامه‌ای به خانواده‌اش در ایران می‌فرستد و از آنها می‌خواهد که سهمیه‌ی آزادیش را برایش نگه دارند. طرف اصلاً نمی‌داند که آزادی اصلاً چیست و گمان می‌کند که یک محموله یا کالا است که توزیع می‌کنند.

در چرند و پرنده هم دهخدا با کلمه‌ی «...» چنین بخوردی دارد. «آزاد خان کرندی یکی از شخصیت‌های چرند و پرنده» هر جا می‌رود، می‌شنود که «... رفت...» او تصوری از... ندارد و می‌پرسد این چه جور چیزی است که هی می‌رود و می‌آید. تصور او از... مثل یک شیء است، مثل تصور همان هم‌ولایتی از آزادی.

این تأثیر گذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها را «یحیی آرین پور» در کتاب ارجمند «از صبا تا نیما» به خوبی نشان داده است.

این تأثیرات از نظر شکرگد و شیوه هم وجود دارد. ملانصرالدین مستقیماً وارد مطلب نمی‌شود. از جایی شروع می‌کند و نم نم جلو می‌رود. خواننده نمی‌داند نویسنده چه می‌خواهد بگوید. ناگهان در جایی مطلب وصل می‌شود به مسائل سیاسی و اجتماعی روز. به قول امروزی‌ها که نویسنده درست می‌زند و سلط خال. دخو هم از این شیوه استفاده می‌کرد. او هم اول به کوچه‌ی علی چپ می‌زد و بعداً وارد کوچه‌ی اصلی می‌شد. مثلاً ملانصرالدین خطاب به ددمکی می‌نویسد: «مگر من می‌توانم بنویسم که در قرائت

خانه‌های باکو جفدها آشیانه کرده‌اند...» دخو هم خطاب به دمدمکی می‌گوید: «من اگر می‌خواستم هر چه می‌دانم بنویسم، تا حالا خیلی چیزها می‌نوشتم، مثلاً می‌نوشتم الان دو ماه است...» هم ملانصرالدین و هم دخو از شیوه‌های دیگری چون نقضیه‌سازی و وارونه‌سازی استفاده کرده‌اند. همین طور از تمثیل. آن دو گاهی نعل وارونه زده‌اند، گاهی به نعل زده‌اند و گاهی به مینخ و گاهی به در گفتگویان که دیوار بشنوش.

هیچ هنرمندی نیست که تحت تأثیر هنرمند پیش از خود نباشد، این تأثیرگذاری‌ها باعث پیشرفت و تکامل هنر است. اگر حافظ از سعدی و خواجه تأثیر نمی‌گرفت، حافظ نمی‌شد.

دخو هم مثل ملانصرالدین از قالبهای مختلف استفاده می‌کرد. گاهی خوانندگان فرضی به روزنامه‌های مکتوب شهری می‌نوشتند و دخو به آنها پاسخ می‌داد. دخو حتی قالب تلگراف و آگهی را هم به کار می‌گرفت.

هم دخو هم ملانصرالدین هر دو از گنجینه‌ی پایان ناپذیر فرهنگ عامه بهره می‌گرفتند. در چرند و پرند هر تبی در غیاب نویسنده به لحن و زبان خودش حرف می‌زنند. بعد از چرند و پرند دهخدا طنزهایی داشته‌ایم که درجه یک بوده‌اند، «وغ وغ ساهاب» صادق هدایت و «التفاصیل» فریدون تولی. در این دو اثر نوع مضمون وجود دارد، اما قالب یک‌نواخت است. در حالی که «چرند و پرند» هم از نظر قالب و هم از نظر مضمون متنوع است، بهتر است دیگر ملانصرالدین را ول کنیم و به چسبیم به دخو.

بیشتر مقاله‌های چرند و پرند حالت روایی دارد و می‌توان آنها را شکل اولیه‌ی داستان کوتاه در ایران دانست. این نکته را پژوهشگر فرانسوی «کریستوف بالایی» به خوبی دریافته است. او در کتاب «سرچشممه‌های داستان کوتاه فارسی» به این نتیجه می‌رسد که دهخدا آغازگر داستان کوتاه فارسی است. داستانی مقاله‌وار که در بطن آن روایی جریان دارد. نویسنده‌گان بزرگ دنیا هم گاهی داستان و مقاله را با هم قاطی کرده‌اند و داستان مقاله نوشته‌اند، مثل توماس مان و میلان کوندراد و بورخس و غیره... همین کار خودش نوعی شیوه‌ی روایت است.

حالا برویم سر نکته‌ای دیگر. دهخدا اولین کسی بود که پژوهی نثر را بر نظم اعلام کرد. او کاری کرد که شعر به شعریت خود برسد و کارهای دیگری را بر دوش نگیرد. به نوعی راه نیما را هم همار کرده است. او می‌گفت وقتی حرفی را می‌شود به نثر نوشت، چرا آن را منظوم کنیم.

اگر در «چرند و پرند» قطعات منظومی دیده می‌شود، آن قطعات دقیقاً کارکرد نثر را دارند. هم استاد سعید تقیی و هم دکتر محمد دبیر سیاقی در چاپ چرند و پرند، بخش‌های منظوم آن را کار



گذاشتند. در حالی که دهخدا این قطعات را در خود چرند و پرنده آورده است. و نه در جای دیگر. این قطعات کارکرد مقاله و قصه را دارند. در دیوان دهخدا اشعاری است که واقعاً شعر است، اما قطعات منظوم چرند و پرنده، در واقع مقالات منظوم است.

دهخدا در جایی، از قالب کنسرت استفاده کرده است. اتفاقی در قوچان افتاده بود. دختران قوچانی را قاچاق می‌کردند و به روسیه و فرقان می‌بردند تا در کافه‌های آنجا آواز بخوانند که بعدها معلوم شد بعضی از مقامات محلی آن دوره در این کار دست داشته‌اند. دهخدا هوشمندانه از قالب کنسرت سود برده است. او می‌توانست در این باره مقاله بنویسد، اما همین که می‌بیند قضیه مربوط به کافه و کنسرت می‌شود، قالب کنسرت را انتخاب می‌کند. در این کنسرت دخترها آواز می‌خوانند و تمام شخصیت‌ها از روی حرفهایی که می‌زنند، شناخته می‌شوند. دهخدا نمی‌گوید چه کسانی در این کنسرت حضور دارند و یا تماسچی‌ها کی هستند، یا آوازه خوان‌ها چه کسانی‌اند. به ماهیت افراد از روی حرفهایشان بپرسیم. در پایان کنسرت، عده‌ای به روسی و عده‌ای به ترکی شعار می‌دهند. از روی این شعارها می‌شود فهمید که چه کسانی در این کنسرت حضور دارند. جای این کار نمایشی دهخدا در چرند و پرنده است، نه در دیوان اشعار او.

کمی هم از نقش مطبوعات در مشروطیت بگوییم. مبداء تاریخ ادبیات امروز ما همان سال مشروطیت است. ۱۳۱۴ هجری قمری مطابق با ۱۹۰۶ میلادی. ادبیات امروز ایران از این تاریخ به بعد است که شکل می‌گیرد. این ادبیات، برآمده از مطبوعات است. اگر مطبوعات مشروطه نبود، نه دهخدا پیدا می‌شد و نه سید اشرف، مطبوعات برای نوشتن و سرودن و کشیدن (البته کشیدن کاریکاتور) انگیزه ایجاد می‌کردند. در جایی خواندم که میرزا جهان‌گیرخان صوراسرافیل و میرزا قاسم‌خان تبریزی، مدیر صور اسرافیل و صاحب امتیاز آن، دهخدا را توى اتاق حبس می‌کردند و مقادیر زیادی سیگار و کبریت دم دستیش می‌گذاشتند و می‌گفتند «تا مقاله ننوشتم، از اتاق بیرون نیا». دهخدا هم در آن اتاق می‌نشست و این «چرند و پرنده»‌ها را می‌نوشت. اگر روزنامه‌ی صور اسرافیل نبود و عملیات سوخت رسانی! این دوستان هم نبود، این شاهکار تأثیرگذار ادبی هم بوجود نمی‌آمد. این دو دلها سرانجام به نتیجه رسید. امیدوارم دو دلای دیگر هم (از هر نوعش!) به نتیجه برسند. البته نتیجه مطلوب.

مولاناصرالدین ژورنالی

و

آذربایجان روزنامه‌سی حققیندا



میر هدایت حصاری

بو ایکی نشریه باره‌ده موبایحیثه گیرمه‌دن اویل، او نشريته‌لر و اوئنلارین موڈيرلری باره‌ده آز- چونخ معلومات اله وئرمک گره کلى گۇرۇنۇر.

اۇنچە مولاناصرالدین و میرزا جلیل محمدقولوزاده حققیندا

آذربایجان ادبیاتی و ائله‌جهده شرق خالقلارى ئىشلەنەن ايجىتىماعى مفکورەسى نىن اينكىشافى تارىخىنده اوئىملى رول اوينىاتان و يىتى بىر مرحلە يارادان ميرزا جليل محمدقولوزاده ۱۸۶۶ - يېرى (۱۱۸۲ هىجرى قمرى) ايلىين فئۇراڭ آىيى ئىشلەنەن ۱ سىنە، ناخجۇوانى ئىشلەنەن ياخىنلىيغىندا «نهرم» كىندىندا، كاسىئب بىر ايرانلى عايىلەدە دۆننەيا گۈز آچدى. تحصىلاتىنى ناخجۇواندا قدىم سايانى مكتىپلرده قورتارىب و فارس و عرب دىللەرىنى اوئىرنىدىكىن سۈزىر، آتاسى اوۇن گورجۇستانىن قورى شەھىرىنде زاقاقمازىتا مۆعەللىم لر دانىشىرسا ئىنا گۇزىندردى.

بىش ايل اورادا اوخوماق اوتون فيكىرىنى و ذەنھىنى آچىپ و آيدىن لاشىدى ماقدا و اوۇن خورافا تدان آيىئىب، رئال فيكىرلر تاپماقدا اوئىملى بىر رول اوينىادى و اورادا روس دىلىنى دە اوئىرنىدى.

۱۸۸۷ - جى ايلده دانىشسرانع بىتىرىدىكىدە، اىرۇان ياخىئىنلەغىئىندا اولان «اولوخان» كىندىنە مۇعلىيم تعىين اولدو. آز سۇنرا «شىرور» قىضاسىئىندا «باش نورا شىئىن» كىندىنە كۈچۈرۈلدە. او رادا اىلک بىدىعى اثرى اولان «چائى دسگاھى» آدلۇ منظوم بىر پىشىسى يازدى. او مۇعلىيملىك پىشەسىنى اوركىدن سۇپىرىدى. ئىتىن حالدا كىچىك داستانلار يازماقلا مشغول ايدى و كىنلىرىن آغىز ئاشاپىش شرىايىطى اىلە ياخىئىندا تانىش اولوردو. ۱۸۹۰ - جى ايلده او فۇ نهرم كىندىنەن مكتىبىنە ناظارتچى كىمىسى گۈندرىدىلر. او تون ۱۰ ايل داۋام ائدىن تىعلمىن و تربىيە فعالىيتنى نىن ۸ اىلى او رادا كىنچدى و بىر نىچە اثرينى او رادا يازىب، ياراندى.

۱۸۹۷ - جى ايلده ميرزا جليل محمد قولوززادە مۇعلىيملىشى بوراخىب نخجۇوان و اىرۇان شهرلىرىنە دەۋولت ايدارەلىرىنە ايشلەمە يە باشلادى و همان اىللەرەدە فۆرەست تاپاراق مطبوعات صحىفەلىرىنە گۈرۈنۈمە يە باشلادى.

۱۹۰۴ - جو ايلده آنجاق بىر حادىشە او فۇ تىفلىسى گىتىرىپ، چىئىخارتدى. او حادىشە بوايدى كى، او تون حىيات يۈلەشىنما بىر خستەلىك اۆز و تىرىدى و او خستەلىشىن مۇعالىجهسى او زامان آنجاق تىفلىسىدە مۆمكۈن اولدو غۇنا گۈرە او فۇ اۆزۈ اىلە گۈزىرۆب تىفلىسى آپاردى.

او رادا آدرىياجان دىلينىدە نشر او لان «شرق روس» آدلۇ بىر نشرييەنин مۆددىرىيەن دەۋامىدا شاه بختىلى (۱۸۴۸-۱۹۳۱) اىلە تانىش اولدو. يازىدىغىن «پۆست قوتىسو» آدلۇ كىچىك داستانى او نا و تىرىدى و او او خوتىوب بىتەن دىكىدە، او فۇ روزنامەسىنە امكداشلىق اشتەمە يە دعوەت اشتىدى. بىلەلىكىلە محمد قولوززادە ۱۹۰۳ - جو ايلدەن او نشرييە اىلە امكداشلىق اىندرىك تىفلىسىدە قالىئىب، حقىقى مەعنادا مطبوعات عالىيەنە آتىق قۇيدۇ. يازىدىغىن بعضى كىچىك داستانلارئ او رادا نشر انتىدى.

مولاناصرالدين مجللەسى تاپىتىلەر

«شرق روس» نشرييەسى بىر مۆددىدىن سۇنرا باغانلىدىقىدا، محمد قولوززادە تىفلىسىدە كى روس مطبوعاتىندا اىشتراك ائدىر و دئمۇكرا提ىك «وزرائىزتىنە» (اتتباه = آتىئىلماق) روزنامەسى نىن مۇسلمان شۇعېھىسى نىن مۆددىرىيەت وظيفەسىنە چالىشىشىر. بو زامان مۆترققى يازىچىن و ايجىتىمماعى خادىم او لان عۆمۈر فايىئق نعمان زادە اىلە بىرلىكىدە «شرق روس» روزنامەسى نىن مطبعەسىنى آلاراق «قىشىرت مطبعەسى» آدى اىلە مۆختتىلif كىتابلار، ورقەلر نشر ائدب آهالى آراسىندا يايىشىلار.

آذربایجانی

او زامان تزار حۆکومتی روزنامه نشر ائتمەیه اصلن ایجاھە و ترمسىردی. لakin ۱۹۰۴- جو ايلده روس و ژاپون مۆخارىبەسى اينانىلماز حالدا روس دۇولتى نىن شىكىستى ايله باشا چاتىپ ۱۹۰۵- جى ايلده صولح مۇقاۋىلەسى آمرىكادا ايمضالاندىقىدان سۈزرا روسييەنىن هر يىشىنinde عۆصىيانلار قاوزاندى و روسيىدە بىرىنچى اينقىلاپ اوز و تردى، اوتون دالىئىجا نىسسى بىر آزادلىق يىا اۇزباشىنالىق آرایا چىخىدىقىدا، محمدقولوزادە بو فۇررصتىن اىستېفادە ئىدەرک مۇللانصرالدين مجللەسى نى يۈلا سالدى. مجللەنىن بىرىنچى سايىت ۱۹۰۶- نجى ايل آپريل آيى تىن يىشىدە سىنە (۱۴ صفر ۱۳۱۴ هىجرى قمرى) مىن نۆسخەدە و اىكىنچى سايىت ۱۰۰۰- تىراز ايله سۈزرا ۵۰۰۰ تىراز ايله چىخىپ چۈخلو مانشىلەرە و چتىن لىكلەرە باخماياراق هر يىرده يائىئىلاق، شۇھەرت و محبوبىيەت تاپىپ، تام علاقە ايله قارشىلاندى.

بو نشىريە آذربايچان ادبىياتى عالىينىدە اوز و تىرن تارىيخى بىر حادىشە ئىدى. خۆصوصى ايله همان ايل ايراندا مشروطە اينقىلاپى جىئاندا ايدى و بو نشىريە و اوتون مۆدىرۇ محمدقولوزادە و سايىر يازىچىلارى و شاعيرلىرى [عبدالرحيم حق و تىرىدى يىشۇ، محمدسىعىد اردوبادى، ميرزا على اكابر صابىر (طاهرزادە)] ايران اينقىلاپىنى نظرى آلتئىندا ساخلايىاراق اوتنا جان ياندېرىپ، يۈل گۇستەرىپ، خطرلىرى خاطېرلاداراق اۇنلارا ھۆشدار و تىرىدىلەر. اوتون تمام سايىئىلارىنىدا ايرانلا ايلگىلى مطلبلىرى گۇرمگ اولاрадى. خۆصوصى ايله صابىرین شىعرلىرى او جۆملەدن ستارخانىن تعرىفىنە دىئىشى شىعرى مۇجاھىدلەرین سىنگەلىنىدە الدن - الـ گىزەرک دىللەرین ازبرى ايدى. اۇنلارا روحىيە و قۇدرەت و تىرىدى. «عباس صحت» بو بارەدە دىشىر: «صابىرین عۆمۇزۇن سۈن بىش ايلينىدە دىئىشى خەيدەتلىقىدى» بو مجللەنىن گۈزىل و رىنگلى كارىكتورلارىدا يازىلارى كىمى ماراقلۇ و معنالى ايدى. بو كارىكتورلارئ اوتون مهارتلى نەقاشىلارئ: عظيمزادە، روتشر، آلمانلى شلىنگ. (اصلينىدە: اوسكار ايوانوچ شمرلىنگ) و نىچە نفر آتىلارئ چىكىدىلە.

بىلرىك كى، محمدقولوزادەنىن اصلى خۇىلۇ ايدى. ۱۹۱۰- نجى ايلده بىر يۈللىق قالماق قىسىدى ايله آتا- بابا يوردونا (تېرىزە) گىلدى و مۇللانصرالدين روزنامەسى نىن ۸ نۇئەرسىنى اوزادا چىخارتىدى. لakin اوتون دۇغما يوردو اوئۇرۇندا ساخلىئىتا بىلەدى. بىر ايل سۈزرا (۱۹۱۱- نجى ايلده) يېنى قوروغان شۇرۇسى حۆكمىتى نىن دعوتى ايله باكى ئىنا قاينىتىدى و اولنەدك (۱۹۳۱- دە وفات اشتىدى) اوزادا عىزىزت ايله ياشايىپ، يازىپ، ياراتدى.

مولاناصرالدین روزنامه‌سی تبریزده نشر اولاندا آذربایجانیئن مشهور نقاشی میرمصورین ۱۶- یاشلی اوغلو «سیدعلی بهزاد»، عظیم‌زاده‌نین کاریکاتورلاریندان تأثیرلئیب، ایلهام آلاراق چکردى.

مولاناصرالدین روزنامه‌سی نین ایراندان علاوه ساییر شرق اولکەلری نین خالقلارئى آیتىلدىب، فيكىرلىرىنى آچىش، دوشۇنجه‌لرىنى يۈكىسلەتكەدە چۈخ بۇيۇك تأثیرى اولموشدور.

ایندى ده «آذربایجان» روزنامه‌سی و اوونون مۆدیرق صفراوون حاققىندا

۱۹۰۶ - جى ايل آوقوست آئىئىن ۵ - يىنده (۱۴ مرداد ۱۱۸۵ شمسى) مشروطه فرمانئ قاجار شاهى مظفرالدین شاه طرفىنندن ايمضلانىب، اعلان اولدوقدان سۇنزا چۈخلۇ روزنامەلر تبریزده نشر اولماغا باشلادى. بو روزنامەلرین ايلكى تبریز انجومىنى طرفىنندن نشر اولدو. بو نشرىيە تبریز انجومىنى نين خېلەرىنى يازىئىرىدى و اىكى گۆنەن بىر چىئىخىب يائىچىلەرىدى. روزنامەنین مۆدیرق ميرزا على اكىرخان ايدى. بو يارىئىم وزق قطعينىدە نشر اولان روزنامەنин ايلك سايىئىن آدىنى «روزنامە مىللە تبریز» قۇيدولار لاكىن «مجليس» كلمەسىنى مۇناسىب گۈرمىدىكە يازارىئىن تكلىفى اوزىزه او نۇمرە حاضىر اولدوغۇ حالدا قىيراغا قويولدو، همان گۆنەن بىر آپرىئى نۇمرە «روزنامە ملى» عۇنوانى آتىشىدا نشر اولدو. داما سۇنزا بىرده دىيشىلىپ «انجمىن» آدى ايله يائىچىلەرى. آمما بو روزنامەلرین ان مىھەرۇ و آپىرىئىلى سى تبریزده نشر اولان «آذربایجان» روزنامەسی ايدى بىر ايل آز- چۈخ داۋام اندىن بو روزنامە ۱۰ يا ۱۱ نۇمرە چاپ اولدو (اىدوارد براونون ۱۱ - نۇمرە يىنده اولدوغۇنوايدىدعا ائتمىشىدى) بو روزنامە مولاناصرالدین ساياغى طنز و ايتىقادى بىر روزنامە ايدى و مولاناصرالدین كىمى طنزىلى كارىكاتورلارى اولوردو. بو روزنامەنин بىنائىئى قۇيىان تبریزىن آزادىخواه تاجىرىلىرىنندن بىرى اولان حاجى ميرزا آقابلورى و يازانى اىسە مشهور ژورنالىست ميرزا عىلەقلى صفراوون ايدى. «روزنامەنин ايلك سايىئى ۱۳۱۵ - هىجري قمرى، محىم آئىئىن ۶ - سىندا و سون سايىئى ۱۳۱۵ - جى ايل شوال آئىئىن ۶ - سىندا نشر اولموشدور (صفراوون ۶ ۱۳۱۶ هىجري قمرى ده اولدو) آذربایجان روزنامەسی مولاناصرالدین شىوه‌سی ايله رفتار اندىردى و مولاناصرالدینندن كىچىنە آذربایجانىن ان ياخشى طنز روزنامەسی ايدى و قورقوشوم حرفلرى ايله چاپ اولوردو.

بوراسىئدا ماراقلى دىئركى، محمدىلى ميرزانىن ولىعەدلەتى زامان تبریزده اۆزىل بىر چاپچاناسى وارايدى.

تهرانا گشدرکن حاجی میرزا آقا بلوری اوئنو آلدئ و آذربایجان روزنامه‌سی و بعضی اینقلابی نشریه‌لر اورادا چاپ اوْلوردو. بونودا دئیه ک کی، بو روزنامه ستارخانئن هومتی ایله و تجربه گلمیشدی. صفراؤ و اوزوْدە تجربه‌لی بیر مطبوعاتچی ایدی اوندان قاباق نىچە روزنامه چىئخارتىمىشدى. اوْ جۆملەدن:

- ۱- «اقبال» هفتەلىشى، داش باسما شىوه‌سی ایله تبرىزدە نشر اوْلوردو.
- ۲- «احتياج» هفتەلىشى، تبرىزدە داش باسما شىوه‌سی ایله نشر اوْلوردو. ۱۳۱۶- هيجرى قىرى دە ۷- نسومە نشر اوْلدوقدان سۇنرا آذربایجانئن اوْ زامان کى حاکىمى اميرنظام گروسى نين حؤكمو ایله باغانلىدئ.
- ۳- شب نامه، هزل بير روزنامه ايدى، ۱۳۱۰- هيجرى قىرى حۆددۈندا تبرىزدە نشر اوْلوردو.

بونلاردان علاوه صفراؤ و بير زامان تىفلىسىدە مۇللانصرالدين ژورنالى ایله امكداشلىق اندىب، تجربه تاپمىشدى. اوْزوْدە صابىر شىوه‌سیندە شعر قوشوب آذربایجان روزنامه‌سیندە چاپ ائديردى. اوْ حتتا صابىرىن «مېلىلت نىچە تاراج اوْلور، اوْلسۇن نە ايشىم وار» مطلع لى ايلك شعري نين ترجومه‌سینى دە چاپ اشتىمىشدى. بو شعريين مۆترجيىمى «حڪمت» روزنامه سى نين مۆديرق میرزا مهدى خان ايدى. (از صبا تىيماج، ۱، ص ۵۳)

آذربایجان روزنامه‌سی دىدىيىمىز كىمى مۇللانصرالدين ژورنالى ئىن شىوه‌سیندە يازىلئىردى و بعض دە اوْسونلا باش - باشا قۇزىاراق طنزلى حالدا مۆباحىھە ائدهرك، دئيشىردىلر.

آذربایجان روزنامه‌سى نين دۇزره‌سی (۱۰ - نومرەسی) ايرانئن مىللە كىتابخاناسىئندا و شورا مجليسى كىتابخاناسىئندا واردىر. بو روزنامه تبرىزدە ايلك دفعه قورقوشوم حرفلىرى ایله چاپ اوْلان نشرىتەدىر.

موللانصرالدين ایله آذربایجان روزنامه‌سى نين دئيشىشمەلرى

دىدىيىمىز كىمى مۇللانصرالدين روزنامه‌سى نين يازىچىلارى و خۆصوصى ایله اوْسون بۇۋەك شاعيرى صابىر ايرانين مشروطە حركتىرىنى ايزلەتكى اوْ يۈلدا چالىشان آزادىخالالارا و مۆجاھىدلەر جان ياندىراراق اوْنلارئ تشويق ائدب، سەھىلىرىنى و خطالىرىنى خاطئىرلاداراق اوْنلارا يۈل گۆستەرير و تكلىفلەر ائديردىلر. بو بازەدە خۆصوصى ایله صابىرىن طنزلى شىعرلىرى چۈخ ماراقلى و تأثيرلى ايدى. صابىر اوْ زامان ايراندا اوْز و تۈن مۆھۇم حادىھەلرى دۆزگۈنلۈكە

سچیر و اونو اینجهله بیر و تام صداقتله نظمه چکیب و حتتا گله جک حادیشلری قابقدان
گورنمه لیک ائديردی.

او ۱۹۰۵ - جی ايلدن وفاتینا (۱۹۱۱ - جی ايله) ده ک ايرانئن اينقیلايی حادیشلری
صایپرین اساس طنز موّضوسوایدی. صایپر بو موددتده ۱۰ - دن آرتیق اشعارئنی ایران
اینقیلايینا حصر ائتمیشدی. اینقیلايین تام مرحله‌لری: محمدعلی‌شاه - یین ریتاكارلیغی،
فداچی‌لرین و موجاهیدلرین دیلاورلیکلری، میللی سورا مجلیسی‌نین کیفایت سیزلىشی و
سوستلوغ، شاه - یین روس‌لاردان و آوروپا ایمپریالیسمیندن کۆمکلیک ایسته‌متسی و نهایت
اینقیلايین شیکست تاپعاسی بوتولوکله صایپرین شعري‌نده اینعیکاسینی تاپمیشدی. بعضن ده
آذربایجان روزنامه‌سی او شعرلره صایپرین اوْز سبکی ايله جاواب و تریب و بیر - بیرلری ايله
دشیشیر ديلر.

آزادلیق حرکتی ایراندا گون به گون گئيش‌لندیشی حالدا مورتجمع لرده ساکت
او تورمايیب، جوّر به جوّر دیسيسلرله اوْزلرینی آزادیخاه‌لارین جرگه‌سینه قاتیب اونلارئ آل
دیلى ايله آداداتماغا چالیشىر ديلار. او جۆملەدن: ۱۳۱۱ - جی هـ. ق ايلین ده اوْلکەدن سۈرگون
اولونان مېزاعلى اصغرخان اتابک اۆزچ ايل يارىم‌دان سۇنرا ۱۳۱۵ - جی ايلین باهارئىندا دۆباره
ایرانا چاغرئیب، سورا مجلیسی‌نین کیفایت سیزلىشی نتيجه‌سیندە، يىئنى دن صدر اعظم لیک
مقامینا قۇنۇلدۇ. بو زامان صایپر بير طنز و ایتیقادى شعرا ايله ایران آزادیخاه‌لارینا مۇراجىعه
ائده ک دئیشىدىر (مۇلاتصرالدین ۱۱ ماي: ۱۹۰۷)

ھە دىء گۇرۇم نە اولدو بىس، آى بala ايددىعالرىن؟

دۇتموش ايدى يىشى گۆۋەن ناللەلرین، نوڭلارىن ...

يۇنخسا قالىشىدا عىتىيىنى بوشلامىسان ادارلىرىن؟

شىمىدى حريف، سۆز ھمان من دئىيەن اولدو، اولمادى؟

سن دئەمە دىن مى ساغلامام، يۇخ بىنىمە بىر مرض؟

من دئەمە دىم مى جۇوهرى نەفسىنە حىررص اوْلۇپ عرض؟

سن دئەمە دىن مى شخصىمە ال تاپا بىلمە تىپ قرض؟

تاكى، اولوندو ايمتحان، من دئىيەن اولدو، اولمادى؟

انجۇمن اھلى نىن قۇچاق، سن دئەمە دىن مى، بىر تكى،

و ئىرمە يەجک رىضا گله، اوْلکە مىزە اتابكى؟!

نه اولدو كى، تىز بوشالدى بىس ايش گۇرن انجۇمن دەكى؟

کوئنه قابی، همن دبان، من دئین اولدو، اولمادی؟

سن او دئیلدن می، دئین: دوم - دور اوميدگاهیمیز؟

من دئمه دیم می، وار بونا دوم - دورو ایشتباهیمیز؟

باکی و کیلی گشتدم، اولدومی دادخاهیمیز؟

گشت هله خایین، دولان، من دئین اولدو اولمادی؟

بو شعر عرب بنددیر قالان ایکی بندده دئیرکی:

سن دئین وار ایتihadیمیز من ده دئیم کی بو سوزه

یوخ بیزیم انتیمادیمیز ... ایندی پرده آچیلدن ناگهان، من دئین اولدو، اولمادی؟

سونرا ۱۳۱۵ - جی ایل رجب آییندا اتابک، عباس آقا تبریزی نین الینده اولدوز کدن

سونرا تیفليسده «تازه حیات» روزنامه سی بیر شعرینده صابیره جاواب و تبریز و تبریزین آذربایجان روزنامه سی ده همان سبکده صابیره بله جاواب و تبریز:

هه گوروسن یشینده دیر بیر به بیر ایدیعامیزی

گور نشجه موستجاب اثدیب تارئ بیزیم دو عامیزی

و تردی کمال-ی لطف ایله مطلب و مدد عامیزی

ایندی نشجه اولدو موللاعمی، من دئین اولدو، اولمادی؟

انجومن اهلی نین دئین قشیرت و هیممتی گرک

سن سایانی کناره قوی؛ گورکی نهر سایار فلک

من دئمه دیم اتابکین واردی باشیندا بیر کلک

ایندی نشجه اولدو موللا عمی، من دئین اولدو اولمادی؟

سالمیشیدی تزلزله جانیمی و اوطن سسی

گلدي قولاغه ناگهان قاصید خوش سوختن سسی

ناللادیلار اتابکی باتدی بونشیدن سسی

ایندی نشجه اولدو موللا عمی، من دئین اولدو، اولمادی؟

بو شعر ۸ - بندایدی لاکین سوزه چوخ اوزاتماماق اوچزون تکجه اوچ بندینی نقل

اثتدیک - (آذربایجان نویمه ۱۶)

صایپر بو شعره موللار نصرالدین روزنامه‌سی نین (۱- اوقيتىپاپر ۱۹۰۷) تارىخلى نۆمرە سىنده جاواب وئرەرك آزادىخاھلارىن سادەلىقىنه گۈلۈر و ایران مىللەتىنە سىفارىش ائدىرىكى آيىق اولسونلار و مۆبارىزە دن ال گۇرۇرمەتىب، يورولماشىنلار:

لۇزۇغلاشىب آڭۇرمەميش چۈخدىا بىلە قىئىيلداما
تىرىپەسىز اوشاق كىمى بۇش - بۇشۇنا هېرىئىلداما
باش قولاغىن دۆزەلمەتىب چۈخدىا باشىب گۇرۇلداما
دېنە، دانىشما، يات بالام، سەن دېتىن اولماشىب ھەلە

مۇنتظيم اولماشىش عمل رۇونقى-ى كار اولورمو يى؟
صۈبىح طلوع اشتىمەميش وقت-ى ناھار اولورمو يى؟
بىر گۈل آچىئىلماق اىلەدە فصل-ى بهار اولورمو يى؟
دېنە، دانىشما، يات بالام، سەن دېتىن اولماشىب ھەلە

قتل ائلەدىز اتابكى، من كى بو امرى دانمىئرام
واز يىشىنە مىن اتابكىز، يۇخسا من بۇنۇ قانمىئرام
كۇزەنە قابىئ بو تىزلىتىنە، تازەلشە اينانمىئرام
دېنە، دانىشما، يات بالام، سەن دېتىن اولماشىب ھەلە

آرخا سو دولماشىب ھەلە
كۈزەنە ايدارە نىز دورور
رنگى دە سۈلمۇرىپ ھەلە

بو شعرىدە ۷ - بىندايدى، بىز آنجاق ۳ - بىندىنى بورادا نقل ائلەدىك - آذربايچان روزنامەسى بو شعرى دە جاواب سىز قۇيماشىب ۹ - بىنلى بىز شىعرى دە اونا جاواب وئرەرك دېتىرىكى، بىز بۇ آزلىقلارى و بۇشلوقلارى اۇزۇرمۇز بىليرىك واقتىندا اونسالار ئەرەجەتىك:

گر اولايم آخۇش دىماغ عازىم-ى مۆلک-ى كوى-ى «رى»
مۆمكۈن اولورمو بۇ يۇلۇ بىردىن اندك تمام ئىنى؟
تۇرکۆ دېتىر يَاواش - يَاواش، لفظى عرب شوئى-ى شوئى
سەنە كى يۇخدۇ حۇوصلە، دېنە، دانىشما، صىبر ائلە
سەن دېتىسەن كى قىشىش گۈزۈ مۆسىم-ى فروزىن اولا

من دئييرم کي فصل-ى دئى گشتمسه كيم امين اولا
 باخما رينيانى سۈزىلە، قلب گرک امين اولا
 سىنده کى يۇخدو حۇوصلە، دينمە، دانىشما، صبر ائله
 چۈخلارئ اولكەدن قىراق باخدى بىزە هىئىلدادى
 اسکى قابىء دابانى تك بىر نفسمە جىئىلدادى
 دۇوز-ق زمانى گۇرمەدەن فيئرفيشا تك فيئريلدадى
 سىنده کى يۇخدو حۇوصلە، دينمە، دانىشما، صبر ائله
 «بار عتاب دىشمنان بىس كە نىشتە بىر دلم»
 دۇستوموز اولكەدن اوزان، بىس كىمە درىيى دئىم
 «كىز طرفى تو مى كشى، از طرفى سلاسلم»
 سىنده کى يۇخدو حۇوصلە، دينمە، دانىشما، صبر ائله

سن بىلە فيكىر ائتىلەمە كىم ايشلىرىمىز دۆزلىمەدى
 عاريف اولان بىلەر سۈزۈ نۆكتەسى بىر جە كلمەدى
 بىزلىر بى شىندا فەر دۇغروسى ايشە گلمەدى
 سىنده کى يۇخدو حۇوصلە، دينمە، دانىشما، صبر ائله
 كۆز-ى وفايە قۇزمارىق دوشىنى بىز تېككەرىك
 گر سووا يات بىر اولاق، قورخاما يۈزكۈنۈ يۈزكەلىرىك
 ھە ئىشىخىلان انشىشەكلىرى، رمزىلە دستى دېككەلىرىك
 سىنده کى يۇخدو حۇوصلە، دينمە، دانىشما، صبر ائله

۱- شومن دوفر: فرانسيزجا دمير يۈزلۈ معناسىئنادىر.

قايناتاقلار:

- ۱- يحيى آرين پور، از صبا تانيما
- ۲- سيد احمدكسروى، تاریخ مشروطه‌ی ایران
- ۳- ميرزا على اکبر طاهرزاده (صاپير)، هوپ هوپ نامه
- ۴- جليل محمدقولوزاده، سئچىلىميش اثرلىرى
- ۵- رحيم رضازاده ملک، هوپ هوپ
- ۶- على قلى صفروف، آذربایجان روزنامەسى

«مولاناصرالدین» و ایران

توران حسن زاده

کوچورن: فریدون محمدی (آرچان)

→ آمریکا، اینگلیس، آلمان، فرانسه

و.... امپریالیست‌لری:

بیز زور ائنه میریک

آنچاق خاهیش ائنه میریک کی بیزه

دمیر یولو ایمتیازی و تره سن!!!

«مولاناصرالدین» مجله‌سی و ایران مؤوضوسو ۱۰-جی عصرین اوئل‌لرینده اینقیلاپ‌یی حرکات آذربایجاندا دئموکراتیک مطبوعاتیندا اینکیشافین تکان و تردی. بو عرفه‌ده نشره باشلاجیان «مولاناصرالدین» مجله‌سی اوزونون آیدیان ایدیان ایستیقامتینه گوره باشقا روزنامه و مجلله‌لردن فرق‌لنیر و دیقتی داها چوخ جلب اندیردی.

شرق خالقلارئنین خوشوصتی ایله ایران حیاتی و موباریزه‌سی آذربایجان دئموکراتیک ادبیاتئنین گورکملی نۆمايندەلری داییم دوشوندورمۇش اوغلار بدیعی، علتمى و مطبوعاتی فعالیت‌لرینده بو مؤوضوعا گئيشیش يېر و ترمیشىدیلر.

م-ف- «آخوندوو» ن. ب و زیرۋۇ-ع- حاق و تردی اوون «ع.ق. غمگسار». م-س- اوزدوبادی و باشقالارئنین يارادیجیلیغیندا ایران مؤوضوسو مؤھوم يېر توتوور. اونلار شرق خالقلارئنین حیاتیندا هرجوز گئنرى لىيھى و اینکیشافا مانع اولان جەھتلەری كىسکىن صورتىدە طنز آتشىنە تو تاراق، اینقىلاپ‌یی فىكىرین اويانماشىنى، كوتىلەلەلرین دئموکراتیک حقوق‌لار اوغرۇندا موباریزه يە قالخمالارئنا كۆمك ائتمىش لر.

شرق خالقلارئنین خوشوصتی ایله ایران خالقلارئنین حیاتی و ميللى آزادلیق حرکاتی مؤوضوسو جليل محمد قولوزاده يارادیجیلیغیندا داها درین و اطرافلى اىشلەنمىشىدир. يارئم عصىرلىك بير يارادیجىلەق دئۋىزق كىچمىش بۇئۆزك اديبيين بدیعى اثریندە بو خالقلارئن حیاتىندا و موباریزه‌سینە عائيد مسلەلرین قۇيولوشو و اىشتىقىلاندىرىلەمسى بوكۇن اوچۇن دە چوخ اهمىيەتلى دىر.



جلیل محمد قولوزاده هله «مولالانصرالدین» مجموعه سینی نشر استمزدن اول اینقیلابی مطبوعاتدا چئیخیش اندەرک بؤیۆزك وطن پروزیلک خیسی ايله جنوبی آذربایجان خالقى نىشىن آزادلىغى و مدنى اينكىشاۋى اوغرۇندا مۇبارىزە آپارمېشدىر. سۇنرا لار «مولالانصرالدین» مجموعه سى نىن صحىقەلىرىنە درج اشتىرىدىتىن و فيلەتۈنلارىندا ایران حاکىم دايىشەلىنى ايفشا اندەرک خالقىن فلاتكلى و آجىناجا قاللى و ضعىيەتىن اساس سببلىرىنى گۇسترمىشدىر. جلیل محمد قولوزادەنین ايقىلاپ - دئمۇركاتىك دونىتا گۈرۈشۈ اينكىشاۋ اشتىرىكىدە اونۇن ئىزى دە كىكىن سىياسى سجىئە آلشىرى. ادييىن ایران «حۆزىيەتىنن» داخىلى بوشلۇغۇنۇ كىكىن ئىزى دە آتشىنە تو تماسى نىشىن بؤیۆزك تارىخى اهمىيەتى واردىتىر. حيات بو فيكىرلىرىن دوغرۇلۇغۇنۇ تصديق اشتىدى.

ایران زحمت كىش لرى نىن آردىچىل دئمۇركاتىبا اوغرۇندا مۇبارىزە يە چاغشىران ادib ۱۹۰۵ - نجى ايل بىرىنجى روس اينقىلابى تجرۇزەلىرىنندن اوپىرنىر و اوئۇن تبليغ اشتىرىرىن. «مولالانصرالدین» اوز دئمۇركاتىك، ترقى پىروز ايدىتىالى ايله ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ نجى ايل لرده ایراندا باش وئرن اينقىلابى حركت اوندا چۈخ بؤیۆزك رول اوپتامىشدىر. زحمت كىش لرىن قانىئىن سۇران شاه مۇطلقىتىننى دۇزىرىپ، گىشىش خالق كۆزتەلرلى نىن منافىعىنى مۇدافىعە اشتەمىسىنى ج. محمد قولوزادە اولكەن نىن مۇستقىلىيەنى تأمين اىلن بؤیۆزك و جىددى اىصلاحاتلارىن آپارىلماسى نى، ایراندا كى مىللەت لارە مۇختارىيەت و تىرىلمەسىنى طلب اشتىرىدى.

«مولالانصرالدین» مجللەسى هەجنىن اونۇن اطرافىنى تۈپلاشان شاعير، يازىچى و ضيئالى لارىن ایران خالقى لارى نىن حياتىنا دايىر يازى لارى بؤیۆزك تائىر گۆچۈنە مالىكىايدى. مجللە او ضرورى بىر دۇزىرە ياخىن شرقىدە و ایراندا دئمۇركاتىك حركاتىن باش قالدىرىمىسى دۇزىرۇندا نىشرە باشلامىشدى. «مولالانصرالدین» ایران و زحمتكىش لرى نىن يالنىشىر بو گۆنۇ ايله دەتىيل گەلەجك مۇقدراتى لەدە چۈخ ياخىندا ماراقلانىش و بو حاقدا دوشۇرۇدق، بو مقصىدله دئمك اولار كى مجللەن نىن اكتىر نۆزمەلرلىرىنە فيلەتۈنلارا. «سوآل - جواب لارا»، «ائغانلارلا»، «تلەقىتىراف خېرىلى» و چۈخ تائىرلى كارىكان تۈرلەرلا راست گلىرىك.

مجللە ایران اينقىلابىندا خالق آزادلىغى اوغرۇندا مۇبارىزەنلىن قورىبانى اولان قىلم صاحبلىرىنە قىلىن آجىمىشىر و اوز تائىراتىنى ۱۹۰۸ - جى ايلىن ۱۵ - نجى نۆزمە سىنە درج انتىپىي «ازالە - نجاست» آدلۇ مقالە سىنە بىلدىرىرىدى: «ايرانلىق قارداشلار ايله برابر ایراننى مۇصىبىتىنە قۆصەلىنىرىك. وطن يۈلۈندا نامىر جىلالدارلارىن حۆكمۇ ايله شەhadتە يېتىن قىلم صاحبلىرى نىن و قىتىرى مۇجاھىدلرىن پاك روحونا سىجىدە ائدىرىك و ایران مملكتى نىن بو بلادان قوتارىب خۇشبخت اولماغانىنى صىميمى قىلبىن آرزو لا يېرىق».

محلە اينقىلاب چى لارا ایران زحمت كىش لرىنە مۇزاجىعەت اندەرک اونلارى باشا سالىئىرىدى خالقىن قىدار دۆشىمنى اولان محمد على شاهى دفع اىتمك اينقىلابى حركاتى نى قۆوتلىنىرىمك و اوئۇن قىلەسىنە نائىيل اولماق لازىمدىر.

ایران مؤلیف‌لریندن محمدلو عباسی «مشروطه دوّزروندۀ ایران مطبوعاتی تاریخی» کیتابیش موقدمه‌سینده ده ۱۹۰۵-جی ایل اینقیلابین ایلک صداسینی ایرانلی‌لارا چاتدیران مشهور «مولالانصرالدین» مجموعه‌سی نین اهمیتی نین قتیلد اشتیمیدیر. او گوستیردی، کسی مجله بئله بیازی‌لارئ ایله ایران زحمتکش‌لرینه اینقیلابی درس و ترمیش اولدو «مولالانصرالدین مجله‌سی» ایران دئموکراتیک حرکاتی‌نین ایران خالقی‌ئین قددار دوّشمنی اولان موسیبید محمدعلی شاه-ی هر آددیم دا ایفشا اندیر و اوتون ایچ-اوژونو آچیب خالقا گوستیردی. محمدعلی شاه-ین ساقیئن لیغیئنی، اولکه خالقلارینا و تردیتی عذاب‌لارئ، مملکتی داغیدیب خارابازارا چنوردیشنى گوردوکده، چوخ تأثرلئر و بویوک قلب چیریتیشی‌لارئ ایله دئیشیر: «حثیف اولسون سنه ائی منیم گوژل وطنیم» (مولالانصرالدین، ۱۹۰۷ نومره^۵)

«مولالانصرالدین» مجموعه‌سینده ایران اینقیلابی ایران زحمتکش‌لری نین میللی آزادلیق حركاتی‌حاققیندا ان چوخ شعرلر یازان فعاللیق گوسترن شاعیرلردن بیرینجی سی م.ع صابری ایدی. هنچ تصادوفی دئیشل دیر کی، ع. صحت «صابرین آثارئ بشش ایل موددتینده ایران مشروطه اینقیلابیندا بیر اوردو داندا زیتادا خیدمت اشتیمیدیر». سوژلرینی تصادوفی اولاراق دئمه‌میشدی.

«مولالانصرالدین» مجلله‌سی جنوبی آذربایجاندا ستارخانیئن میللی آزادلیق دئموکراتیا اوغروندا قهرمانلیق مباریزه‌سی نی ایزله‌هیر و مورفقیت‌لرینه سئوینیردی. ستارخانیئن شاه او ردوسونا چالدیغی قلبه‌سیندن فرحلمن مجلله بیازیردی: «اینسان حددیندن آرتیق بیر شئی یه سئویننده چوخ واخت دیلى توتولان کیمی اولار و او واخت بیلمزکی، نه دئسین و نه دانیشیشین.

شاه-ین نامرد قوشونلارئ نین باسئیلما غائیئنی انشیدیب آنجاق بونو دئیه بیلدی: «یاشا ستارخان» (مولالانصرالدین، ۱۹۰۸ نومره^۶)

۱۹۰۸-نجی ایلده م-ع صابرین ستارخانا حصر ائدیتی شئعری ده «مولالانصرالدین» ده درج اندیلمیشدیر شاعیر بو مشهور شئعرینده ستارخانیئن وطن پرورلی‌تیندن و قهرمانلیغیئدان آتشین محبت‌له دانیششاراق اوتو شرقین میلیونلارلا ساده آدام‌لارئ نین سئویملی سی کیمی گوسترمیشدیر. شاعیر اوژ شئعرینی خالقین آزادلیغیئنا تبریزلی‌لرین و ستارخانیئن گوستردیتیان قهرمانلیق لارین شرفینه دئدیتی آلقیشلارلا بیتریر:

آفرین تبریزیهان انتدیز عجب عهده وغا!

دوست و دوّشمن ال چالشیب ائتلر سیزه صد مرحا

چوخ یاش، دوّولتلى ستارخان افندیم چوخ یاشا

جنتى اعلا پشیغمبر سیزه ائتلر دعوا

چون بو خیدمت‌لر بوتون ایسلام‌مددیر، اینسانه‌دیر

آفرینیم هیممت-ی ولای-ی ستارخانه‌دیر (مولالانصرالدین، ۱۹۰۸ نومره^۷)

ایران اینقیلابی نین ترنو مونه، شاه-ئین تنقید و ایفشا اندیلمه سینه گوره «مولانا نصرالدین» مجلله‌سی تزار رئیسمی نین سانسورو طرفیندن جزا نمی‌شدی. لakin بونا با خمایاراق، مجلله شاه-ئین فیتنه کار سیاستینی ایفشا اشتمکده داوم اشیردی.

«مولانا نصرالدین» نین فعال مؤخیر لریندن محمد سعید او ردوبادی دا ایران میلی آزادلیق حرکاتینا چو خ بوئۆک اهمیت و تیردی. او مجلله‌نین صحیفه‌لرینده یۆز لرله طنز شعرلر، فیله‌ه تۇنلار و... چاپ اشتدیر میشدی.

یۇرولماق بىلمە ئين شاعير طنز شعرلرینده و فیله‌ه تۇنلاریندا موّهومات، جهالت و نادان لیئىغى تنقید اشتمکله برابر قول وارلیغى، موستمکله چىلىشى كىسکىن طنز آتشىنه تودوردو. اینقیلاجى دئمۆکرات. ایران اینقیلابی نین ايشتیراکچىسى بو اینقیلابا بوئۆک رغبت بىلە ئين على قولو «ع. ق. غمگسار» ایران خالقى نین آغىر وضعىتىنى گۈرەرک كدرلىرى طنز شعرلر يازاراق «مولانا نصرالدین» ده چاپ اشیردی:

گۈرمەدىم من بىر نفر ایرانلى فرباد اشتمەسىن
قوربىت اتلە خانىمانىن دايىمن ياد اشتمەسىن
ظۇلمۇدان قاچمىشلار ایراندان ایرانلى لار
فەھلەلیك، حامبىلىقىن اشتمك دن اوڭۇزلىرى بىلە ياخىرى؟

ياد و نيلات ده كىچىر اوچقاۋۇچ احوالى ئاخىر (مولانا نصرالدین) ۱۹۰۷ نومۇرە ۱۱۰

مجله ۱۹۰۷ - نجى ايلىن ۳ - نجو نۆمرە سیندە ایران مشروطەسى نین يالانچى ماهىتىنى تنقید اشدير، فەھلە زىحەت كىشى لرى آيىق اولماغا سىلە يېرك اوئنلار ئ باشا سالىئر كى، ایران حۆزىتىنى اوميدوار اولماسىنلار، اونا بىلە باغلاماسىنلار.

زامان «مولانا نصرالدین» نين فكىرلرini تصديق اشتدى؛ مشروطەنин عۆمۈرچى چو خ قىيسا اولدۇ. خارىجى ايمپېرالىيستلرلە ایرانئن حاكم دايىرەلرلى - بىر اوڭۇب مشروطەنى بۇغىلار، ايشىرى بشش ايلە ياخىن بىر مۇددىتىدە فاصىلەلرلە چىئىخان «مولانا نصرالدین» ده ایران-ئين ان مۆھۆم ايجىتىماعى - سىياسى و مدنى مسلەلرلى عكس اشتدیرىلمىش، خالقىن، اوئنون آزادلیق حرکاتى نین بۇتۇن مرحلەلرى بارده سۈز دئىشىدلر.

مشروطه اینقیلاپی و مولاناصرالدین مجلله‌سی

م. کریمی



نهمین ۱۲ بهمن ۱۳۴۷

۲۶ ماه



ایشیرمینجی بیز ایلین اوتلرینده، ایرانین سیاستی داوزانیشئی - ایستبدادین حؤکم سوْردوْییز - میلتی فیشار آتیشندان ازیردی. بیزخسوللوق، آجلیق، آغیر و ترگی، دژولت مامورلاری نشن روشو آلماغنی خالقئ جانا گتیرمیشدی. ایش سیز لیک الیندن کندلی لر و شهرلی لر دسته - دسته ایش دالیجا قافقاز شهرلری - چوخراق باکیما گندیدر دیلر. آنجاق اویانیش واختی چاتمیشلدی. میلت اویانمالی ایدی. تکجه ایران چوخ، بوتون شرق اولکه‌لرین اویانیش چاغنی حاضیرلاناقدا ایدی. مشروطه ایسته‌ین لر تبریزدن باش قزوزادیلار. مشروطه‌نی تبریز باشладی، تبریز هیدایت اشتدى و تبریز ده بیتیردی. ایرانین بوتون شهرلری چاخناشیب ایستبدادا فارشی آیاغا قالخمیشلی، نهایت «عین الدوله» ایستیغا اثدیب و «مشیرالدوله» اوونون بیترینده اوْتورو رور. خالقین حركتکنین قورخویا دۆشمۇش «مظفرالدین شاه» مجبور اولاراق مشروطه فرمانیشئی ایمضالایتیر آمما چوخ کشچمه‌دن اوللور و محمدعلی اوونون ولیعهدی تبریزدن تهرانا گلیب آتاسیئین بیترینده اوْتورو رور. آنجاق آذربایجان خالقئ محمدعلی‌نی یاخشى تانیشیر دیلار، اوغا گۇره ده ائتمیاد اشتەمە دیلر.

بیلدیشیمیز کیمی ایرانین بیرینجی مجلسی میلیس لردن اولاراق، سیاست و دۆنیتا داوزانیشیدان خبرسیز اولدوغو اۆچۈن، مشروطه‌نین و اینقیلاپین قدرینی بیلمیردیلر، بىلە اینانیشیدیلار کی، داها اینقیلاپ قورتاریب و اونلارین وظیفه‌سی سۇنا چاتیشلیر. بونا گۇره سوسوب - اوْتورو موشدولار. آمما محمدعلی‌شاه بو فۇرستىدن ایستیفاده اندەرک مشروطه‌نی آرادان

گوژتۆرمەیه چالیشیر. اون، اتابک امین‌السلطانی - عزل اولوب اوژوفپاتا کۆچمۇشدو - باشدان ایرانا چاغئىرېب و صدارتى اونا تاپشىرېر و آنایاسانىن ايمصالاماسىندا باش قاچىزىر.

بو زامان تبريز آياغا قالخىب بازارئ باغلايىب، انجومنلر قوردولار. شىكايەتلر باشلاندى. بىلە بىر زاماندا اتابك ترور اولدۇر. محمد على شاه مجليسى توپا باغلادى. تبريزىن سىسىنە آتىرى شەھىلرده سىن وئىرىدىلر. تبريز اينقىلاپلىن آلشىقان بىر اوچاغى ئولمۇشدور. ستارخان اينقىلاپ بايراغىنىڭ قالدەيىب و ايرانىن بۇتون شەھىلرى بو حركە قارئىشىلار. تبريزى ساكيت ائتمك اوچۇن قۇشۇنلار گۈندىرىلدى. تبريز مۇحاصىرەيە آلئىندى ئاما آذربايجان اىگىدلرى قارشىسىندا دايىانا بىلەدىر. ايرانىن دوشۇنجهلى آداملارى تبريزىن بو جىارت و شەھامىندىن اوزرك تاپىب حركە گىلدىلر. اولكەنин باشا - باشى بىر پارچا اوذ ئولمۇشدو. تەھان-سى فتح ائتمك اوچۇن بۇتون شەھىلردن تەھانا سارى يۈلا دوشۇدلار. شاه روس بايراغى ئەلتىنا سىغىئىندى. آنجاق محمد على شاه، مجلس طرفىنдин خالع اولاراق، ۱۳ ياشلى احمد ميرزانى سلطنت تختىنە قۇوزادى. اىكىنچى دۇنە اولاراق مشروطە و قانۇنلوق ايش اوستە گىلدى، آنجاق چۈنخ زامان سۆرمەدى و «رجال» عۆزۈنى ئىلە بىر سىترا فۇرەست تاپانلار، اصىل اينقىلاپچىلار ئىچىراغا قۇتوب، اوزرلى ايش باشىندا اوچوردولار. مشروطە بوغولوب، قەرمانلار بوجاقدا قالدىلار. مشروطەدىن تىكىجە بىر آد قالدى.

شۆبە يۇنخدور كى مشروطە اينقىلاپنى تىكىجە سىياسى حركەتلىدە يۈزخ، بلکە مدنى فيكىرى يوکسەلىشىدە دە اثر قۇيمۇشدور. مۇختىليف صىنفلر اۋزىزلىنى بىر دۇنۇشە سىياسىتىب، اوندا ايشتىراك ائدب و اۋز وار قۇزەملەنى اۋزە چىخارماشىشىلار. هر حالدا، تارىخىمېزىن بىر مرحلەسىنده سىياستىن علاوه، دوشۇنجه و آمال لاردا اوزرا تاپا چىخىدى. خالقىمېزىن ادبى حىاتىندا بۇيۇزك دۇنۇشلار ياراندى. شاعير و يازىچىلار، قىلمى بىر سىلاح كىمى الله آئىب دۇنۇشە چىخىشىلار. سنگر مۇبارىزەلرى درگى لە چاتىدى. مطبوعات اينقىلاپ اولاىلارىلا برابر، مۇبارىز اىگىدلرىن سىياسى فيكىرلىنى يائىماغا مىتىدان آچدىلار. يازىچىلار يۈز كۆستەرمەيە چالىشىش اينقىلاپلىن معنوى رەھىرىلىشى بۇنۇنلارىنى آلدەلدار. نىچە - نىچە درگى لە مىتىدان گىلدى. بىر درگى لەن عۆمۈرلەر ئاز اولورسادا تأثيرلىرى چۈنخ اولدۇ. بونلارىنى آراسىندا «موللانصرالدين» مجموعەسى بىر پارلاق اولدۇز كىمى هر يانا اىشىق ساچىر و اينقىلاپى معنوى جەھتنان ايرلى آپارىز، خالقىدا و رەھىرىلىدە مۇبارىزە روحونو دىرىيلدىر.

بو زامان چۈنخلو درگى لە مىتىدان قدم قۇتۇر، «موللانصرالدين»، بەھلول، زىبۇر، مرأت، آرى، لىكك، طوطى، مۇھەممەد، باباى امير، تارتان - پارتان، مىشىل تۈركە دىلىنده چىخىشىر، ايراندا فارس دىلىنده نىچە - نىچە درگى بوراخىئىلەر، آنجاق ھامىسى مۇللانصرالدين تأثيرىندا ياتخا بوراخا بىلەمىرىز.

۰ اسنجی عصرین اوْلریننده آذربایجان ادبیاتی و مطبوعاتی اینکیشافیندا، مؤللانصرالدین مجلله‌سی نین میشیل سیز روْلو اوْلموشدور. بو مجلله روسیه‌نین ۱۹۰۵-نجی اینقیلاشندا، ایرانین مشروطه حركاتیندا، تۆركیه حركاتیندا، قیسیسا بیر سۆزله دنسک بۇتون شرق اوْلکەلری نین اینقیلابی حركت‌لرینده گۆجلۇ تأثیری بوراخیب اینقیلابا ياردیمچى اوْلموشدور. او، تزاریزىمى، ایستبدادى، ایرتیجانى هر پالتاردا و هر اوْلکەدە تاپدالا-ئیردى. بو درگى اونلارجا آذربایجانىن بۇیوک یازىچى و شاعیرى نین یتىشىمەسینه ايمكان يارتمىشىدى. جلیل محمدقولوزاده، على اکبر صابیر، عبدالرحیم حق و تریستون، جعفر جبارلى، «غمگسار»، نریمان نریماواون، اوْزىتىپ حاجى بىگلى، محمد سعید اوردویادى، نعمان زاده، عظیم عظیم‌زاده، سعگر زاده، سلمان ممتاز، بايراملى ۋ باشقalarى بو ساحه‌لرde قلم چالىلار. مؤللانصرالدین تكجه قافقاز و ایران خالقلارنىن اوْيانماسىندا يۇخ بلکه بۇتون شرق اوْلکەلری نین اوْيانىشىندا دىرىلى روْل اوْتىنادى. اوْرتا و ياخىن شرقده مؤستملەكە ظۇلمۇنە، مۇطلقىت اوصول ايدارەسینە، مۇوهوماتا قارشى كىكىن ساتىرانىن بايراقچىسى كىيمى تانىشىردى. او، وۇلقا بۇيۇ اوْلکەلرلە بىر طنز- ادبى مكتب ياراتدى. هامىدان گۈزه چارپان و دىرىلى اولان، اونون دۆزگۈن سېياسى - مدنى باخىشى ايدى، بۇتون يازىدىغى تحلیل لر، سېياسى گۇرۇشلار، زامانىن قاباقچىل دۆزىيا گۇرۇشۇ ايله اوْيىغۇن اوْلوردو.

مؤللانصرالدین ایران مشروطه سینە يازىدىغى مقالەلر، فيلەتىنلار، چىكىدىشى شكىل لر، كارىكتورلار، چاپ انتىدىنى شىعرلر بىر زاماندا دايانتايىب، ايندى ۱۰۰-ايل بو حادىشىدەن كىچىرسەدە اثرلر هله دە دىرى، جانلى و تأثیر اندىجى دىر.

مؤللانصرالدین بىرينجى سايىشدا ۱۰۰۰-نۆسخەدە، ايكنىجى سايىشدا ۱۰۰۰-نۆسخە و سۇنرا ۵۰۰۰-نۆسخەدە چاپ اوْلوب يائىلدى. بو درگى هيندوستاندان توپ مىصرە قدر اوْلکەلرلە يايىتلىك، اللرە گزىردى، مجلسىس لرde اوْخونوردو. دىرىلى يازىچىلار هەشىتى طرفىنden مۇوصولار سچىلىك، هر بىر عۆضۇ بىر بوجاغىئىنى آراشدىرماغا جان آتىردى. بوردا هامىدان آرتىق كارىكتورلار اۇنملى روْل اوْتىنادى، بلکه درگى نين حجمى جە يارىسىنى شكىل لر توپوردو. بو ايش لازىم ايدى چونكى خالق ساوا-ادسىزابىدى شكىل لر اونلارئ دوشۇندورە بىليردى و بۇيۇك تبلیغى اهمىتىه مالىك ايدى. عظیم عظیم‌زاده بو شكىل لرلە مشروطە دۆشمنلىرىنى يەشا اندىرىدى و هامىدان آرتىق محمد على شاهى گۆلۇنچە توپوردو، عكس اينقىلاپچى سيمالارئ آيدىن لاشدىرىت، منفى قۇۋەلرى روسوا اندىرىدى و خالقى عدالت سىزلىكە فارشى عۆصىيانا چاغىرىرىدى. بورادا شىعر، فيلەتون، مقالە و كارىكتوردان علاوه، اوْتۇن، حىكايە، رۇماندا يازىلىشىردى.

مولالانصرالدین هامیدان آرتیق ایران مشروطه حرکاتینی ایزله تیردی. هر ساییدا مشروطه حققیندا بیر - ایکی مطلب و مؤوضو وار ایدی.^۱ محمد قولوزاده‌نین مقاله‌لری نین اوچوندن بیری ایران خالقینا و ایستبدادا قارشی حصر اولموشدو. اونون یازدیقلارئ ایران یازیچی‌لارینی هونسه گتیردی و «دهخدا» کیمی بئیتوک بیر یازیچی اوونون مقاله‌لری و فیله‌تونلارئ اساسیندا یازیردی و گاهدان عشینی حالدا ترجمه‌هولوردو.^۲ نریمان نریمانو^۳ - دن آرتیق ایران حققیندا مقاله یازیب - خالقین حرکت‌لرینی ترغیب و تشویق اندیردی. اوژنیشیر حاجی بیتلگلی نین مقاله‌لری ایران مؤوضو عونا چوخ توقوشوردو. هامیدان آرتیق علی اکبر صابیرین شعرلری نین اوچدن بیری ایران مشروطه او لا یلا ریلا ایلگی لی اوولوردو.

صابیر بیر دوشونجه‌لی عالیم کیمی، شعرلری ایله مشروطه حرکاتینا یوژن گوستیردی. اتابک تشور اولدو؛ صابیر تشور ایله موزخالیف اولدوغو اوچون یازیز:

قتل اللهدیز اتابکی، من کی بو امری دانمیرام
و اار یننه مین اتابکیز، یونخسا امللی قانمیرام؟

صابیر بو شعرینده خالقی عتلی حرکت‌لره یئنلدير. بیر اتابکی اولدورمکله، ایش بیتمیر، بلکه مینلرجه اتابکین اولدوغونو، دوشونمک گرکدیر. همین مؤوضو عا آیزیجا بیر شعرینده بله توخونور:

گیرم اتابک اولدوده توب و تو فنگیز هانی؟
بحری عمیقی حریبه کشتی - جنگی نیز هانی؟

محمد علی شاه، مشروطه‌نی بو غمام اوچون، رو سیتالی لیباخوفو تهرانین حربی حاکیمی تعین اندی. مولالانصرالدین «ائی ایران» آدلی مقاله ایله ایرتیجاعا قارشی چیخیش بیر اینه‌هام ایدیعانامه‌سی کیمی سسلنندی.^۴ سوژ یوچ کی، ایرتیجاع بو نشیته نین قارشینی هر نشجه اوولرسا، آلماغا چالشمالی ایدی. شاه دستور و تیریز، مولالانصرالدین مجلله‌سی نین نو سخمه‌لرینی پوست خانا دا توقيف ائدب یاتیلماسی نین قارشی سیئنی آلستینلار.^۵ آمما یننه ده اونون بو تون سایتلارئ مونتظم بیر حالدا ایرانادا چاتیردی. او زلیکله اذربایجان شهرلرینده و تهراندا مولالانصرالدین اللرد گزیردی و هامی اونو اوخویوردو. تبریزده صابیرین شعریندن تقليد ائده‌رک آیری بندلر ده یازیلیب مولالانصرالدین شعری عونوانیندا یاتیلرددی. بو شعرلر، ميللتين شاهها

۱- ناظم آخوندون، آذربایجان ظفر روزنامه‌لری، تبریز، ۱۳۵۸.

۲- بمحی آرین بور، از صبا تا نیما، جلد ۱، تهران، ۱۳۷۱.

۳- صابیر طاهیرزاده، هوپ هوپ نامه، باکی، ۱۹۱۳.

۴- بیرینچی مأخذ، ص ۳۵.

۵- ایکینچی مأخذ ۴۵

نیسبت اولان نیفرتینی آشیکار اندیردی و اینقلاب چیلارئن شاهها قارشی جسار تینی داها آرتیق چون خالدیدردى^۶. عباس صحت یازیردی: صابرین شعرلری ایران حققیندا بیر مؤسلح اوردو کیمی ایران مشروطه سینه خدمت اندیب^۷.

آریانپور دا یازیر: «صابرین شعرلری نین سیاستی دیران بیلینیرکی، شاعیر فاقفازدا اولا - اولا تزار سنتیطره سینده یاشایاراق، ایران خالقی ایله سس بیر اولوب، ایران اینقلایلیندان حیمات اندیردی^۸.»

صابر جسارته مدهلی شاهی لوغaza قویوب، او نو بیر حیله کار، یالانچی جاهیل، فاسید و بوئتو بیوغون تمیل چیسی کیمی ایفشا اندیر. هوپ- هوپ نامه ده ۱۰-۳۰ ۱ شعر تکجه «ممدهلی» عونوانیندا یازمیشدیر. بیر یترده اونون دیلیجه سسله نیز:

میلت نشجه تاراج اولور اولسون نه ایشیم وار
دوشمنله موحتاج اولور اولسون نه ایشیم وار^۹.

آیری بیر شعرینده، مدهلی دیلی له دئیز:

شهم، تاجدارم، قوی شوکتم
ملک اتحیشام، فلک رفعتم^{۱۰}.

و داها بیر شعرینده مملکتی اوجوز قیمتنه حراجا قویدوغونا سؤیله نیز:
چونخ اوجوز قیمتنه هر شئی ساتیرام
آی آلان، مملکت-ی «ری» ساتیرام^{۱۱}

یتنه آیری بیر شعرده مدهلی اوژ مورتعج طرفدارلارئنسی سسله نه رک اولاردان یاردئیم

دیلے نیز:

موزرتعج خادیملریم، ایندی خیدمت واختنی دیر
یاتمایئن، هوشیار اولون، ایش واختنی، قشیرت واختنی دیر^{۱۲}.
کیرلی جمعیت یاپن، مجلس قورون، شونورا اندین

۶- همان.

۷- هوپ هوپ نامه، مقدمه.

۸- آریانپور، همان، ص ۵۰.

۹- هوپ هوپ نامه، ص ۱۷.

۱۰- همان، ص ۱۱۸.

۱۱- همان، ص ۱۳۶.

۱۲- همان، ص ۱۶۷.

رشت - زنجان، ایرانیجاعین هر پنجه ایجرا اندین
 هر ناسیل سا ریشه‌تی مشروطه‌نی ایمحا اندین
 هشیکل-ی منفور-ی استبدادیمی انجنا اندین
 ایقتیاشه باشلاسیش هر پنجه فورصت واختنی دیر
 یاتمایین، هوشیار اولون، ایش واختنی، قشیرت واختنی دیر
 بله قولدور شاه، مملکتی اوژوتوک بیلیر و خالقی اوز موقدراتیشی تعیین اتمده‌یه هنچ
 حقلی سامیر:

من شاه-ی قوی شوزکتم، ایران اوژوموندوز

ایران اوژومون، «ری» - طبریستان اوژوموندوز

آباد اولا، قالسا دا ویران اوژوموندوز

قانون-ی اساسی نه دی، فرمان اوژوموندوز

شووکت اوژومون، فخر اوژومون، شان اوژوموندوز^{۱۳}.

گاهدان صابیر اوژوتون مده‌لی‌یه توتوب اونو هده‌لی‌تیر و دشیر:

دوغرودان دا مده‌لی، قشیرت حلال اولسون سنه!

باغ-ی شه ده اشتديشين عيشرت حلال اولسون سنه!

اهلينه شاه اولدوغون دوپلت حلال اولسون سنه!

و تردیشین مشروطه‌تی میلت حلال اولسون سنه!^{۱۴}

آبرئ بیر شعرینده داها کسگین بیر صورتده بله دشیر:

قم و موختن فزون اولدو سبب بوئنو یومغون اولدو

الیفلر دوئندون اولدو، سبب بوئنو یومغون اولدو^{۱۵}.

بو شعرلرین هامیشیندا گوئل اینیهان نامه‌لار، آجیقلامالار و گولددورمالی سوئزلر وار دیر کی
 خالقدا شاهان نیسبت دوشونجه، اینام و آینیلی پارادیر. بونون یانشیندا موللانصرالدین مجلله‌سی نین
 بوئیوک کاریکاتوریستی عظیم زاده‌نین بو شعرلرین مضمونو یانشیندا گوئل شکیل لری پنجه
 توتور. همین شکیل لرین تأثیری شعرلردن آز اولمامائشیدیر.

بلله لیکله دشیه بیله‌ریک موللانصرالدین مجلله‌سی ایمپیرتالیزم دوزرۇنۇن خالت اینقیلاپى
 حادیثه‌لرینه مؤتبت مۇناسىتى بىلە ئەرك، مۆستىملکه اسارىتى آلتىشىدا اولان بىرتوتون خالقلارئىن آیاغا

۱۳- همان، ص ۱۱۸.

۱۴- همان، ص ۱۳۹.

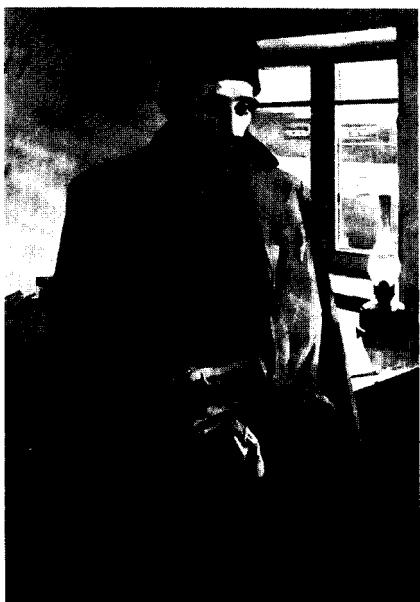
۱۵- همان، ص ۱۱۵.

قالخیب میلی آزادلیق و ایستیقلالیت اوغروندا کی مۆباریزه سینی ده مۆدافیعه اندیردی. شرق عالمی نین اوپاناسی، اساس سیاستی حادیثه لر، «موللانصرالدین» صحیفه لرینده موتنظم صورتده عکس اشدير بیلردى و بو آرادا آذربایجان خالقى، ها بئله بوتون ایران خالقى نین خوشبخت لبىي و آزادلیغى بو مجلله نین اوئن بیلانشىندا يېر توتوردو. «ایراندا حۆربىت» آدلی فیله تونلار آز دئشیل ايدي. بو يازى لاردا، اینقلابى دوغوران بير چوخ سبب لار دۆزگۈن آيدىن لاشىردى، خالقىن قارشىيانا قۇيدوغو سیاستی مقصدلار ایضاح اولۇنوردۇ، اولكەن نین آیرى- آئرى خالق عۆصىيان لارئ نین مقصدى گۇستەريلردى.

«تبریزده ایغىشىش» آدلی بير شكىلدە گۇستەريلردى کى، شهردە عۆصىيان قالخمیش، محمد على شاه روس كۆنسول خاناسىنىنا پناه گىتىرمىش و بير سىيرا قۇرخونا دۆشموش مۇرتىجىح لرده اينگىلىس كۆنسول خاناسى نین قاپىشىنى دۇيۇرلار. بئله شكىل لرین چۈخ نظره بئله گىتىرىر کى، موللانصرالدین باكىدا يۈخ، بلکه تبریزده چاپ اولۇپ، يايىلشىر. دوغورودان دا نىچە آى تبریزدە چاپ اولۇدۇ و چۈخلو دا تأثير بوراخدى. تبریزدە اولان گۇنلر، اینقلاب حرکىتلرى گۆنەن گۆنە گىنىشلەنيردى و موللانصرالدین بئله بير دۇرددە، مۇرتىجىح قۇولرىن بير- بير تىزۈر يۈلۈ ايلە آرادان قالدىرى ماپىشى آز اهمىتلى بير ايش گۈرۈپ و اصىل قىلەدن اوزاق بیليردى.

موللانصرالدین يۆز ايل بوندان اونجە يايىلماغا باشلامىش، بو گۆن بو دېرىلى مجلله نى ورق ووراندا، سانكى بو گۆنۈن حادىشلەرنى اوئدا گۈرۈرۈك، بو حادىشلەر بئله فعال، جانلىق دۆزگۈن ياناشما دوغورودان دا اينانىلمازدىر.

حاقلى اولاراق اينانىرىق موللانصرالدین مجلله سى آذربایجان ادبىياتى نین اوئنلى بير چاغىندا دۇنۇش نوقطەسى تارادىب و ادبىياتىمىزىن اينكىشافىئىندا، ها بئله بؤيۈك سیاستى- ادبى سىمالارئن يىشىشىمە سىننە بؤيۈك رول اوپتىيىشىدۇر. مشروطە اینقلابىنى آراشدىرمادا تبرىزىن حرکتى ستارخان و باقرخان رهبرلىقى ايلە ياناشى موللانصرالدین مجلله سىنى ده بىرگە آراشدىرماق گرگىدىر. بو گۆن دىليمىزىن و ادبىياتىمىزىن گلىشىمە سىننە موللانصرالدین مجلله سى نىن تأثيرى دانىلمازدىر نىچە کى گۆنۈمۆزۈن ايجتىماعى - سیاستى گىئدىشىنده مشروطە حرکاتىنى دانماق اولماز.



سوآل و جواب

- گئرمه! - باش اوسته، یوم سارام
گوزلریم.
- دینمه! - مطیعهم، کسرم سوژلریم.
- بیر سوژ اشیتمه! - قولاغیم باغلارام.
- گولمه! - پکی، شام - و سحر آغلارام.
- قانما! - باجاراما! منی معذور دوت.
بویله جه تکلیف محالی او نوت!
قابل ایمکانمی او لور قانماماق؟!
مجمر نار ایچره او لوب یانماماق؟!
اثیله خموش آتش سوزانی?
تیل منی آسوده، هم او ز جائی?
سوال - جواب

نسیم شمال

سوال - جواب
دست مزن! - چشم - ببستم دو دست
راه مردا! - چشم، دوپایم شکست
حرف مزن! - قطع نمودم سخن
نطق مکن! - چشم ببستم دهن
هیچ نفهم! - این سخن عنوان مکن
خواهش نافهمی انسان مکن
لال شوم، کور شوم، کر شوم
لیک محال است که من خر شوم
چند روی همچو خران زیر بار!
سر زفضای بشریت بر آرا

ترجمه: احمد شفائي

- نین! - بله، چشم، دو چشم ندید.
- نگو! - مطیعهم، بله حرف برد.
- نشنو! - البته، شدم پاک کر
- نخندا! - می گریم شب تا سحر.
- نفهم! - این را نتوانم دگر
دور کن این فکر محالت ز سر
«لال شوم، کور شوم، کر شوم
لیک محال است که من خر شوم»
ساز خموش آتش سوزان خود
رحم بکن برمن بر جان خود

۱ - میرزه علی اکبر صابر اثر طاهر صالح اوزن.
۲ - این بیت از نسیم شمال است.

دوننگی در دیمیز، بو گونکو قایغیمیز



فیروز رفاهی

میرزه جلیل: «غیرت» مطبوعه سینده

آذریاچان مطبوعات عالمینده عوضسیز پشتی اولان «مولالانصرالدین» - بن حیاتیندان آرتیق بیر عصیر کشچدی. بو مجلله نین دونیایا گئوز آچماستیلا میرزه جلیل اینکیجی حیاتیندا آددیم باسیئر. بلکه بو تصادوفقدور، آسما چونخ ماراقلسی دیز بیر حالدیر کی «مولالانصرالدینین» دوغوم گونق عتیقی بیر گونه دوغوم. بونونلا یاناشی «مولالانصرالدین» - سی آنماق میرزه جلیل ایله دوغوم گونق قشید اتمک کیمی دیلاندیرمک اوular.

«مولالانصرالدین» آذریاچان ادبی دیلینه موتحکم بیر دامغا قویید؛ ادبی دیلی خالقى لاشدیدردى. اشیر منجیح عصرین اوللری سیاسی جهندن چونخ قالمالالسی بیر دوزر اولسا دا، مدنی جهندن ادبی دیلین یشنی بیر دوزرانا آددیم باسماسی ایله سجیته لئیز. بیر حالدا کی «فیوضات» و اونا اوششار درگى لر فارس - حرب - تۈرك سایاقلسی بیر اولسلوب ایله قاریم - خاریشیق بیر دیلەد چونخ آز بير قروب اوچون يازىردىلار، «مولالانصرالدین» میصیردن، هیندوستاندا قدر يايىلىشىز و بئیزىك بیر سیاسى - اجتماعى طنزى بير سیلاح کیمی قاباقچىل اینسانلارا ارمغان اندىر. او ادبی دیلی هۇممۇم كۆتكە دیلینه ياخشىلاشدیرىز و سونرا کى يازانلارین اززىيىنده بئیزىك تائىرىي اوپلور.

میرزه جلیل - بن حیاتىن، فعالىتىن و باشقالارينا تائىرىي حاققىيىدا مين لرلە مقالە و كېتابلار يازىلشىدىر. میرزه جلیل حیاتین موقۇنىن بير دوزرۇندا اونتاپدا كى وضعىتىندن كۆتسۈزۈ اوللاراق تېرىزە گلەر و «مولالانصرالدین» - بن سككىز نۇمرىسىنى تېرىزىدە بوراخىشىر. سايىچا چونخ آز اولان بىر توپەلر بير دوزر ياردىرىن. میرزه جلیل ۱-۳۶۰ قدر مجلله نى تېقلېسىدە، ۸ توپەنى تېرىز دە و ۴۰۰ توپەنى باكتىدا نشر اندىر. میرزه جلیل - بن مدنى حیاتىنىشىن اساس قاينتىسىن عذاب و اذىتىش ایله تانىشىش اوھماق اوچون بىر تدقىقى مقالەنى سىزە تقدىم اندىرىك، بلکه او گونلارين بىر دىرى، بىزىم بىرگۇنلارده قایغىمیزى چونخالدا و بئیزىك اذىتىلر و اوميدلار ایله نشر اولۇنان درگى و مجلله ميزە داها ياخشىلاشقا، اونلارا ياردىمچى اولاق. بىزىم بئیزىك مطبوعات عنعنه ميز وار. مدنىتىه، دىلە خۇرمىت و قایفسى آنجاق اورتادا اولان مجلله و درگىلر يمىزە گۇستەردىمىزىز صحىمى قايفىلار ایله اوچۇزول بىلر.

XXXXXXXXXX

موللاناصرالدين - ين مادى ائتحىتىاجى ايله علاقىدار بعضى مكتوبلار

مير جلال پاشابىشىن

١٩٠٦ - نجى ايلده آذربايچانىئن ايلك طنز مجللهسى «موللا نصرالدين» نشره باشلادى.

بو مجموعه نشرىنىن ايلك ايللىرىندن مورتعج و عاونام آداملارىن ھۆجومونا معروض قالميش و هر واسيطه ايله اوئنو قاپاتماغا چالىشىشلار. بوندان باشقى، بير سىرا بورۇۋا روزنامە و مجلللەرىن صحىفەلىرىندا ده «موللاناصرالدين»-ە قارشى ھۆجوملار اولموشدور. چۈخ چىكمەدن قافقاز جانىشىنى طرفينىن مجللهنىن نشرى دايىاندىرىلىميش و حتاً «موللاناصرالدين»-ين امكداشلارىندان بىر نفرى تىفلىسىدۇن سۆرگۈن ائدىلىمېشدىر. لاكىن بۇتون بونلار جليل محمد قولوززادەنى قۇرخوتامايشىدىر.

«موللاناصرالدين» مجللهسى خالقىئن اىستك و آرزولارىنى اىفادە انتدىتى اوچۇن دوستلارىدا آز اولمامىشىدىر. گىنىش كوتله بو مجللهنىن اطراقىنا توپلاشاراق كىم نه ايله باجارمائىسسا، اوئونلا دا مجللهنىن نشرينى كۆمك ائتمىشىدىر.

لاكىن «موللاناصرالدين» مجللهسى چىخىماسى اوچۇن مادى جهتدن چۈخ چتىنلىك چكىرىدى. پولسوزلۇق، باھالىق، كاغىئىد قىيىتلىغىنى مجللهنىن نشرينى بىر قىدر چتىنلىشىرىرىدى. حمیده خانىم جليل محمد قولوززادە حاقيقىندا يازدىغى خاطىرلەرىندا قىشىد ائدىر كى، «١٩٠٦-نجى ايلده مجللهنىن چىخارىلماسىنىا اىجازە و تىرىلىن زامان جليل محمد قولوززادەنىن جىيىنده جمعى ٩ مانات پول وار ايمىش. فايىق افندى ايله برابر ايکىسى بىر حامبال توتدولار كى، چاپ ماشىنى ئى هىلەسىن. گىچە يارىسىن حامبالىنى پول چاتماماسى اوزۇندان آزاد ائدىرلەر، اوئنلار اۇزىلرى ماشىنى ئى هىلەمهىي باشلايتىرلار.

سحره کیمی بو جوز اونلار ايشلهتیر، يورغونلوق و يوخوسوزلугا باخماياراق، سحر اوچون ماجللهنى ساتىشىا حاضيرلا تىشلار!^۱

ج. محمدقولوزادەنин آرىشىويندە ساخلانىتلان مۆختليف شخص لره يازدىغىئى مكتوبالارىن اكثرييتنى «موللانصرالدين» مجموعەسى نىن نشرى ايله علاقە داردىئر. بو ايسە اوچون نە قدر ايناد و ايراده ايله مجموعەتە باغلۇ ئولدوغونو گۈستىرىن. بو مكتوبالارى اوخويياركىن اديبىن ئىلەمە، مۆعاريفە نىچە يۆكىك قىيىمت و تىرىدىيىنى، «موللانصرالدين» مجموعەسى نىن آردىجىلىل چىخىمىسى اوچون نە قدر سعى گۈستردىيىنى، چۈخ بۇيۆك زحمت و اذىيتلرلە مجموعەنин داوان ائتىدىرىدىيىنى گۈرۈرۈك.

بۇيۆك اديبىن جەھالىتە قارشى «موللانصرالدين»-ين نشرى اوچون ھانسى بىر عزم و ايراده ايله چالىشماشىنى آيدىن تصوّر اىندە بىلمك اوچون اوچون بىر نىچە مكتوبونو نظردن كىچىرك. «موللانصرالدين» مجموعەسى نىن نە كىمى شرائىطده نشر ائدىلدىيىندن بحث ائدن اديب يازىر:

«من دۇنن ايتىقاقن حميدەدن بىلدىم كى، من تىفلىسىدەن بورايا گلنەن سۇنرا ماجللهنىلىتىقىزىفىيادا تك- تك چاپ ائتىدىرىمىس، نە اينكى ايکى نۇمرەنى بىر داشدا، گۇيا ماتشىتىال اولما ماغىئى بونا باعىث اولوب. حىنif كى، منه بو احوالاتىئى هەنج يازمىرسان. اگر بىلسەيدىم راضى اولمازدىم. چونكى بىلەدە چاپ باها اوتورور. بو خۇصوصى دا منه مۆفصل ياز گۇرۇم احوال نە جۆر دۆز و نە سببە مطبعە بونا راضى اولوب، گۇرە-گۇرە كى، بىلەدە چۈخ تفاۋۇتۇ وار. بوندان سۇنرا نە قاعىدە اوزرە قاباقلاردا ايدى، ائتىلە دە چاپ ائتىدىر كى، ايکى نۇمرە بىردىن چاپ اولۇنسون...».^۲

بو مكتوب مجموعەنин گۈركىلى امكادىشلارىندان بىرى اولان محمد على صدقى يە (1911-نجى اىلده) يازىلىملىشىدىر.

جليل محمد قولوزادەنин يوخارىئىدا كى مكتوبالارىندا مجموعەنин طالىمى، اوچون بول حق- حساب و نشرى ايله علاقەدار چتىن ايشلەرن بىن قدر گىنىش و آچىق دانىشماسى

۱- حميدە خانىئىم، جليل محمد قولوزادە خاطىرلاتىم، آذرىياجان جۆمھورىسىنин «رنسپېلىكىا ال يازمالار فۇندو» آرىشىۋا، نۇمرە ۱۵۷ (حميدە خانىئىم جليل محمد قولوزادەنин حىات يۈزىلەشى ئولوب. سۇنرا ائر خاطىرلاتىم آدلۇ بىر اىرلەرى چاپ اولۇندۇ).

۲- ج. محمد قولوزادە، مكتوب، رنسپېلىكىا ال يازمالار فۇندو، آرىشىۋا، نۇمرە ۱۳۳

م.ع. صدقی نین ده «مولالانصرالدین» مجموعه سی نین نشری ایله سیخ علاقه ده اولماسی و هر ایکی مجلله نین فارشیشیدا چیخان مخاریج طباتیشی لازمینجا اوده مک ایمکانشیدان محروم اولمالاری ایله علاقه داردیر.

یاخود اونون یشنه ده م.ع. صدقی یه یازدیغی باشقا بیر مکتوبندان موهوم بیر پارچانی عینی ایله میثال گوسترك «... احوالات بو قرار ایله دیر. من شجه کی، سنه یازمیشدیم تیفليسه گلديم کی، مجموعه نی چیخاردیم و چونکی فيکريم کنچن ايلله گدیردی کی، هر بیر شنی بول، او جوز، پرگار، من بیر قدره مبلغ تعین اتمیشدیم کی، کوئنه سایاق ایله مجموعه نی باشلايیب دوستلارین کوئمه بی ایله یشريدرم. آمما ايشلر افزگه بیر صورته دیر. اوئلن، تیفليسه کاغذی یو خدور، آز - چوخ نه وارسا دا بيره - اوج باهادیر، هابئله ليتوقيرافيما خرجی یشنه بيره - اوج باهادیر، ايکينجي اثولر، یعنی متزيللر یشنه بيره - اوج باهادیر.

خواصه ايشلری بثله گوروب من مولا حیظه ایله دئیشیم کی، او ز گوجوم ایله، یعنی کنار یشدن پول کومکليشی اولماسا مجموعه نی من همیشه لیک ساختایا بیلمه رم، یعنی يارئ یولدا آراسی کسیلر، یشنه او خوجولار یانیندا خجالت او لارام. یولداشیم على قولونون موخاریبه سبییندن جولفادا کی، کولک ايشلری بیر نوو پوزولوب و بو جهتدن بونون دا طرفیندن مادی کومکليشی او میدوار او لا بیلمه دیم. ایندی عزیزیم، مطلى باشا دوشدون و گوروسن ده کی، اگر باکی دان بیزه کومکليک اولماسا، بو حالدا مجموعه نی چیخارا بیلمه یه جیم. هله گوتورک کاغذی مسله سینی، دئیرلر باکی دا کاغذی و ئار، یاخشی او لاردى کی، سن او رادا کاغذی کونتورلارینا گئدیب احوالاتی بیله ایدین، وارسا قدرینی و قیمتینی بیله ایدین و بیلندن سۇنرا بیر طرفدن منه یازايدین و بیر طرفدن ده حالى او لا يدین گورک سنه و تریلن پول و عده لرینه اینانماق او لار یا یو خ. اگر پول و ترن وارسا گورک نه شرط ایله و تریر و نه قدره و تریر. سن بیلیرسن کی، هر شرطله راضی اولماق او لار، آمما ناشيرلیک ایختیباری گرک او ز الیمیزده قالا. باکی دا «مولالانصرالدین» یازماق او لماز، نتجه کی، سن او زون ده دئیرسن و لاکین پول و تره نی هر نومردە «ناشير» یازا بیلریک کی، اونون پول کومکليشی جماعته معلوم او لسوون. ایندی سن بو بارده احوالات تو ت و منه ده تئ جواب یاز، چونکی ایش باش تو تماسا یشنه مجور او لاجاغام بیر قدره ده مجموعه نی

تائیخیره سالماغا، تا کی، دعوا قورتارانا کیمی. بئله ده اولاندا داها تیفلیسده قالا بیلمه یه جه یم...».^۳

بو مکتوبدان معلوم اوپور کی، جلیل محمدقولوزاده «مولاناصرالدین» مجموعه‌سی نین نشر ائتدیریلمه‌سی ایشیندە بیر چوخ چتینلیکلر- کاغیڈ قیتلیغی، باهالیق، مؤحابیه‌نین تؤرتدیشی محرومیت‌لار، ساییر کیمی بیر شیرا اذیت‌لره دۆزموش، حتاً نشجه اوپورسا - اوپرسون بوزج - خرج پول توپلاماقلا مجموعه‌نی داوام ائتدیرمه یه چالیشمىشىدیر. حتاً ج. محمدقولوزاده ناشيرلىك حقوقون باشقاسى نین ایختیارينا كىچىمەسى اوغرۇندا دا جىددى سعى گۇسترمىشىدیر.

ياخود باشقا بیر مکتوبوندا :

«... مجموعه‌نین ۳-نجو نۆمرسیندن سنه ۳۰۰-دن آرتىق گۈندره بیلمه یه جىم. چۈنكى آز چاپ اوپلونوب و ۳۰۰- ده پۇست ايله باندرۇل ائده‌جه یم و ساتىلان مجموعه‌نین هر بېرىنە ۱۸ قىپىك گۈندره بیلمەسەن باكى بازارىندا بىزە بىر شىنى قالماياچاق، چۈنكى وآللاه مجموعه قىزىل قىيىتىنە باشا گلىر، او درجه‌دە هر شىنى باھادىر. اللخوصوص بو شكىل لرى..»^۴.

«... سن وآللاه حمیده خانىمەن چىكىنى گۈندر گىرى، اگر پولو آلئىب بوزجا و ئۇرمىش اوپسان يېرىنى دۈلدۈر، بارى يانوار آئىشىدا اوز بوزجومۇزو اوزقۇمۇز وئىرك».^۵ مكتوبىلاردا «مولاناصرالدین»-ين مخارىجى حاق- حسابى نىن محضر م.ع. صدقى ايله آپارىلماسى نىن سىبىي صدقى نىن بىر مۆددەت مجموعه‌نین بىلاواسىطە تحریرىنە هىتىتىنە رهبرلىك ائتمەسى و اوزون مۆددەت مجموعه‌نین تشكيلاتى مسلەلرینى آپارماسى ايله علاقەدار دىئر.

مكتوبىلارдан آيدىن اوپور کی، «مولاناصرالدین» مجلله‌نин چىخارىلماستىنا معاريف پروز آذربايجان قادىنى، ادبىين صاديق حىيات يۈلداشى حمیده خانىمەن مادى جەتىن چوخ كۆمكلىنى اولموش و او مجموعه‌نین داوام ائتدیرىلمەسىنە هر واسىطە ايله چالىشمىشىدیر.

۳- يىئنە اورادا، آرشىون ۶، نۆمرە ۱۹۰

۴- يىئنە اورادا، آرشىون ۶، نۆمرە ۱۵۱ (بورادا اديب رنگلى شكىلرین چاپ خرجىنە توخونور)

۵- يىئنە اورادا، آرشىون ۶، نۆمرە ۱۳۱

ماراقلئ بوراسیدیر کی، حمیده خانیمین مجموعه‌یه مادی جهتدن یاخیندان کۆمک ائتمەسینه باخماياراق، ج.محمدقولوزاده‌نین اوغا يازديغى مكتوبلا ردا بو امكاداشلىق و خۆصوصى ايله پول مسله‌لری حاققىندى، دىك اوڭلار كى، هنج بير ايشاره يۈزخدور.

بۇتون مخارىج مسله‌لری م.ع. صدقى ايله گىتدىيىنى حالدا، مجموعه‌نин اساس مادى آغىرلىغىنى چىينىنە داشىيان حيتا يۈلداشى حمیده خانىمما مكتوبدا او، يالنئىز مئھرىبان بير ار، قايىغى كىش بير آتا كىمى اۇز و عايىلە مسله‌لریندن بحث ائدير. سانكى ان، دوست آراسىنى حاق-حىساب مسله‌لری نىن پۇزا جاگا غىئىندان اتحتىيات ائدرىك مكتوبلا رىندا قىصدن پول مسله‌لرینه توخونمۇر. تأسۇف كى، آرشىووده حمیده خانىمین جليل محمدقولوزاده‌يە يازدېغى مكتوبلا را ئۇلمادىغىئىندان بو مسله ايله بىز اطرافلى تانىش دىتىلىك.

حمیده خانىم اۇز خاطيراتىندا قىشىد ائدير كى، بير سىرا قىيمتلى ماترىاللار و مكتوبلا را ئۆيمىز ئاندار ملار طرفىيندن موصادىرە ائدىلرکن آپارىلماش و ايتىمىسىدیر.

اولا بىلىسىن كى، همین ماترىاللار «مۇللانصرالدین» مجلله‌سى نىن نشريندە قارشىيا چىخان چتىيلىكلىر حاققىندا بىزه داها آيدىن و داها اطرافلى معلومات وئرەردى.

ج. محمدقولوزاده باشقى بير مكتوبوندا م.ع. صدقى يە يازىر:

«... گۈندرىيىن پۇنىشتىكالار كى، پولو اىتىلەسىن ٣٣ مانات ٨٠ قىيىك اۇستۇنۇ يازىز مشهدى علسگەر باغىراۋۇن آدىئا يازىب گۈندردىم. بونو من قىصدن بىلە ئىللەدىم كى، اوزتىئىر سنه كاغىئىدى و پۇنىشتىكارلارئ يىتتىرن كىمى گىشت باغىراۋۇن يانىئا و پۇنىشتىكارلارئ اوغا وئرىب اللى مانات آل، همن ساعات يىتتىر محمدداۋوا كى، عىتىبدىر، من سىندىن دە آرتىق او تانىرام. اۇزون دە بىلىرسىن كى، ايندى يىشى-يىشىردىن و چۈخ يىشىردىن پول گۈزلەيىرىك. گلن كىمى باغىراۋۇن پولۇنو وئرەرىك كى، ائلە سىن ١٤ مانات ١٠ قىيىك. البتە، شىئىخ على اصغرە منىم بو كاغىئىدىمئى نىشان وئر و دى كى، ١٤ ماناتىئى مۆضايىقە ئىلەمهسىن.

آچارئ اوزئير ايله گۈندردىم. پۇست بىلئىتى مجلله اوغانىنىداكى ايشكافادا اولاجاق، پۇوتستكالارئ گۈندرنە بىلئىتىمى دە گۈندر كى، سينين آدئنا يازىم، آلئىب باغىراۋۇن بۇرجونو وېرىسىن.

مجلله گلدى، ياخشى چىخىپ، راضى اولدوم. سعى ائىلە كى، بو آى قالانلارئ دا چىخىسىن. اوزئير ايله بو كاغىزىئىن اىچىنده آلىئ مانات دا گۈندردىم... تىزىكىلە سىنە، البتە، پول يىتىرەرم. ايسماعىلا دا پول گۈندردىم»^۷.

حتا ائلە بىر واخت اولموش كى، ج. محمدقولوزادە مجللهنى داۋام ائتىرىمك اوچۇن هر واسىطە يە ال آتمىش و نشرىيات يۈلو ايله پول الدە ائتمە يە چالىشمىشىدىر.

۱۹۱۴-نجى ايلدە «مولانصرالدين» مجموعەسىنى تىرارى نشر ائتىرىمك اوچۇن كاغىز لازىم ايدى. آما كاغىز چۈخ باها اولدوغوندان چۈخلى دا پول الدە ائتمك ضرورتى قارشىيما چىخىدى. بو ايسە چۈخ چىتىلىك تۈردىرىدى. بونا گۈرە دە ادييىن تىشبوڭ ايله

۱۹۱۶-نجى ايلدە اوئونون «اولولر» پىشىسى تاماشايانا قويولور و مۇعىن مىقدار پول الدە ائدىلىر. لakin مۇحارىبە دۈزۈز اولدوغو اوچۇن كاغىز حىدىن آرتىق باها ايدى. بو مسلە

ج. محمدقولوزادەنى چۈخ دۆشۈندۈرۈردۇ. مطبعە، رسىام حاققى دا چۈخ آرتىمىشىدى. بو مسلەلرە علاقەدار اولاراق، «مولانصرالدين» مجموعەسى بىر قىدر تائىخىرە دۆشۈشىدۇر.

يۇخارىدا گۈستەريلەن چىتىلىكلىرە باخماياراق «مولانصرالدين» مجموعەسى مۇعىن اىللەر تائىخىرە دۆشۈشىسەدە، آمما ج. محمدقولوزادە روحة دۆشىمەميش اوئونو عۇمرۇنۇن آخىرئىنا كىمى داۋام ائتىرىمىشىدىر.

م.ق. پاشايئوا

قابىق: ال يازمالار خزىنە سىنە، ۳-نجى جىلد، باكتى، ۱۹۷۱، ص. ۱۰۶.

«مولالانصرالدین» ادبی مکتبی و کاریکاتور صنعتی

ایسلام آغاپیشوا

کوچخون: فرامرز شهبازی

۲۰- نجی عصرین اوئلریندە ايجتىماعى كىكىن لىش ضىددىيەتلىرى تىكىچە ادبى فيكىردى دئىيل، اينچە صىتىن باشقا نؤولریندە دە تنقىدى رئالىست اوسلوبو گۆزىلندىردى. «مولالانصرالدین» مجلللەسى نشرە باشلادىغۇ زامان طنز كارىكاتۇرۇندا يارانماسى واجىب مسلە كىمى قارشىدا دوردو. همین واجىب مسلەنىن حللىيندە «مولالانصرالدین»-ين مۇذىرىز ج. محمد قولوزادە بۇئۈك چتىنلىكىلرلە اوزىلشدى. خۆصوصىلە مجلللەنىن آذربايچان ايجتىماعى مۆحىطىيەتنىن كىنار يىشىدە نشرە باشلاماسى و مىللە رسام كادرلارىنىن اوللماماسى چتىنلىكىلرى داها دا آرتىئىرىدى. لاكىن «مولالانصرالدین» مۇذىرىنин آختارىش لارى ثىرەسىز قالىمادى. هله ۱۹۰۶ - نجى ايلين ايلك نۇمرەلىرىنىن «مولالانصرالدین» اىكى پىشەكار خارىجى رسام - «شىمرلىقنى» و «آ. روپىر»، يىشىلى رساملاردان عظيم عظيم زادە ، آز سۇنرا خليل مۇساپىشۇ و ا. ابراهىم و جلب اندىيلدى. و. شىمرلىقنى و آ. روپىر آذربايچان خالقىنىن مىللە عادت عنعنەلىرىنى دەيلىنە بلد اوللمادىقلار ئاچۇن مجلللەنىن ايدىيىتا - بدېعى مضمۇنۇ درك اشتمىكىدە چتىنلىكىلرلە اوزىلشىدىلر. مجلللەنىن فعالىيەتىنىن ايلك ايللىرىنى دەج. محمد قولوزادە تىكىچە متنلىرىن دئىيل، همە رسملىرىن ايدىيىتا و بدېعى مۇبارىزە سىماسائىنى مۇعىنلىشىدىرملى اوالدو.

«مولالانصرالدین» يىن متنلىرده تبلىغ اىشتىيىنى صىنفى آيرى - سىچىكلىك، اينقىلابا چاغىرىش، مىللە ايسارتە نىفترت، شرق خالقلار ئىنئىن آزادلىق مۇبارىزەسىنە رغبت ، دونىيا ايمپېرىالىزمىنىن اىفشاسى، فئۇداڭ حىيات طرزىنىن تنقىدى، قادىئن آزادلىقىنىن تبلىغى كىمى مۇعاصير مۇھۇضۇلار رسملىرده دە اىشىقلاندىرىدى. ج. محمد قولوزادە و اونون قلم سىلاح داشلار ئىنئىن ايجتىماعى - سىياسى مقالەلر، شىعر و نىرەدە اىستېفادە اىشتىكلىرى بدېعى و ئاسىپەلر تدرىيچەلە رىسىلەردا دە اۋۇز عكسىنى تاپماغا باشلادى.

آذربايچان صىنت شۇناسلىقىنىدا ج. محمد قولوزادە نىن «مولالانصرالدین» رساملار ئىنا كۆستردىيىنى قۇوتلى تاثیر و اىستېقامت بارەدە ، دئمك اولار كى ، اكىش تدقىقاتچىلار بىح

اٹمیشلر. صنت شوٽناس ک. کریمۇز يازىرى: «بو رساملارىن (شەمرلىق و رۇتىش نظردە توپولور - اى.آ) اينچە صىتىنە مۇللانصرالدىن چىلىرىن، بىرىنجى نۇوبىدە ج. محمد قولوزادەنин دەۋگراتىك ايدىيالار ئەبىلىك ائدىر و اىستيقامت و تېرىرىدى. ج. محمد قولوزادە اکىر حاللاردا شكىل لرىن مضمۇنونو اوْزۇ و تېرىر، تېپىك صورتلر و حادىثە لر سېچمكىدە، اونلارى دۇغرو و ايناندىئىرىجى تصویر اشتىكىدە رساملارا بىلاواسىطيه كۆمك ائدىرىدى. دىگر صنت شوٽناس مۇرسىل نجف اوْزۇ يازىرى:

«شكىل لرىن و كارىكتاتۇرلارىن مۇھىم سۈنۇن، تېپلرىن حرکتىنى ج. محمد قولوزادە اوْزۇ (و يا اوٽونون ياخىئىن امكاشلارىندان بىرى) مۇعىن ائتمىشىدىر. مېرزا جليل تىفلىسىدە اوْلمادىغى زامانلاردا بىلە ... رساملارا اوْزۇنون دىلدىيى كىمى، شكىل دۆزلىب گۈندىرىدى».

«مۇللانصرالدىن» رساملارىنىن يارانماسىندا ۱۰ - جى عصىر اینقلابى رئالىست ادبىياتىن روپو بارەدە كى آذربايچان صنت شوٽناسلارىنىن مۇلاحيظەلرى تأسۇف كى، اينكىشاف اشتىرىلەمەمىشىدى. حال بۇ كى مجللەننىن متن لرىنده تبلیغ اشتىرىي ايدىيالار، بعضى عىشىنى بدىعى تصویر اوصوللار ئەرسىلەدە اوْز عكسينى تاپمىش، نىتجەدە ۱۰ - جى عصىر آذربايچان اینقلابى كارىكتاتۇر صتىنىن بدىعى - ايدىيە اىستيقامتى مۇعىن لشمىشىدىر. گۆلۈش واسىطيەلرىنندن اىستىفادە، طنز تېپىكلىشىرىمە كىمى بدىعى واسىطيەلر باخىئىمنىدان مجللەننىن متن لرىلە رسملىرى آراسىندا شىخ باغلىلىق اوْلموشدور.

«مۇللانصرالدىن» دە سوْز صتى ايلە رسم صتىنىن بىر سىئرا علاقە شكىل لرى واردىرى

كى، بونلار ئاشاغىندا كى شكىل دە قروپلاشدىرماق مۆمكۈندۈر.

۱- آىرىئ - آىرىئ مۆشخۇن متن لرىن آىرىئ - آىرىئ مۆشخۇن رسملىرە تصویرە

چىكىلەمىسى؛

۲- مجللەننىن متن لرىنده ايشتىق لاندىئان آىرىئ - آىرىئ مۆسەللىرىن سەرىست رسملىرە

اينكىشافى؛

۳- «مۇللانصرالدىن» -ين ايدىيە - مۇھىم مۆسەللىرىن داخىل اولان، لاکىن متن لرده اوْز

عكسينى نىسيتىن آز تاپان مۇھىم سۈنۇن رسملىرە ايشلەنمەسى.

٤- مجلله ده مۆشخۇص رسملىرىدە تصویرە چىكمك داها گىتىش يىش توتور. تصویرلىشىرىمك متنلىردە قۇيولان فيكىرلىرى عىيانى لشىدىرىر، اوخوجۇيا داها گۈجلۇ تأثير گۈستىرىر. بىلە كى ، اوئل مجلله نىن متنلىرى يازىئىر، سۇزرا رساملار ھمىن متنلىر اساسىئىدا رسملىر چىكىرلە.

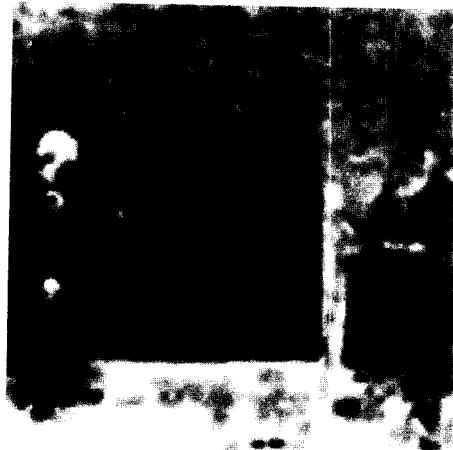
٥- «موللانصرالدين» ده كى مۆصور سجىيەلى رسملىرىن اكتىريتى ج. محمد قولوزادە نىن و م.ع. صابىرىن يارادىيچى لىيغى ايلە باغلىيەدىر.



اگر ج. محمد قولوزادەن «سيزى دىئىب گلەمىش ...» سۆزلىرى ايلە باشلاتان فيلەتىون لاردا كۆھنە دونيائىش ايجىتىماعى حياتدان تجرىد اولان، عۆمرۆزى، گۆنۆزى درۈيش ناغلى نا قولاق آسماغا، اىت بۇغۇشدورماغا، قۇزج دۇيۇشدورمايدى، حامام لاردا ياتماغا صرف اىشنەن تىپلىرىن ايجىتىماعى فاجىعەسىنە گۈلۈرۈسە، رسام شەرلىق-ين تصویرلىرىنده عىشىنى مسلە بىزى دۆشۈندۈرۈر. رسام كۆھنەلىشىن رمزى كىمى بىر دىستە آدامى ياتماش حالدا تصویر اىتمىكە ج. محمد قولوزادەن باشلىيچا مقصىدىنى - ياتانلارىن، ايجىتىماعى حياتدان خېرسىز اولانلارىن گۈلۈنج وضىيەتىنى گۈستەرىشىدەر.

«موللانصرالدين» ده م.ع. صابىر شەعرىنە چىكىلمىش تصویرلىرى سىلسىلە تشكىل ئىدىر. صابىرىن طنزلىرى دۇوزۇن سىياسى - ايجىتىماعى مسلە لرى ايلە سىئىخ باغانلى اولدۇغۇنا گۈرە ج. محمد قولوزادە بسو مۇنخىصودا «موللانصرالدين» يىن رساملارىنىڭ تىز - تىز كارىكاتۇرلار چىكىدىرىردى.

م.ع. صابىرىن طنزلىرى هله ۱۹۰۶ نجى اىلدىن «موللانصرالدين» رساملارى شەرلىق و رۇتر طرفىنندەن رسملىرىدە عىيانى لشىدىرىلىر. رساملار بۇئۇشك طنز شاعيرىن ايدە يالارىتىن كۆتلە لە چاتدىرىيلىماشىندا خىتىلى امك صرف اىتمىشلەر.



م. ع. صابیرین «قم يئمه» رديفلی
شعرى «موللانصرالدين» مجله سينين ۱۹۰۶ -
نجى ايلين ۹ - جو نۇمرە سىنەد درج ائدىلىپ .
ميرزە جليل متن ايله رسمىن واحيد بدېرى
عاطفى تاثيرە ناپىل اولماسى اۆچۈن مۇوققىستلى
ترتىيات ايشى آپارمىشىدئر . بىلە كى ، مجلله نىن
ايلىك صحيفە سىنە قىرمىزى زىگلى زىمنە دە
صابيرين شعرى درج ائدىلىميش ، شعرين آلت
و اوست طرفلىيندە ايسە شەرلىيق-ين متنە
موۋافىق چىكىتىي رسم و تىرىلىميشىدئر.

مۆدرىك موللانصرالدين قم درىاسىنا
باتىمىش كىندىليه صابيرين هەمین درج ائدىلىميش
شعرينى اوخوماسى معنائى و تاثيرلى
چىخىمىشىدئر .

«موللانصرالدين»نىن متن لرى اساسىندا چكىلىميش رىسملىرى هىچ دە هەمىشە متن لرىن
مضىمۇ ايله اوىلغۇن گلمىرىدى . بعض «موللانصرالدين» ين تصویرلىرى متنى عىيانى لشىدىرىمك
و ظيفە سىنەن كىنارا چىيخاراق بىر بدېرى اۆصول كىمى متن لرده دىتىلەمىسى مۇمكۇن اولمايان
مطلب لرى آچىشىرىدى .

«مولالانصرالدین» ين ایکینجی قىسمى رىسىلىرى ، يوخارىدا قىشىد اشتدىشىمىز كىمى، اوونون متنلىرىنده كى آتىئ - آتىئ مسلەلرلە عۆمومى شكىل دە باغانلىشىر . ميرزە جليل زامان كىندىكچە، واختى ايلە حاققىندا دانىشىشىلەميش، لاكىن يىشىنەدە اوز اهمىيتنى ساخلامىش مسلەلردىن بىت آچماق اىستركەن يىشكىنسقلىكىدىن قاچماق اوچۇزۇن، مطلبى سۆز صتى ايلە دئىشىل، رسم صتى ايلە دئەمەنى، مصلحت بىليردى. مثلىن، مجللهنىن ۱۹۰۶ - نجى ايلىن ۱ - جى نۆمرەسىنەدە قۇچ دۇيۇشۇنۇ تصویر اشدن كارىكاتۇر ۱ - جى نۆمرەدە كى «تىفلisis، ۷ پېرئل» فيلەتىنداكى احوالاتىن قرافىك دىلىنىدە تكرارى ايدى .

مجللهنىن عىشىنى مسلەلرى هم متن، هم رسملىرde اىشىق لاندېرماسى اوونون ايدىيىنا مۇبارىزەسى نىن بىديعى شكىللىرىندا بىرى ايدى.

۱۰ - نجى عصىر آذربايچان رئالىست قرافىك صتى نىن ان ياخشى نۆمونەلرى مجللهنىن مۇستقىل ايشلەنلىميش رسم اثرلىرىنده اوز عكىسىنى تاپىشىدىئ. بورادا بىديعى آختارىش لاب چۈخ گۆزجىلۇدۇر ، ايجتىماعى حىاتىن مۇختىليف مسلەلرلىنى عكس اشتدىرىمك باخىمئىندان بو بىديعى صورتلر داها يىتتىگىن دىرى. تىپىكلىشدىرىمە و عۆمومى لشدىرىمە، احوال-روحىيەنى سەجىيەلنىدىرىمە و سايىر. تاثير واسىطەلرى هەمین رىسىلىرى بىديعى اثرلىرلە داها چۈخ بالغلايىش بىت دىئ. مثلىن، ۱۰ نجى عصىر رئالىست آذربايچان قرافىك صتى نىن باىسى ع. عظيمزادەنин ايلك رسملىلە «مولالانصرالدین» ين ايلك مضمۇنلا باغلۇ بىديعى اثرلىرى آراسىندا شىخ ايدىيىنا - بىديعى علاقەلر واردىرى. «ع. عظيمزادە»نин رسملىرى مىللەي آذربايچان قرافىك صتى نىن تىشكۈلۈنۇ اوزۇندا عكس اشتدىرىردى. رسامىن «مېللەتى - بىچارەنин دردىنى چىكمىكىدىن ارىتىب چۈچە دۇندۇم ...»



(۱۹۰۶ نجی ایل ۴- جو نوئمه) آدلان
کاریکاتوروندا ایستمارچی صینیفلرین زھتكىش
خالقا اوغان لاقىتىلىقى گۈلۈش ھەفەنە چۈزىلەمىشدىرى
معلوم اوڭدوغو كىمى، ۱۰ عصرىن اوڭلارىندە بورۇۋا
جمعييتنىدە خالقا، وطنە لاقىتىلىك بىر بلا ايدى.
پالانچى وطن پېروزىلېك مىلت باشچىلارىنىش دىل
ازىرى اولموشدو. تصادۇقى دەتىل كى، بۇئۇك خالق
شاعىرى مۇع. صابریر «موللانصرالدین» دە كى «مېلت
ئىچە تاراج اوڭلۇر اوڭلسۇن، نە ايشيم وار» طنزى دە
محض همین مسلەتە حصر اتتىمىشدىرى.

«موللانصرالدین» دۆزۈرن ان مۇختىليف ايجتىماعى مسلەتلەرینە توخۇنوردۇ. بونا گۈرەدە
اوئزۇنۇن آز ساواھلى اوخوجولارىنا مۆركب حادىشەلردى داها يىئىجام و داها آيدىن شكىل لىرده
باشا سالماق اوچۇن دايىم بىدىعى يوللار آختابىرىدى. مىلەن، تىزار رئىزىمى نىن خالقلار آراسىنىدا
تۇرەتدىيى مىلى قىئىغىنەن «موللانصرالدین» طرفىنندە نىچە اوستالىقىلا تصویر و تقييد
ائدىلەمىسى دايىمن دىقتەت مەركىزىنە اولموشدور.

«موللانصرالدین» -ين متن لرى ايلە رسملىرىنин ايدىيە علاقەلرى اوتون ۱۹۰۶- ۱۹۱۱ نجى
ايللەر ایران مشروطە حرکاتىنا حصر اشتىرىنى اثرلىرىنە خۆصوصىلە قابارىق دىرى. مىلەن، «ع.
غمگسار»-ين «گىلدى يىتىنە رحىم خان ایرانا، بارك آلاه!» - مىصراسى ايلە باشلانان طنزى
«موللانصرالدین»، ۱۹۱۰، ن ۴۱) رۇتىرىن همین مۇرۇضودا چىكىتىز ئەرىپ سىللەشىر.
«ع. غمگسار»-ين طنزىنە ایران اينقلابى نىن قىدار دۇشمنلىرىنى دەرىچە ئەرىپ سىللەشىر.
اوزلۇ سىماسى تصویر اوغانور. اوتون مشروطە اينقلابى نىن قۇوتلىنىدىقى گۈنلەرde اوڭىدەن
قاچىب روس تىزارا سىيغىنەتىغىنى، ایرتىجا باش قالدىرىدىغى گۈنلەرde ايسە يىشنى دن ایرانا قان
تۈركىمە يە قايىتىدىغىنى شاعير بىلە سجىيەتلىرىر:



گلدى يشنه رحيم خان ايرانا، بارك آللاده!
چيئخدى عجب ايگيد تك مئيدانا، بارك آللاده!
چون گورۇق باش پۇزغۇنلۇق اولموش بو قۇرمە بىشە
ائتىميش جماعت عادت قان تۈكمە يە همىشە
ايىشە بول ئالىم ايستر وورسون دوباره تىشە
عالىم بۆتۈن بۇياسىن آل قانە، بارك آللادا!
«مولاناصرالدین» - يىن نۇرىتى نۇمرەسىنە
«غمگىسار» يىن تصویر اشتىپى تېپىن روئىش طرفىندە
چىكلىمىش گىرچىك صورتى وايدىپ. شاعير بونو ئەن دىلىنىدە
«گلدى يشنه رحيم خان ايرانا، بارك آللاده» مېصراسى ايلە
خېرى وېرىر. روئىشىن چىكدىپ كارىكتوردا هەمین تېپ بىول
چامادانى ايلە تصویر اندىلەمىشىدىر. «ع.غمگىسار» جلالد رحيم
خانىن يىشنى دن ايرانا قايسەتمامىشىنا اىستىھزا ائدىر.

رسام ايسە شىعرىدە «قەرمان» كىمى تقدىم اولۇنان تىپى مۇطىع و عاجىز و ضعىيىتىدە تصویر ائدىر. سۇل طرفىدە كى الين رحيم خانا «گل - گل» - دىئىه اىشارە اشتىپى، ساغ طرفىدە ايسە اوپۇرۇ مۇحىكم بىر يۇمرۇغۇن ھەدەلەدىيى تصویر اندىلەمىشىدىر. بونۇلا رسام اولكەدە اىكى جىبهنىن - اىپرىتىجا طرفدارلارئ ايلە مۇترقى قۆوهلىرىن اوز - اوزه داياندىغىنىڭ گۇسترمك اىستەمىشىدىر.

هم متن دە و هم ده رسىمە عىشىنى مۇۋضۇنون اىشىق لاندىرېلىماسىنى قادىن آزادلىيغى مسلەسىنە حىصەر اولۇنۇش اثرلىرىدە گۈرمك اوچىلار. مىلن، ج.محمد قولوزادەنин «كىنچىن گۈنلۈر» «حالال»، «نىشانلى بىر قىئىز» و «قانلى فاجىعە» فيلىتەتۈن لارىنىدا قادىن آزادلىيغى مسلەسىنەن مۇختىلif جەتلىرى اىشىق لاندىرېلىئىر.

«مولاناصرالدین» - يىن اوچۇنجۇز رسىملىرى مىللە آذربايجان حىاتىنىن سجىنەسى مسلەلىرىنىدەن كىنارا چىئىخاراق بىشىنالخالق سىياسى - اىجتىماعى حادىشەلىرى اىحاطە ائدىر. بىشىنالخالق حادىشەلىرىن رسىملىرىدە عكس اشتىرىلەمىسى تصادۇنى دىتىيلدى. ئەن ئەسلىپۇنون طلبلىرىنە موافقىق اولاراق آرتىق يىئىجەماللىق ياراتىماق مقصىدى ايلە مجللەنىن رسىملرىنىدە شرطى اىشارەلەرن، رمزلەرن و تمىزلىرىنىن گىشىش اىستىفادە اندىلېرىدى.

«موللانصرالدین» - ده دوئنیا ایمپیریالیزمی نین ایفشا سی مژوضوسو اساس یئرلدن بیرینی توتور. مثلن، مجلله نین هله ۱۹۰۶ - نجی ایلين ایکینچی نۆمره سینده شمرلینق طرفیندن چکیلمیش بیر کاریکاتوردا شیر (اینگلیس)، جاناوار (فرانسا)، آغ آئی (تزار روسيه سی)، پلنگ (آلمان) و تولکونون (ایسپانیا) قویون تیمثالیندە و تریلمیش مراکشی پارچالادیغى تصویر ائدیلمیشدیر. ایران، افغانیستان، هابله آفریكا و بالكان اوڭكەلری اوستۇرنده اینگلیس، آلمان، فرانسا، تزار روسياسى و باشقا ایمپیریالیست دۇولتلر آراسیندا گىندن چکیشمه لر «موللانصرالدین» طرفیندن ماراقلۇ تمثیل تصویرلرده عکس اوڭلۇنوردو.

«موللانصرالدین» ين همین رسملىرىنده سۆز صتى ایستيقاتت و تریجى روولا مالىكدىر. بورادا «رسم آلتى» و «رسم اوستۇ» يازىلار دېققىتى داها چۈنخ جلب ائدیر. مثلن، ع. عظیم زاده نین بير کاریکاتوروندا (۱۹۰۶ - نجی ايل ۱۱ - نجی نۆمره) تزار روسيه سى نين باش وزیرى و يىتىن ياخىئ شرق اوڭكەلرینه سلاح ساتماق سیاستى ایفشا ائدیلىر. معلومدور كى، مسله نین مۆستقىم شكىلده عکس ائتىرىلە سینە تزار حۇكمىتى نين سانسۇزو يىول و ترزمىدى. وضعىيەتىن چىخماق اوچۇن مجلله ده چىتىنده اىچى سىلاحلار دۇلو خورجون اولان بير كىشى نين تصویرى آلتىندا «جناب» و «سوزلىرى يازىلە مىشىدیر. رسمىن معناسىنى ۱ - جى صحىفە ده و تریلمیش تىلچىرام آچىز: «تبريز - قراف وىتتە آوزۇپادان هىنديستان يېلۇ ايلە تهرانا گىندە جىكدىر. معلوم اولدۇغونا گۈرە ایران وزیرى - دربارى ايلە بير نىچە لازىملۇ سۆزلى دائىشاجاقلار. بىلە اولسا، مىللەت و دۇولتىن سعادتى دىر».

آيرى - آيرىلېقىدا «ضررسىز» گۈرۈن تصویر و يازى ئۇمومىلىكىدە درىن معنایا، كىسىن ایفشا اندىجى قۆوه يە مالىكدىر.

روتىرىن رسملىرى نين بيرىنده ۱۰ - نجى عصىرىن اوڭلارىندا آلمانىن تۆركىيە ايلە اولان «دۇستلوق» - وندان دانىشىلەشىر. رسم ده قالىشىن بىر مشەنەن قارانلىشىندا واهىمە اىچرىسىنده قىشقىزان اوشاق جوڭەلى كىشى نين تصویرى گۈرۈنۈر. همین تصویرىن يانىندا بارماقلارى ايلە قولاقلارئ نى تىخامىش بير آلمان عسگرى نين شكللى ده و تریلمیش دىر. رسمىن معناسىنى قۇرخو اىچرىسىنده قىشقىزان كىشى نين: «و يەلھەلەم! هاراداسان؟» و بونا جاواب اولاراق عسگرىن: «منىم

قولاغیم کاردیئر» سوژلری آچیئر. دؤورون مۆركب سیتاسی حادیثه سی نین ایفشاستینا چشۈريلميش رسمىن ايدىيە- بديعى معناسىئى يىئندە سوژ صىتى مۆعىن لشدىرىر.

«موللانصرالدين» آذربايچان كاريكتورونون سۇنراكى ايللرده داها گۈجلۈ شكىل ده تأثير

گۈستىرىر. بو دۇزور دەع. عظيمزادەنин رئالىست قرافىك صىتى اوز فۇرمۇنو تاپىش. او، «موللانصرالدين» يىن عنعنەوى ايدىيالارئىنى بولىلدە كامىل بىر سىتكارلىقلا عكس انتدىرىر. اوئون «ھوب-ھوب» نامە نىن ۱۹۱۱ - ۱۹۱۴ جى ايللر تىرىنە چىكدىشى كاريكتورلارى بولۇت ائدىر. بو دۇزور دەع. عظيمزادە» آذربايچان رئالىست ادبىياتى نىن اينقلابى عنعنەلرەن نىن آردەنجا كىندىك شەمرىلىق و روتسىرىن مۇھىسىنلەرنى يىئى دن اىشلەمە يې باشلايىش. «موللانصرالدين» رىسملىرىنە ظاھيرن تصویر اندىلىميش تىپلر و حادىثەلر دەع. عظيمزادەنин فېرچاسىن ايلە جانا گلىر، نفس آلىش، ايجىتماعى مۆحىطە تأثير گۈستەن قۇۋە يې چشۈريلىر.

۱- نجى عصىر آذربايچان كاريكتور صىتى نىن اينكىشاف يۈلۈنۈ «ع. عظيمزادە» نىن يارادىچىلەرنى تىمڭىزلىكدا دا گۈرمک اوڭلار. رسامىن ۱۹۰۶ - جى ايلدە چىكدىشى «مېللەت-ى بىچارەنин دردىنى چىكمىكن ارىتىپ چۈپ دۇندۇم...» رسمىن دە كى بديعى صورتىن ۱۹۱۵ - جى ايلدە «صاحب كار» آدلۇ ايلە يىئى دن اىشلەمە سى بونا پارلاق مىثالدىر.



عظيم زادە



۲۰ - نجی عصیر آذربایجان تقدیمی قرافیک صتنی
نین نه جوئر یاراندیغی نی و تکمیل لشیدیشی نی ایران
حؤکمداری محمد علی شاما حصر اندیلیمش
کاریکاتورلارین مؤقايسه سینده ده گوزمک مومنکوندور.
«مولالنصرالدین» ده شمرلینق «روتسر محمد علی شاما
نچهه کاریکاتور حصر انتسه لرده، آذربایجان
رسامیلیغیندا اوونون ان کامل طنز صورتینی «ع. عظیم زاده»
۱۹۱۵ - جی ایل، «مزه لی» مجله سی) یاراتمیشیدیر. البته،
ایستر سه ده بدیعی تصویر اصوللاری ایله بؤییزک صایپرین
محمد علی شاما حصر انتدیشی طنز اثرلریندن قیادا
آلیردی.

بوتون یوخاریدا دئیشلن لر اساسیندا دئمک او لار:

«مولالنصرالدین» - نین ۱۰ - جی عصیر آذربایجان رئالیست تصویری صتنی نین
تشککلزونده حل اندیجی روولو او لدو.

بو حادیثه اوژروننداها موشخص حالدا آشاغیدا کی شکيلده گوئستردى:
(اوطن - «مولالنصرالدین» تصویری صتنین مضمونونو موعین لشیدىرى. او نا مۇۋضولار
وئردى و ایديپا - بدیعى جهتدن ایستيقامت لندىرىدى. ايجتیماعى گئرچکلىشىن باشلىجا
جهتلرینى او زە چىخخارماقدا او نا كۈمكلىك گوئستردى.

ایكىنجى طرفدن - تصویری صتنی ادبى فيكرين شعر، نثر و ايجتیماعى - سیناسى
مقالاتى كىمى ساحھلى ایله آياقلاشماغا مجبور اشتى. تصویرى صتنین اوسلوب جهتدن
رئالیست ایستيقامت ده موعین لشىمە سینده موھوم روول او بىنادى.
نهایت ژورنالىن عۆمومى ایديپا - بدیعى مۇۋقۇ نین يېشكىنلىشى ۱۰ - نجی عصیر
آذربایجان تصویرى صتنى نى سىئىرچىلىكىدەن، تصویرچىلىك دن او زاقلاشدىریب، او نو يۆكسك
بدیعى عۆمومى لشدىرمە خۆصوصىتلىرى ایله زىنگىن لشیدىرىدى.

«موللانصرالدین»

چیلر



ولی رحیم زاده

فعال موللانصرالدین چیلر

سولدان: ع. حق و تردیتو، رضا قالو نجف اوون سلمان ممتاز، زئیتال

ممداوو «علی قولوغمسار»

«موللانصرالدین» چیلر عۆمومیتله اوونون کاریکاتوریست و یازیچیلارئ اوز مدنی و مطبوعاتی فعالیت لریندن ال چكمه تیب «موللانصرالدین» مجلله سی نین کسگین و آردیجیل مۆباریزه سینی باکىدا نشر اوولونان ساییر طنز مجلله لرده، جبهه دن جبهه ته كېچەركى حقيقةتى بیان اىدەن قلم لرى ايله مۆباریزه لرینى ايدامە و تۈرپىدىلر. «موللانصرالدین» مجلله سی نین يۇزولماز و مۆباریز قلم صاحیب لرى، عۆمومیتله «موللانصرالدین» چیلر زامانىن بو گرگىن دۇۋزە لریندە، جلیل محمد قولوزادە، میرزا علی اکبر صابیر، حق و تردى يىن، محمد سعید اوزدو بادى اوزئىشىر حاجى بىاونو، غمگىسار، علی راضى، عۆمر فاييق نعمان زاده، قربانلى شريف، مشهدى حىب زئيتال اوون، علی محزون، مجىرى، سلمان ممتاز، فريدون بىي كونچىرى، علی نظمى، ميرزا محمد آخوندوف و کاریکاتوریست عظيم عظيم زاده و سايير «موللانصرالدین» مجلله سی نین امكاشلارئ. «موللانصرالدین» مجلله سی توقيف اولان دۇۋلىتنىدە مطبوعاتى فعالیت لرینى داياندىرما تىب آردیجیل باكىدا نشر اوولونان طنز روزنامە لرده اوز فعالیت لرینه ايدامە و تۈرپىدىلر.

«موللانصرالدین» مجلله سیندە و سۇنرا لار طنز مجلله لرده «موللانصرالدین» چیلر اوز اينسانى و ايچىتىماعى و ظيفە لریندە فعالیت اشتىكىدە آيرى- آيرى تخلوصى لرلە، «لاڭ لاڭى»، «موللا عمى»، «جيڭ جىراما»، «مۇز آلان دلى»، «هردم خىتال»، «ھوب- ھوب»، «سيزىم قولو»،

«کئف سیز»، «خور تدان»، «دابانی چاتلاق»، «جوول لاغی» و آیرئ- آیرئ ایمضالارلا ثمره‌لی قلم موزیاریزه‌لرینی داوام اشتديرير ديلر.

بئله دوشونزرم «مولانا نصرالدین» مجلله‌سی نین توقيف اوْلوننان دؤوزه‌لریندە نشر اوْلوننان طنز مجلله‌لرین بير نىچەلرى نين آدىئىنى چىكمك اوْخوجولار اوْچۇن ماراقلئ اوْلار. بەھلول طنز مجلله‌سی «بەھلول دانىندەنин آدىئىندان ايلهام آلىش» ۱۹۱۰-نجى ايلين مايى آىيىندادا، باكى شەھرىنده ۹- نۇئمرە نشر اوْلدوقدان سۇنرا توقيف اوْلوننور. زنبور طنز مجلله‌سی ۱۹۰۹-نجى ايلين مارس آىيىندا نشره باشلايىتىب ۱۹۱۰-نجى ايلين اوكتىيابر آىيىندا توقيف اوْلوننور.

«مرأت» «ايستك» «موراد» طنز مجلله‌سی ۱۹۰۹-نجى ايلين اوْرتالارىندا نشر اوْلماغا باشلايىتىب، اوچ آى مۇددىتىن ده ۱۳- نۇئمرە نشر اوْلدوقدان سۇنرا توقيف اوْلوننور. «آرى» طنز مجلله‌سی ۱۹۱۰-نجى ايل ديسامبر آىيىن ۱۸- يىنده ۱۹۱۱- ايلى نين مارس آىيىن ۱۱- يىنده باكى شەھرىنده نشر اوْلدوقدان سۇنرا توقيف اوْلوننور. «كل نىيت» طنز مجلله‌سی نين امكداش لارئ «مولانا نصرالدین» عنعنه‌لرینه صاديق قالمايش طنز اوْرقان لاردان بىرىدىر. «كل نىيت» مجلله‌سی ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳-نجى ايل لىرده نشر اوْلونномوش ۱۹۱۳-نجى ايلين اوْلىرىنده توقيف اوْلوننوموشدور.

«لک لک» طنز مجلله‌سی ۱۹۱۴-نجى ايلده ايروان شەھرىنده نشره باشلامىشدىئر. لک لک طنز مجلله‌سی جمن ۱۱- نۇئمرە نشر اوْلدوقدان سۇنرا مجلله نشرىنى دايىاندېرىمىشدىئر. لک لک مجلله‌سی «مولانا نصرالدین» چىلىرىن فعالىيەتلىرى نىتىجەسىنده نشر اوْلوب و «مولانا نصرالدین» يۈلۈن داوام اشتديرىمىشدىر.

«طوطى» طنز مجلله‌سی، «مولانا نصرالدین» مجلله‌سی مۆستىشنا اوْلماقلا، آذربايچان طنز مجلله‌سيىندىن عۇمۇزۇ نىسبىتن اوْزون اوْلانىشىدئir. طوطى مجلله‌سی ۱۹۱۴-نجى ايلين آخىر لارىندا ۱۹۱۷-ايىلە قىدەر باكى شەھرىنده نشر اوْلونسۇردو. مجلله‌دە يىشىدە «مولانا نصرالدین» چىلىرىن قلم صاحىبلىرى اوْ جۆملەدن، جعفر بىنادزادە، محمد سعيد اوْزدوپادى، سيد حسین، مير بالا قدش «قارداش»، جبار عسگر زادە، على محزون، على

راضی، شمعچی، عظیم عظیمزاده، ممتاز، علی واحد، علی نظمی، عزمو میتله «مولالانصرالدین» مجلله‌سی نین یازیچی‌لارئنین گوژه چارپار فعالیتی اولموشدور. طوطی طنز مجلله‌سی ۱۹۱۵- جی ایلده ۴۵ نؤمره، ۱۹۱۶- نجی ایلده ۴۶ نؤمره ۱۹۱۷- نجی ایلین ژوییه آییننا قدره ۱۱- نؤمره نشر اندیلمیش و ۱۹۱۷- نجی ایلین ژوییه آیین دا مجلله‌نین نشری دایاندیریلمیشدیر.

«بابای امیری» طنز مجلله‌سی ۱۹۱۵- نجی ایل لردہ نشر اندیلیر «بابای امیری» مجلله‌نی نشر انتدیبی ادبی، ایجتیماعی مسله‌لر «مولالانصرالدین» چیلرین فعالیتیندہ کی آردیجیل مژوضو موختلیف‌لیتی دیقتی جلب اندیر «بابای امیری» مجلله‌سینی «الباس مذنب موطلب‌زاده» موڈیریتی ایله نشر اولوندو. مجلله‌ده فعال چالیشان طنز یازان مذنب»ین قارداشی «ابوالفضل موطلب‌زاده» ایدی. مجلله‌ده فعال چالیشان طنز یازان «مولالانصرالدین» چیلردن، مذنب، علی نظمی، محمد سعید او ردوبادی، جعفر جبارلی، عباس صحت، عباس‌زاده، همت یصیر، قاسیم‌اوف، عسکر‌زاده، علی واحد، امین موطلب‌زاده، عظیم عظیم‌زاده و باشقا «مولالانصرالدین» چیلر موباریز قلم‌لرینی ایجتیماعی عدالت اوغروندا ایدامه و ترورک سنگردن سنگره کچه‌رک زحمتکش خالقلارین ایجتیماعی و سیاستی شوعر و نو آرتیئر ماق اوچجون مطبوعاتی موباریزه‌لرینه ایدامه و تریردیلر.

«مولالانصرالدین» چیلر یوزولماز عسکرکیمی اینسانی وظیفه‌لرینی خالق سعادتی اوغروندا باشلا دیقلارئ موباریزه‌نی قلبه گونونه قدره یوزولمادان آردیجیل ایدامه و تریب بونونلا بثله ابدی اولاراق آدلارئنی تاریخین قیزیل صحیفه‌لریندہ ثبت اندیلیر.



مولانا نصرالدین

مجللہ سی

آسیانیں اوناںما دوڑوڑنون پار لاق آئناسی

حسن ایلدیریم

(۱۹۰۵-۱۹۰۷) جی ایللر روس اینقلابی، شرق خالق لارئنین اویان ماسیندا مۆھوم روپ اوینادی. اینقلابین دالغاری آسینا خالق لاری. ها بئله روس ایمپراطورلو غوندا یاشایان خالق لارئنین ایجتیماعی- ایقتصادی و معنوی قورولوشلارینا گۆچلۇ تأثیر بوراخدی. ایستیعمار- ایستیداد دۆنیاسی نین چورۇمۇش پائەرینی سارسیلتىدی! و ایجتیماعی فیکیرین بۇتون ساحه لرینده دە دۇنۇش ياراتدى. ضيالىلار، زحمتكىش كۆتلەلرى اینقلابی- دئمۇکراتیک ایدیتال لارئنی منیمسە يىب و ایستیعمار و استیدادلا مۇبارىزە يە گىريشىدib. ایجتیماعی عدالت سیزلىك، مۇھومات، مدنى گىئری لىك، معنوی آچاقلىق لارلا آمانسیز جاسىنا دۇنۇشە باشладىلار.

بئله بىر تارىخى شراتىطىدە، ایجتیماعی ضىددىيەتلىرىن كىسگىن لىشمەسى دوڑوڑنە، ادبىيات و اينجه صنت دە خلقى لىشمەلى ايدى. شاعير، يازىچى، مۆتفکىرلە دە كۆنه دۆنیانین مۇرتىجىع قالىق لارئنین عشىيە جى سىماشنى ايفشا اشتىك اوچۇن يېنى ايفادە و اسپىطەلرى گرى ايدى. داما دوغروسو خالقىن حىاتىئا حاکىم كىسىلمىش جهالت، عطالىت كىمى معنوی بۇ خۇولارئىنى قىئرماق اوچۇن يېنى - يېنى شىوه تاپماق لازىم ايدى.

بۇ ئۆزى مۆتفکىر، دئمۇکرات يازىچى، ميرزە جليل محمد قولوزادە، بو وسیلەنى، بو واسىطەنى كىشف اىتدى: گۆلۈش! «مولانا نصرالدین»! گۆلۈشۇ! آخماق لارى، قۇلۇزۇرلۇلارى، كۆت بىتىنلىرى، قانماز لارى، ظاليم آغا لارى، وېجدان سىز بىلرى قامىچى لاماق اوچۇن «مولانا نصرالدین» گۆلۈشۇ لازىم ايدى. ميرزە جليل طنزى گۆچلۇ بىر بدىعى ايفادە و اسپىطەسى كىمى كىشف اىتدى! «مولانا نصرالدین» آدینى اوزۇنە تخللۇص سىچىدى! بو كىشف داهىيانە كىشف ايدى.

بۇيۈك ادیبین يارادتىدىغى «مۇللانصرالدین» مجللەسى ايلك نۆمرەسىنىدىن تا سۈن نۆمرەسىنىدك (۱۹۳۱-۱۹۰۶) عىتىچىلىك، يارامازلىق، ظۇلۇم و زوراكارلىق لارئ ايفشا اتمك و جهالت جارچىلارىنىڭ، عطالىت بايقوش لارىنىڭ سىسىنى بۇغماق اوچۇن گۈلۈش دن، مهارت لە فايىدالاندى. اونلاردان اىستىفادە اتتى.

مېزىز جليل چۈخ دۆزگۈن اولاراق، يازىرىز: «مۇللانصرالدین»نى طبىعت اوزۇ ياراتدى، زمانه اوزۇ ياراتدى. بۇيۈك ادیب، ياخشى بىلىرىدى كى ادبى حادىشەرلر اوز باشئىنا يارانمىئر اونلارى جامىعەنин قانونلارىنىڭ ضرورتى تۈرەدир. «مۇللانصرالدین»نىڭ ده يارانماسى بو قانون دان اىستىشنا دىئىل دىر.

«سيزى دىتىپ گىلىشىم اثى منىم مۇسلمان قارداشلارىم...» سۇزلىرى ايله اوخوجولارا مۇراجىعت اندىن «مۇللانصرالدین» ائلە بىر واتىندا گىلىشىدى كى خالقىئىن اوزنا چۈخ بۇيۈك ائھىتىاجى وارايدى: بىر طرفدن دۆنیابا دا يىتىنى فيكىرلر، دەمۆكرا提ك دۆشۈنچەلر، باش قالدىرىز و ايجىتىمماقى عدالت، آزادلىق كىيمى ايجىتىمماقى اىستىكىلار خالق طرفىنдин اىرلى سۆزۈلۈردو. دىكىر طرفدن دۆنیانىن اىستىعماრچى، مۆستىيد قۇۋەلرى، اىستىشمارچى زلى لر اوز منافىع لىرىنى قۇرمۇماق اوچۇن، خالق لار آراسىندا دۆشمن چىلىك تۈرەدир، مۆستىعىرە اۇلكلەرنىن وارىنىڭ تالاماق اوچۇن اوزالاردا خۇرافاتى، مۇئەھوماتى يايىئر، خالقىئىن معاريفلىنمەسى، آيىئىلماسى قارشىسىنىدا موختىليف مانع لر تۈرەدېرىدىلر. اونلارىن گۈنۆ - گۈنەن سىيمالارى دىيشىلىر داها قىدارلاشىرىدى. بىلە بىر واتىندا: «مۇللانصرالدین» مجللەسى، مەھلى، سادە، ماراقلىنى دىلى، گۆلەملى شىكىللىرى، آجى گۈلۈشۈ، كىيابىسى، لاغلاغىشى، اىستىھازسى ايلە، قولۇزۇرلۇلارى، قولدورلارى، طنز آتسىشىنە تو توردو. اۇلدۇرۇچۇ گۈلۈش لىرى ايلە خالق دۆشمانلارىنىڭ آلچالدىرىدى. ائلە جەدە يۇموشاق آتماجالارى ايلە مۇئەھومات اىچىنده كىرىمىش خالقى سانجىرىدى. بىلە لىك لە «مۇللانصرالدین» خالق اوزەتىنە بىول تاپىر، اونلارىن گۈزۈنۆ آچىر، پىسلىك لە قارشى نىفترت و قىصب حىس لرى آشىلايىرىدى و زىحەت كىش لرىن نىقصانلارىنى، مەھلى گۈلۈش ايلە لاغا قۇيوردو..

«مۇللانصرالدین» گۆلە - گۆلە، اىچىنە آغلايا - آغلايا مىللى حۆددۈلارى آشىر و بۇتلۇن شرق عالىيەنىشىق ساچىرىدى!

«مۇللانصرالدین» مجللەسى نىن دوغولماسى و اينكىشافى ايلە آذربايجان ادەتىياتىنىدا، ائلە جەدە ياخىن شرق ده طنز يۇكسك زىرۇۋە يە قالخاراق، اوزۇنۇن ان پارلاق دۇزۇزۇنە قىدم قۇيدو. او زامان «مۇللانصرالدین» مجللەسى نىن اطرافيىندا توپلانان قلم صاحىبلىرى، رساملار

اوز دۇرلارى نىن ان مشهور سىمالارى ئىدى، ھەر سى نىن اۆز اوسلوبو، و يازىش شىوهسى وارايدى. آنجاق مجللەنин او اوستاد سىتكارلارىندا ياردىجىلىق اينكىشافتىدا، خالق اىچرى سىينىدە تانىنمالارىندا رولو اولموشدور. «موللانصرالدين» مجللەسى نىن اطرافىندا تانىميش يازىچى و شاعيرلەرن باشقى، مىن لرلە مۆخىبىر توپلامىشىدى. اوئىلار، دۇنيانىن دۇرد بوجاغىنىدا «موللانصرالدين» تحريرىتە سىنه مكتوبىلار گۈئىدى. بو مكتوبىلار يېنى - يېنى طبىلر، تزە - تزە مۇۋضۇلار و... دۇلۇ اىدى. بو مكتوبىلار ئىگەنلىرى: مۇعلىملىرى، حكىملىرى، طبىلر، عالىملىرى، فەھىللىرى، كەنلىلىرى، شهر ساکىنلىرى... مۆختتىف طبقەلەر و صىنيفىلەر منسوب اولان شخص لرايدىلر.

میرزە جليل - يىن باشچىلىق ائتمىتى بىر جريان دان «موللانصرالدين» چىلىك آدى ايلە بۇئۈك بىر ايجىتىمماىي - ادبى مكتب ياراندى. بو مكتب تكجه آذربايچاندا دىئىل بلکە، ایران، تۈركىيە، اورتا آسييا خالق لار ئىن ادبىياتىنىدا اۇزۇنۇن لىاقتلى داۋام چىلار يېتىرىدى! بو مكتب يىن مۇعاصىر تمىزلىقى لىرى اونو لا يىقىجە ھەلەدە ياشاتماقدادىئى! آكادئمىك مەددارىف دىئىركى: «موللانصرالدين» مجللەسى نىن يېنى میرزە جليل، اونون قلبى ايسە صابىرىدى.^۱ بۇئۈك عالىم چۈزۈخ دۆز دىئىر.

جليل محمد قولوزاده بۇئۈك بىر آچاق كۈنۈللىك لە يازىز: «موللانصرالدين تك بىر مۇللا فىن اثرى دىئىل، او بىر نىچە منىم عزيز يۈلداشلار ئىمەن قىلمىرى نىن اثرلىرى نىن مجموعەسىدىر. من دە اوئىلارىن آنجاق آغ ساققال يۈلداشىيام».

«موللانصرالدين» ادبى مكتىبىنە منسوب يازىچىلار، بىدېعى ياردىجىلىق سېكلىرى اۆز، مۇۋضۇ سىچىمە، تصویر ائتمە، تىپ ياراتما اوصول لار ئىلە باشقىلارىندا فرق لىرىدىلر. «موللانصرالدين» چىلار اساس مۇۋضۇلارنى مۇعاصىر حىيات حادىشەلىرى تشكىل ائدىرىدى. بو سىتكارلار عادى احوالات لار اىچىنندەن، حادىشەلىرى سىچىنەدە، جامىعەدە هەنچ بىر خاروق العادە كىنفيتلىرى ايلە آيتىلمايان آداملارىن اىچرى سىندەن سىچىرىدىلر. اوئىلارىن بۇئۈك باجارىق و قابىليتلىرى بوايدى كى، بو «كچىك» اينسانلارىن دۇنىما گۈرۈشۈزۈن، حىياتا مۇناسىبىتىنى، سەۋىيىنچ و نىفرەتلىرىنى، حىاتىدا كى مۇۋتەقىيەتلىرىنى آچا-آچا، جامىعەنин داخىلىسى ضىددىيەتلىرىنى، ايجىتىمماىي بىراپسىزلىقى، مىللە ظۇلۇمۇ و... اىفشا ائدىرىدىلر!

«مولالانصرالدين» چىلەر، مىللى ادبىياتدا اىشلەنن بىر چۈخ طنز نۇوپلىرى ايلە ياناشى ئۆلگۈ مطبوعاتى اۆزچۈن، اويفون اولان يىتى قالىبلىر، نۇولىر، اوسلوبلار، اىفادەلردىن بۇللو - بۇللو اىستىفادە اندىرىدىلر. اۇنلار شىفاھى ادبىياتدا گىنىش يايىتمائىش و بىر اوجو خالقىن اۆرەھىنندە اولان آتالار سۈزۈ، تاپماجا، آتماجا، ناغىل، لطىفە، ماھنى، باياتىسى و ... نۇوپلىرىندە كلاسيك و دۆنья ادبىياتىندا درىن ايز بوراخان اىفادە اوصول لارىئىندا دا باجاريق لا بېرىلنىرىدىلر. دۆنیانىڭ ئىزلىرى طرفىنندە و ها بىتلە طنز مطبوعات لارىئىدا بۇل - بۇل درج اولۇنان: فيليهتون، لوغت، تىلقىيراف، پومست قوتوسو، صحنه جىك ائغانلار، مكتوب لار موڭالىمەلر، سىياحت نامەلر و اونلارجا باشقىا ئىزلىرىدا اوصول لارىئىندا اوصول لارىئىندا اىستىفادە اندىرىدىلر.

«مولالانصرالدين» مجللەسى نىن ان چۈخ اىستىفادە ائتدىيەنى ئىزلىرى قىئارىك ئىزلىرى كارىكتاتۇر ايدى. كارىكتاتۇر مجللەنىن دۇرددى صىحىھەسىنى اىياھاتە اندىرىدى. بو كارىكتاتۇرلار باعىث اۇلۇدولار كى، مجللەنىن مطلبلىرىنى ساۋاداسىزلارادا آسان وچە ايلە باشا دوشسۇنلار. آذربايچان دىلىنى بىلە ئىن يىشىزىلەر كارىكتاتۇرلار مجللەنىن يايىتماسى ئىن بېرىنچى واسىطيەسى ايدى. «مولالانصرالدين» مجللەسى نىن كارىكتاتۇرلار ئىزلىرى دۆنیادا چۈخ شۇھەرت قازانمىشدى. اۇنلار آذربايچان و قۇنشۇ اۇلکەلرین كارىكتاتۇرلار ئىزلىرىنىن اينكىشافىندا مىشىل سىز رۇول اوپتىنامىشدىلر.

«مولالانصرالدين» يىن اىستىفادە ائتدىيەنى بىديعى قالىبلىردىن بىز نىچە مىثال:
تىلقىيراف: كىلكتە - اينگىلىس حۇكۇمتى مۇسلمانلار ايلە آتش پىستلر (زىرتۇشتىلر) آراسىيىدا فيتنە سالىئىب وۇروشدورماق نقشهسى چىكىر. لاكىن بو ايش بورالاردا تىز اولدوغۇندان، مقدونىيە و قافقازدان تىجرىبە اولۇنۇمۇش «دستورالعمل» گۈزلەيىر.
آتالار سۈزۈ: آتى ئائىن يائىندا باغلاسان خان دۇنۇپ دەتىپ بىرىسىنى باغيشلا من!
 آدام ياتا - ياتا عالىم اولار.

اۇلمە اىشىشەيم اۇلمە! ياز گلر، خۇرىيەت بىتى.

لوغت: استولويىن¹ بىزىم لوغت يىمىزىدە بىر سۈزۈن اىكى معناسى و تار. بىر: اوستول اپىsin، اىكىنچى: اوستالىپىن. معلوم دور كى، باش وزىز آداملار ئىزلىرى دار آغاچىندا ئىسلىرىاركىن، اوستول و اىپ لازىم اولۇر، بونا گۈرە اۇنا اوستول اپىsin يىعنى اوستول - اىپ دەميشلر. اىكىنچى معنا ياتا

گلینجه: لاین ژاپونجا دلک دئمکدیر. باش وزیر دومادا سوں پارتیالالارا قارشی او لگۆ جۆنۇ
ایتى له دىيىن ئۆچۈن آدىئىنى اوستالاپىن قۇيىموشلار!

فېلىئەتون: «عىزىزىم آمرىكالى ايندى بويور گۈرك نه مقصىد ايله دۆنیانىن او باشىندان، بو
باشىنا گلىپسىن؟ منيم يقىنىم دىرىكى، سىنин خىالىنىدا بىر بىجلىك وئار، مىلن بو مقصىد ايله
گلىپسىن كى، بىچارە مۇسلمانلار ئۆزلايىب آخىردا ايمتىياز صاحبىي او لاسان و بىزى فەلە
كىمىي ايشلەدib، بىزىم اۋز اليمزلە قازاندىغىمئىر پۇل لار ئولدوراسان جىبىنە و آخىردا دا
خوراسان قالىلارىندان، بوخارا درىلىرىندن، نەججۇوان جەنجىملىرىندن، شاماخى
شال لارىندان، ایران شىر و خورشىدىندان، بىر يۆك توتوب وطنە سوغات آپاراسان و گىثىدib
آمرىكادا بىر كىتاب يازاسان و هەمین كىتابدا...»

«مولالانصرالدين» مجللەسى، گۆنüş كىمىي اوز اطرافىئىنا او نلارجا گۆلگۆ روزنامە و
مجللەسى نىن توپلامىش و او نلارا ايشقى ساچمىش دىر. ائله جە، «مولالانصرالدين» ادبى مكتبى
بۇئۇك، يازىچى، شاعير، رسام لار يېتىرىمىش دير. او نلار تكىچە آذربايچان دىتىل بلکەدە ياخىن
شرق دە، خۆصوصى ايله تۆرك دىلىلى خالق لار آراسىنىدا بو مكتبى تمىش اىدن مشهور ادبىيات
خادىم لرى، سۆز اوستالار ئولمۇش دولار كى، او نلار اوزلىرى دە كىچىك منظومە ياراتمىشدىلار
و «مولالانصرالدين» مجللەسى نىن يارىناسىنىدەن يۆز اىل كىشىدە، بو گۆن دە بو مكتبى يىن
داوام چى لار ئەردەر. حتا ایراندا، آذربايچاندا و... دئمك «مولالانصرالدين» ھله دە ياشايىر.

تۈركىتە، ایران آذربايچان، روس، انگلېس، فرانسە و... عالىم لرى «مولالانصرالدين»
مجللەسى نىن، تأثيرى، او نون بۇئۇك مئعمارى مىرزە جليل و بۇئۇك صابىر حاققىنىدا او نلارلا
كتاب، مين لرلە مقالە.... يازىب لار، و يازىاجاق لار. بىز بورادا دۆنیانىن مشهور عالىم و سۆز
اوستالار ئىتىن بىر نىچەسى نىن «مولالانصرالدين» حاققىنىدا بعضى مۇلاحيظەلىرىنى قىتىد
ائىدىرىك.

روس ایران شۇناسى پۇرفىنسۈر م.س ايوان او زەن مىشىتىت حاقدا مقالەلرى نىن بىرىنىدە
«مولالانصرالدين» مجللەسى نىن شرق دە، خۆصوصى ايله ایران دا مىلىلى آزادلىق حركاتىئىنا
گۆستەرىتى خىدمتى قىيىتلىدىرىر ك يازىر: «بو مجللەنىن ایران حادىشەلرى حاققىنىدا چۈنخ
ياخشى معلوماتى وئار ايدى. او هەمین حادىشەلرە عكس صدا و تىرىدى. بو مجللە فارس دىلىنىدە
نشر اىدىلەن، گۆلگۆ روزنامە و مجللەلر قىدەر گئنىش شۇھرت قازانمىش دىء...»

ابوالقاسم لاهوتى: «صابىرىن اثرلىرى او قىدەر سادە، روان، خلقى، عاغىلاتە، قۇرخىماز
روح دادىئر كى، آزادلىق سئون ھە بىر اينسان نىن او زەتتىنە يۇل گۆستەرىمىش دير. بو ساھىدە من

اوونون اوستالاچیغیشنا میتدارام. ایرانین دیگر طنزچی لری نین اثرلری منیم کیمی، اورتا آسینانی دولاشدیغیم ایللرده، گوئدوم کی، قطعن صابیرین تأثیریندن خاریج دئیشل... ایراندا که میللى آزادلیق اینقیلاپی دوورونون طنز شعری ده صابیر یارادیچی لیغیشنا اولدوقجا مدیون دور. اثرلری میللى چرچیوه‌نی آشیب کىچه‌رک اوز تأثیرینی آذربایجان حۆزدەوندان چوخ اوzac لارادا يايمايش دير. بونون اوچون ده من صابیرین دوغوم گونزا بايرامیئنى بوتون شرق امكچى لری نین بايرامی حساب اندیرم.^۳

ناظیم حیکمت (بوئزک دونیا شاعیری) صابیر حاقدا بىله سوئله نیر: «صابیر نه تک آذربایجان نین بلکه اورتا آسینانین، ياخشىن شرقین ان بوئزک شاعیرلریندendir. من صابیری، اوونون اوز آنا دیلینده اوخويما بىلدیشیم اوچون اوزکدن سوئننیرم... ۱۹۰۸- جى ايلين توركىيە اینقیلايىندان اول و سۈزۈرادا صابیرین شعرىنى توركىيە ده هم ضىيالى لار هم ده عادى خالق كۆتلەسى محبت و هېجانلا اوخويورلار.... بىز صابیرى سۇھىرىك، اوغا حدسىز محبت و انتحiram بىلە ئىريك. بىز يازىچى و شاعيرلر صابیرى اوز اوستادلار ئىمیزدان سانىرئىن...»^۴

تابىك عاليمى، بوئزک شرق شوتاس اى. س. بيراگىشىكى يازىر: «موللانصرالدين» مجللەسى شرق خالق لارئ نین حىاتىيىندا تام بىر حادىه ايدى. بو مجللە خالقىن منافىعى اوغرۇندا ايرتىجا علشىيەنە مۇبارىزە آپاران سىياسى مطبوعات نۇمونەسى ايدى.^۵ دونىتا شۇھەرتلى عاليم آكادىميك پۇرفىسۇر ئ.ا. برقلس «موللانصرالدين مجللەسى نين بىنالخالق اهمىتى حاققىندا دئمىشىدىر: «موللانصرالدين، مجللەسى نين تأثیرى چوخ بوئزک اولموش و بىو تأثیر آذربایجان نین سرحدلىرىنى آشىب، توركىيە، ایران و حتا هىندوستان قىدر ياشىلەمىشىدىر.»^۶

۱- يىجي عصىرین اوئلىرىنده، ايلر بوئتو آسینا خالق لارئ نین اوئرەتىنده ياشابان افسانەسىي «موللانصرالدين»، بوئزک مىرزە جىليل-ين سىماشىندا، «آسینانىن اويانماسى» دوئولرده دوغولدو و او دوورون پارلاق آيتاسىنا چىھىرىلدى. ايندى آرتىق، «موللانصرالدين» (مىرزە جىليل محمد قولوزادە) ۱۱۰ دير كى دونىتائى گرە- گزه اىنسانلارئ قفتل يوخسوندان اويانماقدادىر.

۳- آخوندۇن ناظىم. آذربایجان سانىرا ژورناللارئ- آذربایجان عىملەر آكادېتىياسى باكى ۱۹۶۸.

۴- يېفون محمد، نشرىيە ملانصرالدين، پىك انقلاب، تهران ۱۳۵۸، انتشارات كار.

۵- آخوندۇن ناظىم. همان اثر.

۶- ادبىيات و اينجە صىن روزنامىسى، ۱۴ آپريل، ۱۹۵۶.

باھارى گۈر



گل انى بولبۇل بىزىم يېرده، باھارى گۈر، باھارى گۈر
دۇلان باغدا صفا ايلە، گۆلۈ گۈر، گۆلەزىدارى گۈر
بنۇوشە ناز ائدن يېرده، گۈرەرسن گۆللەرى خندان
او خندان گۆللەرى سۇۋىسىن، چىچكلى شاكسارى گۈر
او سۆنبۇل زۆلفۇنۇ، ھۇرجىك، سۆكوتە قرق اولار كۆكى
يائىشىر مۇشكى خوتۇن هەرم، بو آھوئى تاتارى گۈر
نسىمین عطرينى آلدىن، باخارسان نازلى مىنابە
او لالە بارگاھىئىدا، بېتان لالەزارى گۈر

آقازادە علیاپى (علیا)

بىزىم يېرده خزان اولماز، مگر بىلمىرسن انى بولبۇل
قزالانى قىل مىثلى، توکنۇز شاھكارى گۈر

قفس يۈخدۈر بىزىم باغدا، آزادلىق دېر محبىت دېر
صفادىئر ھم صەمىمىشت، بو وضعى آشىكارى گۈر

بو باخىن بولبۇل اولسان، او لارسان جاۋىيدان ابدال
بو گۆلزارە سۈپۈق باخما، مۇقدىس اينتىخارى گۈر

طبيعت بى طبيب اولسا، باھار بەتىننە گۆل سۈلسا
و يَا ساغر غلط دولسا، فلک تك كچ مدارى گۈر

گۈرۈر «علیا» عدم يۈخدۈر، بو گۆلشنە سىتم يۈخدۈر
چىخىشىر مەتىخانەدىن سرخۇش، او مستى مەنگۆساري گۈر

مارالان مارالی*

عباس بارز



اوستاد عباس بارز

قوچامان شاعیرمیز عمر و نون ۹-جی ۱۰ ایلیشینی
باشاییر گنج اورکلی شاعیره ساغلامیش آرزو لاینرین.

بیر عزیز دوستوملا صوحبت اندرکن
یار گلدی قارشیمدان آرالی گشتدي
کونلوم هارائ چکیب منی سسله ین
دندی مارالانین مارالی گشتدي

من اوئنا با خمامائش او منه با خدی
با خیشی جانیمی یاندیردی یاخدی
کپریشین نشتر تک با غریما تا خدی
قوزیدو شیکارینی یارالی، گشتدي

گول اوزون گورجه ین چیریشندی او رک
وفاسیز سنوگیدن دندی گل ال چک
باشینا اورتموشدو بیر یاشیل او رپک
گوزلری سورمه دن قارالی گشتدي

ایسلامندی دفتریم قان گؤز یاشیمدان
سورشسان حالیمی سور سیرداشیمدان
اٹله چاشمیش هوشوم چیخدی باشیمدان
بیلمه دیم کیم گلدی هارالی گشتدي

«بارز» بیر سوژ دئین آغلاتدین اٹلی
اوستونه اسمه سین آیریلیق یشلی
اورکدن داشلانان محبت سئلی
ساراسیز گلمیشدی، سارالی گشتدي

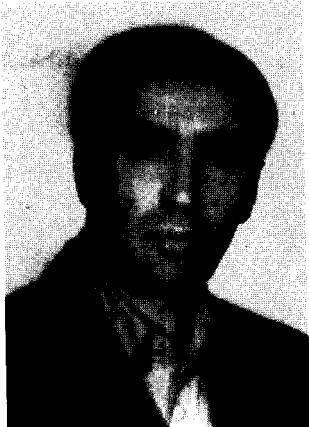
يالىئن مئشەلر مسعود آذر

مئشەلر - مئشەلر،
قاڭىن مئشەلر
شاختالى - قارلى،
يالىئن مئشەلر.
قىرۇزۇلو اللىرىمدىن قۇر آتىر،
دون وورموش اۆزەتىيم
شۇعلە چكىر،
آلۇن تېپىر.
دېزە چۈركۈرم
قارشى سىندا تۇرپاغىن.
كىرىمېش اللىرىملى
ائشىرم قارى،
دېشىرم تۇرپاغى.
دۇداق قۇنوب
دون وورموش قارا تۇرپاغىن
اۆزۈندىن اوپۇرم.
تۇرپاغىن اۆزۈندىن اوپۇرم.
چاتلى دۇداق لار ئىمەن حرارتى ايلە
جانلا ئىير حىات،
جانلا ئىير كايىنات.
قارا تۇرپاغىن چات لار ئىندا
نارىن - نارىن،
ياشىل يارپاقلى،
سارى خاللى،
قىزىل چىچىكلەر دىرچەلىر.
قىزىل چىچىكلەر دىرچەلىر.



فييە گلمەدىن كرىم ناجى

خاطىرە كىنديرىن سالىب بۇنىما
دارىسقال كۆچەلر چاغىرىمىز منى
دېشىر هاردا قالدىن
نييە گلمەدىن
او زون ايللەر بۇتۇ جان بالا دېتىه
چاغىرىدىم سنى
كىل يىننە بش مۇھەرە دووازلا را ياز
«من سنە عاشقىم،
سنى سۇزىرم»
سوئرا گۈزەلە او نۇ آخشاما قىدەر
گۇنۇن يۇرغۇن چاغىنى
قارانلىقىچ چۈكمەمىش،
هر ياندا اولسا دادا تاپىلەت گلر
او نۇ سۇزىندىرەر
دووازلا يازىلەتىمىش گۈزەل جۆملەلر
عىشقىن اۆزەتىنە تزە قالسا دادا
يازدىغىن جۆملەلر پۇزولوب
گىڭىدىپ
ايىدى بو دووازلا ر حسرتدىر سنە.
گۈزەل ئىير،
تاڭى سىن گله سن،
يىننە يازاسان يىننە:
«من سنە عاشقىم،
سنى سۇزىرم».



داود خرات اهري (قارانقوش)

حیات یولداش!

سوت گونز
گل بير گوروشك
سوتوق سندن
چوړه نېي مندن!
دوز گونز
گل بير اوپوشك،
دوزو سندن
چوړه نېي مندن!
سلله ټيم: دوز چوړک ټندیشم
حیات یولداش!

دیلک

قارانیق دوښتالار دان
جانیخانلارئ،
نېیه گورموزرسن؟
گونشلر حسرتیندن
داریخانلارئ،
بلکه سټومبرسن؟!
او نه سورغو؟
ایتان منه
داها یو خدور قورخو،
کل آل فانادلارينا
گونتر آپار مني
ایشیقلئۇ دوښتالارا دوغرۇ...!

بۈقىلۇ گنجە

گنجە آغىر،
بۈرخون گۈزلى يمى
آغىر بير یوخو
آغىرا
تۈر آتان
قىيرمىزى كېنه يە
تۈزۈن تۈخۈنۈر،
گنجە قوشودا
او خويورا!
گنجە بۈقىلدۈر
سحر گۈش دوغولور...

بولاق و دنیز

م.ا. به آذین

چئویرن: ع. آغ گونتیلى

اینجه بیر بولاق، او تانا - او تانا انهمالجا داغىن دؤشوندن جوشوب واهىمەلى باخىشلارلا هر يانى سۆزدە. گۈزلەرنىن اوپۇندە گىشىش و بئۇتكى بير دۆنیا جىلۇھىنى. يان - يۇزورەسىنى شىئىر اندەرك يَاواش - يَاواش اوز آشاغا آخدى. هر دن بير قۇرخوب داشلارىن دالىندا گىزلىرى گاھداندا سرت باخىشلارنى سمانىن ماۋىلىتىندا گىزىدىر. قۇچاقلاشدىقجا ياشايىش گۆجلۇ اوپۇدا جوشوب داشلاندى. سئۇينجى زۆم - زۆمە اندەرك داغىن اتھىيىن داخىب گىلدى. آغ، قىئورئىملە گىشىمىنى يىرىن اوزەرىنده چكىرىدى. دۆنیانىن تزەليكىلرى اوپۇن خىتىرتلى گۈزۈندە پارلايىردى.

گۆنش، يىشى يىشتمە قىىزلار ساياغى، بولاغىن گۈزلەرنىن آيدىن آيتاسىندا اوز - گۈزۈنۈ گۈزۈب فرحدن دوغولان اىستى گۈلۈشۈنۈ اوپا باخىشلادى يېشل، لەلەر ساياغى انهمالجا اوپۇن قىئورئىم ساچىلارنى دارا ياراق، «بە - بە نە گۈزىل سن» دندى.

آى دا، اولدوزلاردا، اوپۇن يۈلۈنا شە سېرک اوپۇ، گىنچە قوردوقلارى كىف مجليسىنە چاغاڭىزدىلار.

آل - الەن، ياشىل بىتگى لر اوميد دولوسو گۈزلەرى ايلە الەن گىشىمەلىرى ايلە اوپۇن يۈلۈندا صەنلىك رقص اندىرىدىلر.

خۇش آوازلى قوشلار اوپۇن مجليسىنە گلىپ ان گۈزىل ماهنى لارىنى اوپۇن شرفىنە قۇشدولار، جىتىرانلار چاپاراق تۈشۈئە - تۈشۈئە يۈلۈن يىشىشىپ، اوپۇن سرین و تراوتلى اوزۇنۇ اوپىركن، جاوانلىق سئۈگىلىرىنى يَاواشجا اوپۇن قولاغىشىنا سوتىلەدىلر. نازلى بولاق، نازلانا - نازلانا آخراركىن، آخىر و بۆتون پىسلىكىلرلە ياخشىلىق لارلا راضى لاشىرىدى. هارا گىندىجە ئىينى هلە اوزۇدە بىلمىرىدى او، تكى دولانماقدان و بىردى تاماشا ائتمىك دن حظ آلثيردى.

اوز گۈزىل ئىشىنى ھامىدان اشىيدىرىدى. ھامى اوپۇن تزەليتىنە و تراوتتىنە و تۈرۈلەموشدو بولاق نىچە فيتنە اولدوغونو ياخشى باشادۇشۇردى. ھامى ئىشىن اونا وورغۇن اولدوغوندان سئۇينىرىدى،

آذى ۱۱

هنج کیمسه يه کۇنۇل و تېرىدى. بير کیمسەنى ده اوزۇندىن اينجىتىمىرىدى. همىشە گولوش زارافاتى سۇزىرىدى. ھامى دا اوئون سۈزۈنە باخىردى.

ياز ايدى و سوئسە ئىدىجى كۈرك بير يىتلەسىرىدى. اوميدىل، آرزولار يىزىن آلتىندا اكىل تۇخوم لار كىمى باش قالدىرىپ هردن بير ايشقىڭىز سۇنرا قارانلىيغا قاپانىئىردىلار. او بۆتون سۈزلە قولاق آساراڭ دانىشىپ گولوردو، آنچاق گشت - گىدە جانا سىز بير آجيلىق حىس ئەتىرىدى. آمما او آجيلىقىنى سېبىنى بىلمك اىستەمەرىدى. او ائلە بىلىرىدى كى، يىتلەن ئەددادىجى شىرىن سۈزلىرى، گۇنىشىن، اولدوزون اوپۇشلىرى اوئون جانىندا كى، يانقىنى سۇندۇرە بىلەجك گلنە نازلانىپ ھامىشى ئوسونلا ئىئىرىدى. هنج بير يۈلداشچىلىق دان چكىنەمىرىدى.

اخىردا ھامىنىن اىچىنده اوزۇنۇ يالقىز گۇردو و اوئون - بۆتون سۈزلىرىنىن مفتۇنلوقدان باشقۇ بىر زاد الدە ائتمەدى.

آنچاق ائلە، او اوچور سۇئىملى و گۈزىل ايدى و اوئونلا ياشاماق ھر بير کیمسەنىن اورەتىنجه ايدى.

ھلهده دانىشىغىنداش شىرىنلىك، دوداقلارىنىداش گولوش آخىردى. اوئون پارلاق گۈزلىرى يۈلداشچىلىق آختارىرىدى.

بىر گۈن آغاچلارىن دالىندا سرخوش بىر گولوش سىسى اشىتىدى. اوز ياخىنلىغىندا، آلنى پارلاق، دوداقلارىنىداش گولوش سۆزىن گۈزلەن و خىردا بىر آرخ آخىردى.

اوغرۇن - اوغرۇن اوئا باخىب اوز - اوزۇنە دىئى: «ايىر او منى سۇنمەسە حىاتىشى دادسىز و آجي اولاچاق» سۇنرا بىر آه چكىپ باشىنىنى آشاغايانا سالىپ يۈلۈنا داۋام ائتىدى. آنچاق او اوغرۇن - اوغرۇن ياخىنلىغىنداكى آرخا باخىردى.

بىردىن بىرە آرخىن گۈزى اوئا ساتاشدى اوئون گۈزلەلىشىنداش ياراشىغىنداش آغزى آچىلا قالىپ، اوئانا - اوئانا ائھمالجا اوئا سالام و تېرەرك دىئى:

- بلکە مندىن قاباق سىنىن گۈزلەلىشىن وورغۇنو چۈخ اولوب، بلکەدە باشقالارئىنىن سۆزىن ئەددادىجى اولويدور. آنچاق سىنى اوركىدىن سۇئىپ عزيزلمەتىپ و سىن باشا دۆشىن دىلى ايلە سىنى دىنلىرىپ بىلەمەتىپ دېرلى. و سىنى اوئەتىن جە عزيزلمەتىپ...

بو سۆزلر سەھىرلى بىر موسىقى كىمى اونون جانىنا سىنيردى. ايلاهى بىر قۇوه اوñلارئ بىر- بىرلىبىنە ياخىن لاشدېرىمەدى. قىچىلارئ سەنگى سرخوش لوغۇندان سوستلاشىردى. اوتناندىغىنەن كىرىكىلارى آغىرلاشدى، اىستەر- اىستەز اوñلارىن دوداقلارئ بىر- بىرلىبىنە قاوشىدو.

اوñдан سۇنرا سۆد ايله شىركىن بىر- بىرلىبىنە قارئىشىلار ال- ال وئەرك، چۈللىردىن- مىشەلردىن كىچىدىلىر، سمايا، اولدوزلارا گۆللەرلىر. آى دان گۆمۈش، گۇنىشدىن قىزىل دىلەدىلر. بولودلارىن دۇشۇندىن سۆد امىدىلر يىتلە ايله سەنگى ناغىيلىنى سۈئىلەدىلر. گۆللىرە، آغاچ لارا سەنۋىپ. سۇزىلمىك سىرلىرىن اۇيىرتىدىلر، اوز ماھنى لارى ايله يىشرا اوزۇنۇن حىتىوانلارىنى سەۋىنيدىرىدىلر.

حىتايىن گۆزلىكلىرىنە بىر- بىرلىرىن نىن گۆزۆ ايله باخاراقدا، عىشقىن نىشىعەسىنە و گنجىلىشىن گۆجۈنە آرخالاناراق آرزى يۈل لارىنىدا هەر نە كى مانعىلر و چتىنلىكلىرى وار ايدى آياق دان سالدىلار. اوئىونا قۇيدوقلارئ گۆزجلەرنى، اوñن بلکىدە يۆز قاتىنى، قازانىرىدىلار. گۆن بە گۆن گۆزجلەر چۈخالىيەب و آغالىق لارىنىن ساحەسى گىنىشلىرىدى.

يىشىدە، حىتىوانلاردا، بۇتۇن بىتىگى لىردىه اوز اىستكلىرىنى اوñلاردا دىلەپىرىدىلر. ايشلىك كىنلىر، صىنت سەنور شەھرلى لىرى مىن- مىن اىستكلىرىنى مىن - مىن اومىدىلىرىنى اوñلاردا باغلايمىرىدىلار اوñلار ھامى اۆزچۈن سېخىنناجاڭ يېرى اوللوب و ھامى دا اوñلارىن امرىنەدەيدىلر. سەۋدىكىلارى كىمى حۆكم سۆرمىكىن سرخوش اوللوب قورەنلىك وارلىق لارىنىدا كى ساغلاملىق لارى، تە Mizلىكلىرى ياواش- ياواش سايىمامازلىقى و دانقازارلىغا چىۋىلىدى.

اوñلارىن امرىنە اولانلارىن، قۇرخاقلېق لارى و عجىزلىكلىرى اوñلاردا كى زۇراكىلىقى و اوز باشىنالىيەن چۈخالىتدى. كىمى سىنەن باشارىق لارى قەدر اينجىدېب، كىمى سىنە اولدوقلارئ قەدر مەحبەت اىدىرىدىلىر. بعض گۈرۈدۈن ان آز بىر اينجى مەتە گۈرە كىم سەنەن جانىنى آتىرىدەلار، بعض دە ان آز حۇرمەت اندەنەن قاباغىندا آغىلا سېغماز باغىشلار گۆستەرىدىلر.

آغىزىلارئ نىن كۈپۈزى، آلەن لارىنىشىن قىئىشلارئ و چىركىن گۈركەملەرى، قۇچاق لارىن اۆزۆب اۆميد سىزلىك زەرىنى اوñلارا دادىزدىرىدى.

اونلارین طوغىيان ائدىجى دالغالار ئىن ئارشى ئىستىدا هېچ كىمسە يە امين - آمانلىق يۇخدۇر. دۆستا- دۆشىمانا ائتىدىكىلرى قىصبىلىرى نىن سۈنۈ يۇخدۇر.

زامان، ايتنى، قورخماز باخىشلار ئايلىه و آجىئى كۆلۈش لرى ايله هېچ نە دئەمدەن اونلارا باخارىكىن يىواش - يىواش اوئرۇب گشتدى. اونلار ايسە دۆزىتائى ئۆزلىرىنىن كى ساتاراق قۇرەلنib. آرخايىتىن - آرخايىتىن گىندىرىدىلر، آنجاق گشت بە گشت زامانىتىن گوجلو جايىنالار ئاپارىنىن طالىعىنده آغىزىلىق ئىدەرك، گىنجىلىك هيتابىنلار ئىتىنى و حىيات جوشقۇنلۇغۇنو اونلاردا آزالدىب و يىاش آلثىب گىندىن جىلىز آرزو لار ئىنحرارتىنى آزالدى. دۇئە - دۇئە تىكىرار اولۇنان شىنىلىكلىر، راحات جاسىئىنا الدە اشتىدىكلىرى قىبلەر اونلار ئىنھىيىنى ووروب آياق لار ئىتىنى سوسدالداراق گىشتىمك دن دايىاندىرىمىزدى.

دونيادا اولان ياخشىلېق لار، پيس ليكلر، باشقالار ئىن شن ليكلرى داها، اونلار ئين سينئيب بىزىكىميش وارلىق لار ئىنى ماراقلاندىرا بىلمىردى. گنج ليك ده آپاردىغى حظرل داها اونلارا شيرين گلمىردى. كىچە جىك ده اولان چالىشمالار ئىداها اونلار ئى روحلاندىرا بىلمىردى. شۇڭكى گۆنüşى، حيات لار ئىن اوفوقۇنده باتاركىن، سانكى بۇتون دونيما معناسىنى ئايىتىرىدى.

یورغونلوق و آغىرلىق لار ياشادىيغى گۈندۆزلر، قۇرخودا و تشوپىش دە كىچىرىدىيى
گىچەلر تزه بىر يۆز كىمى يورغون چىيىن لرىينه آغىرلىق ائدەرك اونلارىن
داۋازانىشلارىن كۆتىلدىرىدى.

آنچاق نه قدهر اوزانسادا، بىليردىلر كى، عئمۇزۇنۇن سۈنۇنا ياخىئىدىلار و تىزلىكىله حىباتلارى جوشقۇنلۇغۇندان دۆشىركەن، سوپۇن اۆزۈزىنەكى كۆپۈزكىلر كىمى يۈزخ اولاجاقلار و نهایت بىر گۈن، اوئر قاتما-قارىشىق شىرىن يوخۇلارىنىدان و سرخۇشلوق دۆنьяلارىنىدان آېشلاجاقلار.

آنچاق، الده ائده بىلمەدىكىلرى آرزوئلارىن اوپوسۇنو و آلدادىجى ئوتىرى شىلىكىلر اونلارىن جاھىيل و اپيرىميش اوْركىلرىنى، قاباقدا كى گله جك قورخويا سالمىشدى. سۇنمكىدە اوْلان، چىئافلارى، آرخادا قالمىش عۆمۈزلىرىنىن كۆلۈ ئىتىندان، اوْز جانسىز و سون ايشىغىئىنى ساچىرىدى.

دنیزین گۇرۇلتۇسو، اوْلۇم خېرىنى اوْنلارىنىن قولاق لارىنى چاتدىغاندا، اسلامدان اوْرکن جىشىران كىمى اوْنلارىندان جانى دنیزین گۇرۇلتۇسوندن اوْرکۈرددۇ. نە قالماغا اوْرک ائدە بىلىرىدىلر، نە دە ال اوْزۇب گىئە بىلىرىدىلر.

اولجە، دنیزى گۇرۇندا، اوْنلارا ائله گىلدى كى، قىصبىلى، آج بىر دۇن مىن - مىن ال - آياقلا اوْنلارا سارى ئىلىر و مىن - مىن آغىزلا اوْنلارئ اودماق اىستەتىر. دەشتلى بىر اوْشۇتمە اوْنلارىنى بۆتۈن بىدنلىرىنى بۆرۇددۇ. اوْركلرى چىرىيەنمادان دايىاندى. سوستلاشىپ كىشى قالىب و دنیزە خىيرەلەندىلر. سانكى اوْنسونلانىشىدىلار.

ياواش بىلىرىدىلر كى، گۈندۈزۈن گۈلۈشۈندەن آيدىن، گىنجەنин يۇموشاق ياتاغىندا مەھرىيابان خىلا سېغىماز گىنىش بىر ماوى ليكەدىر. اوْزىلرىنىن بولانلىق بىر دامجى اوْلدوقلارىندان و يېرسىز قۇرخولارىنى گۇرە، اوْزىلرى اوْزىلرىنىن اوْتاناڭىن، اوْشۇمۇش بىر اوشاق آناسىنىشۇن قوجاغىنى سېغىشان كىمى، اوْنلاردا دنیزین قوجاغىنى سېغىشىپ يوخويتا گشتىلر. هر شىنى يائى گۈنۈنۈن گۈناۇرتا چاغىئىنىش سماسى كىمى آيدىن و دوم - دورو اوْز يېرىنىدە آيدى.

داها نە بىر شىنى گۇرۇردۇلر نە بىر زادى اشىيدىرىدىلر اوْنلارىنى بۆتۈن وارلىقى دنیزين وارلىقىنىن هوپ موشدو و اوْنلار دنیزين خىيردا بىر دامجىلارى آيدىلار. هله اوْستەلىك دنیزين ايلك اوپۇشۇنۇن زەھرلى و آجى دادىنىدا اوْنوتۇشۇدۇلار.

مۇتسارەت قازاماقدا

ژورىز كولون

چئويىرن: ھامىشە قوجا

كۈچۈرن: حميد بخشمند

فرىئن حبس خاناسىئىندا، بىر- بىرىندىن قۇرخمايانلار تىز دۇستلاشىئىلار.

مۇتسارەتى ايکى آى اوڭىزلىكىنىڭ كىشىكچى ائرىنىشتى تائىش ائتمىشدى. ھەمىن واختىدان مۇتسارەتلا دۇستلاشمىشىدئىم. مۇتسارەت يېڭىپەر حئيوانا اوخشايمىشىدئى، قۇللارى ئۆزىلەن، آغلى ئىسە كۆت ايدى. گۇزوھىسى سرت، اۆزەرى كۆزۈك ايدى. باشى دۇنۇز باشى كىيمى ايرى، فيكىرلى ئىسە كۆرپە اوشاق فيكىرلى ايدى.

او، سامان دۇشەيىن اوستۇنده او زاتىب گۈزلىنى منه زىللە يېردى. درىن خىتالا دالىر، ھەردىن سايىقلايىردى. من اوۇنون دئىئەجەتى سۈزلىرى گۈزلىرى يېردىم، آمما نە دئىئەجەتىنى بىلەمەرىدىم. ھەمىشە عىتىنى شىنى دئىر، سۇنرا دا كۈكسۈنۈ او توરۇرۇدۇ. حىس، ائدىرىدىم كى، مۇتسارەت كىچىمىش بىر احوالاتى گۈزلىرى قارشى سىئىنداڭىچىرىر، سۇنرا فيكىرلى - فيكىرلى ھەمىن جۆملەنى دئىر:

- ھە حالدا ياخشى ايشلەميسىدىك!

مۇتسارەت بىر دە كۈكسۈنۈ او تورۇرۇكىن سۇنرا فيكىرلى - فيكىرلى قالخىب سامان دۇشەيىن اوستۇنده او تووردو. بونلارىن ھامىسى ئە تائىش ايدى. ايندى ياخشىلىق واختى چاتىمىشىدئى. مۇتسارەتىن منه، سۈزلىرىمە ائحتىاجى واردى.

گۈزلىرىمى مۇتسارەتىن او زۇنە دىكىب، سىسىمە لاقىتىد بىر اىفادە و تۈرىپ نىچە گۈندىن بىر منى ناراحات اىندى سوألى و تۈرىدىم:

- مۇتسارەت، آخى سىنە نە اوچۇن مۇتسارەت دئىرلر؟

آرایا سۆکوت چۈكىدۇ؛ قورتارماق بىلەمەين حبسخانا سۆکوتو. سۆپۈق، قارانىقىق، موردار بىر سۆکوت. گۇرەسنى، مۇتسارت سوأىيمىدان ھىرسلىنىمۇرى كى، ئامان نىڭاران ايدىم.

آخىرىئى كى، اوزومە باخدىئى. آمما ھله سوسوردوق. بو حبسخانا سۆکوتو ايدى. آن آغىر جزايانا اوخشىايان سۆکوت ايدى... مزار سۆکوتو.

- منه نىيە مۇتسارت ئىتىلر؟

اون، مىھرىيىان باخىشلى ئىنك باشىئىنا اوخشىايان باشىئىنى يوخارىئ قالدىئرمىشدى، ايرى، ئىتىيەجر دۇداق لارئىنا تېسىم قۇنمۇشدو. سۇنرا او احوالاتنى سۇيلىمەيە باشلادىئى...

مادمازىل «پليان» يىن قانونا دۇنمىش عادتلرى واردىئى. بو عادتلرىن بعضى لرى اوںون حىاتىئىنا مجبورن داخىيل اولمۇشدو، بعضى لرى ايسە اوزۇ گۇزۇرمۇشدو. بعضى عادت اوزەرىتىن، بعضى لرى لوونغاڭىقدان، بعضى لرى ايسە راحاتىئىغا اولان ائحتىاجدان يارانمىشدىئى.

مادمازىل پلياتىن ۷۳ ياشى ئاردىئى... بۇيۇ بالاجا، اوز - گۇزۇ قىرىئىش، اوزەتى هىككەلى، اوزۇ تنها ايدى. ان، سحرلى اوزۇنۇ يېزىنگۈزىلچە سلىقەيە سالىئىر، آزاچىق بازارلىق اندىر، بىر آز ائۇ ايشلىرى گۇزۇر، بىر آز دا مطبىخىدە ايشلەيىردى. مادمازىل پليان ضعيف، خىرداجا، آرىق بىر آدام اولدوغو اوچۇن گۇردۇقىۋا ايشلە دەئىلە بىل اوزۇ بۇيۇنا، اوز ايمكانلارئىنا اوتىغۇن ايدى: ھە سحر ياؤاش - ياؤاش گزىنە - گزىنە گلىب اورمۇ كۆچەسىنده كى بالاجا ارزاق ماغازاسىئىنا چىئىخىئىدى. بوردا اوزۇنۇن بالاجا سېدىنە آزاچىق ارزاق آئىب يىئىغىردى: بىر آز ياغ، بىر آز كۇفته، بىر تىكە دونۇز اتى.

بوندان سۇنرا او اۆزۈنۈن بالاجا مۇزىلەنە قايىشىدیردى. پىللەكىنە خىئىداجا لاكۇز خاتىما بىر - ايکى قىسا سۇز دىتىر، ياخود گۇمۇرۇك نظارت چىسىنىڭ دول قارىسى مادام شمل لە آزا جىق صۇجىت ائدىرىدى. ساات بىردى مادمازىل پلىان ناھار ائدىرىدى - خىئىداجا ماسائىن بالاجا بىر كۆنچۈنە يۈنگۈل بىر ناھار. آخىردا آزا جىق قەھەر لېچىردى. سۇنرا ايسە هەر شىئى دىيшиشىرىدى...

اونون خىئىداجا، دارىسقال، سېئىخىلەميش حىاتى بىردىن - بىرە بۇئۇك بىر حىاتا، سئۇينج سئلىنە، انھىر اسلا دۇلۇ، شىرىن، اصل اينسان ئۇمرۇنە چىنۈزىلىرىدى. هەر گۈن گۈن اۇرتادان سۇنرا، ساات ايکى اولان كىمى مادمازىل پلىان اۆز پىيانوسون (روپالى ئىتىن) قارشىسىندا اېلە شىر، دۆز آخشام ساات آلتى بىا كىمى چالىرىدى. دايامادان چالىرىدى، دىتىه بىلرم كى، هەنج نفسىنى درەمە يە دە دايامىشىرىدى. نە چالىرىدى؟ بۇتون رېپىرتوارىنى چالىرىدى. يعنى، «قارىمەش قىزىن دۆعاسى»نى چالىرىدى. بلى، تك قالدىغىلى اىلدەن بىرى مادمازىل پلىان هەر گۈن گۈن اۇرتادان سۇنرا دۇرد سااتت عرضىنده «باداكترسكا» ئىن اثرينى چالىرىدى. باشقۇا هەنج نە چالمازدى.

اونون ایفاسى حاققىندا رأى ھلر مۇختىلف ايدى. يوخارىدا ياشايان بىر قادىن، مادام كلەر دىتىرىدى كى، چۈخ پىس چالىر، مادام كارل ايسە گۆمان ائدىرىدى كى، چۈخ اعلا چالىر. بو فيكىرلىرىن هە بىرى، شۆبەه يۈخ كى، شىشىرىدىلمىشىدى. لاكىن همىشە كى كىمى اصل دوغرو فيكىرى كۆتله سۈپەتىرىدى. يعنى، قۇنشۇلارىن گۇر سىلى خۇزو بىلدىرىرىدى كى، بو چالغۇنەر شىئىدىن اوڭى باش آغرىسى دىر.

بونو على الخوصوص شىنبە گۈنلەر آخشام كىشى لىر ائودە اولاندا (اونلارىن اىتلەجەسى يۈخ ايدى) حىس ائتمىك اولوردو. بىر دە گۇرۇردىن كى، اونلار منزىل لرىنىندن چىخىر، ال - قوللارىنى اوپىنا دىيپ آجىقلۇ - آجىقلۇ

قیشقیریشیر، دئیننیرلر. اوNLارا باخاندان آدام فیکیرلشیردی کی، فرانسیزلار موسیقى نی چوخ سئومیرلر.

لakin سوپورگه آغا جalarئ ايله اوتفاقلارئ تاوانلارئنى بير آز دئيجه ديكن، بير آز چيغىر - باعىر سالدىقدان، آه - ناله انتدىكىن سونرا هامى ساكيتلىشىرىدى. چونكى اللې بير ايلدن برى هامى بىلىرىدى کى، نه اولور - اولسون، مادمازىل پليان سآات اىكى دن آلتىيَا قدر «قارئيمىش قىزىن دۇعاسى»نى چالاجاق. هله اوستهلىك هامى قارئيمىش قىزىن حياتينا، تنهايىشىنا و كىمسەسىزلىتىنە دە بلد ايدى. ائله بونا گۇرە دە قۇنشولارئ ھىرسى تىز سۇنۇبور، اوغا يازىقلارئ گلىر، اوغا باشا دۇشىردىلر. هر گۈن گۈن اورتادان سونرا او، اصليندە پيانو چالمىرىدى: اوز ارينه نوازىش گۇسترن قادىنلار كىمى پيتانۇسونا نوازىش اندىرىدى، او سئورىدى... شىرىن بير ذوقى آتىرىدى. ايندى اوونون چالدىغى «قارئيمىش قىزىن دۇعاسى» دئىيلدى، مادمازىل پليان، اوز دۇعاسىنى اوخويوردو، آخى اوزۇ قارئيمىش قىز ايدى. او اولنده هامى حىتىف سىلنندى. قۇنشولار پول توپلادىلار، نار گۈلۈندە لىرا شكىللى بىر اكللىل ھۇردۇردىلر. فرانسیزلار چوخ موسىقى پرست اولماسالار دا، سىمبولىك علامتلىرى خوشلایتىلار.

سونرا ناراحتىق، نىڭارانچىلىق باشلادى. هامىيَا معلوم ايدى کى، مادمازىل پليانى اولدۇرمۇشدىلر. خلوتى، لوئىجي كاكسيونپۇدان شوبىھەلىنرىدىلر. او هر شنبە سآات بشش رادەلىرىنده دۇزه بىلەمەتىب پىللە كەنە چىخىر، مرىيم آنانى كۆمە يە چاغىرئ، سۇئىلە يېرىدى کى، باشى بو سسە دۇزه بىلەمەتىب پارتلاياجاق. اللرى ايله ھاۋادا قارپىز فۇرماسى دۇزه لدىر و ايتالىيان لهجه سىلە مىزىلدايىرىدى: «قارپىز كىمى پارتلاياجاق»، «باشىم قارپىز كىمى پارتلاياجاق!».

لakin بو يترسيز شوبه او زون چكمه دی. تئزليكله معلوم اولدو کي، مادموازل پليان ساده حيات سورن، آز خرجلهين، آز اتحتيان جلى بير آدام اولدو غونا گئره قناعت ائديب، خنهلى پول توپلايىب مئيش. دئمهلى او نو قارهت مقصديله اولدورقىلر.

همين واختدان موستنتيق موفلشت «قارئميش قىزلارين جانىسى» حاقدا فيكىركىشمە يە باشلامىشدى. همين شخصى موستنتيق ياخشى تائيمىرىدى. بير او نو بىلىرىدى كى، آدى ژۇزه مولۇس دور. بير ايىدن برى موستنتيق او نون اصل سيماسىئنى آچماق ايستە ئىردى. ژۇزەنى تو تدولار، ايستينطاق ائتدىلر، سورغۇ-سوالا تو تدولار. هئچ نە! هئچ نە چىخىمدادى:

ماين ۱۷ سىينىدە ساات ۱۸ دە مولۇس «كلىرون» كافە سىينىدە كارت او ئىنايىر مىش. ايىرمى نفر شاهيد وئار ايىدى.

جييانات ساات آلتى دان او ل باش وئرە بىلمىزدى، چۆنكى قۇنشولار بير سىلە تصدقى ائديردىلر كى، مادموازل پليان همىشە كى كىمى ساات ايکى دن ساات آلتى يَا كىمى آرا وئرمە دن پېيانۇدا چاھىب. موفلشت فيكىركىشىرىدى كى، آداملارىن شاهيدلىشى همىشە دقىق اولمۇر، هم دە كى، «كلىرون» كافەسى ايلە مادموازل پليانىن ائوئى آراسىيىندا اوچجه آوتوبوس دايانا جاغى، يۈل واردى. اگر جلد او لسا مولۇس واخت تا باردى...

لakin كلىرون كافەسى نين صاحبىي سۈزۈنۈن اوستۇنده مۇحىم دور موشدو:
- مولۇس كافە يە ساات بشش دن او ل گلمىشدى.

كافە نين دايىمى موشتىرىلىرى دە عىتىنى سۈزۈ دئىيردىلر. او ندا موفلشت محكىمە حكىمى ايلە تو تو شمالى اولدو. مئيدى تshireح ائتدىلر. گۈزلە نىلەم نىتجەلر آلتىندى. مادموازل پليانى معدە سىينىدە هضم باشلامامىشىدان اولدورقىلر مۇشدو لر.
- دئمهلى، آخشام چاغى، ناھار دان سۇنرا؟

- اوّلا بیلمز، - دئىه حكيم ائتعيراض ائتدى، - هئچ اوّلماسا يئددى ساّأت اوّل.

- سحر يىشەيىندن سۇزرا!!

- بىلە چىخىز.

قارىئىش قىزىن قۇنشولارىنىدا ياشايان آروادلار آراسىندا مادام كارل، داها جىددى آدام تأثيرى باغىشلايىشىرىدى، بو قارئىيا اينانماق اوّلاردى. موفىلت اوّنا بىر ده قۇناق گلدى. نزاكتله مادمازىل پىياتىن اوغورسوز طالىعىنە حتىيف سىلەندىيەنى بىلدىرىدىكەن سۇزرا جىددى سىلسە سۇرۇشدو:

- ياخشى فيكىرلىشىن مادام... دئمەلى رفique نىزىن مئىيىدى مايىن ۱۸-نده ساّأت ۱۵/۳۰ دقىقەدە تاپىتىب.

- ائلهدىر كى، وار. ساّأت اىكى ده اوّنون چالىغىسىنىڭ ائشىتمەيىندە ھامىمېز ناراحات اوّلدوق... فيكىرلىشىدик كى، اوّنو هئچ سحر دە گۈرن اوّلمايتىب. اوّندا ائو نظارت چىسى نىن يائىنا گشتىدик، سۇزرا... اوّنو تاپدىق...

مادام كارل ھىچقىرىمب آغلادى. موفىلت يىتنە سوآل وئرىدى:

- اوّلكى گۆن اوّنون ساّأت اىكى دن آلتى ئىا كىمى چالدىغانىنا امین سىنيزمى؟

- البتە... آمما... منى سەۋە حىساب ائدەجىكسىنىز... آمما او، اوّلۇمۇن

گلدىشىنى دويموشدو...

- سىز نىيە بىلە فيكىرلىشىرسىنىز؟

- چۈنكى... آه! اگر او اولىمەميش اوّلسايىدى، بلکە ده من بونو دويمازدىم.

ايندى فيكىرلىشىرم... من سۇزرا حىسّ ائتدىم كى،... او... يقىن كى، تىزلىككە اوّلەجهىنى دويوبموش... او ھمىشە كىندن ياخشى چاڭىرىدى... او، اينجە صىنت آدامىي ايدى، باشا دوشۇر سۇززىمۇ، جناب مۇستىنطىق، من ايناثىرام كى، او دويوبموش...

لakin موفلشت داها اوңа قولاق آسمىرىدىء. او قاچا-قاچا پىللەكىلىرى دۆشۈرددۇ.

- بىلەلىكىله من اوزۇمۇز الە وئىرىدىم، - دىئىه مۇتسارت كۈكسۈنۈ اۇتۇرددۇ.
موفلشت پۈلىس رۇمانلارئىنداكى كىمى سايىق ايدى. آخشام او منى اشۇيمىزدە گۈزلە ئىيردى.

- بىس سۇنرا؟

- سۇنرا من هر شىنى بۇيىنوما آلدىئىم... اىكى ايل ايدى كى، پىيانۇدا چالماغانى اوپىرەنيردىم. بونو مندن ژۇزە خاھىش ائتمىشدى: - تمىز اىشدىر - دنمىشدى... سەن لىك بىر ايش يۈخىدور. سەنин اىشىن تكجه ساات اىكى دن آلتى يى قدر «قارىئىش قىزىئىن دۆعاسى»نى چالماقدىر، منىم ترددۇد ائتدىيىمى گۈرۈب دئمىشدى: «عادى پىيانۇدا يۈخ، روپالىدا چالاجاقسان». اوңدا من راضى لاشمىشىدىم...

قارئ بازار ئىق ائتمەيە گىلدنە بىز اوۇنون ائۋىنە گىردىك. گىزلىنىك. قارئ ناھار ائدىب سالۇنا كىچدى، اوңدا... تاراق! بو اىشى ژۇزە گۈرددۇ... يامان جلد ايمىش... من ايسە گۈردىم ساات اىكى دىر... كىچدىم پىيانۇنون آرخاسىئىنا... دۆز آخشاما كىمى چالدىئىم...

مۇتسارت بىر دە كۈكسۈنۈ اۇتۇرددۇ، سۇنرا ايسە مىئىلدىاندى:

- هر حالدا ياخشى اىشلەمىشىدىك! منه مۇتسارت آدىئى موفلشت وئىرىدى.

- سەن ھمین ساات هر شىنى بۇيىنوما آلدىئىن؟

- بىس نىتجە. او منى چانتام قولتوغۇمدا پىيانۇ درسىنдин قايتىدىئىغىم واخت ائۋىدە ياخالادى.

او منه طرف چىۋىرىلدى:

- نە ائندە بىلردىم؟ من موسىقىنىن دادىئى ئۇتىرنىمىشىدىم.

آرامىزى سۆكوت چۈكىدۇ، اىكىمىز دە فيكىرلىشىرىدىك. اىكى ايل چالىشاسان،
صىبىرلە گىچە - گۈندۈز اوپىرەنەسنى (سۇل الين آلتىنداكى دۆتىمە دە قام مادان اتنەنلىنى
اوپىرنىكىدە دۇستوم چۈخ اذىيت چىكىبمىش) آخرىئە دا بىلە...
آمما حبس خانادا اوپون تىللىسى واردى:

- بىلىرسىنى من نىيەن هەرىشنى بۈتىنما آلدەيم؟ چۆنکى قۇنۇشۇ كارل خالا
بىلە حساب ائدىرمىش كى، قارئ چۈخ ماھىر چالغۇچى ايمىش... هە! آمما سۇنرا
حىسىن ائدىب كى، من اوپندان ياخشى چالىرام مىش.

بو سۇزىدىن سۇنرا مۇتسارت فرحدن اوّزو گۆلددۇ... سۇنرا خىتال لار عالمىنە
جوموب سامان دۇشەيىن اوستۇندا شىرىن - شىرىن مۇرگۆلەدى. او، ياواش - ياواش
يۇخوييا گىندىرىدى، آمما گۇرۇردىق كى، بارماقلارئ سۇل يانىشىئىن اوزىرىنندە آستا -
آستا پىيانو دىللەرىنى اوپىنادىئىرمىش كىمى، ترپەنir. او، بىلە جە دە آرخاياتىن ئىقلا، اوّزۇندا
خۇش تېسۈم، خۇش بخت بىر كۈرپە كىمى يۇخولادى. آخرىئە، معلوم دور كى،
مۇتسارت دا اوشاق كىمى ياتىرمىش.

تاختالى كؤيدن مكتوبلار

عزيز نسرين

چئويرن: ايسماعيل شيخلى

كۈچورن: بابك آرش



دۇستوم اششك آرىسى!

ايلك ياردىم خستەخاناسىنا منى مۇعايىينە اىندن حكيم لىر اوْلۇمۇمۇ شۆبەھلى حىساب اشتىدىلر. منى دفن اىتىمك اۆزچۈن آرايىش وئرجىك حكيم طىب باجى سىئىندا دوغرودان اوْلۇق اوْلۇب - اوْلمادىغىشىنى سورشدو. طىب باجى سىئى تلاشلا جاواب وئردى:

- من خستە يە باخانىن دىئىشى دىئىرم، دۆكتور. او دىئىركى دوغرودان اوْلۇدۇر؟

حكيم عصبي لشدى:

من ايشىمده دقىق آدامام. اوْلۇنۇن حقىقتىن اوْلۇ اوْلۇب - اوْلمادىغىشىنى دۆرۆست بىلەمە دن آرايىش وئرە بىلەرم. چۈنكۈ بو زاماندا نە اوْلۇلە، نەدە دېرىلەرە اينانماق اوْلمۇر. «اوْلۇش» دىئىه بورايانا گلىرلەر، بىزدە اونلارىن سوْزۈنە اينانىب اوْلۇم لرى حاققىندا آرايىش وئرىرىك. سۇنزا سوْزۈلرلىنин اوْستۇندا دورمايتىب ياخىندا قىيدىقلار ئىكىب اوْنائىر، يادا فييرە سالان زامان گىزىشىب اسىنى يە - اسىنى يە گۈزۈنۈ آچىئىر، «آمان آلا»، اىشە گىنجىكىدىم» دىئىه سىنجىرىتىب تاپوتдан قالخىرلار.

- دۆز دىئىرسىنiz، دۆكتور - دىئىه طىب باجى سىئى جاواب وئردى. كىچىن دە بىر قارىئىا اوْلۇم كاغىنۇدۇ ئەنەن دىئىشىدىنiz. سۇنزا آرۋاد دېرىلىدى.

- من گلى نىن سوْزۈنە ايناندىم. نىچەدە اينانمايايدىم؟ يانىئما گىلدى، دۆز بىر ساعات قايناتاسىنىن ئىشى ئىچىن ئۆلدو ئۆزۈنۈ لەذت لە دانىشىدى.

اڭله گۈزىل گلىن ايدى كى اوۇنون يالان دانىشىماسىئنا آدام هېچ اينانا بىلەمىزدى.
آما مەر حالدا تقصىر يىننە قاينانادا ايدى.

آخرى ھامى اوۇنۇ ئۆلمۇش بىلەرىدى. اۇلۇمۇز حاققىندا بۇتۇن رسمى آرايىش لار دۆزلىميش
حاضىرلىقىن گۈرۈلمۈشىدۇ. قۇھوم - قۇنشۇ باش ساغلىيغىئىنا گلىميش، آغلاتىان آغلامىش
سېزىلەدان سېزىلەدامىشدى. اوستەلىك من دە اوۇلمەتىنى تصديق ائدن آرايىش وئرمىشدىم. ھەر
شىنى تاماملامىشدى. بىر اىكى دقىقەلىك اىش قالمىشدى. كۆرەكلەر گۇتۇرۇب اوستۇنۇ
تۇزپاقلايان كىمى ھەر شىنى تاماملانا جاقىدى.

باخ بىللە بىر آنادا هېچ حوققا بازلىق ئەلىپىرلر؟ اوۇلمەتىب نە قازاناجاقسان؟ اول - آخرى
اوۇلمەلى سىن يا يۈنخا!

- ائلمەدىر. آرادا سېز بى آبىرى ئۆلدۈنۈز.

- نىنە بى آبىرى ئۆلورام؟ من: «اوۇنا اينانمايان اوۇلوبدور» - دىئەھارا ئىسالدىم و زۇرلا
قارىئىنى باسىدئىرتىرىدىم. كىمە ايناناجاقدىلار؟ حكىمە، يۈخسا قارىئى؟ ھەر آخماقلۇقىن
جاھىل لىكىن تۈرەتىر.

آللاھا شوڭوركى، خالقىمىز جاھىل و آۋامدىر. او قىدەر آۋامدىئىلاركى، اوۇلۇرلار، آما
اوۇلۇرىنى باشا دۆشمۈرلر. ائله آداملار وار كى چۈخدان اوۇلوبلار. آنجاق «اوۇلمەمىشىك،
ياشائىرىقىن» - دىئەھارا ئەلەقىدا فېرلانىشىلار آيدىن مسلەدىر: ھامى ھەرشىنى بىلەبىلەمىزە آنجاق
آنلامالى ئېلاركى حكىم «اوۇلدۇر» دىئىسى، دئمک ھەرشىنى قوتارىب.

- آۋاملىقىن ...

- بلى. آما من دىرىلەن قارىئى بى دىدىم كى سىنى ھامى اوۇلمۇش بىلەپ آغلاتىب
سېزىلەدىلار، گۈز ياشى ئاخىتىدىلار، بۇ قىدەر اوزوonto ھەدرمى گىشتىسىن دىتىرسىن؟ سۇنرا بىر
دەفەدە اوۇلەجكى سن اوندى سەن كىم ايناناجاق، دالىئىنجا كىم آغلاتىجاق؟ دىئەھەجكلىرى كى
«اۇزۇنۇزۇ بىزىرۇب آغلامايان. بۇ دىرىلەمە يە وردىش ائلهتىب، بىر دە دىرىلەجك»

- قارىئى دىرىلەنە نە اوۇلدۇ؟

- نە اولاجاق؟ دۇنئىا طىب ادبىياتىندا دىرىلەن اوۇلۇر حاققىندا او قىدەر حىكايەلەر واركى.
من دە قارىئىنин نە اوچۇن دىرىلەشىنى عىلمى شكىلەدە اىضاح اشتەدىم.

آذى ۱۱

بو صۇختىلىرى باشىمەن اوستۇندا دایانىش ئىللەيىردىلر. حكىم طىب باجىنىسىندان بىر داها سۈرۈشدو:

- ايندى دىء گۈزۈرم، بو آدام گىرچىكىنى اوْلۇب؟

- خستە باخىچىسى بىلە دىنى:

- اوْنۇ بورايانا چاغىرئىن.

طىب باجىسى خستە باخىچىسىنى چاغىردى. حكىم منى گۇستىرىپ اوْنۇ سوآل-جاوابا توتىدو.

- دىئىرسىن كى، بو آدام اوْلۇب، ئىللەمى؟

- دۆنن گىچە نۇونىتىچى من دىئىلىدىم، دوكتور جىنابلارنى آمما قابىن چىن «بو آدام اوْلۇبدىر، اوْنۇ يۇماغا آپارىن» - دىنى. منيم بىلدىرىشىم آنجاق بودور.

- قاپىچىنى بورايانا چاغىرئىن!

- باشا دۆشدۈرمكى، حكىم سەھوھ يېۋىل وئىرمەمك اۆچۈن منىم حقىقىن اوْلۇب-اوْلەمەدىيىمى دقيق لىشىرىمە يە چالىشىئىر. اوْزۇدە ثوبوتىلارلا. طىب باجىسى ايلە ئىللەدىيىنى صۇختىدىن بو نىتىجە يە گلدىم.

- من وىيىغانلى آدام. منيم يىرىمە باشقا بىر حكىم اولسائىدى، اوْلۇنۇن نېضىنى يۇخلاشىئىر، اوْرەيىنى دىنلەيىردى. من بونلارلا كىفaiتىلە بىلەرم. دۆنیتا ايشى دىر، بىر انگل اولا، اوْنا گۈرە اوْلەجەدن اۆچ شاهىد تاپىرام. باشىما گلېب.

ئىشى جە تجرۇيە يە گلمىشىدىم. خستە خانادا نۇونىتىچى اوْلۇدۇغوم گىچە يۇلداشلارئىملا موْحىكم جە اىيچدىم. منى خستە خانايا كىتىرىمىشىدىلر، آمما نىشىجە كىتىرىدىكلىرىنى يادىما سالا بىلەرمىدىم. گنجلىك اىللەرى ايدى. ترس كىمى همین گىچە خستەلەرن اۆچۈ اوْلمۇشىدۇ. گلېب خىبر وئىرىدىلر كى «دوكتور جىنابلارنى، اۆچ خستە اوْلۇب». «آلاله گوناھلارئىندان كىچىسىن» دىنلىم. باشقا نەدئىتە بىلەدىم؟ اوْلۇنۇن دالىئنجا دانىشىشمازلار. نۇونىتىچى طىب باجىسى «موْعائىتىنە ئىللەتىب، آراتىش وئىرمە يە جىك سىيىزمى؟» دىنى. «ھە... دوزدۇر موْعائىتىنە ئىللەمەلىتىم. آمما يامان چۈنخ اىچمىشىم، يىرىمەن دالىئنجا تاقتىيم يۇخدۇر». نەايىسە منى زۇلا قالدىرىدىلار. اوْلۇنۇن ئىنسى ئىمە آلېب نېضىنە باخدىم. گۈردىم كى، شۆكۈز، اوْلۇنۇن نېضى يامان دۇغۇن سور. «او بىرى اوْلۇنۇن كىرىن» دىنلىم. بونوندا نېضى وورور. اۆچۈنچۈزدە ئىللە. هر اۆچۈنچۈزدە نېضى ۹۰ ووروردو. «بونلار

اولمه تیب». اوچووده ساغدئر، آمما آغىزى خستەدىر. تىزاوۇن بونلارىن يانىندا هر ساعاتدان بىر آسپىرىن اىيتنە، بىردىنە دېدە ئېچىرىدىن».

من سرخوش اولدوغۇمدان نەدئىتىمى بىلمىرىدىم. طىب باجى سى سۈرۈشىدۇ: «بىلگە آسپىرىن ئېچىرىدىك ئودۇ يانلارىنا سۆرتىك؟»

«يانخشى اولار» دئىدىم. «يانخشى اولماز» «نىتىء؟» «چۈنكى آسپىرىن اۆزەتى دۇئىندرۇرۇر». «اڭلەسە آسپىرىن عوضىتىنە كىنە وئرىن» دئىدىم. طىب باجى سى «كىنە اۆزك دۇئىندرۇرۇر» دئىتىنە منە جاواب وئرمەدىمى؟ جىن ووردو كىللەم. «اگر بوجۇر بىلىنسىن گۈزۈن بىلدىپ اۆزۈمە نىتىنە باخىرسان، نبض ساكيتلىشىرىجك بىر درمان بىلىرسىن سە، وئر بونلارا» - دئىتىنە باغىزىرىدىم. «من خستەلننده آنام ھىشە «گۈئى زىبان» وئرەردى، اىستەتىرسىن اونلارا اوندان وئرىم» دئىتىنە طىب باجى سى جاواب وئردى، «لاپ ياخشى، اىستەتىرسىن، نۆسخە يازىم، گىشت آل» - دئىدىم. «نۆسخە لازىم دئىليل، خستەخانامىزدا داواخانىا يۇخدۇر. قاچىب باققال دان آلام» دئىدىم و طىب باجى سى گىشتىدى. يۇخو منى آپاردى. اڭلە بىل يۇخو گۈرۈردىم. «يىشىرلىر درمانى يىشىرلىر، دۆكتور - دئىتىنە كىيم ايسە منى اوپاتىدى. كىيم يىشىر» «اولۇلار درمانى يىشىرلىر». گىندىب گۈرۈم کى خستە باخىچى سى قادىن اىشىشە يە يۇنچا وئرن كىمى «گۈئى زىبان» قورو يارپاقلارىنى چىچككە بىرلىككە ئولۇلرىن آغزىنَا دۆلۈرمەق اىستەتىرسىن -

«سن بونو قاياناتمامىش وئرىرسىن؟ من تاپشىرمىشىدىم كى، قاياناتىپ سوتۇنۇ وئرىن» - دئىدىم. «طىب باجى سى منه قاياناتماغانى دئىمەتىب». «دئىمەتىب سن؟ بو چىچككالرى نىئەجە قاياناتماق لازىمىدىر، هارادا ئىپ؟» «أوتاغىنيدا يۇخدۇر». منى تەzedن يۇخو آپاردى. آرادان نەقدەر كىئىچدىشىنى بىلدىم. يىتىنە بىر سىن اشىتىدىم: «دۆكتور، اولۇلار، «گۈئى زىبان» چىچەتىن سوتۇنۇ اىچمىرىلىر». سۇزرا يىتىنە قارىشىق سۆزلىر قولاغىيما گىلدى. «اولۇل... اىچمىرىلىر». من سرخوش اىدىم، بىر ياندان دا يۇخوسۇزلىق منى الدن سالماشىدى. «اڭلەسە اىيتنە وورۇن!» دئىدىم. «نه اىيتنەسى؟» «خستەخانادا هانسى اىيتنە وارسا، اوندان وورۇن». «خستەخانادا سانجاقدان باشقا اىيتنە يۇخدۇر». «سن سانجاق لا خالاتىنىن ياخاسىتىنى سانجاقلە» - دئىدىم.

بو واخت خستەخانائىن كاتىبىن گىلدى. «دۆكتور، اولۇلار دئىليل، دىرىدىلر». «آى دۆكتور، سىز نە دانىشىشىرىنىز، اونلار دىرى دئىليل. اوچوودە جراھى يە تختى نىن اوستۇنده اولۇسۇزۇر» دئىدى. «نه دانىشىشىرىسان، بونلارىن نبضى وورۇر» - دئىتىب اولۇنۇن بىرىن نبضىنى

آذى ۱۱

يۇخلاماق اوچۇن بىلەتىنى اليمه آلمادان كاتىب قاقدا چكىدى. «آى دوكتور، سىز اولۇتنۇن نبضى عونىسىنە اوز نبضىنىزى يۇخلايتىرىشىنىز». تۇف سىنى، من سرخوش اولدوغۇمدان ساغ اليمە سوپل بىلەتىمدەن يايىشىپ اوز نبضمى يۇخلايتىرىمىشام، باخ، ائلە او گۈزىندە تۈۋەبە ئەلەميسىم، نە واخت بىر اولۇبە اوچۇم كاغاذى وئرەسى اولسام، مۆطلق بىر- ايکى شاهىد دە چاغىرېرام.

حىكىمین چاغىردىغان قابچى گىلىمىشدى. منى گۇستربىپ سۈرۈشىدۇ:

- بۇ، گىرچىكدىمى اولىبىدۇ؟

- اولۇب بەتىم، ھەم دە آدام كىمى.

- نەدن بىلىرسىن؟

- نىچە نەدن؟ دۆز اوتۇز ايل دىر بۇ خستە خانادا قابچى يام.

الىمدىن او قدر اولۇ گىلىپ كىچىپ كى اوزۇنە باخان كىمى اولۇتنۇن نمايش گۇردۇرىتۇنۇ، نە قدر پول قازاندىيغىنى، نىچە آدام ساخىلدىيغىنى درحال و دقىق تعىين ائده بىلرم.

- ائلەسە، دىء گۇرۇم، بۇنۇن نە قدرە قازانجى وارمىش؟

- اوزۇتن اولدۇرسە، دۆزد يۆز لىرە. (تۆرك لىرەسى)

- نەدن بىلدىن؟

- گۇرمۇسن مى، دوكتور بۇئىنو اىلە بىللى بىر نازىكلىكىدە دىر. ائلە بىل بۇ ساعات قىئىرەتلاجاق.

- صىتى نە ايمىش؟

- صىتىنى دىئىتە بىلرم، آنجاق اوۇن دىئىتە بىلرم كى، چۈنخ آغىزى پىشىسى وارىمىش. عايىلەسى دە چۈخدۈر. اوردو- اوزدوندان كىچىپ، گۈزلىرى دە باتىش. ان آزى آلتى اوشاق ساخىلەتىرىمىش.

- اوئۇنۇ هاردان بىلدىن؟

- گۇرمۇرسىن مى، يازىشىغىن چىتىن لرى اىتلىپ. آغىز يۆك داشىرىمىش. ھەم دە ناموس لۇ آدام اولۇب.

- اوئۇنۇ نەدن بىلدىن؟

- اولىمەتىنەن. ناموس لۇ اولماسايدى اولمىزدى، او بىرى عارشىزلار كىمى ياشاياناردى. - دۆغرو دور.

- ھەم دە آغىزلى آدام ايمىش.

- دىدىكلىرى نىن ھامىسى ئاياندىم. آما آغىزلى ئاولدۇغۇنۇ نەدن بىلدىن؟

- بیر باخین، دوکتور، طرفین اولو سو نىچەدە تكىبۈرلە، معنالى - معنالى گۈلۈز.

- دىمك بو آدامىن گىرچىكدىن اولدۇرىۋۇن سىن دە تصديق ائديرسەن؟

- بلى.

- نەندەن اولدۇرىۋۇندا بىلە بىلرسىن مى؟

- بىزىم كاتىپ اولۇمۇنۇن سېبى مۆعىن اولمايانلارىن آدىئىن قاباغىنىدا يازىر سفالىت

فيزىولۇز و سىئىندان اولدۇ. يازىر: معلوم دوركى بودا اووندان اولويدور.

- سۇئىلەدىكلىرىن دۆزدۇر. آمما بو آدامىن اولۇمۇ منه بىر آز شوبەھلى گىلدى. فقط نە ئىيە لازىمىدىر. اۇزۇمۇ ايشە سالا بىلەرم باشىمدان ائله يەرم. گىنەدر.

قۇرخۇ جانىئىمۇ آلدى، عزيز انشاشك آرىسى، فيكىرلىشىدىم كى بو حكيم منى باشىنىدان هارا ياخىدا ئىدجىك؟ هەچ ئىستەرسىنى كى، منى ايلتىماسى، رۇشوتى اولمايان بىر قرېب كىمىسى ايدارەلرده بو مىزدن او مىزە يۈل لا يېب گشت - گله سالىشىن لار؟

حكيم:

- من بونو گۈندىرجم، «كالبد شاكافى» يە دىدى. بىلە ائله سك، ايشى مىزى مؤحىكم توتموش اولا رىق.

- هەل بونادا شوڭۇر، «بونو اولو سايىماق اولماز، ياشا ياخىدا بىلر» دىشىب خستە خانادان بايىرا آتسا نە اولا ردى؟!

بىلە - بىلە ايش لر، سئۈگىلى انشاشك آرىسى، گلن مكتوبومدا «كالبد شاكافى» دە باشىما گىلتىرى يازاجام.

محبّت لە: اولمۇش انشاشك



«باریشماز» مۆعەلەمین مەحکمە اوتاگىئىدا*

همت شەبازى

هر بىر اينسان طبىعت قارشىسىندا اىش - يۇخوشلار ئىزلىيپ بۆتۈن وارلىقىيە ئىلە اوونولا تو رو شوب اوز ياشايىشىنى اىرىەلىيە دوغرو سۈرۈبدۈر. بو چالىشقا نالىق اينساندا ياشاماق و گله جەنە نىكىيىنلىك يارادىر. طبىعى دىر كى، بورادا تكجه زحمت چىكىن و هر بىر عذاب - اذىتىه دۈزن كىمىسەلر ياشايىشىن بۆتۈن گۈزىللىقىن و وارلىقىيەندان گۈزىل سۈنۈيەدە فايدالاتا بىللەر؛ آنجاق هر بىر زاماندا، بىر سىترا طبىعت و جمعىيەت عامىل لرى اينسان قارشىسىندا گۈرمىكىلە اوونون ياشايىشىنى و گله جەنېنى بولاشدىرىپ و بىتلەلىك له چۈخ و اختىلار طبىعت اللرى اينسانى بۇغماق نىيەتىنده اوغورلو گۈزە چارپىر؛ حال بۇ كى طبىعتىن بۆتۈن كۆبۈد قانۇنلار ئىنى، اوز دويغۇ و دوها سىلە اويفۇنلاشدىرىماق هر بىر اينسانىن اورهىيىنچە اولاردى. آنجاق بۇ قانۇنلار اوندان بۇيىون قاچىراراق اىتتىقام آلماغا باشلايىش. باشقا طرفدن اىسە جمعىيەتھە ضىيد، بعضى اينسانلاردا بۇ كىمىسى سارىسىدېجى شرائىط ايمكان يارادىرلار، و ائلە بۇ شرائىطلەر اينسانىن دويغۇ و قاباق جىئىل فيكىرلىرى نىن اينكىشافى ئىنىن قارشىسىنى آلىرى يادا كى اينسانىن دويغۇ، ايرادە، ايدراك و فيكىر سربىستلىشىنى اوزوپۇزۇن قاپالى و فاناتىك فيكىرلىرى چىرچىۋەسىنە سالاراق اويفۇنلاشدىرىر.

«بارىشماز» مۆعەلەمین «گولنده هر زامان» منظوم نۇمايىشىنامەسى اينسانلار ئىن، طبىعت و جمعىيەتىن زورا كىلىقى لار ئى قارشىسىندا چائىشماقلار ئىنى و اوونلار ئىن بۇ چالىشمالار نىتجەسىنده

* - يازىدى گلن بۆتون شىعر اۇرنىكلرى آشاغىدا كى قايىناقدان دىر: «گولنده هر زامان» بارىشماز، بىرىنچى چاپ، نشر

اوزونه لایتیق بهره گورمه مه دیشینی، بؤیۆک دویغۇ و ایله‌ملا گۇستربىدیر؛ آنجاق مسله بوراسىئندا دىشىل، شاعير ائله بىل كى بو مسلهنى (اینسانلارین بھەرىسىز تلاشىنى و تاپدالان دویغۇلارىنى) تكىچە بېر دۇزۇرە اىتحاف اىتمەيىب، بۇ تۇن عصىرلەد تکارا اوْلۇنماشىنى اوْنجىدەن دۇشۇنوب و اىضاح اوْلۇنماش كىمى حساب اىتمىكەلە، چالىشىب شاعير و رسامىن، و عۆمومىتىلە سىتكارىن بۇ كىمى عمللىرىن قارشىسىندا نىشجە مۇوققۇع تويماسىنى، نىشجە كىسگىن سۈزۈنۈز دئەمە يىشىنى گۇسترسىن. بېر سۇزىلە شاعير، هر بېر سىتكارى دۇزۇرۇنە هر زامان صاديق اوْلماسىنى آرزو اندىر:

سۇزۇنەدە صاديق دىر رسام قارداشىم

مین اوْزۇز ياشاماق تانىشماز نەدىر.

آشقارسىز ياشايىش بېر عۆمۈر،

بلى...

ھۆزىرين، ادبىن، عىشقىن، وفانىئىن

دوم - دورۇ گۈرسەدن،

آيتا سىيدىر او. (ص ۱۰)

حىتا ان جمعىيەتىدە اوْلان رئاللىيغا و بو رئاللىيغىن نە درجه دە اوْرك سارسىئىدىجى اوْلدوغۇنون قارشىسىندا دا اوْز ياراتدىغى اثىرىتىن (تابلو) سۈنۈھىسىنى چۈخ آشاغى درجه دە بىلىز:

سېزلىر حىيات وئرن،

سېزلىر يارادان،

سېزلىر بىزندىرىپ، سېزلىر بىلەتىن،

ياشايىش اولوبىدور مۇۋەتلىم مېنیم.

سېزلىرىن ھۆزىرين عكس ائده بىلىز،

مېنلىرچە رسامىن آخسار قىلى. (ص ۱۱)

بىتلەلىكە بارىشماز، اوْز اىنسان پۇرۇر دۇشۇنچەسىنى، دۇزۇرۇنۇن آرزو و اىستەتىي اىلە بېلۇشىدۇرۇپ، اوْنلارلا ھىمەرەد اوْلماغىنى قطعىيەت لە اىضاح اندىر. اوْنون شىعى، اىستكلىر و دىلک لە شعىرى اوْلماقلا، حىاتىئىن رئاللىيغىنى اوْلدوغۇندا دا داها يۆكىك عكس اىتتىرىمە يە چالىشىشىر.

بارىشمازىن كۈنۈد رئالىزمى، اىنسانىئىن معنوى و اوْنون حىيات يۆكىك لىشى نىن كۈكلەرىنى درىن لشدىرىپ. اىھر او جمعىيەت و اىنسانىئىن دردلىرىن و عذاب - اذىتلىرىنى يۆكىك بىدېعى لىكىلە گۇستربىرسە، مقصىدى بودوركى وارلىق و حىاتىئىن كۈكلەرىنى، جمعىيەتىن سارسېلىماز وىمەدانى ئاساسىندا مۇحكملىدىرىسىن، بىتلە بىر حالدا اينسانلار تكىچە اينسان پۇرۇر احوال - روھىيە دە ياشايىجاڭلاڭار. بو شراتىطى گۇسترمەك ايسە، بارىشماز رئالىزمى نىن اينسان، جمعىيەت، حىيات و ... مۇۋضۇ عالارا تۇخونماشىندا بىدېعى اىشىدىلىشىنى گۇسترىر.

رەآذى ۱۱

بو باخىمدان بارىشمازىن شىئرىنىن وارىقى، جمعىشت و حياتىن كىملىشى ايله قىمتلىدىرىلىر، اينسان وارىقى تىن كىملىشىنى بۇتون تارىخىن وارىقىغا كۆچۈرۈر، و ائلە بونا گۈرە دە، شعر، حيات گىندىشاتىندا، و حيات دا ائلە شىعر گىندىشاتىندا بىر- بىرى ايله فيكىر، دويفۇ و معنوى حيات ياشاماغا چالىشىلار.

ظنيمىجە «كۆلنده زامان» پۇئىمىسى، اىكى حىصە يە بۇلۇنۇيدۇ. بىر حىصە سىيندە عۆمومىتىلە خوش گۈذران، زىنكىن و دۇننادا «حاتىمە پايى و شىرن بىلىرىدىلىر» كى بىر بۇيىزك يېڭىنچاق و قۇناقلۇق اوچۇن رسامدان «اوركىلار آچان» بۇيىزك بىر تابلو اىستەتىر. آنجاق سىچىدىشى تابلو رسامىن «الى نىن امه ئى» دىر؛ بورادا «ايىچەلىك، خىلا آداحلاتاركىن، روۋىتالار، ايمكانلا بازىشماقدادىر» بۇ تابلوно (اورادا «أغ ساچلى قارئ نىن» ناخىشى چكىلىپ) رسام يارادىپ و اوز امه ئى ايله ياراتىدىقى بو اثرى ساتىدىقى اوچۇن اوزۇنۇ دانلایتىر. چونكى ياراتىدىقى ستىنى بىلە قىيىتمەتلىدىرىر:

ائلە بىل،

بىر- بىر گۈزىل قىزىئىنى،

دۇنلەرىن دۇنلەنە

آدالىلا دىم من.

اىرىم او يىشىدە،

يىتىيم قىز كىمى،

بىر كۆنجه سېخىتىپ،

قىرب قالاجاق. (ص ۷)

بورادا رسام اوز معنوى اثرىنى، اوز ستىنى ياراماز جاسىشىنا ساتماسىندان كۈزۈرەلىر، و «ھۆزىن خومار گۈزۈنە ياراماز ايمەلە قۇراسىخىمئاشام» دىتىر. آنجاق ستىكار بىلە بىر حالدا سۈزۈنۈز بىرىنه چاتدىرا بىلەن بىر حالدا نىشىجە اشتمەلدىرى؟ شاعير، اوز دۇستو اولان رسامىن بىر كۆنجه سېخىتىپ سىنى سىز- سىمىرىز او تورماسىندان چكىنلىرىر و اوئۇن يىتىنى دن اوز ستىنى قوروماغا و يارادىيچىلىقىنى طرف دعومت ائدىر.

رسامىن تابلوسو اوئۇنۇدە مجلسىس قۇناقلار ئاگزى آچىلا قالاراق، هر بىرى بىر هاوا چاڭىر: «اولمايا ملکىلر اونا جان و تىرىپ...؟، «شاھلارىن شامى، بىز كۆلمىز بىلگى دن اونا قان و تىرىپ!!!». حتا مجلسىسده اولان بعضى يالتاقلار (تىرىفات، خارىجە، ارتىشىپ، ايطلاعات و معاريف وزىرلىرى و اوئنلارىن خانىم لارى) يالتاقلاتاراق بىلە اثرىن يارانماسىنى شاھزادا و بىا ملکەنин قاينىقىسى نىتىجە سىيندە اولماسىنى و وورغولا يىشىلار:

اولمايا گۈز ووروب بۇيىزك رساما،
بختىيار شازادانىشىن...»

پارلاق اولدوزو؟!
بلکه ده گۈزىل ملکە،
باشىنا ال چكىب،
تبىسىم اندىب. (ص ۱۱)

بو سۇزلىرىن عرفەسىنە، بۇئۇك قۇناقلىيغا «گلىن و بى» گلىر. گلىن و بى كىمىدىرى؟ بىر «تۆلکۆز تولا» و بىر «قىيىلچىق كۆپك». شاعير بىر گۈلۈنچ و آلائى يىشىن ئەنۋەت طىزآمىز بىر رئال ئىغى عەكس انتدېرەر ك اۇزۇنىز «نېفرتلى» طىزىنى اۇرك يانغى مىشلا اوخوجوسونا چاتدىرىز. اولكەنин باشچى لارنى اوقدەر زىنگىن لەشىلىكى، دۆنیاڭىن بىر تۈزۈن «اوئۇنچاڭلارئىنى» گۇرۇپلار و ايندى اۇنلارا تىكچە بىر اوئۇنچاڭ قاڭىب مىش كىمى «كۆپك» لە «تولا» نىن تۈزۈن تۈسۈپ گۆنلۈرىنى خوش كىچىرىرلەر؛ حال بوكى اولكەن دە اولان يۈخسۇللوق (اۇرنىك اۇچۇن جانلى يۈخسۇل قادىئىن) و خلقىن اكتر قىسىمى نىن حىيات طرزى نىن آشاغى سۈننەتە اولماسى هەنچەدە بونلار ئەشىنەن دۆشۈندۈرمۈر، هەلە اۆستەلىك اۇزۇلىنى مدنى و قاباقچىل آداملار كىمى آپاراراق اۇز فيكىرلىرىنى اوئىزۈرلەر. حتا اۇزلىرى آراسىندا بىر نۇز «اوئۇنچاغا» سۆكۈت ايلە تعجۇب اندىلىرىدە واردىز. بىلەلىكە قۇناقلار «سۆكۈتون چىرى آلاتىندا سۈننەجى بال كىمى تامىشىنلار».

شاعير و رسامدا بىر مجلسىسى دعوت اولۇنۇيدۇر. بونلار ئىنده بىر صاندىقلا مەجلىسى گىرىپ، اۇنلارىن «تابلو» حاقيقىندا تعرىف - تۈصىفلىرىنى تواضۇكارلىقلا قبول ائتمەتىرلەر. بورادا رسام و شاعيرىن گۈلۈنچ و آجى سۇزلىرى اولدوقجا كىسگىن و ماراقلى دىرى:

ھە...ھە...ھە...

سەئەملى قادىنلار،
گۈزىل خانىملىار
يۈخسا،
ظن ائتمىسىز،
اينجىدىرى هند،
آسلانىئىب بىرچىكدىن،
ياناقدان اۇپسۇن.
يۈخسا ظن ائدىرسىز،
اتكىلار ساياق ھۇزىرە گىركەدىز
آياقدان اۇپسۇن.
من كىيم،
دېلى بىلمىز بوناقلار ايلە

آجیشیغی گۆرسەد.
سېز تک باخىشدا،
پېرىشىدە،

ماتىلر، حسرتلىر چىم. (ص ۳۰ - ۱۹)

صىتكار شاعير بۇتون جسارته اۋز آتماجا و اىكى طرفلى سۈزلىرى ايله اوئنلارىن بۇ مجليسلىرىنە و داها تأسىفلىسىن، تولانى بىزەتىب، اونا توئى توتماشىنا و اوئنون كاتارىنىدا خۇشكۆز زانىقلارىنى گۆلۈر.

شاعير و رسامىن بۇ سۈزلىرى نىن آردىنىدا، بارىشماز مۇعىللەرىن كۆتلە و مظلوم اينسانلارا قارشى داش دىغىر لادانلارىن «محكمە» سى باشلايىر. او بۇ عامى لرى، صىتكار طرفىندىن اۋز دۇزۇننە جازالانماشىنى اىستەيىر.

پۇنمائىن اىكىنچى حىصەسى «اۋچۇنجۇ پىردى» دن باشلايىر. بورادا شاعير و رسام صانىدىقىن اىچىنندىن بىر دىلنچى آرواد چىخارىپ مجلسىسە گۆستەريلەر. بىلەلىككە بارىشماز مۇعىللەم اىكى ضىددىيەتلىي صىحەتىلە (زنگىن و يۇخسۇل) رئال صىحەنە يارادىپ اۋز طوققانلى و آتشىن سۈزلىرىنى يىاغىش كىمى ياغدىيىر. او هر بىر صىتكارى اۋز عصرى نىن طباتىشىنا و او دۇزۇر اينسانلارى ئىن آرزو- دىلكلارىنى، عذاب- اذىتىنى، قم- كدرىنى عكس اىتدىرمە يە چاغىرىيەر.

بارىشماز مۇعىللەم دىلنچى قادىنىي صىحەتىلە كىتىرمكە، رسامىن تابلوسو ايله اۋز بە اۋز اندىر و تابلۇدا چىكىلەن آغ ساچلى قادىنلا، جانلى دىلنچى قادىن آراسىنىدا هېچ بىر فرق اولۇنمدادان مجلىسىدە كى لە خىتىرتىدە قالىلار، جانلى و جانسىزىن بۇ قىدەر اوخشارىتىقىندان تعجۇزب اندىريلەر. «رسام» بورادا اىضاح اندىرىكى ياراتدىغى تابلو، اوئنلارىن جمعىيەتىدە ياراتدىغى جانلى تابلو لار دان اولىدوقجا نىچە قات آشاغى سۈزىيەدەدەر. بونا گۈرە دە رسام اۋزۇنۇ يۈچ، عكسىنە گۆلۈنچ و طنزآمۇز بىر دىئىم لە اوئنلار ئاصىل صىتكار آدلاندىيىر:

٦

مېلىئۇنلار بونا تاي،
جانلى تابلۇلار،

سېزلىرىن سېلىئىنمز اثرلىزىدىر،
منىم و من لرىن، تارىخلىر بۇقۇ،

سوزەسى،
سېزلىرىن ھۇنرىزىدىر.

مۇھىمم رساملار، هېتىككە تراشلاڭ،
نەدن دىسگىنېرى سېز،
ياراتدىغىزدان.

خالیق،

مخلوقوندان دیسگینز مگر؟؟؟

اولمايا گۆپلردن ائیب بو قادین،

تازری لار و توروب لار بۇناتشىن،

نه سىز.

بۇنالار،

سېز ووران بۇنالار دىلار.

گۇرۇرسوز قلمىم يائىئىنمايىشىدىئىر.

رافاھىل ھۆنرى اولسادا مندە،

يىنەدە،

بو ايشين ماياناسى سىز سىز.

اۋزۇنۇز بىلىرى سىز،

تارىخ بۇنچىغا،

بىلچى بىر ايشين،

تائىاسى سىز سىز. (ص ۵-۱۳)

بۇنو دىئەرك رسام اۋز چىكىدىشى تابلو نون سىنەسىنى يارىئىر و مجلىسىدە كىلردن «ۋائى»

سىسى قۇپۇر؛ بورادان شاعىر و رسام تصویرلىرىن نىن دىلى اىلە بازىشمازىن مەحکمەسى باشلايىشىر:

ۋائى دىدىز؟؟؟

بىر وائىشىن شىكىلە خاطىر.

گۇرۇرسوز،

من وائىشىن اۋزۇن گىتىرىدىم.

شىكىلە وائى دىمك،

ياراماز سىزە ...

داۋىنچى كىم دىرىكى،

شهرلر اىچرە

فلاكت تابلو سون يىشىدە بىلسىن.

فېرىچانئىز چىكىدىر سانجى بىللەرە

ھە داشىشىن دىيىنە،

هر کوں دیبیندە،

یارادان الـریز، بیر وائی تیکیدیر...

بیرـئاندا دایانـیب،

دیلسـیز دیلـنـچـی،

بیر تـشـرـدـه چـکـیـلـیـب،

بیر سورو قولـدور. (ص ۸-۱۶)

بو محکمـهـنـیـن سـوـنـونـدا، شـاعـیر و رـاسـمـین الـلـرـینـه، بـوـیـوـنـلـرـئـیـنـا بـیـرـ پـایـ اـولـارـاق زـنـجـیـرـ

باـغـلـایـبـ صـحـنـهـدـنـ چـیـخـارـیـلـارـ، آـنـجـاـقـ شـاعـیرـ صـحـنـهـدـنـ چـیـخـانـدـاـ دـئـیـرـ:

گـولـنـدـهـ هـرـ زـامـانـ ضـخـاـکـهـ دـؤـورـانـ

رـاسـمـ سـوـزـوـنـدـنـ اوـجـونـوـ توـتـارـاقـ دـئـیـرـ:

اوـلـانـدـاـ چـیـنـیـ شـیـتـیـانـ سـجـدـهـ گـاهـیـ

شـاعـیرـ وـ رـاسـمـینـ سـسـینـهـ، اـشـیـکـدـنـ، کـوتـلـهـلـ طـرـفـینـدـنـ سـسـ وـثـرـیـلـیـرـ:

گـولـنـدـهـ هـرـ زـامـانـ ضـخـاـکـهـ دـؤـورـانـ

اوـلـانـدـاـ چـیـنـیـ شـیـتـیـانـ سـجـدـهـ گـاهـیـ

گـرـکـ هـرـ اـیـلـ تـوـتـاـ اـئـلـ قـانـلـیـ بـایـرـامـ

پـیـرـهـ دـؤـیـوـلـنـ قـدـمـلـرـینـ سـسـیـ گـنـتـدـیـکـجـهـ اوـجـالـاتـیـرـ وـ پـرـدـهـ سـاـیـشـیـرـ.

بارـئـشـماـزـ مـؤـعـلـیـمـ بوـ اـثـرـینـدـهـ، قـابـاقـ کـیـ اـثـرـلـرـینـدـهـ اوـلـدوـغـوـ کـیـمـیـ، دـائـیـشـیـقـ دـیـلـیـنـدـنـ وـ

فـوـلـکـلـوـرـ نـوـمـونـهـلـرـینـدـنـ وـ آـرـایـقـ سـوـزـلـرـ وـ مـثـلـ لـرـ اوـلـدـوـقـجاـ فـایـدـاـلـاتـیـرـ. پـوـئـمـاـداـ دـائـیـشـیـقـ دـیـلـیـنـدـنـ

فـایـدـاـلـانـمـاـقـ مـسـلـهـسـیـ، انـ چـوـخـ فـوـلـکـلـوـرـ کـوـکـلـوـ پـوـئـمـالـاـرـداـ (مـثـلـ حـيـدـرـ بـابـاـيـاـ سـالـامـ)

گـورـوـنـوـبـدـوـرـ.

آنـجـاـقـ بـدـیـعـیـ پـوـئـمـالـاـرـداـ (مـثـلـ سـهـنـدـیـیـهـ)، فـوـلـکـلـوـرـاـ چـوـخـ آـزـ اوـسـتـوـنـلـوـکـ وـثـرـیـلـیـرـ وـ

فـوـلـکـلـوـرـدانـ آـزـ فـایـدـاـلـاتـیـلـارـ. اـئـلـهـ بوـ عـامـیـلـ بوـ کـیـمـیـ بـدـیـعـیـ پـوـئـمـالـاـرـینـ، بـدـیـعـیـ قـوـرـوـلـوـشـوـنـاـ

اـسـاسـ زـمـینـهـ یـارـادـیـرـ. چـوـنـکـیـ فـوـلـکـلـوـرـ وـ دـائـیـشـیـقـ دـیـلـیـنـهـ مـئـیـلـ گـوـسـتـرـمـکـ، اـدـیـشـاـتـیـنـ

بـدـیـعـیـ لـیـشـیـهـ ضـرـرـ گـتـیرـنـ چـاغـدـاـ فـایـدـاـلـیـ دـیـرـ. اوـنـاـ گـوـرـهـ بوـ دـیـلـیـنـ ھـدـسـیـزـ - ھـنـسـاـبـیـزـ

یـارـارـلـانـمـاـقـ، بـدـیـعـیـ دـیـلـیـنـ. قـوـرـوـلـوـشـوـنـوـ دـیـلـرـلـیـنـیـ آـشـاغـیـ سـوـیـهـیـهـ یـشـنـدـیـرـمـهـلـیـدـیـرـ؛ حـالـ

بـوـکـیـ اـیـجـتـیـعـاـیـ گـثـچـکـلـیـکـلـرـیـ گـوـسـتـرـمـکـ اوـچـوـنـ دـیـلـیـنـ خـوـدـمـوـخـتـارـلـیـغـیـ اـسـاسـ

شـرـطـلـرـدـنـ دـیـرـ.

بارـئـشـماـزـ اوـزـ دـئـیـمـ طـرـزـیـنـ وـ دـیـلـ سـچـیـمـیـنـ گـنـدـیـشـاتـیـنـداـ، بـدـیـعـیـ لـیـشـیـ نـظـرـهـ

آلـاـنـ شـاعـیرـلـرـدـنـ دـیـرـ، چـوـنـکـوـ اوـ دـوـشـوـنـوـرـکـیـ، بـوـرـا~دا~ دـئـیـمـ طـرـزـیـ - دـائـیـشـیـقـ دـیـلـیـنـدـهـ اوـلـدـوـغـوـ

کیمی - تکجه ایلگی ساخلاق عوّهده چی لیتی ایله کیفایت لئنمه تیر؛ بوندان علاوه اوینغون دئیم طرزی سئچیمینی نین ضرورتینی ده اوز اوزه رینه آلئر؛
 بويوروون سئیر اندین،
 «بو آت، بومئیدان»،
 قايدادئر،
 «گؤز گۇرەر، كۈنۈل بىنهنر.»
 قايدادئر،
 «بى اۇزۇ سئۇدىيىن آرار.»
 «باغان بىمن اۇزۇنە يارارا!» (ص ۳)

«گۈلندە هر زامان» پۇنماسى ئىن ان اساس ايرادلاريندن، ايکى اوبرازىئىن (شاعير و رسام اوبرازلارى) اوخشارلۇق دىئر. دۇغرودوز شعرerde اوبراز ياراتماق، شاعيرين الينى آچىق قويىر، چونكى او بونونلا، اۇز اىچىج و دئىتىش دويغولارئىنى بو اوبرازلارىئىن خىتالى تصویرلىرىنده ئايىتلىشىرەرك اونلارى بدېعىلىشىرىپ اۇزۇنە مخصوص ائدىر. بو تمثىلى و بدېعى اوبرازلار، شاعير فيكىرى ئىن آچىق - آشىكار و چىلخا صورتىدە گۇسترمەسىنە مانع اوپلور. آنجاق بونونلا بىلە بارىشمازىئىن بو پۇنمادا ايکى اوبرازى بىر معنادا ايشلتىلمەسىنندن اوخوجو بىلە دويوركى، اونلارىن بىرىنин اولماما ماسىسى دا معناجا پۇنمابا ضرسىز اولاردى. بو ايکى اوبرازىئىن اوخشارلۇق شعرىن معناسىئىن بو اوبرازلار آراسىندا بىلۇشىدقۇرمەتىسب و اونلار بىر - بىرىنندن باشقا معنالار داشماشىئىر. بو مسله شعرerde اولان دويغۇ و تصویرلىرى و اوننون آردئىنجا مۆنتظم صورتىدە معنائى بىلۇشىدقۇرە بىلەمەتىپ و ايکى اوبرازدان بىر معنا دۆيىلور. مىثال اوچۇن يوخايدار گىتىرىلن اورنىكىدە ايلك دۇرد مىصرا رسامىن، سۇنراكى ئىكى مىصرا ايسە شاعيرىن و سۇنونجو مىصرا ايسە يىشىدە رسامىن دىليجە دئىيلىر. آنجاق بو تکجه كىتابى اوخويياندا دويوروق. كىتابدا خارىجىدە اولاندا ايسە اوخوجو بو سۇزلىرى بىر اوبرازىئىن دىليجە اولماشىنى دويور. داها دۇغروسو، پۇنمادا بو ايکى اوبرازلار آراسىندا دئىيلن سۇزلىرىن، هانكىسى طرفىنندن سۇزىلەنلىمەسىنە اىصلا دىققت يتتىرمەتىرىك.

آنام میشونو

اکبر صالحی (قاداش)

آخینتندی گوزنون یاشینی میشونو
بیززل جه شلاله اوستمند آشدی
توكولدو اورمونون گولونه آنجاق
دولوب دالغالاندی دنیز ده داشدی

شبیستر، سوفیان، شیندیوار، تسى
سو ایچدی آنامین گوز یاشلاریندان
ایگیدلر بسله دین گونشی ده میشونو
سس گلدی بیر سوژو قزج داشلاریندان



گوزل طبیعتین اویانان چاغنی
گونتنه قاشتندیم اوزرمه واردیم
اولدوم بشن آلتی گون آنام قوناغنی
بیرده بیر گوز آچیب گوزرمه واردیم

ایلیمیش بثینی دوزه لتدی آنام
و زقارلا دایاندی اولو ستوگیلیم
ایسته دیم باشینیم آغ توکون سایام
چیرپشندی اورهیم باغلاندی دیلیم

تبریزین گویندن چیرتلاراق گونش
میشونون زیروه سی سلام سوئله دی
ساقچارئ پارلا دی گوئرتی لرین
قوچامان داغ منه بالام سوئله دی

من دندیم: آی آنا، دندی: جان او غول
ساریلدیم دوشونه آچدی قوجاغین
دندیم او شوموشدوم گلديم ایستیندیم
سوئمه سین هنچ زامان سنین او جاغین

من ایله میشونون آغلاش ماسیندان
بولودلارین گوزو یاشا دولوردو
گونش پنجه می داغ آغ ساقچارئنی
اورمو گولو دیته زینه یولوردو

قۇرخما

اسماعیل اولکر

شەھى (۴)

قان قۇخوسو

جان قۇخوسو وار

شىعرىن!

چاتلايىب آغىزلارىئىدا يېزىن

بو «قاف» يۇپلارىئىدا

افسانە

ات لار...

گۈزە- گۈزە يۇخ

گىلە- گىلە

گۈستەرىن گۈزللىشى!

باغىزلارى چاتلار...

بىر سالخىم دان يىلى

بو ايلك باهار

سون باهارىم او لا بىلرا

كۈز بولودلار آلىتىندا

كۈنۈل دۈلسو سىتىر ائدە

بىلەمدەن

تۈزپاڭىن بايتاڭىنى...

ماوى گۈيۈمۆزۈن آلىتىندا قارا تۈزپاڭ

اۇزۇمۇزە گۈلەمدەن

ساققاڭىما گۈلە بىلرا!

گۈزۆمۇن بېھى ئىيله پايلانىمادان

سوسۇز سۆنپۈل لە

پېرىل-پېرىل آى باردا غىنى...





بهروز صدیق

(...)

سنہ بویون ایمیتھ جم
انی قارانیق
انی قوزخولوق
سنی سٹومنه یده جه یم
شمشیر سیز کنچن
گونتلریم کیمی.

ویصال

سٹومنک

من سٹوینندیم
منله بیرگه
گوئی سٹوینندی
سٹوگی
دیندی.

ايندی منم

و

ستلی گون

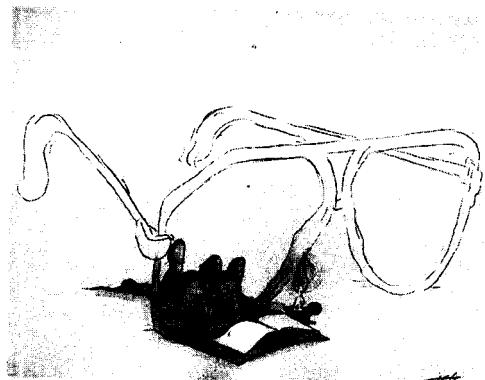
و

آچیلمامیش

بیر کور دویونا

- سٹویرم من سنی
- نشجه منی سٹویرسن؟
- بشیشکلار اوسته دنیلن لاپلار کیمی، آنالار کیمی.
- آز دنیلیل می بو؟
- او لچویه سیغمايان
وطنیم کیمی!!
- وطن هارامی؟
- سوڈ قوزخولو
کورپه لرین یو خوسوندان باشلا تیر
جنترانیم!!

کولگو



ریوايت: رضا نوه‌سى

ناخوش من دئيشيلم.

بىر قارئ وبارايدى، قارئ تىن گۈزۈنۈن آغىي- قاراسى بىر نوه‌سى وار ايدى! بو اوشاق دا گۈزۈن - گۈن دالى لايىشىرىدى! اوشاق چۈپه دۇنمۇشدق. اوزدلارى باشىپ، گۈزلىرى چوخورا دوشمىش، الى - آياغىي چىلىك كىمى اولموشدور. بىردن- بىرە اوشاغىئىن حالى قارىشىدى، گۈزلىرى آخدى، چەنسى اىتىلىدى و قارئ گۈزۈنۈن قوراسىنى تۆكە- تۆكە اوشاغىئىن باشىشا دولانىش و يالوار ئىرېب: «ايلاھى منىم بو عزيز نوه‌مى منه چۈخ گۈرمە! اونا رەھمىن گلسىن! ياخىم بىرە ئىشىنى ساغالت. ايلاھى اونا گلن قادانى ئىنەن زامان اونون داناسىنى حىيطىدە اونون يىشىرىنە منىم جانىيمى آل آى آللە! قارئ يالوار - ياخار اىندن زامان اونون داناسىنى حىيطىدە گۈزىردى. نە جۆر اولدو كى دانا باشىنى سىلەكەلەتىرىدى، آمما گۈددۈش باشىندان چىئىخىمىرىدى. دانا گۈددۈش باشىندا، بويانان قاچىرىن و باشىنى سىلەكەلەتىرىدى، قارئ باشىنى قالدىراندا عجايىتىب - قرايىش بىرە ھىۋەز گۈرددۇ! سۇخولىدو اۇزىن اىچىنە. قارئ باشىنى قالدىراندا عجايىتىب - قرايىش بىرە ھىۋەز گۈرددۇ! بسم الله الرحمن الرحيم- بسم الله الرحمن الرحيم دىئى- دىئى اۇزىن بوجاغىئىن سېغىنىدى. ائله بىلدى كى قاپىدان گىرن عىزايىشىلدى! دىلى تو تاز - تو تماز دىئى:

- ياخىم بىرە ئىشىنى سىلەكەلەتىرىدى، قارئ باشىنى قالدىراندا عجايىتىب - قرايىش بىرە ھىۋەز گۈرددۇ!

فرمانلى پىشىك

قوجانىئىن باشىندا انەل- عىنالى داغىئىلەپ، بىر اۇزۇن قالىشىدى، بىر قارئ سىنى وېيرىدە پىشىشى. پىشىك اىللەر اۇزۇنۇن اۇنلارلا ياشامىشىدى. چۈخ ائمەل حىتىوان ايدى! هەنج بىر قابا باشىنى سۇخمازدى، نە وئرسە ايدىلەر اۇنۇ يىشىرىدى. پىشىك قاپى قۇنشودا ياخشى تانىشىنىشىدى. ھامى اونا ائمەل پىشىك دىئىشىرىدىلەر، اۇنۇ چۈخ سۇزىرىدىلە! آمما بىردن - بىرە نە اولدو پىشىشىن احوالىسى

دېشىيلدى! ائله بىل باشىنا هاوا گلدى! يىترە - گۈئە سېغمازدى. گۆنۆ - گۇندن پىشىك پىسلىشىدى. داها قۇجايانا گۈز وئردى ايشقى وئرمىرىدى! ائۋەدە هېنج نە قۇنىماق اولموردو. قۇجانىشنىڭ يىندىن اتى ائله قاپىرىدى كىسىلە - كىسىلە، قارئىنى سوت - قاتىغىئىنى گۈز قىرىپىمەندا يالا يېب دىيىنە چىئىخىردى، آمما گل، سىچان لَا ائۋەدە آت اوینادىردىلار، پىشىك باشىنا بىر سۆرۆ سىچان يىئغمىشىدى! قۇجا ايلە قارئىنىش آمانى كىسىلىمىشىدى!

بىر گۆن قۇجا قارئىنىشىدا دندى كى:

- آى آرواد بولۇپ پىشىك - سىچان بىزى بوغازىمۇشىغا يىشىدى آخى! گلسن بونو آزدىراق!

- آى كىشى آللار خوش گىلمىز، بىر آردا گۈزلە بلکە دۆزلىدى.

اخشام قارئىنى يۈنخۇ آپارمۇش، پىشىك جوموب قارئىنىش قولاغىنى آغزىنا سالار - سالماز، آرواد چىئىغىرا - چىئىغىرا يېرىندىن سىچرادى. قۇجا دوردو آروادىن قولاغىنى گۈچە - بالا ايلە پىشىشىن آغزىندان آلدىلار.

- آى كىشى سن آللار هەردان اوسلسا بولۇپ پىشىشى سحر آپار آزدىراق.

صاباح قۇجا، دان يىتىرى ئاغارمامائىش يۈخودان دوردو. پىشىك اشۇين بوجاغىنىدا مۇرگولە يېرىدى تىلىسى آتدى پىشىشىن باشىنا آغزىنى بىر بىر - بىر بۇغدو. آتدى دالىشىدا اوز قۇنىدۇ شىتىنان درەسىنە سارى، گۈن اورتا چاغى شىتىنان درەسى نىن لاب درىن يېرىنە تىلىسى آتدى. گىرى قايتىدى. قاش قارالاندا ائۋىنە چاتدى، قاپىدا نە گۈرسە ياخشىدى - ا - ھە دوز تاپدىز - پىشىك اوندان قاباق گلېپ قاپىنى كىسىشىدى.

- كىشى سەرەن دىنلىكىنەن ھاردا ايدىن:

- آپارمۇشىلەم پىشىشى آزدىرام.

- بەننە آزدىرمادىن؟

- آرواد بولۇپ پىشىك دىتىلىل بلادىرى. بىلەيمىر بونون يىننەن نىتىلە يېتىم؟

صاباح يىتنە پىشىشى آزدىرىدى پىشىك يىتنە قايتىدى آزدىرىدى، قايتىدى

بىر گۆن قۇجانىش عاغلىشىدا بىر شىنى گلدى. دوردو گىتىدى بازارا بىر آز آيىشىن - اوپۇن آلدى تىز قايتىدى. تاختا - پارا بىر قوتۇ قايتىرىدى. قوتۇنون اىچىنىنى آزدىرىدى، قايتىدى سۇنرا بىر تەر پىشىشى باسمارلا يېب باسىدى قوتۇنون اىچىنى، آياقلارنىنى قىئىر ساققىزلا سووادى! قوتۇنون آغزىنى بىر بىر مىخلادى. چاتدى اششىبە، قاتدى قاباغىشىدا سۆرددۇ... سۆرددۇ... آخرىدا «گۈئى ايرماق» چايتىنا چاتدى. قوتۇن سويا آخرىتىدى. گۈزلەدى قوتۇ گۈزدن ايتىدى. سۇنرا گىرى قايتىدى.

- آی آرداد پیشیتى ائلە آزدېردەم کى چىرى دە سۇراغىنىڭ گىتىرمىز داي ئا اوپۇن
قايتىماقى قالدى قىيامته.

سو، قوتونو آپاردى چاتىرىدى بىر بۇيۇزك گۈلە. شەھرىن والىسى او گۈن بالىق توتماغا
چىخىمىشدى. گلىب گۈلۈن قىراغىنىدا چادىر قوردو موشدور. بۇيۇزك باش لار ايلە چادىردا
او توروب شىرىن - شىرىن دېتىب گۈلۈر. يېتىب - اىچىرىدىلر والىنىن گۈزۈ گۈلدە. او زون
قوتوپا ساتاشاندا. تىز آداملارىندان چاغىرىتىرىدى. قوتونو تو توب اوپۇن حۆضورونا گىتىرىدىلر.

بۇيۇزك باش لار قوتونون دۇرەسىنە توپلاشدىلار، ھە بىر شىنى دېتىرىدى. قوتونون آغزىنى
آچان كىمى پېشىك مۇولىدويا - مۇولىدويا باشىنى قالخىزدى. و گۈزلەرنى والىنىن گۈزلەرنە
رىللەدى. والىنىن اورەپېتىنى پېشىتىن حالىتى ياندى. او ز تو توب مېزەسىنە:

- اوغانان بىر كاغىزىدە گۈزۈر، ياز، آس بى پېشىتىن باشىنا! يازاكى «انى پېشىتىن صاحىبى
اگر بوندان سۇنرا بى ايش لىردىن گۈرسىن! بىل كى منن طرفسىن والى... فيلانكس.»
فرمانى يازدىلار آسىدىلار پېشىتىن باشىنا و بوراخدىلار.

پېشىك گلىب ائوه چاتىدى. مۇولىدويا كىچىپ او توردو ائۋىن بۇ خارائى
باشىندا!

- آرداد پېشىك گلىب، بۇيۇندا دا بىر يازى! باخ بورا. گۈرنە يازىبىلار. او زۇدە والىنى او زۇ
يازىب. دور آرداد، دورا نەتىشىن وارسا يېئىغىش ائلە، گىندك.

قۇجانى و قارىئ نە لازىم ايدىسى گۈتۈردىلر! چاتىدىلار اولاغا سۇردىلر والىنىن
سارايانا چاتىدىلار قاپىچىي يى دىدىلىر كى، والىنىن آچارلارىنى گىتىرىپ لىر! قاپىچى
ايجازە و تىرىدى! والىنىن قاپىشىنى دۈئىدىلر و اىجرى گىرىدى والى ئا باش ايدى:
- قوربان بى آچارلار ئالىن.

- كىشى نە دانىشىرسان، نە آچار؟

- آغا منىم پېشىتىمین هله فرمانى يۇخودو بىزە گۈز و تىرىرىدى اىشىق و تىرمىرىدى اوپۇن
الىندن تنگە گلمىشدىك. ايندى او سىنن فرمانىن لَا ائوه قايتىدىب بوندان سۇنرا داها اوپۇنلا، هېچ
باشارماق او لماز. آلئىن بى آچارلار ئى و تىرىن صاحىشىنا.
قۇجا آچارلار ئى والى يە و تىرىپ بايشرا چىخىدى....

اڭشىك داعۋاسى

مياندوابلى

رحمتلىك دوستوم دئىيردى: «ايلىك حاكىم» اولدوغوم زامان، كلىشىرە تازا مەكمە قۇيىمۇشدولار. امكاداشىم لا و نىچە ئىش آدامى ئىلە مەكمەنى ئىدارە ئىلرىدىك. دئمەلى ئىم، منيم بولۇغۇ دوستوم چۈخ ساۋاھلى، دوينغولو، مۇطالىعە اھلى و تىرتىمىز گىشىن بىر آدام ئىدى.

جاوانلىقىدا دا باشىئىن دىك تو تاردئ عىللەتى ده بولۇغۇ دىرى كى، «شازادا» ئىدى يىعنى دده طاييفاسى قاجارىيە سولالەلرinden ئىدى.

دئىيردى: «بىر گۆن سحر چاغى، نظمىيە ئىدارەسىندىن منه بىر دوسييە گىلدى. او خويوب گۈردىم ايکى نفر كىندلى انىشىك اوستە داعوا ئىلە تىپلەر. بىرى مۆددىعى ئىدى كى؛ منيم انىشىشەتىمى كىرايە آپارىش ناخوشلايدىئ، آياقدان سالىئىب، انىشىشەتىم اولۇبدۇر.

. ايچرى چاغىئىش ماجرانىئ اىضاھائىنى ئىستەدىم!

عارىض سوئزۇنە داۋام وئرىپ دئدى:

- ايرئىيس، نىچە گۆن قاباق قۇنىشوموز آللاھ قولو چال انىشىشەتى مندن كىرا ئىلە تىپ آپارىش يۈك داشىئىش، چۈخ يۈك ووروب انىشىك ناخوشلايدىئ اولۇب. ايندى مندە انىشىشەتىمین پولونو ئىستەتىم.

- عەم! اوپىلن كى، انىشىشە يە يۈك چاتارلاردا. اىكىنچى سى انىشىشەتى اوزۇن وئرىپ سن، زورلا كى آپارمايتىش! وئرمە ئىردىن. بىرده كى، انىشىشەتى يۈك داشىئىماغا آپارلاردا اوپىناتماغا كى يۈخ!

دئدى:

- انىشىشەتىن يۈزكۈنۈن وورماغانىئىندا بىر اندازەسى، قايىدا- قانونو واردا! انىشىشەتە نە قىدەر يۈك وورارلار؟

- هانسى قايدا - قانون.

- بشش باتمان لاب اوون باتمان. - دئدى.

- ۱۵ باتمان چاتسالار نه اوّلار؟ - دئدىم.

- اوّلر.

- اوّلمز اششەيىن ايشى يېڭى داشىشماقىدىش!

اوّزوّنۇ منه توتوب دئدى:

- جسار تدى!

- ايرئىپس، سينين اوّزوّنه ۱۵ باتمانى چاتسالار آپارا بىلرسن؟ سن آپارانمىئيان

يىرده يازىق اششىك نىچە آپارسىش؟!

خوللاصە عصبي لشىپ قىشقىش - باغىش سالدىش!

بىر صورتجلسە ائله دىيم كى، منه انجام وظيفە-ى حىثىنинدە تۈۋھىن اوّلونوب.

آللاه سلامت ائله سىين او بىرى دۇنيا گۈرمۈش دە امكداشىم دا گلىپ بىر آز اوّنا

آجىڭىقلاندى. منه دە دئدى:

دانىشىشىغىش باجارمىش، اوّزوّنۇ اوّنا قۇنما، اوّرهەتىنە گىتىرمە.

كىندلى دئدى:

باشىئينا دۇنۇم بىساواهاد دئبىيەن كۈردور. سىزىن آياغىش بىلەنى بىزىم باشىشمىز

بىلەمە! دانىشىشىغىشى باجارمىشرام دا! سن اوّزوّن گوذشت ائله، بىلەمە مىشىم.

من دە قىئىسا گىلىم، اوّزوّمۇدە گۆلمك توتدو. اوّنلاردا بىرى - بىريلە

بارىشىدىلار، اششىك داعوهاسى قورتولدو.

بىلقاھىس

هر شىنى بىلن آدامىئن داستانى:

چىزىرىن: اى. ولىيتو
كۈچىرن: ائل اوغلو



سنى آتىب گىندىلر دۇنۇپ يائىنا گلىسىن.
قوىى سنه حؤكمدارلار، شاھلار دا حىثيران اولسون.
گۈزىن دە قەرمانلار سىنىنچون تىل ترىپەتسىن.
كىشىكچى ساخلاماسىئن، سنه كىم بخش انتسىن،
گۈزىل شوۋىشە پەركلر، جاواھىر، آلتۇن وئرتسىن.
سنه دۇيمە سېرىغالار، ھەدىيەلر گىتىرسىن.
دۇرۇلت سىل كىمىي آخشىن،
باشىنا تاخىل ياغسىن.
جادوگىرلر قوىى سنى اوز يېرىنдин گۈزىرسىن
تانرى لارىن مۆلکۈنە عىيادتە گىتىرسىن.
قوىى سىنин خاطىرينى
يىتىدى اۇولاد آناسى اوز ارىينى ترک انتسىن!»
گىنچە اوز ياتاغىنا تنها اوزانان زامان
انىكىدونون اىچىجىنە بىر آغرى ئوللدو يامان
او دردىنى آچاراق اوز دۇستونا سۈپىلەدى:
«گىنچە يو خۇ گۈرمۈش، عزيز دۇست، انىشىت» - دىدى -
گۈزىلر هاراي ساڭىردى، نىدا قالخىرىدى يېرىدىن
او نالارىن آراسىندا دايالىنىشىدىم تىكىھ من
بىر دە بىر آدام واردى، تو تۇن ايدى اوز - گۈزى
من قىرىتىنا قوشۇنا او خىشاندىم اونو، دۆزق.
ايىچى جاتىناغى واردى، قارتال كىمىي قانادى

ساقىمدان يايپىشاراق گۈز آچماغا قۇيمادى.
اونو ووردوم بوللاتىب تىز سېچىرادى ئىنارا،
سوئنرا او منى ووردو، او دم ساغالدى يارا.
سوئنرا وحشى او كۈز تك، يېرىتىب منى يىخدى،
آغىر منگنه كىمى بىنەمى بىرك سېخدى.
دەدىم، منى خىلاص اشت! سن خىلاص ائدەممەدىن
سن يالىش (.....)
(.....)

او منه توخاناراق، منى قوشَا چىزىرىدى،
قاناد تاخدى چىتىمە، ادەتى قوش قانادى
او زۆرمە باخدى، سوئنرا منى آپاردى.

ايى كاللاتين مۆلکۈنە - ظۇلمت ائۇينە واردى.
گىندر - گىلمىزلىر اوزرا، گىندىن گىرىتىه دۇنمز،
او ائۇين ساكنى لرى ايشىقىدان محروم دورلار.
كۆل ايلە قىدالاڭىز، تۈزىپاڭلا دولاڭىلار.
اونلار قوشَا بىنەتىر،
قانادلى پاتار گىتىر.

ايىشىق اوزىز گۈرمۈزلىر، ظۇلمتىدە ياشاشىلار.
جىفته و قاپى لارى تۈز باسار، تۈزىپاڭ توتار.
منىم قدم باسىدېغىم همىن مىتىيد ائۇيندە،
سۈلغۇن اكلىلىر گۈرددۇم او منزىلىنىن اىچىننە،
گۈرددۇم بىزىم دۇنیا بىر واخت صاحىب اولانلار،
اوزدادىر - اونلار ايدى او اكلىلىل آپارانلار،
آنو ايلە ائللەلە اونلار ات قۇزوغرىمىسى،
سېپ - سرین تولوق سوئيتو، چۈرۈك آپارىرىدىلار.
منىم گىرمىش اولدۇغۇم همىن مىتىيد ائۇيندە،
بىر كاهىن، بىر خىدەتچى، بىر جادوگىر ياشاشىر،
اولو تازىيىلارىن دا اوزدا قوللوقچوسو وار.
اوزدا اىثانا ايلە سوموكان دا ياشاشىر،
يېرىن ملايتىكەسى ائرئشىكىقال ياشاشىر.

اونون دا قاباغىندا يېرىن مېزەسى، او قىز
 بىلەت- سىرى دىز چۈكۈپ.
 اونون اوچۇن اوخۇپور، طالىع يازىلارىنى،
 او باشىنىڭ قالدىرىيېب اۇنۇنده گۈرددۇ منى.
 دىندى كى، او آدامى آرتىق اجل آلمىشدىرا!
 (سوئىرا اللې يەدك شىعر چاتىشمىئىر، انكىيدو يېننە يېخو گۈرور.
 بىر يېخو حاققىندا صۈحبت آشاغىداكى سۈزىلەر قورتارىرى):
 «بۇتون اذىيەتلىرى بىز آرامىزدا بۇلدۇك،
 ياددا ساخلا، اونوتما دۇستوم عمل لىرىنى!»
 اونون دۇستو چۈزخ چتىن، يۈزۈلماز يېخو گۈرمۈش،
 يېخو گۈرندە اونون طاقتى دە تۆكۈنىش.
 انكىيدو اوزانمىش دىر،
 بىر گۈن، ايکى گۈن كىچمىش
 هله دە اوزاتىب
 بشىن گۈن، آلتى، يىتىدى گۈن، سككىز،
 دۇققۇزونجو گۈن،
 اونونجو گۈن يېتىشىدى، آغىريلار ئەچۈحالىشىش.
 اون بىرىنجى گۈن اوئدو، اون اىكىنجى گۈن گىلدى،
 انكىيدو ياتاغىنidan بىر آزاچىق دىكەلدى،
 بىلقارامىسى سىسلەتىب، اونا بىلە سۈپەلەدى:
 «گۈرۈنر، دۇستوم داها منه نىفرەت بىلسە تىر،
 اونونلا اوروكدا بىز بىر يېرde مىصلحتلىشدىك،
 من دۇيىوشدن قورخاندا او منه كۈمك ائتدى،
 دۇيىوشىدە دادا يېتن دۇست ايندى هارا گىتىدى؟
 دۇستوم اىكىمىزى دە اۇلۇم گۈزىلەتىرمى بىس؟»

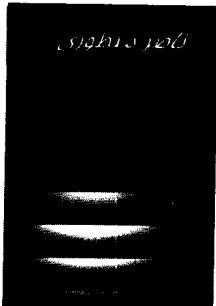
اثلمیزین نیسگیل قالاغی
 (پورفسور زهتابی نین
 یاشایشی و اثرلری)
 یازان: م. کریمی
 ناشر: مؤلف
 ۱۳۸۴



اصلی - کرم
 (اثر تحقیقی)
 مؤلف:
 میرعلی سیدسلامت
 انتشارات آشنا
 ۱۳۳۸۴



آواوا
 (رمان)
 نوشتہ: ناصر منظوری
 انتشارات: اندیشه نو
 ۱۳۸۴



قره باغ در گذر تاریخ
 (اثر تحقیقی)
 صمدسردارنیا
 انتشارات: ندای شمس
 ۱۳۸۴



بلمه
 دو ماہنامه ادبی
 آذر و دی ماه
 ویژه نامه‌ی
 اکبر اکسیر و شعر نو.
 انتشارات: پیام نور اردبیل
 ۱۳۸۴



دوینفو چیکلری
 بیرینجی جلد
 (شعرلر، منظومه‌لر، غزل‌لر)
 حسن مجیدزاده
 ساوالان
 ۱۳۸۴



یئنی کیتاب لارئن سیناھیسی

ترتیب اندن: یوسف قوسمی (فرزانه)

- ۱- اصلی و کرم: میرعلی سلامت، انتشارات آشینا.
- ۲- آذر ۱۳۲۴ تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و نقش سید جعفر پیشه‌وری در آن تیمسار علی‌اکبر درخشنانی، انتشارات شیرین.
- ۳- زندان رضاشاه محکمات، دفاعیات و خاطرات زندان سید جعفر پیشه‌وری انتشارات شیرین.
- ۴- سومترنامه، کوچزرن: س. صمدی، نشر اختر.
- ۵- جنگ قره‌باغ، ترجمه صمد سرداری‌نیا، نشر اختر.
- ۶- زیارتین قبول اولسوون، زلیم‌خان یعقوب، کوچزرن، ع. علیزاده، یاز نشریاتی.
- ۷- اهل سسی، عاشیق سلجوق شهبازی، حاضیرلایان، اکبر حمیدی علیار، نشر اورال.
- ۸- یاشیل یاز (شعر توپلوسو) مظفر خداوندگار (موغان) یاز نشریاتی.
- ۹- اورمو گوچلو، منظومه‌سی، حاج عبدالرحمان طیارداده کاتیب، یاز نشریاتی.
- ۱۰- همدانی باباطاهرین دیوانی و تورکجه ترجمه‌سی ایله، بهرام اسدی، یاز نشریاتی.
- ۱۱- بابک حمامه‌ای در تاریخ، محمد حافظزاده، ناشر مؤلف.
- ۱۱- فرهنگ فارسی - آذربایجانی بهزاد بهزادی، نشر نخستین.
- ۱۳- آپیارا اوشاق شعرلری، فریده سلیمانی، یاز نشریاتی.
- ۱۴- قره‌باغ در گذر تاریخ، صمد سردارنیا، نیما تبریز.
- ۱۵- مهین یانو درمان سید جعفر پیشه‌وری، گوینده یاز نشریاتی.
- ۱۶- اوره ک سوزلری «محمدبی‌ریا» ارک نشریاتی.
- ۱۷- شکیل‌گیری هویت جمعی در آذربایجان ایران، برندا شیفر، ترجمه آیدین رحیمی، آرخاسو یایین اثوی.
- ۱۸- سوز بازاری، سلیمان نورالهی، نشر شهریار قم.

اُل دیلی ۋادىيە

۱۸

همکاران ثابت:

سرپرست تحریریه	بهزاد بهزادی
مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم	علیرضا صرافی
مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها	اسماعیل هادی
مسئول ادبیات آشیغی	جواد دربندی
مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها	محمد رضا کریمی
مسئول بخش امثال و حکم (آتالار سوْزۇق)	اٹل اوغلو (صدیقار وظیفه)

ویراستار: م. رزاقى
حروفنگار: کاوس نصیری

صحیفه

۱۳۱	مقصود تقى زاده هریس (نیسگیل)		پیشلی سؤزلر
۱۳۴	رضا کاظمى و ...		آتalar سؤزىز
۱۳۹	ثريا بخشى		آتalar سؤزىز
۱۴۱	ثريا بخشى		باياتىلار(٦)
۱۴۴	ثريا بخشى		لاي لاي لار (٥)
۱۴۷	محمد قاضى		آتalar سؤزىز
۱۴۹	رحيم غلامى لنج آبادى		اینانچ لار
۱۵۱	كمال حسن اوون	فوكلۇر قدىم	آذربايجان رقص لرى (٥)
۱۵۴	محمد رزاقى		پېتىم سېيدى (١)
۱۶۱	علييرضا ذيحق		نجف داستانىء (٣)
۱۶۸	رحيم غلامى لنج آبادى		گۈئى مونجوق
۱۷۲	اور جعلى دوزنانى		صىپير داشى
۱۷۵	آذر بشيرزاده		قارغىش لار
۱۷۷	دكتور حسن - م. جعفرزاده		اسامى محلى بعضى از داروها و ...
۱۸۵	محمد عبادى قاراخانلىو «آلېشىق»		محمد شاهزاده ايله ملئىكە خانىئىم



يئرلى سۈزلۈ

هريس

مقصود تىقى زاده هريس (بىسگىل)

اۇرن ören حددن آرتىق كېفىر و
كېيف بىر قاب يا بىر يىش. (قاب-
قاشىغى ئوبىان يۇخدۇر، ائلە بىل
اۇرندىر).

اۇلۇمچومك ölümcümek بىر اىشە
حددن آرتىق ارىيىنك. (ايکى اىستىكىان
چاي گىتىرمك اۆچۈن بوقىدەر دە
اۇلۇمچومك اوڭلار؟).

اۇودن övdən آردئى كىسىلمەدەن،
دالبادال. (يىارانى باغلايىئىردىق، آمما
اۇودن قانى چىخىرىدى).

اۇدەمك evdəmək دن- دۇشۇ يَا
باشقاشىلىرى بىر- بىر يىئىردىن
گۇتۇرمك.

اتمل etməl اۆزۈنە توڭ چىخمايان
دوزسوز آدام.

اجنهت ecənet حىتىوان يَا اينسان
بالاسىئىن لاب آرىق و اۇلۇمچولۇ.

آراسىر arasər زمىنин يۇرى تىكەسى.
(بىر آراسىر: زمىنин يارىسى).

آزا تزەپىي aza təzəyi فارما مائىن
چۈلەدە قورويان و ياندىيرمالى تزەپى.
آزغىتىي azğıntı اوذاق اۇلکەدەن گلن
ياد آدام.
آلاشا alaşa هر رنگە بۇيانان آدام، بىن
اۆزلىق.

آيدىش- اوېدوش uyduş- aydiş- عجيب- قريب و خوشى گلمۇز آداملار.
اۇتگلچىي ötgəlçi بىر نفرىن
اۇكۆزلىن و جوتۇنۇن مسولىتىنى
بۇقىتوна آلان، اۇكۆز اوتابان. (على بىزىم
اۇتگل چى مىزدىر = يىعنى اۇكۆز و جوت
ايشلىيمىز اوونولادىئ).

اۇددەك oddək اتى آجى و دوزسوز
آدام

انه قودوش quduş لاش (بر آئى ئى كيم اولدوردو؟ - انه قودوش!).
انزوں ənov چۈخ يوخلاماق اثىنده بۇرۇزا گلن بىر جور خستەلىك.
(ياتمادان انزو باغلايىب دىئر).
اودو خماق uduxmag تىكەنى بۇيۈك گۈزتۈرۈب آغزى دۆلدورماق، آرتىقىن ھۆسلىخ خۇرك يېمك. (اىسوى تىكىلىن كىشى گۇز نه اودو خوب، هېچ ائله بىل تۈزۈق گۈرمە يىبا!).
اور ur باش يا بىندە قاباران قۆددەلر.
اورومو قولقولا qulqula اورومۇ قولقولا
بۇيۈك و گىنىش دامداش يا مۆلک.
(كىشى نين آغلى اولسايدى اورومو قولقولا حىطى نى بوراخىتىپ تىھرانا كىندردى?!).
اون دەمك əvədəmək كۈرە يى پىرى و تىرىپ اويان - بويانا چىزىرىلمىك.
چۈخلو آت و اولادق بارەسىنده اىشلەنر.
ايىشىمك irışmək دىش آغارتما، مىخرە حالدا گۆلەك.
ايلىقىملاماق ilqımlamaq حاجى لېليلك كىمى باسا - باسا يىشىمىك.

ارجۇنۇ پىشىك ərcov pişik چۈخ يېتىمن، آنجاق ات - جان ائلەمەين آدام.
افلكە əfləkə پىس و آغىزى و ضعىيت.
(چۈرۈكىن سارئ يامان افلكەدە دىرلر).
اکش əkəş بۇيۈك لىرىن اداسىئىن كىيىرب، يىتكە - يىتكە دانىشان اوشاق.
الفيرد əlfird گۈن يا قامىشىدان دۆزەلن بۇيۈك خورجون.
القه سىيمك əlqəsimək بىر زاددان اۇترۇ تىلەسىب ال - آياقدان گىتىمك.
(قۇنالقلار ناھارдан اۇترۇ بىر ساعاتدىئر القەسىيەرلر).
الكىد əlkəd باجارىق سىئىز و كۆند آدام.
امگك əmgək كۈرپەنىن باشى ئىش بۇش يىشى .
انس ənəs يالنىز اوز دىئىيىنى توستان كۆنزر آدام.
انگىللەمك əngilləmək يارىپ آپارماق. قول - قانادىن قىرىپ آزالماق.
(اوزاغى گۈزتۈرۈب زمىنى انگىللە دىم كىتىدى = يىعنى زمىنىن چۈخ حىصەسىنى بىچىدىم).

بولقورد **bulqurd** سامان، چىيىد،
كېك و چۈرك خىرداسى ايله دۆزەن
مال - داوار خۇرەتى.

بۇنبۇشمك **bünbüşmək** سۇيوقدان
كىرىمك. (فا: كىز كردن).

بيجىك **bicik** خىجر شىكلىيندە و اۆچ
دىشلى فرش تۇخوما آلتى كى، آرغاجى
اوونولا ياتىشدارلار، دە.

بىروۋوز **birovuz** هەنج كىمه اويمىيان
و ھامىدان كنار گىز و قریب نظرە گلن
آدام. (فاطمانىن يىتىزىنىسى هەنج اۇزلىرىنه
يىنمىر ائلە بىل بىروۋوزدور) باخ: عارىيە.

بىزەھىجە **bizəhcə** خىرداجا كۆزە.

ايميرىكىلمك **imirikləmək** دن -
دۇشۇ يَا باشقا بو جۇر شىنىلىرى ال ايلە
تېھىيىك كىمىي ائلە يىب اىرىلىرىنى
سەچمك. (سەشمەنلىكى دىم
اىرىلىرىنى سەچدىم).

بنكۈندەم **beköndəm** آداما كۈند
وئرمەين و راست گلمەين ايش يَا
وسبىلە. (بو پەنجرە چۈخ بنكۈندەم دىر،
يىشىنە آسماق اولمور).
بىشكۈر **bekür** باشارىق سىز و آوازا آدام.
(حسن يامان بىشكۈردور، قىئىقلىئى
آچانمادىئ).

بئۇن **bövən** داوارىئىن قۇخنوموش
قىيىئى.

برەدورا **bərədura** اىلک دە بىچىلىن
اوت.

بنايىئىن **bənayın** اوزون داش كى،
قىيىرى اورتمك و باش داشى قۇيىماق
اۆچۈن اىشلەنر.

بوزلاماق **bozlama** اوجا سىسلە
آغلاماق. (كىشى يىر ساعاتدىئير
بوزلايىئير).

آقلاار سؤزو

اردبیل و هنده وریندە

ترتیب ائدن: رضا کاظمی

توبلايانلار: حسن فيضى، نوروز على فيضى،

رضا کاظمی، محمود مهدوى،

کاظم نظرى بقا.

-ج-

جاناوارنان قۇنىشى اولان، چۈماماغىئى يېرە قۇيىمامائىدى. / جاناوارلا قۇنىشۇ اولان
چۈماماغىئى يېرە قۇيىمامائىدىر.

جان كىرە ايله يانار. (كىرە: ياخىن كىمسەلر، آتا، آنا، آداما اۆرك ياندىغانلار).

جان وئرسۇن سېرىچە يە وئر، قارانقوش گلېپ گىندىدىر. / جان وئرسن سېرىچە يە
وئر، قارانقوش گلېپ گىندىدىر.

جائىتمى دا آلسۇن، گۈلە- گۈلە آل. / جائىتمى دا آسان، گۈلە- گۈلە آل.

جان يىيەسىن قازاق اولدۇرۇپ؟

جوروننان آيرىلانى قورت يېر. / جوروندان آيرىلانى قورد يېيەر.

جهنممن گلن من، خىر وئرن بۇ. / جەھەنمدىن گلن من، خىر وئرن بۇ.

-ج-

چارىغىن تاپان دولاغىن دا تاپار.

چائىممامىش اوينىنى: / چائىنمامىش اوينايىش.

چائىممامىش دۇيۇنير. / چائىنمامىش دۇيۇنور.

چایا سیچ، چشممیه سیچ، به سوئی هاردان ایچ. / چایا سیچ، چشممیه سیچ، به سوئی هاردان ایچ.

چنینه نن ساققیز چورقیه.

چکیشی شهیرد ویرار، میزدینه اوستاد آپارار. / چکیشی شاگیرد وورار، موژدونو اوستاد آپاران.

چم آلتیننان قوریاغا باختنی. / چم آلتیننان قوریاغا باختنی.

چونخ او خیان چونخ بیلمز، چونخ گزن چونخ بیلر. / چونخ او خویان چونخ بیلمز، چونخ گزن چونخ بیلر.

چونخ بیلیشیس آز داتیش. / چونخ بیلیشیس آز داتیش.

چونخ بیلمیش شیستان ایکی بیردن تلیه توشر. / چونخ بیلمیش شیستان ایکی بیردن تله یه دوش.

چونخ بیلمیشیدیندن بوزنی چیخمیه. / چونخ بیلمیشیدیندن بوزنی چیخمیه.

چونخ یاشیان چونخ بیلمز، چونخ گزن چونخ بیلر. / چونخ یاشیان چونخ بیلمز، چونخ گزن چونخ بیلر.

چوره وترن آز قالماز. / چورک وترن آج قالماز.

چوره وترنی آدام گوزینن تائیهار. / چورک وترنی آدام گوزوندن تائیهار.

چوره یی باشیندا دولاندیرئیه. / چوره یی باشیندا دولاندیرئیه.

چوره یی ده جاوانلیخدا قازان، اینامی دا. / چوره یی ده جاوانلیقمندا قازان، اینامی دا.

چوغوندارین دا او زینه گوره داماری وار. / چوغوندورون دا او زونه گوره داماره وار.

چومچه دن داغیلان، قازانا داغیلار.

چیخان قان داماردا اولار.

رەآزى ۱۱

چىركىنۇغۇن آللاداندى، چىركۇن نه دندى؟ / چىركىنلىشىن آللاداندى، چىركىن
نه دندى؟

-ح-

حاماما گىرن، تررەمەميش چىخار. / حاماما گىرن ترلەمەميش چىخار.
حامامدا جامە دار اولاندا، منه فىته جىئىغان وئەرسن.
• حاياسىئنا باخ حاياسىئنا، قانقانى باسىئب تاياسىئنا.
حصىردىن تومان، كندىردىن بااغى. / حصىردىن تومان، كندىردىن بااغى.
حق باشى آغىرىدى. / حق باشى آغىرىدى.

-خ-

خالخ دوشاب آئى موراپىا چىخىنى، من موراپىا آلدەيم دوشاب چىخىدى. / خالق
دوشاب آئىر موراپىا چىخىشىر، من موراپىا آلدەيم دوشاب چىخىدى.
خان باغىشلىنى، نۆكىن باغرى چاتدىنى: / خان باغىشلىرى، نۆكىن باغرى چاتدىشى.
خىاطا دىدىلىر كۈش، اينەسىن ياخاسىئنا ساشدى. / خىاطا دىدىلىر كۈچ، اينەسىن
ياخاسىئنا ساچدى.

-د-

دادانارسان شۇزىشىتا، بلکە بى گۇن اولمىشىتا. / دادانارسان شۇزىباتا، بلکە بىر گۇن
اولمايا.

دار دىيىن قوتاران بىزلىرە سردار گلېتى: / دار دىيىن قورتاران بىزلىرە سردار گلېر.
دارئ قويدا، كۆز آنباردا. / دارئ قويودا، كۆز آنباردا.
داش قاياتا راست گلىب.

داش قىزلار باغرىئىنا هر گىنچە يالغوز ياتار. / داش قىزلار باغرىئىنا هر گىنچە يالقىز
ياتار.

داشى آتارسان دوغرو اىته، اوغرى ايت اوژون بللنديرر. / داشى آتارسان دوغرو اىته، اوغرو ايت اوژون بللنديرر.

داغدا بالىغ اولماز، دنيزده كھليه. / داغدا باليق اولماز، دنيزده كھليك.

داغ دره سيز اولماز.

داغ دومانسيز اولماز.

دال اته يىمى كسىر، قاباغ اته يىمى يامىش. / دال اته يىمى كسىر، قاباق اته يىمى يامايىر.

داليكى قابا خكىين كورپىسىدى. / داليكى قابا كىيتشن كورپوشۇر.

دئدى آغىللۇز كىمدى، دئدىلر قابا خداكى زنجىرىلى. / دئدى آغىللۇز كىمدىر، دئدىلر

قاباقداڭى زنجىرىلى.

دئدى قولاغوننان توتوب داغلارئ دولاندىررام، دئدى سن ده منن دولانا جاخسان

يا يۇخ. / دئدى قولاغىندان توتوب داغلارئ دولاندىررام، دئدى سن ده منن دولانا جاقسان يا يۇخ.

دئتىيلر آل - وئر، دئتمىتىيلر آل - قاچىرت. / دئتىيلر آل - وئر، دئمه تىيلر آل - قاچىرت.

ددەمە بىغدا چۈرە دە وئردىم، يىشى دى. / دددەمە بوغدا چۈرك دە وئردىم، يىشى دى.

ددە - نە دن آرتىئران قاتىر اولار.

درىتى ياتاغان اولار، قىلى دئتىينگن. / دردىلى ياتاغان اولار، قىلى دئتىينگن.

درىن قازان اوزى توشىر. / درىن قازان اوزۇ دۆشىر.

دلى اوتامماز، يىيەسى اوتانار. / دلى اوتانماز، يىيەسى اوتانار.

دلى دن دوغرى خېر. / دلى دن دوغرو خېر.

دىلىنин كىن شىغدىم گلدىم، آغىللۇشىن كىن چاپدىم گلدىم.

دمىرى دمیر كىرس.

دنسىز دې باتان الىن كۇپۇگە آتار.

دنیزده بالیخ سوداسی ائلشى: / دنیزده بالیق سوؤودەسى ائلەيىر.

دلینە حالوا، گىجه بال.

دۆز آدام اخلاقغىتنان بىلىنر.

دۆز اىرىينى كسر.

دۆز دائىشائىن يېرى آجى اوڭار. / دۆز دائىشائىن يېرى آجى اوڭار.

دۆزه زاۋال يۇخدى. / دۆزه زاۋال يۇخدور.

دۇست آراسىندا اوچ آلما وار، بى يۈل بىرى بىرىننە اوڭار، بى يۈل اىكىسى

بىرىننە. / دۇست آراسىندا اوچ آلما وار، بىر يۈل بىرى بىرىننە اوڭار، بىر يۈل اىكىسى

بىرىننە.

دووشان ياتدىخجا قاچار. / دووشان ياتدىقجا قاچار.

دۆشمن اۇلمىتىپ، اۇلمۇز. / دۆشمن اۇلمەتىپ، اۇلمۇز.

دۆنىادا آرزى قۇيمادى.

دووارىئىن بى اوزىن اوچورتسون، او بىرى اوزىن قوى دالداناجاغ قالسىن. /

ديوارىئىن بىر اوزۇن اوچورتسان، او بىرى اوزۇن قوى دالداناجاق قالسىن.

دوھ دن بۇئىك فىل ده وار. / دوھ دن بۇئىك فىل ده وار.

دۇيولىنن سۇيولن آرادا گىندر. / دۇيولىلە سۇيولن آرادا گىندر.

دېرناخىننان دارئ سىئىماز. / دېرناغىننان دارئ سىئىماز.

دېلىن توئىسىان، دېلچەتى دىللە نى: / دېلىن توورسان، دېلچەتى دىللەنير.

دېندىر دېلىن گۇر، قۇوزا قىلىئن گۇر.

دېيرمان بۇغازىئىن بىنە دلىپ، بىزىم بۇغازىمۇزى آلاھ دلىپ، مىگر بۇش قالار.



آفالار سۇزۇ

زنجان

تۈپلەيان: ثريا بخشى

- هر گۈن ياخچى يتىدين، ياخچى
گىنىدىن بايرامدىر.
- هر نه اكىرسن، اوئنو بىچىرسن.
- هر نه او تۈكۈب، بو يېغىشىدىرىپ.
- هر نه دىئەرلىر، هوئىنە دىئەرلىر، چىخ
يوققوشون (يوخوشون) باشىينا گوئرنە
دىئەرلىر.
- هر نه يتىدين مالىئىن دىئىر، هر نه
وئىرسن آدىئىن دىئىر، هر نه فالسا
يادىئىن دىئىر.
- هر بىر توڭى ساققاڭىندان وئىرسە،
كۆسما ساققالسىز قالماز.
- هر ياغان قار اولماز.
- هر يوققوشون اثنىيشى وئار.
- هر يېمىشىن بىر دادى اولار.

- هر تۈكۈندىن، بىر قىز آسلاتىپ.
- هر زادىم كالى ئىتىشەر، آدامىم كالى
يىتىشىمەز.
- هر زادىنى باب ائله، گۈرەن دىسىن
هابىلە.
- هر زامان بىر آشىغىن دۈوزانى دىبر.
- هر ساققال دان بىر توڭى چىكسىن،
كۆسمايا ساققال اوللار.
- هر ساققاللى بابا اولماز.
- هر سۈرۈقىنە بىر چۈبان.
- هر سىفرا آچان حاتىم اولماز.
- هر قارا قىنبر اولماز.
- هر قازانا، بىر داماڭىقىن.
- هر گ...ون بولاييان، قالا يېچى اولماز.
- هر گۈلۈن بىر عطري وار.

لە آذى ۱۱

- هم تۇزبادان يىشىر، هم آخوردان.
 - هم دام وئرك، هم قىز وئرك.
 - همدان اوzacق، كردى ياخشىن.
 - هم دىملى اولاندا قبر اوستونه گشت،
 هم غىمىلى اولاندا.
 - هم مىنېب، هم آغىرىق ساڭىر.
 هم نالا دۇئىر، هم مىئخا.
 هم ياماندئير هم يانان.
 هم ياندىئير، هم قاندىئير.
 - هوپ- هوپون بالاسى دىندى،
 يۇوامىز قۇخور. دىندى بالام بو گ...ت
 كى، بىزدە وار هر يىرى قۇخودار.
 - هوپ- هوپويا دىئىلر خىتىر سوئىلە،
 دىندى پۇخ- پۇخ.
 ھۆررە، «بسم الله」ئى نىتىلە تىير.
 - ھۆرە بىلمە تىير، ايتلرى باشا ساڭىر.
 - ھەدائىمدان ھەتىيم قوتاردى، ھىم
 داتىيمدان ھىميم.
 - ھىس آنلاماز، ھوس آنلاماز،
 قولاقلارىن كس آنلاماز.

- هر كس اوز ائۋىنىن شاهىءىدئر.
 - هر كسن اوز قلىين بېرەسىن
 يىشىر.
 - هر كۈپوكلۇ سۇزىما سىئىل دەمزلە.
 - هر كۈتۈكىدىن كۈمۈر چىخماز.
 - هر كىم يىشىب فطىرى، گىدر
 اودون گىتىرىر.
 - هر كىمىن بالاسى اوزۇنە شىرىين دىر.
 - هرنەدن گۈتۈرەسەن آزالار، سۆزدىن
 گۈتۈرسىن چۈخالار.
 - هرنەتىين تازاسى، دوستون
 كۈھنەسى.
 - هرەننىن چىتىرى، اوزۇنە دىر.
 - ھفتە سكىگىز، من دوققۇز.
 - ھله بولۇشلىكە ورىيانى سۇزىما وئرمە.
 - ھله تازا كۆزە، سوپىق بىسۇدور.
 - ھله دە وار قارىتىن اوزوشدورور.
 - ھله سوپىون شىرىئىلتىمىنى قولاڭ
 وئر.
 - ھله گۈرمەلى گۈنلۈرىم وار.
 - ھله يىرى آچاردئير.

بایاتیئلار (۶)

زنجان

تونپلايان : ثرييا بخشى

قلم آلتدا قاش آغلار

سنوگىسى گىندىن قىئىلار

هامىدان ياواش آغلار

چاتدايىب دۇشىز داغلار

بىلىنمز ياشىن داغلار

آيرىلېقى سنه دوشىز

آغاردى باشىن داغلار

باگبانام باغىم آغلار

قىمدن يارپاگىم آغلار

دىرىيمە اوژۇرم آغلار

اولسىم تۈرپاگىم آغلار

بو داغلار اوجا داغلار

آغلارام اوجا داغلارا!

منى ياردان آيىردىز

من دۇزۇم نىشىجە داغلار

قېرىمى قازان آغلار

اود دۇشر قازان آغلار

بىر گۇئىرۇب بىر قويان

قېرىمى قازان آغلار

اولدوزلار ياتماز آغلار

پارئ اوپاتماز آغلار

پار ياردان آيىرى دوشىسە

كىچەلر ياتماز آغلار

اود يانار قازان آغلار

يازىمى يازان آغلار

قىريب يىئerde اوولەنە

قېرىنى قازان آغلار

آيىلېتىغا داش آغلار

گۆزلىريم قان ياش آغلار

پار ياردان آيىيلاندا

آغلاسا ياواش آغلار

گىدەلە! قورومساقلارا!

هيسلى دام قوروم ساخلار

قىريب يىئerde داش آغلار

آتلی‌لار، آى آتلی‌لار!
آتلی‌لارئ توتدولار
هامىنىشىن آتلىسى گىلدى
منىم آتلىم توتدولار

اشىكىدە قاراچىلار
اوتوروب فال آچىزيلار
دېشىرلەر يارىن گلىرى
هانى بە يالانچىلارا

نارىنجى دۇغرادىلار
دسمالا باغلادىلار
بو يار منىم دېشىلدى
بۇيۇنما باغلادىلار

آرازى آيىشىرىدىلار
قۇمونان دۇيپوردولار
من سىندەن آيرىلمازدىم
ظۇلۇمۇن آيىشىرىدىلار

داڭلار دومان آرزىلار
چايىلار چىمن آرزىلار
منىم دە سېنىشىق كۈنلۈم
سنى يامان آرزىلار

ايستىكىاندا عاراق وار
گلمە ئۇنه قۇناف وار
كىتىر باشىشىن دارايىتم

كىشىلىك اولدۇ گىتىدى
سەۋىيىنин قورو مىساقلارا!

آخشاملارا! آى آخشاملارا.
آخشاملار ياناڭ شاملار
يالقىزىز ئۇنه گىنده نلر
خۇددۇڭ چىكىر آخشاملار

مرجانلار آى مرجانلار
قىئىمىز كۆتىنگ آغ جانلار
قىيزلار تۇپقا گىنده ندە
حسرت چىكىر اوغانلار

بولاق باشى تۈز اولار
دستە - دستە قىئىز اولار
ايىل دسمائىن گۇتۇر
من گۇتۇرسىم سۈز اولار

ياغىشىش ياغار كۆل اولار
كروان كىتچىر يۈل اولار
گۇزۇقۇم يارى ئۇرۇندا
دېل تو تولار لال اولار

قىريبلىك يامان اولار
يېل گلر سامان اولار
قىريب يىشىدە قالانىن
عۇمرۇق تىز تالان اولار

<p>فاش گۈزۈن اوپىنادان يار سن كى، بىلە دېتىيلدىن اولما بىر اوپىردىن وار</p> <p>بو داغلارئىن دۆزۈن وار دۆزلىرىنده قوزو وار ايکى گۈئۈل بىر اولسا كىيمىن اونا سۈزۈن وار</p> <p>باخچامىزدا قويۇن وار سرىن - سرین سوپىو وار بىر دانا يار سىۋىمېش گۈزىل حالى خويۇن وار</p>	<p>من ده قىيىزىل داراق وار درىنادا چۈخ بالىق وار روزى وېرن خالىق وار جاواھانلار اۇتلۇن مەتىر دېتىيرلر باھالىق وار</p> <p>دروېشىم كشكولوم وار هر باغدا بشش گۆزلۈم وار چاغىنررام ياخلاھى! سن آچان موشگۆزلۈم وار</p> <p>بو داغدا ماراڭىم وار اوخ دېمىش ياراڭىم وار نه گىشىجە يۈخوم گلىر نه گۆندۆز قارارىم وار</p> <p>باشىمدا كۆلاھىم وار سەنин تك پناھىم وار گۈز گۈرددۇ ، كۈئۈل سەودى منىم نه گۈنەھىم وار</p> <p>دالان آلتدا دالان وار دالاندا يېش سالان وار بوشلايىشىن چىيچىم گىندىم گۈزۈن يۈلدە قالان وار</p> <p>يېشى يېشى نادان يار</p>
--	---

لای لای لار (۵)

ثريا بخشى

لای لای قىزىل قولباغىم
بولاغىم ، باخچام ، باغانىم
سن گولمه سن اينانما
بىر آن قاچا دوزداغىم

أتو ايشى ئيم ، ديره ئيم
دار گونومده اول گينان
منيم گوجلو بىله ئيم

لای لای منيم بېھىم
بىر آرزئىم ، بىر دىلە ئيم
پيس گوننە ، پيس زاماندا
سن سن منيم كۆمە ئيم

لای لای دىدىيم مارالىم
سن قىزار ، من سارالىم
ايىنجه دىشلىرىن چىخسىئىن
گوننە سنه نار آتىم

لای لای دۇولتىم ماڭىم
باشىمدا اىپك شائىم
سن شىرىن يۇخلا من ده
يانىندا آيىق قاڭىم

لای لایىن يۇنجا گۈلۈم
گۈل آچىپ قۇنجا گۈلۈم

لای لای مئىوەلى باغانىم
لای لای شاماما تاغىم
آللاهدان سۇنرا منيم
سن سن آرخام ، داياغىم

لای لای گىميم ، قايىئىغىم
قىئرمىزى شقايدىغىم
اول وطن قۇروقچوسو
گىنجه گوندۇز آيىئىغىم

لای لای چاتمىر داده كىم
هارايانا ، فرياده كىم
دور قالادان هارايانلا
بلكە گلسىن بابكىم

لای لای گۈلۈم ، چىچە ئيم

سن تک گلینه قوربان

باجی سئ قارداشی نا
تۇخويۇر خالچا كېلىم

لای لایى نام بالا جان

لای لایى نام آئى جانىم
آغلاما لای لای جانىم
سن يات گولوم اوپقادىبر
گۈزۈ آذرپايىجاشىم

ايکى ايگىت ، ايکى خان

سەنین بۇئۈك باباندىر

ستار ايله ، باقىرخان

لای لایى چاللام آستادان

قادان آللام آستادان

صۆبىحە كيمىن باشىندا

اوپاق قاللام آستادان

لای لایى دوزوم دوزداتىم
لای لایى دىنەم ، ايماتىم
بالا كيمىن دۇنىيادا
اولماز عزيز گۆماتىم

لای لایى آنا بالادان

دوئىماز ايمىش بالادان

رنگى سارالىب سۇلار

آيرى دۇشىسە بالادان

لای لایى اولدوزوم آيتىم
لای لایى شاماما پايتىم
سن گشت شىرىن يوخويما
من دە ، تەسىن سايتىم

لای لایى بالام اوپاشدان

پوخلا گلدى اوپاشدان

بو باش چكىم زەمتىن

دېنجىم آللام اوپاشدان

لای لایىن قارا باغان

دوزلودور قارا ، آغدان

چكىلمەسىن سىنه وە

من چىن يارا داغدان

لای لایىن قوزۇ قوربان
قۇچ قوربان، قوزۇ قوربان
ھە سەر بۇئۇن گۇرسىم
كسەرم قوزۇ قوربان
لای لایى تىلىنە قوربان
شىرىن دىلىنە قوربان
مېن قوزۇ قۇئۇن اولسۇن

لای لایین دایاغئیم سان
آرخام سان ، دایاغئیم سان
ایندی لازئم او لماسان
دار گوندہ دایاغئیم سان

لای لای بالام باغرئ قان
بیر قوش واردىیر باغرئ قان
لالادان گوزل گول بونخ
او دا باخسان باغرئ قان

لای لایی نام خان او غلان
بوئونا قوربان او غلان
قوچ کوز او غلو ، قوچ نبی
او ولادی آسلام او غلان

لای لای دئدیم ائللردن
شیرین - شیرین دیللردن
آللاه بالام ساخلا
او زون آپلار ، ایللردن

آردی وار

لای لای پیشین یارپاقدان
قونداگین گول بوداقدان
جانین کیمین یه لیک دور
اولین اولان تو زپاقدان

لای لایی گلر یو لدان
کیم گندیب گلر یو لدان
بالام یاتیب دورانا
آتاسی گلر یو لدان

لای لای دئدیم یاتاسان
قیزیل گوله باتاسان
من آرزیما چاتمادیم
سن آرزیوا چاتاسان

لای لای قیشیم ، قارئیم سان
یازدان آلما ، نارئیم سان
او دونیادا بنهیشتیم
بو دونیادا وارئیم سان

آقاclar سۈزۈ

محمد قاضى

- آنلامايانا دىشن قولونام دىئەر گل آپارىئە ساتىم.
- آه چكىر قان توپورۇر.
- آيا او قدر باخما كى، دوشسۇن آياغىشىوا.
- آى ئۆرمۈشۈن، اولدوزا نە مىنتى.
- آياقلار گىنده بىلمىز كۈنۈل گىتمەين يېرىھ.
- اردىبىل بير شهردىرھر كىس اوز وەكىلى.
- ار گىرك، تىز گىرك، اوزۇدە جومە گىنچەسى.
- اكمەين ساققاڭىن يۈلار.
- آللە گۆرمۈش قاپىنى باغلاسا، قىزىئىل قاپىنى آچار.
- اوزگە باغى اوزۇملۇ اوڭار.
- اوشاقلۇ ئۇندە هوڭ دستەنى كۈنۈن آسارلار.
- اوشاق واردىئر «يۈنخدور» بىلمىز.
- ايت هارا قويىروغۇ دا اورا.
- آيتىن حىاسىئىر ئېيقاناقدان پائى ايستەر، اوئۇ دا چىنى قابدا.
- آيت كۈكەلندە اتىن يىشىلر.
- ايشلە منه اوزگەش اوزۇنە.
- اششەيىن ياشىئىندان، چىچى نىن داششىندان باش چىخخارتىماق اوڭماز.
- ائلە بىل اششەيە قىشۇق چكىر.
- ائل عارىفدىر تىز قانار.
- ائل قاباغى سىئل قاباغى.
- ايتىن آخساغى دا اوودان قالماز.
- ايکى آدام بىر آداما قوشۇن دور.
- باج قاچار، باجدار آلار.
- بازار چۈرەتىي چۈنخ اولىسون بازاردا اولىسون.
- باشىنىن آغلىغىنبا خاما اورىتىي نىن آغلىغىنبا خ.
- باشى پاپاقلى ساغ اولىسون، قىيرمۇز ئىچك قاپى دادىئر.
- باغ ساتىئىب داغ آئىب.
- باغان پاخىل اوڭماسا باغ چېرى نىتىلر.
- آنلامايانا دىشن قولونام دىئەر گل آپارىئە ساتىم.
- آيا او قدر باخما كى، دوشسۇن آياغىشىوا.
- آى ئۆرمۈشۈن، اولدوزا نە مىنتى.
- آياقلار گىنده بىلمىز كۈنۈل گىتمەين يېرىھ.
- اردىبىل بير شهردىرھر كىس اوز وەكىلى.
- ار گىرك، تىز گىرك، اوزۇدە جومە گىنچەسى.
- اكمەين ساققاڭىن يۈلار.
- آللە گۆرمۈش قاپىنى باغلاسا، قىزىئىل قاپىنى آچار.
- اوزگە باغى اوزۇملۇ اوڭار.
- اوشاقلۇ ئۇندە هوڭ دستەنى كۈنۈن آسارلار.
- اوشاق واردىئر «يۈنخدور» بىلمىز.
- ايت هارا قويىروغۇ دا اورا.

رە آزى ۱۱

- پالچىغا باتان آرابانى، قۇجا اوکۈز
چىخاردار.
- پوللۇيا «بلى» دىئىرلر، پولسوزا
«دللى»
- پىتىغمېرىن چىراڭى قىزىدان يائىپ.
- جاندان كىباب، قاندان شراب اولماز.
- جان وار قم وار، بى قم كىم وار.
- جاهىل دە سۆز اېلىنمز گۆنبىدە قوز.
- جاهىل دەن قورخ، آسلام دان
قۇرخما.
- جاوانىيەقدا اىشلە، قۇجاڭىقىدا دىشلە.
- جاوانىيەقدا زحمت، قۇجاڭىقىدا
لذىت.
- چارئىق تاپان دولاغىن دا تاپار.
- چارئىغىن اسىر كەمەتىن پاتاواراسىندا
قۇيىار اوستۇنە.
- چاڭىشانى آج، تىبلى توخ گۈرن
يۇخىدور.
- چايىدان كىچدى، آرخدا بۇغولدو.
- چۈمچەنин قدرى آش داشاندا
بىلىنىز.
- چۈمچە قويىروغوندان توتان، ياغلى
يىشىندىن يىشىھەر.
- باغىرساق كىمى سوئز اوزادىم.
- باغىندىدا گۈل وارىكىن گۈل اوزۇنە،
باغىشىدان گۈل توکىندى كۈل اوزۇنە.
- باغداد كىمىن شهر اولماز، قارداش
كىمىن يار.
- باغ دايە يۇخ، بىلچە ايستر.
- بال چىكىن بارماق يالار.
- بالى اولاڭىن مىلچەتى شامدان گلر.
- بىنى آدام قانادلى قوشدور.
- بۇركچۇ باشاڭىچىق گزەر.
- بۆلۈلۈ قىزىل قفسە قۇيمۇشلار «آه!
وطن» دىمىش.
- بىر، آزدان قالار، بىر، چۈخدان.
- بىر گۈزۈ آغلايىشىر بىر گۈزۈ گۈلۈر.
- بىر سوبای اوغلان، بىر مىتىيل
يۇرغان.
- بىر قوتور كىچى بىر سۇرۇقۇ
خارابلار.
- بىر بوغدا اكمەسن، مىن بوغدا
بىچەمەزىن.
- بىر دىمەردىن نال دا، اولار نىزە دە.
- بىر قۇرخاڭ بىر اوزىدونو پۇزار.
- پاپاڭ آلتىندا اوغلانلار وار.
- پاپاڭى تۆلکۈز درىسىندىن، خېرى
يۇخ گىرىسىندىن.

اینالج لار

رحیم غلامی لنج آبادی (داغچی) - اردبیل

- اگر آیاغین آلتی قاشینسا کوتک یئشیه جکس.
- اگر الین ایچی قاشینسا، الین پول گله جک.
- اگر ایچمه لی چایین ایچینده بیر او زون چای او لسا، دئیه رلر قوناق گلیر؛ اگر ایزی او لسا، دئیه رلر قوجا کیشی دیر و دوز او لسا، دئیه رلر جاوان دیر.
- اگر بیر یشہ گتمک ایسته سن تک صبیر گلسه، دئیه رلر ایشیمیز راست گلمز؛ آنجاق اگر جوت صبیر گلسه، دئیه رلر ایش راست گلر.
- اگر قارغا قاپیدا آگاج او ستو نه قونوب قاریلداسا، ائوه قوناق گله جک.
- اگر قاصیدک ائوه گلسه، دئیه رلر قوناق گلیر؛ آنجاق اگر قاصیده تین او رتاسیندا تیز بیر شئی او لسا، دئیه رلر کیشی دیر و او لمسا، دئیه رلر آرواد دیر.
- اگر قاصیدک (خبر گزدیرن) گوئیده او چوب بیردن او ستو نه قونسا، دئیه رلر خبر گتیریب.
- اگر قولاغین ایچی قاشینسا، دئیه رلر قوناق گله جک. (دئیه رلر: قولاغیم گلیر).
- اگر قئیچی او زون هؤرمجک ائوه گلسه، دئیه رلر خبر گتیریب.
- اگر گوئز سه تیر سه، بیر ایش قاباغا گله جک.
- او شاق تزه او لاندا بعض دئیه رلر فیلانکس دو عائیق دیر؛ یانئ او نون ائوه گلمه بی نین او شاغا زیستانی وار.

- اوشاق تزه اولاندا هر کیم ائوه گلسه گرک او شاغقى گۇئتۈرسوئنلر تا قۇناق ايچرى كېچسىن.

- ايلان آى گۇرمە ئىنجه جانى چىخماز.

- ايلانى اولدۇرنده گرک باشىئى ازىك-اپىك ائله يەسن يۇخسا دىرىلىب دائىنجا گلر. (يانى هارايىا گىتسن دائىنجا گلر).

- ايلانى گۇرنە لىعنت؛ گۇرۇب اولدۇرمە يەنه لىعنت؛ اولدۇرمە باسىدىرى مايانا لىعنت.

- بۇز قورىياغانى دئىھىرلر ايمام لارا سو داشىئىيەر.

- بىر صاغىرئين آتاسى اولننده او ائودە چاى اىچمىزلىر. (صاغىرلى ئۆزدە چاى اىچمىزلىر).

- بىر يىشە گىلدەنلە دئىھىرلر صوبىح چاغنى اگر فيلانكس قاباغىمئىرا چىخسا، ايشىمiz اىتەر. يا اگر اوونون ترسىسى فيلانكس قاباغىمئىرا چىخسا، او گۇن آخشاما دى ياخشى اووار.

- دئىھىرلر فيلانكسين آياغنى يۇنگۈلدۈر. (يانى بىر ايشىن باشلانىشىئىندا ايشىن اوستۇنە گلسە او ايش تىز باشا چاتار و چۈخ اوزانماز؛ بىر عكىسى، بىر «آياغنى آغىز آدام» بىر ايشىن اوستۇنە گلسە او ايش قورتارماز و چۈخ اوزانار).

- دئىھىرلر قاپىي يىسى سو آتما يۇخسا پرىلىر بالاسىن ياندىرارسان.

آذربایجان قدیم فولکلور رقص لری (۵)

کمال حسن اووْ

کوچورن: پیام سرابلی

۵- خلیل اولدو «رقصی»

بو دا قدیم اوینولو رقصدیر. یالشیز لثیریک شهریندە یائیلمیشدى. آرتیق يۆز ایله یاخیندیرکى، ایفا اولونمور. آنجاق قوجالار ایندی ده اوونون حاققىندا داتىشىرلار. «خلیل اولدو» رقصىنى گنجلر و جاوان كىشى لر اوینايىردىلار. ایشتيراكچىلاردان بىرى «خلیل» يىرە اوزانىب اولۇنۇ تصویر ائدىردى. قالانلارئ اوونون اطرافىندا رقص ائدىردىلر. رقص اندىلرین ھر بىرى «اولن» خليلين اطرافىندا اوینايىاراق اوونون ماڭىندان ميراث كىمى نه گۇتۇرەجەيىنى گۇستىردى. «ۋارىيىلر» مۇباھىيە ائدىرلر. بىرى اينەيى يَا خود اوونونلا نىتجە داۋرانماغان اوینايىا- اوینايىا گۇستەرک اوونون اينەيىنى اوۇزو اوچۇن گۇتۇرەجەيىنى دېتىردى. او بىريسى اوونونلا مۇباھىيە ائدىردى.

اوچۇنچۇ تصدق ائدىردى كى، «خلیل» يىن قابلارئ اونا چاتىر و رقصده اووندان نىتجە اىستىفادە ائتدىشىنى گۇستەرک گويا اوۇزۇنە چاى «سۆزۈپ» اىچىردى. يَا خود قابدا خۇرك بىشىرىپ يىتىردى ن س. بو، رقص لرخۇزئۇقىرافييادان (رقص صنعتىنдин) چۈخ پانتومىم خۆصوصىتى داشىيىردى. رقص ماهنىلى شىعرلى اولاراق خالىص رقص رىتمىنە مالىك ايدى. بو ماهنىنىن مۇشاھىعىتى ایله رقص ائدىلەردى.

سشارىۋە: بىر قورۇپ گنج بىر نفرى احاطە ائتمىشدىر. بو، شىن زارافاتچىل، مۇختىليف اوینون و ايلەنجهلىن تشکىلاتچىسى دىئر، او، مزەلى باياتىلار اوخوتىبور.

هامى ئاضى حالدا ال چاڭىر. كىمسە دايىانا بىلمەتىپ رقص ائتمەتە باشلايىشىر. گنج يۈزۈلۈب او خوماقدان ايمتىناع ائدىر. او نۇ دىلە تو تورلار. بىرى زارافاتلا او نۇ ھەدەلەتىر. دئىشىر كى، اگر باياتى ئەمەسە او نۇ اولدۇرەجك. بىلە بىر دئىشىمە گىدىر:

- من خليل دېشىلم كى، منى اولدۇرەسنى.

- خليل اۆزۈ اولدۇ. سنى ايسە من اولدۇرۇب املاكتىنا صاحىب اولا جاگام. گنج لىدن بىرى قدىم «خليل اولدۇ» او يىونو او تىناماغى تكلىف ائدىر. جانلانما يارا تىر. آنچاق هەچ كىم خليل اولماق اىستەمەير.

بىرىنى دىلە تو تورلار. او اوزاتىپ اۆزۈنۈ اولتۇرىۋە نورور. ھامى دىزىنە ووراراق او نۇ او خشاشىتىر و او نۇن اوچۇن «آغلاماغا» باشلايىشىر. خليل دە دورۇب او تورور و او زۇنۇ او خشاماغا باشلايىشىر. او نۇ تىزىن يىرە او زادىئىلار. كىمىن نە گۇتۇرەجەتى باردە قىزىغىن مۇباختە گىدىر. بىرىنجى قاچىپ او زانمىش خليل يىن چىكمەلرىنى چىخارتىماغا باشلايىش و ايناندىئىر كى او نىلار او نۇن آياغىنَا چۈخ ياخشى او لور. خليل هىرسىلەتىر. او نۇ قولاق آسمىئىلار. اىكىنجى او نۇن آرخالىيغىنى سۇپۇندورور خليل آز قالىر آغلاسىئىن. دئىرىكى انصاقيز اولسىن سۇپۇقدان اولەرم. او نۇ دئىنلىر «سسى سالما سىن او نىسوز دا اولمۇسىن». اوچۇنچۇ خليل يىن بارماقىندان قىزىل اۆزىز چىخاردىئىر. دۇردىنچۇ پاپا غىنى ئەنچەرەجە گۇتۇرۇر. بشىنىنجى بىلىمیر نە گۇتۇرسۇن. «من قازان گۇتۇرەجەتىم» دئىتە كۆنچە قاچىشىر. گويا قازانى ئەنچەرەجە گۇتۇرۇب كىنارا چىكىلىر. موسىقى چائىشىر، اىستەنيلن موسىقى، (مثلىن توراجى). لا كىن او يىونون آخرىئىنا كىمى عىتىنى موسىقى اولمالى دىئىر. بىرىنجى: آياغىندا خليل يىن چىكمەلرى چىخىشىپ رقاصلەتىرىشىلە دايىرەوى دولاتىر. رقاصلەتىرى كىمى بىر - اىكى دە آتىلېب هومن ايلە رقص ائتمەتە باشلايىشىر. اساس حرکتلەری آياق حرکتلەردىر. او نۇنلا اىتىننە كى چىكمەلرىن مۇھىمم و قىشىڭ اولدوغۇنو گۇستەرمەتە چائىشىشىر. ھامى ال چاڭىر.

ایکینجى اليىنده آرخالىق اۇرتاتىا آتىلئير. بىرىنجى چىكمەلرلە عۆمومى قوروپا طرف گىڭىزى چىكىلىرى. ایکينجى آرخالىقلا اوپتاتىلەنەن. پارچاسىئىنە يۈزخالىلەنەن تىكىلىشىنى نى نظردىن كېچىرىرىز.

كىمسە قاچىب آرخالىغى گۇئىرۇر و اوونو اليىنده ساخالىياراتق گىتىمك اوچۇن رقاصلەن كۆمك ائدىر.

رقاصلەن آرخالىغى اىتىنده ھامارلاياراتق ھەر طرفە چىۋىلىرى. بۇتۇن ايشتىراكچىلار ئە دولاٽىر و تىزە پالتارىئىنە گۇئىستەرەرك رقص ائدىر. اوچۇنچۇ رقاصلەن ایکينجىنى سىئىخىشىدەرىئىر. اوونون اليىنده اوزۇك وار. اوزۇيۇر يۇخارى قالدىئىراتق دايىرە اوزىزە رقصى ائدىر. سۇنرا اوزۇيۇر بارماغانىدا كېچىرىدىپ ووقارلا روان سلىس بىر طرزىدە اوپتاتىلەنەن. رقصىدە اساس حرڪەتلەر ال حرڪەتلىرىدىر. بىئەلە وضعىتلىرىدە ال لەر گاه يانلارا، گاه يۇخارى آچىلىرى.

دۇردۇنچۇ، اليىنده پاپاق رقصە قوشولور. او، اصل ایكىتدىر. پاپاغىن ووقارلا باشىنى قۇيىوب - گوپا بېغىلارىئىنە تومارلايىر. ووقارلا آياقلارىئىنە گۇئىرۇب قۇيىور و بىردىن سۇرعتلە اوپتانا ماغا باشلايىر. بو زامان او گاه ساغ اليىنى گاه دا، سۇل اليىنى باشىشىن آرخاسىئىنا قۇيىور.

بىشىنچى، اوزۇنچۇ ساخالىياتا بىلەمىر. او زاراقاتچىلدىر. حرڪەتلىرى دە گۆلمەلىدىر. اليىنده اىرى «قازان» وار. او آغىز - آغىز دۇۋەرە وۇرۇر اوكتوروب يىشىمەيە يېر آختارىئىر. ھامى قازانى اوونون اليىنەن آلماق اىستەتىلەنەن. لاكىن او وېزمىر. نهاتىت صحنهنىن قاباغىنىدا «قازانى» يېرە قۇيىور. سۇئىنجلە اطراقىنىدا رقص ائدىر. سۇنرا «قازانىن» يائىنىدا اوكتوروب قۇللارىئىنە چىرماتىلەنەن. اليىنى «قازانان» سائىب لىذذتىلە آش يىشىمەيە باشلايىر. دۇستلار ئە رقص ائتمەيە باشلاياراتق اوئىن قوشولماغا و اوندان آلماغا چاڭىشىرلار.

لاکین او وئرمىر. «اۇلۇ» كىمى اوزانمىش خليل دؤزه بىلەرى. «منىم قازاتىمى ئىتەن ئىتەن.

من اۇزۇم يېتىھە جە ئىم» دئىھە قىشىقىرىئەر.

«قازانى» بىشىنجى گىجىدىن آلاراق سۇئىنچىلە رقص ائدە - ائدە صحىندەن چىخىتىر. قالانلار ئىتەن ئىتەن دا رقص ائدەر كى اوپۇن دالىئىنچا گىنىدىرلىر. يالىش بىشىنجى يازىق بىر كۆركەمەلە ال قولۇنو اۇلچەر كى قانى ئىقا حالدا چىخىتىر.

بعضى مصلحتىرلەر: بىرينجى حىصەنى سەھۇن؟ حركەتلىرى ايلە، ايكىنچى حىصەنى ايسە رقصىلە قورماق لازىم دىئر. بۇتۇن اشىالار اتنىدەلە (طرح لە) گۇستەرىلىر. آنچاق ائلە گۇستەرمك لازىم دىئر كى، ايناندىرىئىچى اولسۇن. تىكچە رقصىدە يىغىخ. هەمچىنин پانتوئىمەدە هەرەنин اۇز كاراكتىرى وئار. موسىقى چىلىر بۇ كاراكتىرى و ئىغا اولۇنان اوپرازا مۇۋاپقىق گاه جۈشىغۇن، گاه ياواش ياواش كۆمىك، گاهدا گىنىش و لطيف طرزىدە چالىئىلار. اونلار گۇرۇنۇمۇرلىر. صحىندىن آراخاسىئىندا اوتورورلار. حادىشەلەر فاصىلەشىز و بۇتۇن رقص لە حركەتلە، سوژىتلى (مضمونلۇ) واحيد بىر تام كىمى اولىمالى دىئر.

خليل دائىما فعال دىئر. او گاه انعتىراض ائتمەيە چاڭىشىر. گاه دوروب اۇز شىئىلىرىنى آلماق اىستەتىر. گاه دا خاھىش ائدەر كى، اونلار كۇرلا ماشىنلار. اوپۇن يېتىن ئىتەن ئىتەن حادىشەنى اىزىلەتىر. رقص وانختى آتماجالار اولا بىلەر. لاکين رقص ائدن اۇزۇ آتماجا آتىشىر.

یتیم سئیدی (۲)

ناغیلشن آدی: یتیم سئیدی (زنگان روایتی)

ناغیل او خویان: آشیق مسلم عسکری

ناغیل یازان: محمد رزاقی (زنگان)

یازما تاریخی: ۱۳۸۳-نجو ایلین او ن بیرینجی آیتیم او ن دوزد و

خرص الله دیک کی، کچجن زامانلاردا تبریزده ایکی قارداش وار ایدی سئید محمد و سئید احمد. سئید احمدین مالی آز ایدی و بیر او خلو دا وار ایدی ایبراهم آدیندا، سئید محمدین مالی چو خ ایدی بیر قیزی دا وار ایدی نرگیز آدیندا، قضا وورور سئید احمد دونیادان گندیر، ایبراهم یتیم قالیش، ایبراهم و نرگیز او شاقلقدان بیر سیرینه آدادخلانمیشدیلار. ایبراهم، دده سی او شدن سونرا نرگیزدن اتفاقیک اللیم آما قیز قبول الله صیر چونکی ایبراهم هم یوخسول ایدی، هم ده قیانه دن بیر آز چورکین. یوخسولوق ایبراهمیم یامان سینسیدیر، آنا مذممتی ده بیر طرفدن؛ اوز قوتیور بیتابانا، شهرین کناریندا ییخنیاب هوشدان گندیر. یوخودا حضرت-یی حلی(ع) بونا افچ دنه و ترگی و تریر؛ او لالینی چکیر بونون او زونه بونون او زونزون چیرکین لشی گندیر، گوزل او تور؛ ایکینجیس، طبیع شعر گلیر بونا، او چو نجوسق حضرت-یی حلی(ع) «گونوزر رزم»ین قیزی بیر خانیمن بونا بونه و تریر. سئیدی آیلاندان سونرا گلیر ازمه. سونرا گندیر بیر ارمی دن بیر ساز آلسین، بیر ماجرا او طور کی ارمی ده مؤسلمان او تور و بونا دا بیر ساز و تریر.

پولو دوشز بazar دان. بو یاندان دا دئمه نرگیز خانیمین کنیز لریندن گلیب بازارا و سائل الاماگا گوزز ساتاشدی گوژد و بیر جاوان الینه ساز گندیر آنچاق سئیدیمه چو خ بنزدی وار. قیز گلیب دایاندی سئیدی نین قاباغیندا، سوروشدو:

- آغا! سن کیم او لاسان؟

سئیدی دندی:

- من آشیغام.

قیز دندی:

- آدین ندیر؟

آذى ۱۱

سېئىدى دىدى:

- منيم آدىم سېئىد اىبراهىم دىر.

كىزىر الين چاڭىپ الينه قاچدى. دابانا قۇوت، ترىپىب نرگىز خانىمەن يائىنا.

- نرگىز خاتىم دئمەزىن سىنىن عەمىن اوغلوна آلاه بىر گۈزەللىك وئرىپ دۇنىادا تايىئ تاپىلماز.

نرگىز خاتىم چىخىپ كولافىرنىگى دن باخدى سېئىدىنى ساز اليندە گۈردن. قىزلارا تاپشىردى سېئىدىنى گىتىرىن منيم يانىمما. قىزلار سېئىدىنى چاغىرىپ گىتىرىلر نرگىز خانىمەن يانىمما.

سېئىدى دىدى:

- عەمى قىزىئ مەلن نە سۆزۆن وار؟

نرگىز دىدى:

- بۇ گۈزەللىيى سەنە هاردان پائى وئىرىدىلر؟

سېئىدى دىدى:

- خۇب ساتىرىدىلار من دە آلدىم.

ايستير بىر آز بونو الله سالسىن باشدان آچىئىن. نرگىز دىدى:

- بۇ شىئى طر ساتىدقىق دىتىل. بونلار آللەھىن ايشى دىر.

سېئىدى جاواب وئىرىدى:

- سىز وارلى، بىز كاسىپ بىزىمكى توتماز.

نرگىز دىدى:

- يۇخ من سەنە تابىع اولاجاعام.

سېئىدى دىدى:

- اوْلماز.

نرگىز سۇرۇشدو:

- خۇب هارا گىندىرسىن.

سېئىدى دىدى:

- قوربىت وېلاچتە.

نرگىز خانىم ايستير سېئىدىيە سۆز اوْخوسون:

<p>كىتىمە عم اوْغلو جان، اىلەن آل منى</p> <p>گىتىمە عم اوْغلو جان، اىلەن آل منى</p>	<p>باشىئنا دۇندۇتوم اوْز عەميم اوْغلو</p> <p>دېنلىرىن اىچىنده ائى دېنى دوغرو</p>
---	--

سینیدی جاواب و تریر:

اوشاق ایکن بیر مکتبه گندھردیک

بۇسقۇللوغۇ بىزە تۈھمت ائدردىز

دسمال آئىپ دىدەلريم سىلەردىك

يېرى عميم قىزى ئآلمارام سنى

نرگىز خاتىم اىستىر حىرىھ گلسىن بلکە سىنیدى قۇرخا بونو آلا.

اوز اليم لە كىيىن نامە كىدىرىرم

كىتمە عم اوغلو جان، اىلن آل منى

نرگىز دئىر تىلىم كىمى اسىدىرىرم

آلماسان سن منى سنى اولدۇررم

سینیدى جاواب و تریر:

سینیدى دئىر بودور سۆزۈن ازلى

من سۇمىشىم پرى كىيىن گۈزلى

سینیدى دئىدۇ: اگر من ياخچى اولسايىدىم سن منه اوڭىل گلەردىن؛ ايندى سن لە منىم ايشىم

توتماز. نرگىز دئىدۇ: منىم بۇ سۆزۈمە دە قولاق و تر:

نرگىز دئىر بىلەدىيىم گۈلۈمۇز

نۇلغى كىمى من قوجارام بىلىيوي

بۇ سۆز سینیدى يە توخوندو آئىپ بىلە جاواب و ترير:

باھار اولىوب اىل يايلاغا كۈچنده

دوھ بويتنوز چىخارداندا، قوملار چىچك آچاندا

نرگىز بۇ سۆزلىرى اينانىئىب قىيزلارا دئىدۇ: انى قىيزلار اشىتىدىز كى، عم اوغلو بىزە نە

دئىدۇ. هر زامان بۇ سۆزلىر قاباغا گىلدى يعنى دوه بويتنوز چىخارتدىز و قوملار چىچك

آچدى منە دئىرسىز.

سینیدى عمى قىيزىندان آيتىلېب ائوه گىلدى. نەسى گۈرددۇ اوغلو گلىر آنجاق اليىنده بىر

اثاث(وسىلە) وار. گۈرمەمىشدىر تائىمادى، بىلەدى نەدى. دئىدۇ:

- اوغول او نەدى آئىسان گتىرىپسەن. يىمەلى دىر ايچەمەلى دىر؟

دئىدۇ:

- نەجان بونون آدىئىن بىلمىرسەن؟

دئىدۇ:

- يۇخ.

سینیدى دئىدۇ:

- اىلش سە اوخوييا جاغام.

رەزى ۱۱

ایکىسى ده اوچوروب؛ سىتىدى آئىر نەسىنە بىلە اوچخويور:
 جانىشيم آنا گۈزۈم آنا
 آنا بو سازى هىمدەم دىر
 آنا بو سازى هىمدەم دىر
 سەنە قوربان اۇززۇم آنا

بۆلۈل سئۇر باھار يازى ئ
 آشىقلار چالار بو سازى ئ
 كۈل اوستە اوچخور آۋاڙى
 آنا بو سازى هىمدەم دىر

سىتىدى يېم دۆشىمۇشم دردە
 قبضە سىتىنە ئىچە پرده
 نەسىنەن گۈزۆ دۈلدۈ، باشلادى آغلاماغا. دىئى:
 - اوغول بوسۇزۇن منى آغلاتدى. قوربىت ائل نه اوچۇن؟ بىز اوز اولكەم مىزدە نە ياشايىشىق
 گىنەك قوربىت ائلەن نېيلەپك.
 دىئى:

- نە بىلمىرسن بوسۇزەلىشى كىم وئىرىدى منه؟
 دىئى:

- يۇخ. سەن دىئىردىن ساتىئىن آلمىشام. دىئى سەن قدىم آدام سان. بىلمەدىن گۈزەلىشى دە
 بەقە ساتىئىن آلارار. بوسۇزۇن تىك آللادىن ئىدىن گلر. حضرتى ئىلى (ع) مۇبارك الىله
 بوسۇزەلىشى منه وئىرىدى. بىر دنه دە بوتە وئىرىدى. گىرك قوربىتە گىندەم.
 نەسى بونا سوئز تاپىمادى. ايندى يېتىم سىتىدى اىستەتىر سازلا سوئزلە نەسىنەن حالاڭىق
 آلسىن.

آنا ھۆمت، منه ھۆمت	سەنە قوربان اولوم آنا
آنا ھۆمت، منه ھۆمت	جانىشيم آنا، گۈزۈم آنا
اوغول نەنەپلە قول بۇئۇن، نەسى جاواب وئىرىرى:	
كىنەر سەن حق ايشن وارسىن	اوغول سەن گل گىتمەگىلن
كىنەر سەن حق ايشن وارسىن	وھەن تۈركىن اتتمەگىلن
نەسى دىئى:	
- هارا گىنەرىسىن؟	
سىتىدى دىئى:	

گنده‌رم «گۇزۇر» شهرىنىه
آنا هوّمت، منه هوّمت

قوربانام ائلىن مەھرىنىه
دۇزەرم سۇزۇن تەھرىنىه
نەھىسى دىتىرى:

تىمەدىم خىثىرى بەھرىنى
گنده‌رسن حق اىشن وارشىن

چۈخ چىكدىم اوغول قەھرىنى
گۇرمەمىش «گۇزۇر» شهرىنى
نەھىسى دىتىرى:

- سن اوزانى تائىمېرىسان گل گىتمە.
سېتىدى دىتى:

- يوخودا منه اوزانى تانىتىدىرىدىلار.

بۆلپۈلۆم آيىلدى ئەگەلدن
آنا هوّمت، منه هوّمت

«سېتىدى» يەم سۇزۇق ازىلدن
گۇرمەسى سنى من بېردىن

نە بالا قول بوزىون آغاڭاشدىلار. يەتىم سېتىدى نەسەنەن آيىلدى تېرىزىدىن بۇلا دوشدو.
بىر منطقەدە قىىزلار چۈلە گزەمە چىخىمېشىدىلار سېتىدىنى گۇرۇب تۈكۈلدۈلر دۇزەرسىن
توتىدۇلار. دىتىلىر:

- آشىق سەنین باشىن بلاسى بىزىم جاتىمۇزا گلسىن. سئوھرىيک بىزە بىر آز اوخويىسان.
قىىزلارىن بېرى تىز دىتى:

- قىىزلار قۇيۇن بو اوغلانتا بىر سۇز اوخويوم.

قىىز اىستەتىر او بېرىسى قىىزلار سېتىدىنى گۆز آلتى ائلمەسىن لر قىىز اوخور:
قرىب ائلدىن گلن اوغان
اوغان آل منى، آل منى
اوغان آل منى، آل منى
منى دردە سالان اوغان

باڭچان اوْلسون، بارىن اوْلسون
آلمان اوْلسون، نارىن اوْلسون
منم «خوردا»، يارىن اوْلسون
اوغان آل منى، آل منى

يەتىم سېتىدى اىستىر قىىزلارا بىر نىچە بىند سۇز اوخوسون. قىىزلار دىتىلىر:
- نە اوّلار آشىق سەن بىزە بېرى نىچە كۆن قۇناق اوّلاسان. بىز دە سەنە خىدەت ائدەرىيک. يەتىم
سېتىدى جاواب وئىرىدى:

- قىىزلار من آشىيغام. آشىق دا اىل نۇڭرىدىر. آمما اينساڭىن باشىندا بلا گىتىرن آرواد
خالقىدىر. من سىزە سۇز اوخويارام آمما آياغىز گىر توتماسىن.

قىزلار دىدى:

- آشىق آرتىق سوۇز داتىشسان كوتەتىن دە وار.

يېتىم سىتىدى قىزلارا بىلە دىتىرى:

نه مطلبە گلىپ يۈول اوستە قىزلار
ندەن راھدار اوْلوب يۈول اوستە قىزلار

سحر - سحر چىخىشىب دۇرلتىخانادان
گلنە - گىنەنە كۆلگە سالمازلار

بو گۈزىللەك سىزدە نە تۆحھە حالدى
قىند و نبات ازىز يۈول اوستە قىزلار

اۆزۆز نۇزورستەسىز يېمىشىز كالدى
آغىز(ئىميش) زنبوردو، لېللىز بالدى

ئىتىدى قىزلاردان آپىرىتىپ يۈلا دوشىدۇ بىر شەھرە يېتىشىدى.
ئىتىمىم سىتىدى قىزلاردا يانار كۆز اوستە قىزلار

سەتىدى دىتىر عىشق اوڈونا يانارام
سوسوز اوْلوب يارلىيىن قانارام

ايدى هەرسىنى بىر عنىتە شەھرەن قۇرمۇشىدۇلار. بونلار شەھرەن اشىيىكىدە زىندىگانلىق
ئايلىرىدىلر. بو اۆچ قىزىن يائىندا بىر آىرى قىز دا وار ايدى كى، اۆز گۈئىلۇ ايلە بونلارىن
يائىندا قالىرىدى. بونلار گۈردىلر بىر آشىق گلىر يىنده ساز. كىسىلىر قاباغىنىنى. دىدىلىر:

- هارا گىنلىرىسىن؟

سەتىدى دىدى:

- من آشىغام گزەرم ھە يېرە تۈز اولسا چالارام اوخوييارام.
دىدىلىر:

- سوۇزمۇز يۇخ آمما سەن حق آشىغى سان يَا ائلە يالاندان چاھىپ اوخوييارسان؟ سەتىدى
دىدى:

- من ائلە چاھىپ اوخوييارام. بىر تىكە چۈرك اسىرى يەم.

قىزلار دىدى:

- يۇخ. سىنин قىيافەن يېمير چۈرك اسىرى اولاسان. سىنин هېچ خطىن گلمە ئىپ اگر سەن
بىزىم عىتىپلەيمىزى دىتىھ بىلسىن جاھىن قورتاراجاقسان؛ اگر دىتمە سەن ئىلدۇرە جەتىك.

يېتىم سەتىدى يە ايلهام اوْلدو آئىپ بو قىزلارئين عىتىپىن دىسىن:

دسمالىئنان دىدەلريم سىلەردىك	اوشاڭ اىكىن بىز مكتبه گىنەردىك
سەنин دە ايشىنەنە حىلەلە وار حىلەلە	وّكىلىن اوغلوپىلا هنك اىدەردىك

قىز چكىپ سىتىدى نىن آنىشىدان اوپىدو. دئىدى:
- خوب! يۈلداشلار ئيمىن دا عىتىپ لرىن دئىھەسەن.
سىتىدى آقىب بىلە دەنلىرى:

سە قوريان اولسۇن بو شىرىن خاتىم
سەنин دە ايشىننە حىليلە وار حىليلە
يۇمورتا اوغرۇسوونۇن آدى پىرى خاتىم ايدى. سىتىدى نىن ئىندىن اوپىۋېب، دئىدى:
- سەن حق آنىشىغى سان. چۈخلى ئاشىقلار گلىپ بوردان كىچىپ لر آمما بىزىم عىتىبىمىزى دئىھە
بىلمە ئىپلەر. ايندى يۈلداشىم ئىزىن عىتىبى نەدیر:

گل گۈزۈم، گل گۈزۈم نە مکانلى سان
گۈزۈھەرسن، گۈزۈھەرسن دۆز مکانلى سان
ۋىزىرىن اوغلۇندان اىكى جانلى سان
سەنин دە ايشىننە حىليلە وار حىليلە
دۇر دۇنچۇ قىزىن رىنگى سارئ سىتىقالى ايدى. دئىدى:

- انى سىتىدى بونلارىن ھەسىنین بىر عىتىبى وار. سەن گل منلە تۈز ئىلە.
سىتىدى دئىدى:

- نە يۈمۈر دوق نە ياپدىق، حاضىردا كۆكە تاپدىق.
سىتىدى آقىر قىزىن سوْزۈنە جاواب وئرسىن:

من نېتىرىم سەنин كىمى سارىئىنى
من سۇۋەرم اوزگەلرىن يارىئىنى
منيم دە ايشىمەدە حىليلە وار حىليلە
قىزىلاردان سۇزو شوب كىچدى. يېتىرىر پىرى خاتىمەن قلعە سىنinen كىنارىندا چىمنلىك دە
يۈرۈغۇنلۇقدان يېئىخىلەر يانشىر.

سىتىدى نىچە كىنديپ پىرىنى تاپىر. مۇڭلا كېتىرير هەقىد اوخوتىدورور. پىرى
خاتىمەن تىلىنى ايتىرىر، آللادە اىستەسە گلن بولۇرمەدە عرض اولۇنار.

نجف داستانی (۳)



علیرضا ذیحق

کتچمیش بولومون خولا صهسی:

ایصفهانلئی محمد سووزداگرین اوغلو نجف، آناسی رحمته گتلندن سوئرا، گندیر بنهیانا اوز بشیک کسمه آداخلى سی و عمسی سی احمد سووزداگرین قیزی پریزادئ آتیر، تؤن دؤیزندن سوئرا ایستیرلر گللسین لر ایصفهانا، تیولدا نجف بیر تیلیسمین اثریندہ بیرگۇزىرچىن دونونا دوشۇر چارەسىز اوچور گندیر همدانا دوشۇر، پریزاد ایستیر بوقضىيەنى هئچ كىيم يىلمەسین نجفىن ليپاسلارىنىڭشىر، چىزنىڭسى دە بير آلمادان خلق اولموشدولار هئچ كىس تانىمئىر، كاروان اهلينه دئىشىر اىكىسى لوتۇ حملە ئىللەدى پریزادا، يىلمەدىم نېتىلەيىم پریزادئ دوغرادىم، سوئرا باشلايىر تۈلا داوم اندىر، گالىر ایصفهانا نجف گىلىين ائزىنە، بو ياندان رسم اوزۇقىنن شاه عابىباسىن حۆضۇرونا تۆحفە آپاراندا شاه عابىباس اوز وزىرىنىڭ قىشىزىنى وئرير نجفە (حقىقتىدە پریزادا) پریزاد چىزنىڭسى داشلايىشىر بىللىسىن، بونو آتىر آمما بۇ مۆشكۈل وضعييەتن چىخىماق اوچۇن گردكە باشلايىشىر ناماز قىىلماغا كى، آتامىن وصىتى دىر كى، يىلدىي گۈن ناماز قىىلام، هدف دە بودور كى، نجف گلە، ايش دۆزەلە:

پریزاد بوردا نامازا مشغول اوْلسون گۇرەك نجف نه ایش گئۈرۈر.
 اشیت گیلن ماجرانى همدائىن چۈلچۈلئىندان چۈبانلارئىندان كى اوْوچۇ احمدى
 تاپماق اوْچۇن اوْنو ایلیم - ایلیم^۱ آختارئىلار. اوْوچۇ احمدىن اوْخوندان گئىدە
 اوْچان آرىء دا قورتولانمازدى. بىر كىتابى ئا وار ايدى بۆتۈن تىلىسىم، سەھىر و جادو.
 اوْنو ھمىشە اوْزۇپىن دۈلاندىراردى. اوْوچۇ احمدە خېر و تىرىدىلر كى، داغدا ئىلە بىر
 اینىلتى - زارىلتى وار كى، مال - داوازىمىز دا قۇرخودان اوْرا دۈلەنمىز. اوْوچۇ احمد
 دىك بە دىك^۲ بلدىر ھەر يىشە. تىر كامائىن گۇتۇرۇب آتى مىندى و او زاماندىر
 كى، گۇنۇن گۇن اوْرتا چاغنى و تىشىشىپ اینىلتى نىن ياخىن لىعېنىا. ياخىنا گشتىك جە
 ئىلەبىل آرىء پتک دە سىزىلدىر. اوْوچۇ احمدىن توڭلرى بىز - بىز اوْلدۇ. تىر كامانى
 حاضىرلادى و سىلىنلىدى كى اين سن، جىن سن، بىرسىن، ھرنەسەن جاواب و تىر.
 دانىشىماسان يقىن بىل كى، ووراجاغام. نجف گۇئىرچىن دۇنۇندا اوْز دۈلاندىراردى
 درگاهى نوبۇرته كى، خودايىا چۈخ شۆكۈر بىر بىر سىسى قولاغىما گىلدى چاتدى.
 نجف دانىشىماغا جسارتلىنى و دئىدى:

ایمداد ائىلە قورتار بىلەن منى

دۈلانسەن باشىنا ائى گلن عمى

ایمداد ائىلە قورتار جادو دان منى

آخان سىلە دۇندۇ دىدەمەن نى

اوْوچۇ احمد باخدى ئى داد بىداد دئىيەسەن بونون دانىشىغىندا جاۋاندىر. دست بە

دست كىتابى چىخىارتدى. باخىش گۇردۇ گۇئىرچىن دۇنۇنا ساڭىلار بىلەسىن.

دوغانىئىن او بىرى اوْزۇنە باخاندا گۇردۇ آللەھىن اىستەتى اوْلسا نىجات يۈلۈ وار.

كامانى دۈندهردى ساز عۆضىيەنە سىنەسىنە و نجفىن جاۋابىندا گۇرەك نە دئىدى:

چۈخ - چۈخ چتىن بىر بلايە دوشۇبسن

دۈلانسەن باشىنا مردانە جاوان

^۱- ایلیم-ایلیم: سین-سین، گىرى-گىرى.

^۲- دىك بە دىك: قارىش با قارىش.

بیزه کۆمک اوْلسون اوْ شاهی مردان چوخ- چوخ چتین بیر بلایه دوشوبسن

بو سوزدن سونرا نجفین سیزیلئی سی بىلە گلدی قولاغا:

بولبول تکین گۆلشنیمه گۆلومه

حضرت قالدیم اولوسوما اشليمه

ایمداد ائیله قورتار بلادن منی

جادو دئیل من دوشوشم اولومه

اوْچو احمد دئی: «صبر ائله اوْغول کی، اينشالله قورتارام سنی!»

گۆزلرین گۆرمە يې ایگیدیم دئیه يالواریب قۇزىمارام دوشمسن گیره

اوْخویوب بير دوعا پۆفلەرم گۆزە چوخ- چوخ چتین بير بلایه دوشوبسن

اوْچو احمد، نجفین آد سانئینی بىلمك ايستەركن قضا قدرىندن سوروشدو. نجف بىلە آنلاتدى:

گۆزوندە سۆرمەدیر وسمە قاشىندا

الخاچ چىمەنىندا، چىشمە باشىندا

ایمداد ائیله قورتار بلادن منی

نجف دير آد سانىم جاوان ياشىندا

اوْچو احمد ده اوْنون قورتولا جاغىينا سۆز وئرىپ اوْزۇنۇ بىلە تانىتىدى:

يىشىم هماندىر احمد دير اىسىميم

دۇزمەدن باشلارام جادونو سىليم

چتین آما بير بلايە دوشوبسن

«هل اتى» سورەسى سىئىنەر تىلىسىم

يىش گۈيپ دومان بورۇپىوب گۈزى گورولداركىن ايلدىرىملاڭ شاخدىء و

نجف، گۈزىچىن دۇنۇندان چىخىتىپ اوْزۇنۇنە قايىتىدى.

نجف هماندا احمدە قۇناق دىئر و اوْنون بير قىيزى وار خانلارخانى آدىندا.

ماجرادان خېرسىز ايدى. چىخمىشدى شىكارا. قايىدېب، اىچرى گىرجى گۆرددۇ

كى، بىرىسى وار ائله بىل چۈل يىتابانىن وحشىسى: نه آداما بىنەتىر نە حىتىوانا! بو

قىيىقىدا آدام گۆرمە مىشدى هېچ. سىللەنير: «آنا بى كىم دير؟» آناسى دئىير: «آللاه

قۇناغى دىئر. بو گۈن قۇناق دىئر صباح گىنەجك.» قىيز دئىير: «بىتە آدام قىيتلىق ايدى

کی، گندیب چوئل وحشی سینی قوناق گتیریب.» دئدی: «بئله لیشنه با خاما بالام، بو چونخ یاخشی و مرغوب جاوان دئر. بو گوزنۇ قالسین صاداباھى گۈندەررم گىلدەر.» اشیت ماجرانى کیم دن اووهچو احمددن کى ال - آلتى اوزۇنۇ وئریب سلمانى نىئن يانىئنا و اووردان دا حامامچى نىئ گۈرۈب نجفى قۇزىور كالىسکايانا يۈللاپىشىر كى، اوز - گۈزۈنە صفا وئرە. بىر دست ده لياس حاضىرلاپىشىر قۇزىور قاباغىنا کى، حامامدان چىخىدىقدا گىشىه. نجف حامامدان چىخىب اوز - گۈزۈنە صفا وئریب و پاتارلار ئىنى گىشىدىكىدە ائله بىل اوئن دۇرد گىچەلىك آىي ايدى طۆلۈ ائدىر. احمدلى بېرىلىكىدە ائۋە قايىدېب ايلەشدىلر صۈحبە وحدتە كى، قىئىن گۈزۈ بېردىن نجفە ساتاشدى. دۆزگۈن باخاندا اوરەيىندىن كىچىدى كى، قوناق دا دىسەن ائله بئله اوڭار باا نە كى، باياقكىنىئن تايىچى چۈلۈن وحشىسى. قىئىن بېر گۈزىلۇ اولورسا دا مىن گۈزىلۇ ايلە نجفە عاشيق اوڭدو. ائۇ صاحابىنىئن وظىفەسى قۇناغا سلام وئریب خوش گىلدىن دئمكدىر. كىچىدى ايچرى و آتاسى نىئن حۆضوروندا نجفە سلام وئردى. سحر اوچاق قىئى آناسىنى گۈرۈب يايپىشدى كى، اولسەم دە گىرك من بو اوغلانا گىتم. دئدی: «سن دئمك لە اولماز كى، قۇزى آتانلا دانىشىم بلکە بېر چىخار يۈلۈ تاپدىق.»

اووهچو احمدىن حال - قصىيەدن خبىرى اوچۇب نجفى يانىئنا چاغىردى. دئدی: «اوغول» دئدی: «بلى» دئدی: «دارى دۆنیادە تكجه بىر قىئىم زار اۇزۇندا گۈزىلۇ سن دە. قىئىمۇ سئۈرەسىن اگر، بو ايش بىتسىن گىتسىن.» نجفىن اورەيىندىن كىچىدى كى، بو كىشى منى تىلىسەن قورتاراركەن جانىئمى اوذا بورجلويم. سۈزۈنۈ يىشە سالمامالى ئىام. او دور كى، اوزۇندىن گلر گلەز دئدی: «قىئىز گلىرسە من دە آئىرام.» آخشاماجان ايش لر بىتىپ قاضى گلىپ كىيىن لرىن كىسى و هر ايکى شۇڭى بېر - بېرلىرىنە چاتدىلار. بېر نىچە گۈن سۈزىرا نجف اوز دولاپىشىرى خانلارخانىئنا

کی، یاواش - یاواش چیخیب اطرافی^۱ گزه رکن قلبی میزین قوباری داغیلشین. مئهترلر ایکی آت حاضیرلاییب هره سی بیرینی مینیب چیخدیلار گزمه ته. عرب اوز دوه سینی آختاران کیمی نجف ده آتین اوزون چونده ردی^۲ الخاچ چیمه نینه کی بو قضا قدر اومنو اوردا توتموشدو. نجفین اوره تی درده گلیب بوتون کثچمیشی گوزوندن کتجدی و اوره تی قالدی اوردا کی، پریزاد نشیله تیر ایندی. سؤزلر کونلونده بولاق تک زینه و تریب خانلار خانینا گزره ک نه دانیشیر:

باشقوش تک چوللرده قالان من اولدوم	کژچدو اتلر نهلر گلدى اوغرونا
مجنون تک چوللرده قالان من اولدوم	بوتون بزیر گان لار کژچدق یوردونا

گون به گون آرتیئری مؤحنتم قمیم	هاردا منیم آلا گوزلز همدمیم
گمی سی گیردادا قالان من اولدوم	نوح(ع) تکین دریاده فرق اولدو گمیم

قند ازیلهر دیله دیشه دوداغا	نجف بیر گون قدم باسار او تاغا
ترسه شو زدیم شیخ-ی صنعنان من	او تانجیشیدان تریم آخار بو خاغا
	او لدوم

قیز شعر اهلی ایدی ایشی ستجدی. دندی: «یوزولدو ق قاییلاق». قاییلاق لار شهر ایچینه، همانی گزه رکن نجفین ده گوزو قاییب تیجارت خانالاردا. گوزردو بیر قافیله گئدیر ایصفهان شهرینه. سوینجیندن آز قالدی روحو بدندن چیخسین. سوئله تیر: «تاجیر باشی بیر مکوب واریم دیر». گزره ک بوردا نجف نه دئیشیر و تاجیر باشی مکتوب دا نه یازیر:

پاز آغ اوستوندن قاره بزيرگان
 گونزم گونومدندير قاره بزيرگان
 گوزل اولان اوilar كيربيك دن قاشدان
 دوشموش اشويمده تورا بزيرگان
 آغزيں دوردور ديشين اينجي صدفي
 بير قولون ايتبدير آرا بزيرگان
 گندهر اوسلان يوردا يارئين يائينا
 سوزرسا اگر يار منيم احواليمى
 بختى ميز او لمادى ازل دن باشدان
 همدانلى احمد يئندىريپ داشدان
 قاشيشن كامان، كيربيكلىرين صدفي
 خبر آلسادىنه گئوردق نجفى
 تاجير نامەنى يازىب آغزىنى باغلادئ و گوندە بير متزيل طىشى منازىل.
 واختىندا گندير چاتىئر ايصفهانا. نجف ده فيكىرده دىبىرى كى، گۇرەسەن نامەنىن جاوابى
 هاواخت گله جك. نجف موتنظيرىكن مكتوب پريزادىن الينه چاتىئر. مكتوبو
 اوخوييار肯 گۇرۇر نجفدىن دير. قاصىدە انعام وثريپ اوئونو تكرار همداندا دونمەسىنى
 ايستەركن مكتوبو بىلە يازىر:
 نامە يىتىشىجه ئىن يارئيم دورما گل
 دولا نىام باشىنا آى حان عم اوغلو
 نامە يىتىشىجه ئىن يارئيم دورما گل
 سنه قوربىان دىئىم بوشىرىن جانى
 قاصىد سالدىم سوراقلارئين بولمادئ
 سن گىندهلى او بالارئيم ياتمادئ
 نامە يىتىشىجه ئىن يارئيم دورما گل
 هېچ بير زامان سىنين او زۆرن گۈلەمەدى
 قاصىد بوللو انعاملا مكتوبو آئىب بير نىچە گۇن سۇنرا چاتىرىئير نجفە. نجف
 مكتوبو آئىب اوئنو او خوماقدادىر. خانلارخانى آنلايىش اوئنو گۆددۈر. نجف مكتوبو
 اوخوييار肯 قىئىز دا گىزلىنجە اوئنا ياخىن لاشىپ مكتوبا گۈز تىكىر. ايستەتىر نامەنى
 بۆكە كى، خانلارخانى ال او زادىب نامەنى آئىر. نجف باخدى دىتىھىسن ايش دۆشىدۇ
 آشكارا. خانلارخانى ئىن او رەتىنى آلماق اوچۇن دىئى: «آدام آدامى بىر بىلە بركە
 وثرمهز. سىنين عىشقىن حقيقى عىشق او لاراق سشوگىنە اينانىيرام. سىنى سئوھە جەيىمە
 هەنج شوبىھە يۈندۈر. آنچاق منيم ده ائليم، اولوسوم، كىچە جەيىم و دۇنەنیم وار.

اونلار ئ خاطیرلاماق منى سىيختىر و دارىخدىئير. خانلارخانى! انى ايقبالىميشن اولدوزو
آتى، قولاق آس سان گۇرسىن نەلر وار اوزه ئىمده، هېچ منى دانلامازسان!

يار يانىندان گلن واردى	دولانىم باشىشا خانى
يار يانىندان گلن واردى	سنە قوربان دىدىم جانى
سانما ازل دن بىرقوشام	من ده بىر بزىرىغان خانام
گۇزۇق يۈلە قالان واردى	بىر باجىم وار بىر ده آنام

ايکى شۇڭى اۆز- اۆزه، گۇزۇ- گۇزە بىر- بىرلىرى ائله بو حالدا دردلىشىرلر. او دئىپەر
بو قولاق آسيئر بىر دئىپەر او قولاق آسيئر. قىز دئىپەر:

سوئىلە گۇرۇم يارىئىن نە مکانلى ئىدىر	دولانىم باشىشا مردانە جاوان
سوئىلە گۇرۇم يارىئىن نە مکانلى ئىدىر	دولاتىم باشىشا من اولوم قوربان

نجف دئىپەر:

پىزىزاد عىشىقى لە توتوشام يانام	يار ائليندن گىلدى بىزە بىر خبر
سنە قوربان ائل اولوسوم ھم آنام	دولانىم باشىشا قادان من آشىم

قىز دئىپەر:

حسرتىنى چىكىر بغداد بىصىرە	گۇزىل لر يېغىشىپ بىزىم قصىرە
مىصىر ايندى خىتىلەك صفا كانلى ئىدىر	سېئىرانا گىدىرسىن گىڭىدەك مىصىرە

نجف دئىپەر:

سېزىن يىشىدە اوىركى اوەلار قىشىش اوەلار	بىزىم يىشىدە پايتىز اوەلار قىشىش اوەلار
سن دانىشسان منىم گۈزىلۇم خۇش اوەلار	سن دانىشسان منىم گۈزىلۇم خۇش اوەلار

قىز دئىپەر:

طوطى قومرى تكىن خۇش صىدلەيىم	بىر جانىم وار بىر جان ازچۇن بىلىشىم
يۇخسا پىزىزادەن خۇش نىشانلى ئىدىر	آدىم خانلارخانى قىيلمان اھلىيىم

نجف سون سۇزۇنۇ بىلە دئىتىر:

يېقىن سەن نجفىن دىن ايمانى سان
 مىصىر اىستانبۇلون شىرىن جانى سان
 سەۋىب سۇھىملى باشىمئىن تاجى سان
 سەنە قوربان ائىل اولوسوم ھە آنام
 نجف لە خانلارخانى ايصفهانا گىتمە يە قرارلى اۇلۇرلار و اوچۇچو احمدىدىن اىجازە
 آلماق اوچۇن حۆضۇرۇنا چاتىمىلار. خانلارخانى گۈرەك نە قىلىق آتاسىندان اىجازە
 آتىر:

ايذىن وثر قالماقال ياتا	دۇلانىم باشىئىنا آتا
بىر ايلتىيماسە گلمىشىم	يېتىھىسن ايمانان- كانا
باڭرىمئىن باشى سۇكۈلدۈ	داغلارئىن قارئ تۈكۈلدۈ
الىمده عصا گلمىشىم	اليف قدىم دال بۆكۈلدۈ
داغلىسىن گۈزىلۇن قۇبارئ	ارىسىن داغلارئىن قارئ
بىر ايلتىيماسە گلمىشىم	سەنە قوربان قىيىزىن جانى

اوچۇچو احمد حال - قىسىمەنى آرتىق سۇزوشاركەن گۈرددۇ قىيىزى اىلە نجف
 ايصفهانا گىتمك اىستەتىرلر. دئى: «دۆزدۇر كى، ھەلە جىھىز ايشىنە باخمامىشام و
 جىھىزسىز سنى يۈلا سامالى يام. آمما گىندىن قورو يىشىدە قالمايا جاڭى كى، قدىم دن
 دئىتىپ لە «گلىن قدمى ائلە چۈبەن دەيەنەتى اىلە». اوغرۇنۇز خوش، يۈلۈنۈز آچىق!
 خانلارخانى يىنان نجف گۈز ياشلارئ اىچەرە وىدالاشاركەن «بىر داھا گۇرۇشىك
 اوزەرە» دئىتەركەن اوز قۇقىدولار ايصفهانا طرف.

گلن بولۇم دە اوخوييا جاقسىزى كى، نە جۇر نجفىن خانلارخانى گلىرىلر
 ايصفهاندا پەزىزادى تاپىلار و نجف، داستانىئىن سۈنۈندا اوز اوج آروادىنى
 باشىئىنا يېتىپ.

گوئی مونجوق

روایت ائدن: پاپور میرزا بی

یازان: رحیم غلامی لنج آبادی - اردبیل

گونلرین بیر گونزونده کندلرین بیری سینده بیر ناخیرچی وار ایدی. ناخیرچی هر گون آشیرئ کندین ناخیرئ نه باشیرا آپاریب و او تاریردی. سانکی ناخیرچی تین آروادی دوققوز آیدان سونرا یثربکله دی. ناخیرچی تین آروادی تکجه اینک اتینه یثربکله تیردی. دئمه لی ناخیرچی تین دوزنیا مائیندان بیر شستی بونخ ایدی و فقط ناخیرئ او تاریب حاق آثیردی.

ناخیرچی آروادین ایسته بینه بیر آزجا فیکیره گندیب و انششه تین باشی نه کسیب جینه ریندن آروادینا گتیردی. آروادی انششه تین جینه رینی یتدی و دوققوز آه، دوققوز گون، دوققوز ساعات، دوققوز ثانیه دن سونرا بیر اوغلان دوغدو. بو اوغلانین بدنه آدام آمما قولاق لارئ انششك قولاغينا او خشادی.

اون ایکی ایل او شاغی ائوده ساخلا دی لار. یانه او شاغی آبیر لارینا گؤره قویمدادی لار چو له چیخسین. گونلرین بیر گونز او شاق دا آتاسیلا گنتدی. گون او رتا واختی یتدی کی، ناخیرچی سوسوزدو و اوغلونا دئدی «گشت گئر او بادان سو آلا بیلرسن».

اوغلان او بنا صاحبی نه چاغیراندا بیر سینتی کتچمیش قارئ تین قابی بنا چیخدی. قارئ دان سو ایسته دی. قارئ کتچیب او بایا بیر بار داق الینه قایشتدی. بار داغی اوغلانا وثرب دئدی «اوغلول! بوردان او زا قلا شاندان سونرا بار داغین آغزینی آچارسان». اوغلان او بادان ایراق او لاندان سونرا بار داغین آغزینی آچدی. بار داغین آغزینی آچاندا بار داقدان بیر ایلان چیخدی. اوغلان قور خوب دالی چکیلدی. ایلان دئدی «قور خما! اگر منی ایلان لارین شاهی تین یائینا آپارسان، هر نه ایسته سن وثره». اوغلان

دئدى «نېيە، نه اوچۇن؟» ايلان دئدى «چۈنكى من ايلانلارىن شاهىئىن قىزىئىام، آمما يادىئىدا ساخلاڭىيان كى، بىز اورا چاتاندا ايلانلار بىزىم دۇۋەرمىزە پۇھەرە وئەجكلىر. سن اوندان قۇرخمايا جاقسان. چۈنكى اوئىلار منىم اىستىقىباڭىما گلىرىلر. اوندان سۈزىرا آتام سەن دئىهەجك «مندىن نه اىستەتىرسن اىستە». اوندادا دئىهەرسن «شاهىئىن ساغلىغىنى ئىستەتىرسن»، بو سۈزۈ اوچ دە سىندىن سۈرۈشاجاق. هەردە سۈرۈشىدو سن دئىهەرسن «شاهىئىن ساغلىغىنى ئىستەتىرسن». آخىرین دە شەھىرىن دئىهەجك «مندىن نه اىستەتىرسن اىستە». اوندادا دئىهەرسن «دىلىنин آلتىئىدا كى ئۆزى مونجوغۇ اىستەتىرسن».

ايلان اوغلانا يۈلۈ گۈستەریپ يۈلا دۆشۈلۈر. گەنتىلىر گەنتىلىر تا ايلانلارىن شاهىئىن يوردونا يىتىشىنەدە هەر ياندان ايلانلار پۇھەلەندى. ايلانلار بونلارئ شاهىئىن يائىنما آپاردىلار. شەھىرى دئىدى «اوغۇل! مندىن نه اىستەتىرسن اىستە» اوغلان دئىدى «شاهىئىن ساغلىغىنى ئىستەتىرسن» اوچ دە سۈرۈشاندان سۈزىرا اوغلان شاھىدان ئۆزى مونجوغۇ اىستەتىدى. شەھىرى تىتەددى، دئىدى «منى يامان گۈنە سالدىن». شەھىرى اىستەتىدى كى، ئۆزى مونجوغۇ وئەرمىسىن، شاهىئىن قىزى ئاجىقلاندى. دئىدى «بە سن نە جۇر آتاسان؟ بو منى نجات وئىرېپ. سن اوئون اىستەدىنى ئىتەمىرىسىن؟» شەھىرى علاجىسىز قالىپ ئۆزى مونجوغۇ وئىردى. دئىدى «اوغۇل! ئۆزى مونجوقدان هەر نە اىستەسەن اولمايدىر».

اوغلان ايکى رۆكت ناماز قىلېپ دئىدى «حضرت-ى سۆلەئىمان عىشقىينە منىم قولاقلارىم آدام قولاغى ئۆلسۈن و بۆللۈردىن بوردا بىر عيمارت تىكىلىسىن». حضرت-ى سۆلەئىمان عىشقىينە اوغلاتىن قولاقلار ئۆزەلەپ، بىر دە بۆللۈردىن بىر عيمارت تىكىلىدى. اوغلان بىردىن آجلەيغى دۈتغۇلاندى. ايکى رۆكت ناماز قىلېپ، دئىدى «حضرت-ى سۆلەئىمان عىشقىينە بىر دە آتىم، بىر دست تزە پالتارىم و بىر بۇشقاپ خۇرەتىم ئۆلسۈن». حضرت-ى سۆلەئىمان عىشقىينە بونلارىن ھامىسىن اوغلاتىن اليىھ چاتدى و خۇرەتىي تىتىپ، پالتارئ گەنلىپ و آتى مىنېپ، آتاسى ئوينە يۈللاندى. آتا-آناسى ئوغنانى ئۆلدۈدە قوتىموشىدۇلار. اوغلان ايچىرى گىررکن اوغلاننى تائىمادىلار.

اوغلان باشىنا گلنى آتا-آناسىنا سۈئىلەدى و قولاغى ئىن بىتىن دە گەنتمەتىنى آتا-آناسىنا ايناندىرىدى. اوغلان آتاسىنا دئىدى «داها صاباحدان ناخىرا گەنتمەتەجكىسن». آتاسى مال يىتەلرینە دئىدى «داها من صاباحدان بىر كىسىن مالىنىنى او تارمايا جاگام». اوغلان

آتاسينا دئى «آتا! شاهين قىزىن من اوچون ائلچىلىك انتىگىن». آتاسى دئى «اوغول! شاه قىزىنى سنه وترمز. آغىر اوئور باتمان گل». اوغلان آتاسىنى راضى ائدب، دئى «قۇرخما! سەن قىزىن ائلچىلىقى نە گىنگىن».

صۆبىح آلاتۇرانلىقدان اوغلاتىن آتاسى ائلچى داشىشىن باشىشا چىخىپ و داشى بىر - بىرىنە چىرپدى. شاها خبر آپاردىلار كى، «ناخىرچى ئالچىلىقى گلىپ». شاه دئى «قوئيون گىلسىن». شاه ناخىرچىتىا دئى «اگر سىن ئوغلوون مىن ئىزىمى ئىستەتىر گىرى مىن دنه دوھ گىتىرسەن و دوھنىن مىنى ده بىر زىگىدە اولا. هر دوھنىن ده بىلەندە اوز اىكى چوواڭ قىزىل اولسون».

ناخىرچى اونە قايدىب، شاھلا دائىشىماغانىن ئوغلوна سۈپىلەدى. اوغلان آتاسىنا دئى «آتا! شاهين اىستەدىكىلرى هامىسى صۆبىح چاغى قاپىدا حاضىر اولاجاق». اوغلان اىكى روكت ناماز قىلىپ دئى «حضرت-ى سۆلتىيەن عىشقىنە مىن دنه دوھ، هر دوھنىن بىلەندە اوز اىكى چوواڭ قىزىل اولسون». حضرت-ى سۆلتىيەن عىشقىنە اوغلاتىن اىستەتىنەن هامىسى حاضىر اولدو. ناخىرچى صۆبىح آلاتۇرانلىقدان دوھلىرىن اووسارائىنى چكىپ شاهىن قاپىشىنا آپاردى. شاه تعجۇبلىنىب آمما بىر سۈز دېتى بىلمەدى. ناچار قىزى ناخىرچىتىن ئوغلوна وتردى.

بىر مۆددىتىن سۇنرا شاهىن قىزى اوغلاتىن سىررىنى آنلادى و گۈزى مونجوغۇ گىنچە ياتاندان سۇنرا اوغلاندان اوغورلادى. قىز آرزو ئىللەدى كى، دىنizىن اورتاسىنىدا بىر اونى و لايق بىر كىشىسى اولسون. اوغلان آيتىب گۈرددۇ نە آرواد وار، نە هەچ زاد. الىنى بورنونا آپارىب گۈرددۇ گۈزى مونجوغۇ دا يۈخدۈر اىكى الى اولدۇ بىر باشى دئى «أۋۆيم يىخىلىدى، بىچارا اولدوم، تمام ثروتىم اليىمن گىتىدى». بىر پىشىتى بىر ايتى وار ايدى اونلارى گۈئۈرۈب گۈزى مونجوغۇ تاپماغا يۈللاندى. گىتىب گىتىب بىر دىنizە يىتىشىدى. دىنizىن اورتاسىنىدا بىر عىمارت گۈرددۇ. اوز-اۋۆزۇنە دئى «بو عىمارت حىكىمت سىز اولا بىلەز. دەنكىلە گۈزى مونجوق بو عىمارتىدەدیر». اوغلان گۈرددۇ دىنizە گىئىدە بىلمە يەجك. نالاومىد اولدۇ. پىشىك دئى «نېيە ياس تو توبسان. ايندى ايت ايلە من گىتىب گۈزى مونجوغۇ گىتىرم».

پیشیک ایتین بئلینه مینیب دنیزیندن اوّزه - اوّزه عیمارته چاتدیلار. آستا - آستا عیمارتین ایچینه كىچىدىلر. عیمارتین ایچينه كىچىندە كۈرددىلر شاهىئن قىزىلا بير دۇن يو خلايىب دىئر. پیشیك گۈئى مونجوغۇ قىزىن باشىندان گۈئۈرۈب قاچدىلار. دنیزین اوّرتاسىنىدا ايت دىئى «مونجوغۇ منه گۈستەر گۈرۈم نىچە مونجوقدور». پیشیك دىئى «دنیزین اوّ تايىندا گۈستەرم». ايت دىئى «يۇخ! گۈستەرەسەن سنى سوپا آتاباجاگام». پیشیك مونجوغۇ گۈستەرنە مونجوق اليىندن زۆرىپ دنیزە دوشىدۇ. اوّغلان يىنه دە ناۋمىد اوّلدۇ. بىر - بىر تۈرچولارىن تۈر آتماغىئىن گۈدۈردىق. بىر گۈن تۈرچولارىن بىرىنин تۈروندا بىر قىرمىزى بالىق ائشىيە چىخدىئ و تۈرچو بالىغىن قارنىنى جىراندا گۈئى مونجوق گۈرسىندى. اوّغلان تۈرچويا دىئى «مندى نە ايستە يېرسىن اىستە. آنجاق اوّ مونجوغۇ وئر منه». تۈرچو دىئى «يۇخ! بىر دە قىزىم وار. بو مونجوغۇ قىزىما آپاراجاگام» يىنه دە اوّغلان علاج سىز قالادى.

يىنه دە پیشیك دىئى «قۇرخماگىنان من مونجوغۇ كىتىرم. پیشیك آستا - آستا تۈرچونون اۋىنinin ایچىنە كىچىب، گۈئى مونجوغۇ تۈرچونون قىزىئىن اليىندە گۈردىق. پیشیك تىزجه آتلاتىب قىزىن اوّزۇن - گۈزۈن دىدەدى. قىز الىن آپارىب اوّزۇنە آغلادى. آغلاياركىن مونجوق اليىندن دوشىدۇ. پیشیك تىزجه مونجوغۇ گۈئۈرۈب قاچاراق اوّغلانا يىتىردى. اوّغلان پادشاها خبر آپارىب دىئى كى، «قىزىن باشقى كىشىن اۋىنایىھر» پادشاه قىزىنى اوّلدۇرۇب شاھلىيغىنى اوّغلانا وئردى.

صبیر داشتی

توبلايان: اوز جملی دوزنانی

بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی. بیر کیشی وار ایدی بیر آرواد. بو ار- آروادین تکجه بیر قیئزلارئ وار ایدی. بو قیئیئن آدئ سیتاره ایدی. سیتاره یشکه لیب ارلیک یاشئینا چاتار. بیر گون سیتاره گندیب کندلری نین قیئرا غئیندا آخان چای ها پالتار یوپاندا، بیر قارا فارقا گلیب، بیر ایشده آغا جئن نین بوداغئینا قۇنوب دئیه: «سیتاره بختی قارا! سن بیر اولویه قیسمتسن». سیتاره بو سوژو اشیدیب آغلایا- آغلایا اۇظرینه گلر. آتا- آناسینا قارقانین سوژو زون دئیه. سیتاره نین آتا- آناسی بو سوژو زون دوغرو اولما سیندان قۇرخوب بیر آز چۈرك یا پیئب بیر آز یئمک- ایچمک گۇئۆرۈب کندلریندن چىخىئب گندرلر.

چوخ گندرلر، آز گندرلر دره- تې دۆز گندرلر. بیر قالانین قاپئ سینا چاتارلار. قالانین یانیندا دینجە لیب داغار جىغلى رئىنى آچىب يئمك يئەرلر. سیتاره نین آناسی سیتاره نین آناسی نا دئیه: «او كنده قالسايدىق، گۇزۇ مۇزۇن آغى- قاراسى دو قىزىمیز دا اولویه قیسمت او لاردى». سیتاره نین آناسى دا بو سفردن راضى اولدو.

دینجە لیب ناهار يىدىكىن سۇنرا، قالانین قاپئ سینى دۇئىدۇلر. آتا دۇئىدۇ كىمسە قاپئ نى آچىمادى، آنا دۇئىدۇ، كىمسە قاپئ نى آچىمادى. سیتاره دۇئىنده، قاپئ بىردىن آچىئىدۇ. سیتاره تك باشئينا قالانین اىچرى سىبىنە گىرجىك، قاپئ باغانلىدۇ. آتا- آنا نه قىدەر قاپئ نى دۇئىدۇلر، قاپئ آچىلمادى. قاپئ نى ازمك اىستە دىلر، قاپئ دمىردىن اولدو غوندان ازىلمەدى. سۇنرا، «قىسمت بىلە ايمىش»- دئىتىب آتا- آنا او مودسوز قالىشىب کندلرینە قاپىتىدىلار.

سیتاره قالانين اىچىنە گىرىپ آغلایا- آغلایا قالادا اولان بير او تاغا گىردى. بو او تاق چوخ گۈزىل قالى- گېھرلە دۇشىميش بير او تاق ايدى. او تاغىن پېنجرەسى اىشى يە با خەيردى. او تاغىن او رتاسىندا بير تاخت او ستوئنده بير گۈزىل گنج او غلان يو خويتا گىتمىش كىمى او لموشدو. او نون باشى ئىن او سته بير كاڭىزد دا

يازىلەمئىشدى: «ھەر قىئز قىئرخ سورە قورآندان اوخويوب، اوغلانلىن سينەسىنده كى قىئرخ مىلى چكىسە، اوغلان دىرىلىپ اوئۇ آلاجاق».

سيتارە بىر اوتقادا ھەر جۆر يىتمەتى گۈرۈب يىشىب اىچدى. گۈنلە بىر سورە اوخويوب اوغلانلىن دوشۇندن بىر ميل چكدى. اوتكۈز دوققۇز گۈن اوتكۈز دوققۇز سورە اوخويوب، اوغلانلىن كۆكسۈندن اوتكۈز دوققۇز ميل چكدى. قىئرخىئىنجى گۈن، سيتارە پنجرىدىن ئاشى يە باخاندا، قالانلىن يانىندا بىر قاراچى قىئزى گۈرددۇ. گنج قىئزا يازىقلەيغى گىلدى. «بو يىشكە قىئز پىس كىشى لىرين الىنه كىچىمەسىن» - دئىنە قىئزىن الىندىن يابېشىب پنجرىدىن اوز اوتكۈزەن سالدى. سيتارە اوئا يىتمىك - اىچمىك وئىرېپ دئىدۇ: «آى قىئزا! آللە قارداشىنى ساخلاسائىن، بىر آز من ياتىئرام، باشىما باخ. سىركەسىن دوشۇر». سيتارە باشىنى يېرە قۇرتۇپ قاراچى قىئزى سيتارەنىن باشىينا باخىمۇقادا اولدو.

بىر آزادان سۇنرا، سيتارە يوخوييا گىتدى. قاراچى قىئزى. كاغىذى اوخويوب دوروب سۇن سورەنى اوخودو. اوغلان آسقىئرېب آيىشىخدى. دىرىلەجك، باشىنىن اوستە قاراچى قىئزىنى گۈرددۇ. اوئز - اوزۇنە دئىدۇ: «قىىسمىتىم باخ! گۈرنە چىركىن قىئزلا اۋۇلنمەلەتىم».

اوغلان قاراچى قىئزا دئىدۇ: «قىىسمىت بىلە گلمىش. اينىدى من سن ايلە اۋۇلنمەلەتىم». سيتارەنى دە يو خلامىش گۈرۈب اوغلان سۇرۇشىدۇ: «بو يانان كىيم دىر». قاراچى قىئز دئىدۇ: «بو دا كىنizيم دىر». اوغلان سيتارەنىن گۈزىللى ئىسىنى بىئەنېب اوئز - اوزۇنە دئىدۇ: «كاش منىم قىىسمىتىم بىر گۈزىل قىئز اولايدى».

اۇلۇ اوغلان دىرىلەيىكىن سۇنرا، قالانلىن قاپىسىنى آچىلەمئىشدى. صاباح اوغلان قاراچى قىئزا دئىدۇ: «گىندىرم بازارا. پار - پالتار آلارام. سىنلە تۈۋ ئىدىب اۋۇلنمەتىم». سيتارە يە دە دئىدۇ: «سن دە نە ايستەسن، بازاردا سنىن اوچۇن آلاجاغام». سيتارە دئىدۇ: «منە بىر صىبىر داشى ئىلا بىر بىئىچاق آل گتىر».

اوغلان بازار گىندىب قاراچى قىئزا گلىن پالتارى، قىئزىل بىلرزىك، قىئزىل بۇيۇنباڭ، قىئزىل سېرقا، قىئزىل اوزۇك آلىپ، بىر بۇيۇك بوغچا باغلادى. بىر دوكانا

دا گندیب بیر صبیرداشى ئىلا بير بىچاق ايستهدى. ياشلى ئاڭ ساققال دۆكانچى سۇرۇشدو: «دۇزۇم داشىن اوزۇنە آلېرسان يَا باشقاسىئنا؟». اوغلان دىنى: يۇخ، انۇمىزىدە بير كىزى وار. او تاپشىرىپ. دۆكانچى دىنى: «صبيرداشى آلانشىن دردى او لار. دردىنى داشا دئىيب اوزۇنۇ اولدورەر. سىن بۇ داشى آپاردىقدان سۇنرا، گىشت او كىزى گۆدگىلەن. او بير خلۇت يىرە گندىب دردىنى داشا دئىەجك، اونا ياخچى قۇلاق آس، بىچاغى قارنىشىنا چالاندا توت اليىندن آل».

اوغلان بازاردان قايىتىدېب الدىغى ئىلا - پالتارى قاراچى قىيزا و تىرىپ صبیرداشى ئىلا بىچاغى دا سيتارەيە و تىرىدى. اوغلان سيتارەنى گۆددۈرددو. سيتارە بير خلۇت او تاغا گندىب صبیر داشى ئى قاباگىئىنا قويىدو. اوغلان قولاق آسىدېغىن سيتارە بىلەمەدن، سيتارە باشلادى باشىئىنا گلن داستانى صبیر داشى ئى دىنى. هر بۇلۇمۇن دىنىيىكىچە داشا دىنلىرىدى: «سىن دە صبىر. من دە صبىر». داستانى دئىيب او يىرە چاتدى كى، قاراچى قىيزى گلىپ سۈن مىلى اوغلانلىن دوشۇنندن چكىپ اوغلان دا او نۇنلا ائۇلنمك، ايستەدى. داستان بورا يېتىشىنده سيتارە دىنى: «داھى منىم اۇلمەتىم قالماعىمىدان يېتىدىر». «ايىنى اوزۇمۇ اولدورۇم» دىنىيىكىدە، تىز اوغلان اىچرى گىرىپ سيتارەنин قولۇندان توتوب بىچاغى ئىندىن الدى. اوغلان اونا دىنى: «داستانى اشىتىدىم. ايىنى من سىنىم، سىن منىم، اوزىگە خىتال ائلمە. كىمسە بىزى بير سىرىمىزىدەن آيىشىرا بىلەز». قاراچى قىيزى ئى دا انعام و تىرىپ اشىكىگە او تۈردىقىزلىر. اوغلان ائل - تايغا سىئىنى باشىئىنا يېغىش يىشىدى گۈن يىشىدى گىچە تۈزى ووردولار. اوغلان سيتارە بىلە ائۋەنېپ شاد ياشادىلار.

سۈن

قارغیش لار

اردبیل و هنده وزرینده

توبلايان: آذر بشيرزاده

AzarBashirzade@yahoo.com



- ۱۰- تۆخ قارئينا هەنجىلىنى باسمىياتان.
(همىشە آج قالاسان.)
- ۱۱- تىفاغىشىن داغىلىشىن.
(ائۇاشىنىين داغىلىشىن.)
- ۱۲- چۈخ ايشلەيمەسن، آز يېتىھەسن.
- ۱۳- چۈرك آتلەي اولسون، سەن پىيادا.
(چۈرەتىين داشىدان چىخىسىن؛ چىتىن لىكىلە دولاناسان.)
- ۱۴- هەنجى «اوخاي» دئىىب،
دېنجه لمەيمەسن.
(همىشە زەختىدە اولاسان.)
- ۱۵- هەنجى اوزۇن گۆلۈپ عىتىنىين
آچىلىماشىن.
(خۇش گۈن گۈرمەيمەسن.)
- ۱۶- داتىندان كىسيپ، قاباغىينا يامىياتان.
(يۇخسۇللوقلا ال بە ياخا اولاسان؛
چىتىن لىكىلرىن، دردلىرىن ئىنىدە آوازا
قالاسان.)

- ۱- آرائىقىدا قالاسان.
(يېرسىز - يۈۋەستىز قالاسان.)
- ۲- آللە قاباغىنا قۇيىسون.
(كۈرەدىيىن ايش، آچىدىغىشىن قىيرىلماق اۇز باشىنىدا گلسىن.)
- ۳- اللىرىن چۈرۈسۈن.
- ۴- الين خمير اولسون، قارئىن آج.
- ۵- الين خىثىنامىشىن، چىتىن پىدە.
(اوغىلانلارا دىنلىرى، تاكام اولەسەن
آنلامىندا.)
- ۶- ائولاددان يارىمياتان.
(اوشاڭلارىنىدان خەتىر كۈرمەيمەسن.)
- ۷- باشىنامىشىن آغارىنجاق، گۈزۈن آغارىشىن.
(قۇچالماشىش اولەسەن.)
- ۸- بۇيۇنا خام اىپ توتووم.
(كەنلەمك آنلامىندا.)
- ۹- تېن دن كۆل النسىن
(پىس گۈزە قالاسان.)

لە آذى ۱۱

- (قىزلا را، گلىن لرە دېتىيلر؛ ارى نىن ياسىئىنا باتاسان).
 ۳۰- قارتىن اوڈلا دۇلسون.
 ۳۱- قىفيلىئن دۆيۈنە دۆشسۈن، آچارىئ داما.
 (ايىش لرىنى تېتىر بە تېتىر ئىللە يە بىلەمە يە سەن).
 ۳۲- گشت، بىر داش دا دايىنجا.
 (گندىب، هەنج وانخت دا قايىتىما ياسان).
 ۳۳- گشت قايىتىت اولاسان.
 (قىزلا را، گلىن لرە دېتىيلر؛ ارى ئۆزىنە گىنديب، بۇشانىماق يۇخخسا ارىين اولۇمۇزىنەن دولا ئىسى ئىئىنى دن آتا ئۆزىنە قايىتىماق آنلامىندا).
 ۳۴- گۇلر اوزۇن اولماشىن.
 ۳۵- مالىئىن مور اولسون.
 (مالىئىن كۈرلەتىپ، قورتارمىشىن).
 ۳۶- اوزۇن كۈلۆب، قاباغىن ئاچىلماشىن.
 ۳۷- اوچاجغىن كۈر اولسون.
 (اوشا غىنەن اولماشىن؛ سۇن سوز قالاسان).
 ۳۸- اوغۇل! اوشاقدان چكەسەن.
 (ائۇلا دىئىن ناخالف چىخىشىن).
 ۳۹- اىيت پىشىك اوزۇنە حىرىت قالاسان.
 (اىيت پىشىك سىزىز، حىتىوان سىئىز، كىمسە سىزىز، يالقىز قالاسان).
 ۴۰- يۆكۈن آغىر اولسون، جىيىن بۇش.

- ۱۷- داڭىن هاراى اولسون، قاباغىن قوپىو.
 (نە گىندىش يۈلۈن اولسون، نە قاچىدېشىش).
 ۱۸- دۆپىردىن داغىلىسىن.
 (ائۇ ئاشىسى تىين، دودماتىن، يىلدى آرخان داغىلىسىن).
 ۱۹- سو اوزۇنە كۈلەسەن.
 (خۇوش كۈنۈزەنە پېشمان اولاسان).
 ۲۰- سىنى آغلار قالاسان.
 ۲۱- شىلين آغىر اولسون، قارتىن بۇش.
 (يۆكۈن آغىر اولسون، قارتىن بۇش).
 ۲۲- قاباغىندا بۇرج اولسون.
 ۲۳- قاباغىندا بۇرج جۇزى بۇرج جۇزى.
 ۲۴- قاباغىندا دورۇ سو آخماشىن.
 (همىشە كۈرلۈقدا اولاسان).
 ۲۵- قارا بخت اولاسان.
 (قىزلا را دېتىيلر؛ ارى ئۆزىنە خېتىپ كۈرمە يە سەن).
 ۲۶- قارا پىردىه اولاسان.
 (قىزلا را، گلىن لرە دېتىيلر؛ ارىن اولۇمۇزىن آنلامىندا).
 ۲۷- قارا پىردىه اولاسان.
 (قىزلا را، گلىن لرە دېتىيلر؛ ارى نىن اولۇمۇزىن ياس سانخلا ياسان).
 ۲۸- قارا گىتىنېپ، كۈزى بۇرۇنە سەن.
 (عزمىزلىرى نىن بىرى اولسۇن).
 ۲۹- قارا يايلىق اولاسان.



اسامی محلی بعضی از داروها و بیماریهای دامی و درمانهای سنتی منطقه آذربایجان

دکتر حسن - م. جعفرزاده

مقدمه:

یکی از مسائل اشتغال به کار دامپزشکی برای فارغ التحصیلان رشته های دامپزشکی در اوایل کار، وجود اصطلاحات محلی برای بعضی از بیماریها، داروها و اصطلاحات دامپزشکی می باشد. تحصیل در محیطی آکادمیک و کار در محیطی سنتی که در تحصیل تمامی اصطلاحات به صورت علمی و در محل کار و در برخورد با صاحبان دام و روستائیان مواجهه با اصطلاحات محلی و بومی بعضاً مسبب آن است که دامپزشک نتواند به نحو احسن با دامدار ارتباط برقرار کند، چرا که به زعم دامدار اصطلاحات رایج توسط روستائیان یک نام علمی و شناخته شده است. در کشور پهناوری مثل ایران با وجود زیانهای مختلف اگر دامپزشکی با چنین اصطلاحاتی مواجه گردد و از طرفی به زبان محلی ناوارد باشد مشکلات دو چندان خواهد شد. مسئله دیگر، به کار بستن درمانهای سنتی توسط بعضی از صاحبان دام می باشد. صاحب دام بعد از اعمال درمانهای سنتی، چون عاجز می ماند در مرحله آخر به دامپزشک مراجعه نموده و اکثراً "درمانهای سنتی" به کار گرفته را پنهان می سازند، در چنین وضعیتی اگر دامپزشک از درمانهای سنتی موجود در منطقه آگاهی داشته باشد، بعضاً از علائم موجود بر روی دام یا از طریق زیرکی در مرحله اخذ

تاریخچه بیماری از دامدار می‌تواند به درمان اعمال شده بر روی دام آگاه شده و در درمان، موارد موجود را مدنظر قرار دهد و البته این یک طرف قضیه است. بعضی از درمانهای سنتی مثل درمان یا به عبارت بهتر پیشگیری که بر روی بیماری "پلوروپنومونی بزان" اعمال می‌شود، یک عمل علمی به شمار می‌رود که همان واکسیناسیون است. امروزه بر کسی پوشیده نیست که طب سنتی به خصوص شاخه گیاه درمانی به صورت آکادمیک در علم طب مطالعه می‌شود. این شاخه از علم طب روند تکاملی خویش را در بطن مردم طی کرده است و جزو فلکولور به شمار می‌رود. در چنین موقعی برخی از این قبیل درمانها در جایی که به دارو دسترسی نیست به کار گرفته می‌شود و بعضی نیز در نوبه خود زمینه اکتشافات جدید بوده اند.

در این مقاله سعی شده است که:

- ۱- اصطلاحات محلی و بومی را در برخورد با دامداران و دامپزشکان بومی جمع آوری نماید.
- ۲- در این مقاله سعی شده است اصطلاحات ترکی را در حد متعارف در حیطه کار دامپزشک و با ترجمه قارسی برای کسانی که زبان آنها ترکی نیست، انتقال دهد.
- ۳- این مقاله قصد تأیید و یا رد انواع درمانهای سنتی و بومی منطقه را ندارد و صرفاً محض اطلاع رسانی ارائه شده است.
- ۴- اصطلاحات ارائه شده و درمانهای ذکر شده در برخورد با دامداران و دامپزشکان منطقه آذرشهر (آذربایجان شرقی) جمع آوری شده است. این اصطلاحات در مواردی شهر به شهر حتی روستا به روستا فرق دارد. اما می‌توان اظهار نظر کرد که اصطلاحات و حتی درمانهای سنتی کم و بیش در آذربایجان به یک شکل هستند.

درمانهای سنتی رایج در منطقه‌ی آذربایجان

نوع ماده درمانی و روش استفاده آن	در بیماری
خوراندن خاک کهنه دیوارهای خشتشی به حیوان	چسبندگی زالو به گلو
ریختن نفت برروی زخم	زخم باز شده اکتینومایکوز
مالیدن روغن ماشین روی پوست جرب دار	کچلی
مالیدن روغن ماشین (گریس) برروی پستان	ورم پستان
تزریق نفت سفید به صورت زیر جلدی	اورام مفاصل
ریخت شیر یا دوغ به چشم	آگالاکسی
ریخت الكل به دماغ	در چسبندگی زالو به گلو یا بینی
ریخت الكل به مفاصل درگیر و مشت و مال دادن با کاه	آرتربیت
خراند روغن سوخته موتور یا مالیدن آن به اطراف بینی	نفع
خوراند سماق یا زاج سفید	F.M.D / تب برفکی
دود دادن اسپند	F.M.D / تب برفکی
بستن کیسه خاکستر داغ یا کاهی که در آب جوش داغ شده به پشت حیوان	سرما خوردگی
داغ زدن کپل یا پشت حیوان	تخته بند
خوراندن شکر یا شربت (آب و شکر)	تخته بند
خوراندن شکر یا شیرینی	جفت ماندگی
خراش ایجاد شود، سپس دارویی متشكل از با سنگ پا محل مورد نظر را مالش می دهند تا	کچلی

	(روغن سوخته موتور+نمک + گوگرد) به محل می مالند
مارگزیدگی	چیتماق (چند برش دادن)
جهت نگه داشتن جنبش	سوزاندن کلیتوریس در گاو ماده
آبسه	قاتیق قویتماغی (کاچی ماست) متشكل از آرد و ماست را به موضع چرکی می مالند
آبسه	روغن اکتیول
جفت ماندگی	بسن لنگه کفش به انتهای جفت
جهت رفع تب و ورم پستان	مالیدن "ارمنی گیلی" (نوعی خاک سرخ رنگ) به پستان
گنه زنبور عسل	علف ککیره (گل گندم) + اششک تزگی (مدفوع خشک شد الاغ) + داروی وارستان
در پلوروپنومونی بزان	آلوده کردن تکه نخ یا پارچه به ترشحات قفسه سینه حیوان مبتلا و خشک کردن آن و رد کردن آن از غضروف گوش بز سالم (مايه کوبی)

نام محلی بعضی از داروها

نام علمی دارو	آوانگاری ترکی	ترجمة تحت اللفظی	نام محلی دارو
لومامیزول	Lilverim- Nilverim	-----	لیل وثیریم - نیل وثریم
آبلند ازول	Qatiq dava	داروی ماست	قاتیق داوا
اکسی تراسایکلین	Tramays	-----	ترامایس

قان ایننه سی	آمپول خون	Qan iynəsi	کاتوزال هندی
آغ ایننه- آغ ترامائیس	آمپول یا ترمایسین سفید	Ag iynə Ag Tramays	لینکو اسپکتین
قره قولاق	سیاه گوش	Qərə qulaq	اکسی تراسایکلین
کچچی داواسی	داروی بز	kechi davasi	اکسی تراسایکلن
کدو حبیبی	قرص کدو	Kədu həbbi	نیکلوزوماید
یتل بوز ایننهسی	آمپول باد خاکستری	Yel boz Iynəsi	واکسن آگالاکسی
حمام داواسی	داروی حمام	Hamam davasi	داروهای ضد انگل خارجی (مکتو میل و ...)
ایسهال داواسی	داروی اسهال	Ishal davasi	سولفادیمیدین
آغ داوا	داروی سفید	Ag dava	آلبندازول
کپنک داواسی	داروی پروانه	Kəpənək davasi	رافوکساناید
قیئیل قورددواسا	داروی کرم طلابی	Qızıl qurd davası	لومامیزول
بشن قوینون تؤزو	گرد پنج گوسفتند	Bes qoyun Tozu	لومامیزول
قارا قوردد حبیبی	قرص کرم سیاه	qara qord həbbi	آلبندازول
قان ایسهال داواسی	داروی اسهال خونی	qan ishal davasi	سالینومایس
یتلین داواسی	داروی پستان	Yelin davası	دام کرم
قیچی آغریماق	داروی درد پا	Qiç agrımaq	کرم فنیل بوتا زون

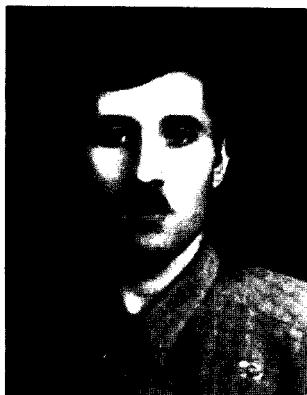
آذى ۱۱

	davası		داواسى
پودر سولفات منیزیم	ishlətmək davası	ضد یبوست	ایشلتەمک
شربت سولفادیمیدین	ishal sharbati	شربت اسھال	ایسھال شربتى
پرازى کوانتل (درونسيت)	it həbbi	قرص سگى	ايت حببى
انواع اسپرى	Fısqırmaq	پاشيدنلى	قىسىقىرماق
گليسيرين يده	Qırmızı dava	داروى قرمز	قىئىزمىزئ داۋا
E+Sel (کاتوزال)	şol davası	داروى اسھال	شۇل داواسى
کات کبود	Güdəsh	-----	گۈدەش

نام محلى بعضى از بىمارهای

نام علمى	آوانگارى ترکى	ترجمة تحت الفظى	نام محلى
تيلريوز	Gənə vurmaq	گنه زدن	گنه وورماق
تيلريوز	Sarılıq	زردى	سارىلۇق
پيروپلاسموز	Qızdırmaq	تب دار شدن	قىزىدىرماق
تب برفكى (F.M.D)	Dəbag	-----	دباغ
قانقاريا	Ciyər əzmə	له شدگى جىڭىز	جىئىنەر ازمه
اكالاكسى	Yel boz	باد خاكسىرى	يېل بۆز
كچلى	Şirnək	-----	شىرنە (شىرنىك)

ریکتر	qıç agrımaq	پا درد	قیچ آغریماق
هاری	Quduz	درنده	قدوز
اکتیومایکوز	Surat firi	فر صورت پا تورم	صورات فیری یا کوتوروو
شارین	Çərətme		چره تمه
شارین	qan ishəmək	خونروی	قان ایشەمک:
آنتروتونکسی	Ödü shishmək	ورم کیسه صفرا	اوڈو شیشمک
نفح	Dalaq	طحال	DALAC
آنتروتونکسی	Dəlicə	دیوانه مانند	دلیجه
POX / آبله	Çiçək-gül	گل	چیچک - گول
پیکا خواری	Tük yemək	مو خوردن	تۆک یىشمک



محمد شاهزاده

ایله
ملئیکه خانیم

محمد عبادی قاراخانلو «آلیشیق»

ناغیل یازان: محمد عبادی قاراخانلو «آلیشیق»

ناغیل سویلهین: آشیق بایرام دره چیچکلی - ۸۳ یاشلى

ناوازار وئرن: عزت عزتى قاراققوشلو

شاه ایسماییلیئن مشهور آشیق داستانی نا اساسن شاه ایسمایلیل اوچ گۈزلى آثیب اوز يوردونا قاییتمیشىدىر. اونلار «گۆل عۆذار خانىشم»، «رمىل دار پرى» و «عربى زنگى» اولموشلار. آنجاق داستانا اساسن شاه ایسمایلیئن او بىرى خائىملارىئىندان اوولادى ئولمايىب تكجه عربى زنگى دن «محمد شاهزادە» آدىئىدا بير اوغلو اولموشدور. هله محمد شاهزادە اوشاق ايدى كى، شاهى ياتاغىنلدا ايلان ووروب دۇنىيادان كۆچدۇ. بىلە ليكلە مملكتىن شاھلىق اىختىارى عربى زنگى يە وئرىلدى. عربى زنگى اوغلو محمد شاهزادە ياخشى مېزەلر توتوب درس اوخوتىدوردو، سۇنرا پەلۋانلارىن يائىندا او نا دۇئىوش مشقى اوئىرتىدى. محمد شاهزادە بو اىشلىرى اوئىرنىب قورتاراندان سۇنرا آناسى عربى زنگى شادىئق مجليسى قوروب، بير آشیق چاغىردى. آشیق او مجليس دە بير محبّت داستانى صوّجىت ائله دى.

مجليس باشا چاتىپ محمد شاهزادە كىتدى اوز ياتاغىنلدا ياتسىن. آنجاق آله تعالادان آرزو ائله دى كى، انى كاش او آشیق دئين داستانىن قهرمانى كىمى منىم دە بىر

سۇڭىلىم اولايدىئ دالىنجا گىندىب آلىپ گىتىرىدەيم. سۇنرا محمد شاهزادە باشىئىن آتىپ ياتىدى.

گىچەنин بير يارىسى يوخودا گۈرددۇ باشىئىن اوستۇندا ئىنده بادە بير دروپىش داياتىب.

- اوغول! محمد آل بو بادەنى اېچ.

- آغا! بو نە بادەسى دىرى؟

- اوغول بو سۇڭى لرى بير - بىرىنە چاتىران بادەدىر.

محمد شاهزادە آلىپ بادەنى اېچدى.

- آغا! اورىھىيم اوڈ توتوب يانىئىر، منه بير تسللى.

- اوغول! باخ بو ايکى بارماقىمەن آراسىئىندان گۇر نە گۈرۈرسىن؟

- آغا! بىر شهر گۈرۈرم، او شهردە بىر قصر گۈرۈرم، او قصرىن كولا فرنگىسىندا بىر گۈزل قىيىز گۈرۈرم.

- اوغول! اورا «سمرقند شهرى» دىر. او قىيىز سمرقندىن شاهى «قىنىس پادشاھ» ئىن قىيىز «ملېتىكە خاتىم» دىر. او نو سنه گۈستەرىدىيىم تكىن سنى دە او نا گۈستەرىدىم گىت زەمت چك مورادىئىنا چات.

محمد شاهزادە بىرده باخدى ئىزىدۇ دروپىش قىتىب اولوب.

سحر صۆبىح آناسى، عربى زىنگى، گىلدى محمدى اوپاتىماغا، گۈرددۇ آغزى ئىستە دوشۇب يىزە آغزىندان كۈپۈك قالغىر، ساچلارىن يۈلاراق باشلادى آغلايىب قىشقىرماغا. نە قىدر حكىم كىتىرىدىلر محمدىن درىنندىن باش تاپان اولمادى. آخردا بىر چۈخ بىلەمىش اىپك قارى تاپدىلار قارى گلېب محمدىن آغزى ئىن كۈپۈيىندىن دادىب دىندى: «هېچ قۇرخمايتىن بونون باشىئىنا كىن منىم اوغلۇمۇن باشىئىنا گلىسىن. آgasىء بونا سۇڭى بادەسى وئرىب بىر هفتەن سۇنرا بو آيىتىب سۇڭى سىنىن

آذى ۱۱

دالینجا گتمهلى او لاجاق. با جار ساز قويمائين گتسين. آشيقدان زاددان گتيرين
يائيندا چالسين او خوسون بلکه بو هاوا بونون با شيندان چىخسین.»
محمد شاهزاده بير هفتهدن سۇنرا يوخودان آيىلېب دىدى: «آنا من سۇنگىليمين
دالينجا گتمهلى يم». آلدى گوره ک شئعرلر نىجه دىدى:

ايىزنى كرم ائيلە گندىم.	جاتىم آنا، گۈزۈم آنا
ايىزنى كرم ائيلە گندىم.	سنه قوريان او زۇم آنا
	آلدى آناسى:
ايىزنى وئرمىم گندەسن	جاتىم بالا، گۈزۈم بالا
ايىزنى وئرمىم گندەسن	من چىكىم آھى بالا
	آلدى محمد شاهزاده:
حسرت قويما منى يارا	جيڭىر او لدو هزار پارا
ايىزنى كرم ائيلە گندىم	گۆل قىسمت او لماسىن خارا
	آلدى آناسى:
تاب گتىرمىزىن مۇحىتتە	سن قولاق وئر بى صۈحبىتە
ايىزنى وئرمىم گندەسن	گىنديب دۇشرىسىن قۇرىتىتە
	آلدى محمد شاهزاده:
ياندى با غرئىم دۇندۇ قانا	«محمدىم» گىلدىم جانا
ايىزنى كرم ائيلە گندىم	آند وئرىرىم يارادانا
	آلدى آناسى:
سېينەمەدە ياغى ئۆزلىرى	«عرب زنگى» نىن سۈزلىرى
ايىزنى وئرىرىم گندە سن	داها گۆزلەمە بىزلىرى
چۈن عربى زنگى نىن اوز باشىنا دا بو ايشلر گلمىشىدى، بىلىرىدى كى، محمدى	
ساخلاماق او لماس اودور كى، او نا گتىمك ايجازه سىن وئردى.	

محمد شاهزاده آتاسئئین «قمردای»ئين مينيب للهسيين ده گۇتۇرۇب يۈلا دوشدولر.
بىر قىدهر گىندىن سۇنرا گۇردۇلر يۈلۈن قىئراغىشىدا بىر بىزىرگان، قىلەسى ايلە
دۇشوب دىنجلەمكىدەدیر. آلدى گۇرەك محمد شاهزاده نە دىئى:

بو يۈللار دا سمرقندە گىدىرىمى؟	باشىئىنا دۇندۇيۆم بىزىرگان باشى
بو يۈللار دا سمرقندە گىدىرىمى؟	آياغىشىدا دېمەسىن يۈلەرئىن داشى

آلدى بىزىرگان:

بو يۈللار دا سمرقندىن يۈلۈدور.	قوچا بابان آلسىئىن سنىن قادانى،
بو يۈللار دا سمرقندىن يۈلۈدور.	داتىش بىر دە من اشىيدىم صىدانى

بىزىرگان دىئى: «اوغول! ايندى سمرقند دە اوڭ دوققۇز (۱۹) مملكتىن پادشاھى
قوشونو ايلا داوا ائتمىكىدەدیر. اونلارئىن ھامىسى اوراثىن شاهىئىنىن قىئىز ملىتىكە
خاتىمىي اىستەپىرل ملىتىكە خاتىم دىئىب «وتوروشون ھەنائىز مىتىداندا قالسا اونا
گىنده جەتىم». اوغول! سنىن اورا گىتمەيىن مصلحت دىئىل».

آلدى محمد شاهزاده:

ايىشا الله كى، مطلىيىمە يتتىررم	بىر آه چكىپ من كۆكسۆمۈ اۇتۇررم
بو يۈللار دا سمرقندە گىدىرىمى؟	بو مىتىداندا من دە جىيدا گۇتۇررم

آلدى بىزىرگان باشى:

بىر دىء او چىكدىيىن كىمىن نازىء دىئىر	قوچا بابا سۈزلىرىندن راپسى دىئىر
بو يۈللار دا سمرقندىن يۈلۈدور.	سۇئىلە سمرقندە كىمىن قىئىز دىئىر

آلدى محمد شاهزاده:

گۇزلىرى جىتىران دىئىر اوْزۇ قوزودور	سحرىن صوبەحۇنۇن دان اوللۇزو زودور
بو يۈللاردا سمرقندە گىدىرىمى؟	سمرقند دە قىيىس شاھىن قىئىز دىئىر

آلدى بىزىرگان باشى:

ھەنئۇ تكىن سارا ئىيدىئىر، سۇلوبىزور	سن كى، يۈخسان مىن خىتالا دالىيدىئىر
-------------------------------------	-------------------------------------

دۇرۇد بىر يائىن قۇشۇن - لىشكىر آئىبىدىرىر بو يۈلەلار دا سىمرقىندىن يۈلۈدور
بۇنلار بىزىرىگان باشىنىدا يۈلۈ سۇزو شوب آيمىلاتدا بىزىرىگان باشى ئىدى:
بو يۈل «قارا دئۇ» مکانى ئىتىن ياتىنىدا كىچىر. اونلار اىكى قارداشدىرلار. بىرى «آغ
دئۇ» بىرى «قارا دئۇ», اونلار آدام يېشىيەندىرلر. اولماتا كى، يۈلەن چىخىپ سۇلا -
ساغا دۇنسىز. بۇنلار حلال - ھىمەت ائله تىبب يۈلا دۆشدۈلر.

بىر قىدەر يۈل گىتمىشدىلىر قاباقلارئىنا بىر جىتىران چىخدى ئەمەن شاھزادە اۇخو قۇرىوب
كامائىن چىللەسى نە جىتىرا ئەن قىچىنىدا ووردو. جىتىران يېرە يېشىخىلدى. قاچدى جىتىران ئە
توتسون جىتىران قالخىب قاچىب گىندىب بىر قىدەر آرالى ئەدا يېشىنە يېشىخىلدى. مەممەد
شاھزادە دۆشىدۇ جىتىرا ئەن دالىنجا. جىتىران گىتىدى چىخدى بىر داغىئىن باشىئىنا. مەممەد دە
جىتىرا ئەن دالىنجا چىخدى داغا. سەن دەمە بىر جىتىران قارا دئۇين تىلىسم جىتىران ئامىش.
گۇرددۇ بىر قارا دومان گىلدى مەممەد شاھزادەنى بۇرۇنىوب اۇزۇ اىلە آپاردى. بۇ قارا
دومان ھەن قارا دئۇ ئىدى. اوئۇ آپارىب اۇز سارا ئەندا. آناسى «عىفريتە» يە ئىدى: «بۇ
گۇن ياخشى بىر بىنى آدم شىكار ائلە مىشىم. اوئۇ قىئىزارت قارداشىم آغ دەنلى دە چاڭغىرىم
يېشىك. آناسى ئىدى: «بۇ گۇن حاڭىم يۈخىدور. اوئۇ اۇتۇر بىزىم بۇ مئىۋەلى باغا بىر آز
دا كۆكەلسىن. بىر هفتە دە سۇنرا كىسبى يېشىرىك.

سېزە دەئىم لەلەن. لەلە ھا گۇزىلەدى گۇرددۇ مەممەد شاھزادەن خېر اولمادى. چارەسىز
قاڭىز قەر دايى ئەدا گۇئىزىرۇب قايىتىدى درىبارا. ائلە او زامان عربى زىنگى كولا فرنگى دەن
باخىردى ئەن دەئىم لەلە چىكىپ گىتىرىر. آلدى گۇرۇك نە ئىدى:
باشىئىنا من دۇنۇم گۈل اۆزلىز لەلە لەلە سۇئىلە گۇرۇم مەممەدىم نىشىجە اوىلدو?
سەنین ھەچ بىر آرزوون گلەمىسىن الە لەلە سۇئىلە گۇرۇم مەممەدىم نىشىجە اوىلدو?
آلدى لەلە

باشىئىنا دۇندۇرۇم گۈل اۆزلىز خاڭىم اوچەن ئەن دەئىم لەلە چىكىپ گىتىرىر
بىر سروانى قىلەسى اىلە اوچوردوم من يازىيغۇ ملول قۇنىدو نىشىلە ئەن دەئىم

آلدى عربى زنگى:

گۇردوپۇم مۇھىت دىرى؛ چىكىدى يىم ظولۇم
كۇز اولسون گۇزلىرىم لال اولسون دىلىم
لله سۇيىلە گۇرۇم محمدىم نىتجە اوْلدو؟
گۈل اوْزىلۇ بالادان اوْزۇلدى اليم
آلدى لىلە:

شىكار اوْچۇن قىيىزىل قوشۇ گۇتۇردىم
گۇتۇردىم بىر مکانا يىتىرىدىم
دەنلىر مکاتىنىدا اوْنۇ ايتىرىدىم
منىم كۈنلۈم قارا گىنيدى نىتىلە يىم

آلدى عربى زنگى:

«عربى زنگى» يىم گلەمىش جانا
اشىيت باش اىتمرم سولطانا خانا
شىكايت ائىلەرم قادىر سوبىhana
لله سۇيىلە گۇرۇم محمدىم نىتجە اوْلدو

آلدى لىلە:

«لله» يىم دۆشىمۇش بلايا، اوْدا
اوْرە يىيم سېزلايىار دۆشىنده يادا
محمد ئۇمرۇنۇ و تىرىپىدىر بادا
او اليف قدىمىي اىدى نىتىلە يىم
بونلار بورادا قالماقدا اولسونلار سىزە دەئىم محمد شاهزادە دن.

عزيز اوْخوجولار گلن نۆمرەدە اوْخويار سېز كى، محمد شاهزادە نە
جۇزى قارا دەنۋى اوْلدۇرۇر و گىنديرى مەلتىكە خانىمەن آلپىر.

فرهنگ فارسی آذربایجانی

بهای روی جلد: ۱۳۵۰۰ تومان

بهای فروش با تخفیف مخصوص تا ۱۵ خرداد ۱۳۸۵

سفارش مستقیم ۱۱/۵۰۰ تومان کتابفروش‌ها ۱۲/۵۰۰ تومان

یادآوری

سفارش دهندگان مستقیم مبلغ ۱۱/۵۰۰ تومان به حساب: تهران - بانک ملت شعبه سرو (کد ۶۵۸۲۱) به حساب جاری ۱۳۰۳/۰ بنام بهزاد بهزادی حواله فرموده و شماره فیش بانکی و آدرس خود را بوسیله تلفن پست، فاکس و پست الکترونیکی به نشانی فصلنامه آذربایجان اطلاع دهد تا کتاب برای آنها ارسال گردد.

خوانندگان محترم فصلنامه آذربایجان

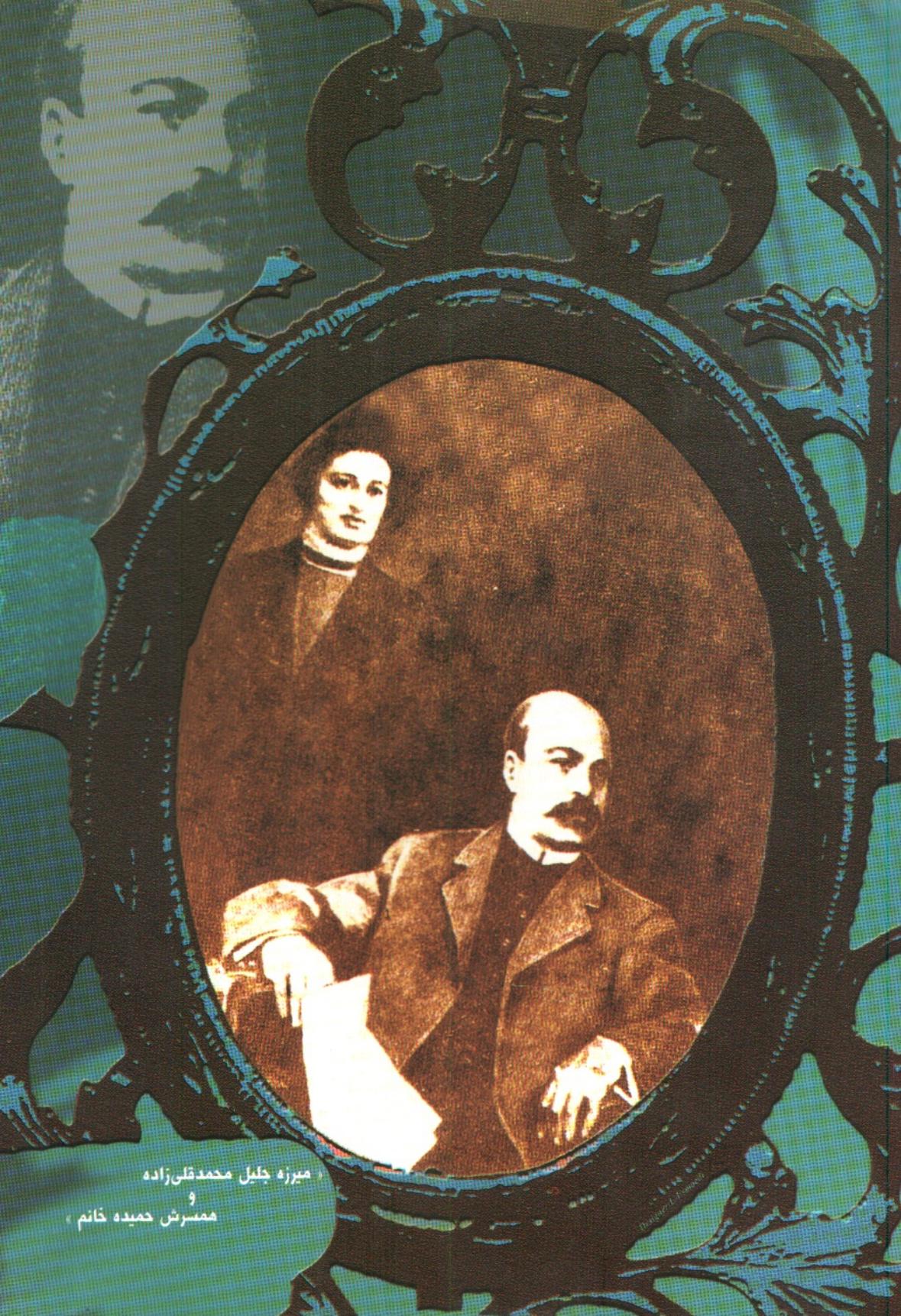
با توجه به همکاری و همیاری شما در ادامه انتشار مجله و با در نظر گرفتن هزینه‌های جاری بهای فروش مجله را در سال ۱۳۸۵ (از شماره ۱۱) بشرح زیر باطلاع می‌رساند.

تکفروشی ۱۵/۰۰۰ ریال

اشتراك سالیانه ۵۵/۰۰۰ ریال

اشتراك سالیانه (خارج از کشور) ۳۵ دلار

داوطلبان اشتراك با واریز مبلغ بالا به حساب بانکی فصلنامه و اطلاع تلفنی نشانی خود به دفتر فصلنامه، بدون هرگونه تشریفات دیگر، آبونه گردند. مجله به نشانی مشترک ارسال خواهد شد.



میرزا جلیل محمد قازاده

و

همسرش حمیده خانم